

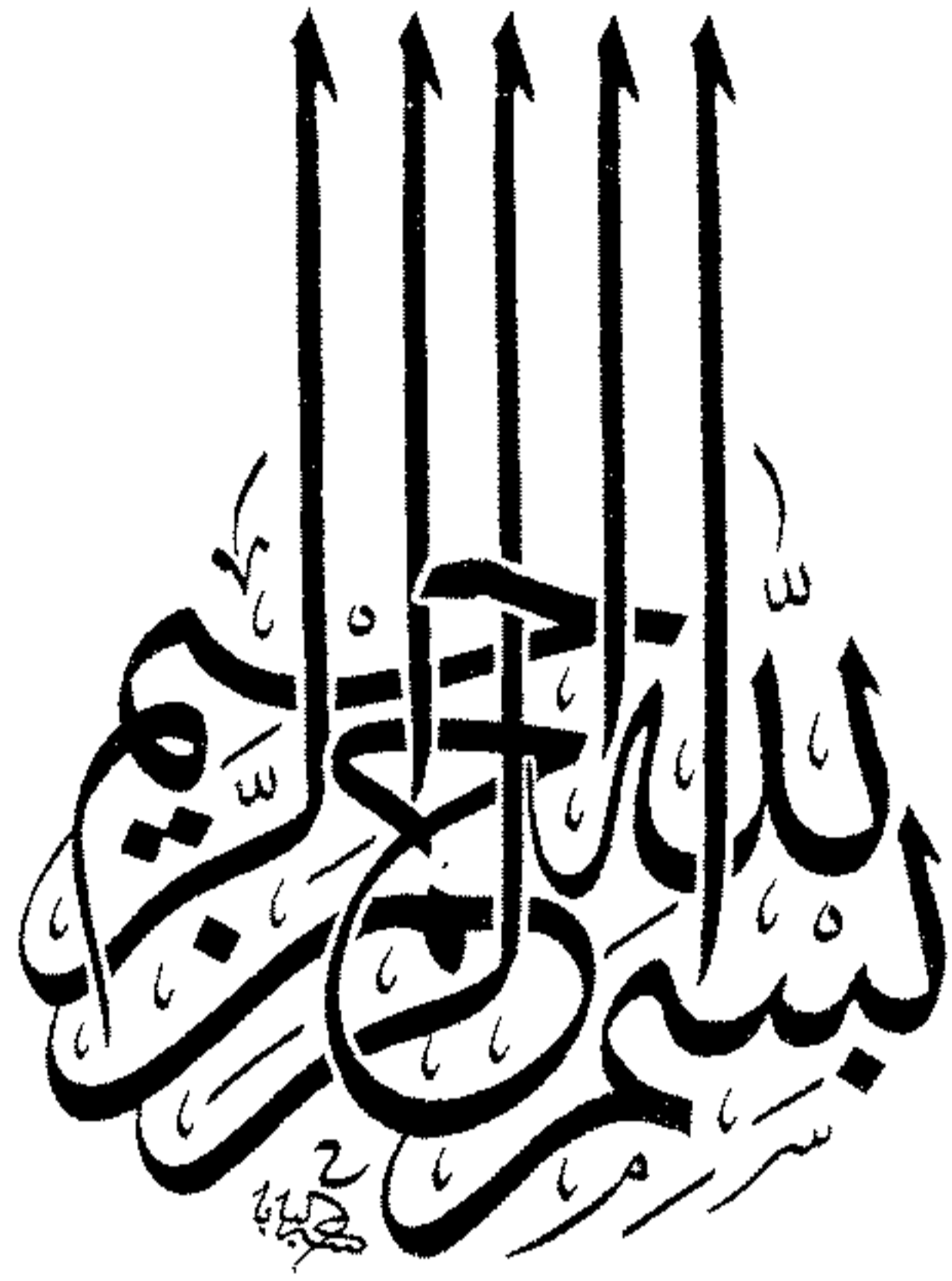
# الشهاب الثاقب در اسماء والقباب امام الغائب

با تقریظ آیت الله آشتیانی عراقی  
میرزا علی سلیمانی بروجردی

جلد ۱

Verd





**الشهاب الثاقب**

**در اسماء و القاب امام غائب**

**جلدا**

**میرزا علی سلیمانی بروجردی**



انتشارات هم میهن

## شناسنامه کتاب

نام کتاب: الشهاب الثاقب در اسماء و الغاب امام الغائب

مؤلف و مترجم: میرزا علی سلیمانی بروجردی

انتشارات: هم میهن

حروفچینی و صفحه آرایی: کامپیوتر سینا ۷۷۴۸۸۸۲

طراح جلد: محمد ارزندی

نوبت چاپ: اول / پائیز ۱۳۸۱

تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه

چاپ: افق

لتیوگرافی: المهدی

قیمت: ۱۹۰۰

شابک: X - 2 - 93901 - 964 - 964

ISBN: 964 - 93901 - 2 - X

مراکز پخش:

قم - خیابان ارم، پاساژ قدس، طبقه چهارم، پلاک ۱۴۳، تلفن: ۷۷۴۸۸۸۲

قم - خیابان شهداء، کوی آمار، فرعی اول، جنب خبرگان، پلاک ۶، تلفن: ۷۷۴۱۲۸۶

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.



## تقدیم نامہ

### بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

تقدیم از شهر فرزندگان، زادگاہ سید مہدی بحر العلوم رحمۃ اللہ علیہ، از شهر عالم فرزاندہ، استاد علمای عصر، حضرت آیۃ اللہ العظمیٰ بروجردی رحمۃ اللہ علیہ، بہ فرزاندہ دوران، روح البیان، رہبر کبیر مسلمین، مرجع تقلید شیعیان جہان، مقام معزز رہبری، حضرت آیۃ اللہ العظمیٰ سید علی حسینی خامنہ ای خراسانی «مَتَّعَ الْاِسْلَامَ وَ الْمُسْلِمِیْنَ بِطُوْلِ بَقَائِهِ الشَّرِیْفِ»

پروردگارا، تو را بہ حق پیغمبر، و آل مطہرش سایہ این بزرگ مرد، را بر سر ما مستدام بدار.

العبد الحقیر میرزا علی سلیمانی بروجردی

۲۱ مرداد سال ۱۳۸۰ھ ش

۱۲ جمادی الثانی ۱۴۲۳ھ ق

روز شہادت حضرت زہراء علیہا السلام



## علت نام گذاری کتاب:

### بسم الله كلمة المعتصمين و مقالة المتحيرين

در سال ۱۳۷۹ هـ ش در روز میلاد مبارک ولی نعمت ما ایرانیها جناب ابالحسن الرضا علیه السلام بعد از نماز صبح بعد از آنکه چندین روز در فکر این بودم که نام کتاب را چه بگذارم، تفری به قرآن کریم زدم تا خداوند متعال ما را راهنمایی و هدایت کند که در اولین خط قرآن آیه شریفه دهم سوره محکمه صافات آمد که می فرماید: «الْأَمْنُ حَلْفُ الْخِظْفَةِ فَاتَّبِعْ شِهَابَ ثَاقِبٍ»

لذا نام این صحیفه نوریه را نهادم «الشهاب الثاقب فی اسماء امام الغائب»

و الحمد لله رب العالمین

۸۱/۷/۱۱ برابر با

۲۴ جمادی الثانیه ۱۴۲۳ هـ ق

العبد الحقیر میرزا علی سلیمانی بروجردی



## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

مقدمه

الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي جَعَلَنَا مِنَ الْمُتَمَسِّكِينَ بِوَلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَ أَوْلَادِهِ الْمُعْصُومِينَ الطَّاهِرِينَ عَلَيْهَا صَلَاةً وَالسَّلَامَ. وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

به فضل خداوند تعالی توانستم این مجموعه گرانقدر از اسماء حضرت ولی عصر علیه السلام را گردآوری کنم و خداوند را شاکرم که در این مدت، عنایات خاصه حضرت حجّت علیه السلام شامل حال این حقیر شده است و خواهد شد. ان شاء الله

مقدمه ای که بر این مجموعه می نگارم شامل چهار قسمت می شود.

اشراق اول: تفسیر مختصری بر حدیث معروف «مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً الْجَاهِلِيَّةِ»<sup>(۱)</sup>

اشراق دوم: بحثی درباره نام آن حضرت و نزدیک بودن به ظهور.

اشراق سوم: بحثی درباره تأویل، تفسیر و تطبیق آیات قرآن کریم.

اشراق چهارم: معرفی متن خود کتاب.

### اشراق اول

از حدیث شریف که معنای آن اینگونه است که: «کسی که بمیرد و امام زمان خود را نشناسد، به مرگ جاهلیت از دنیا رفته است.» مطالب زیر را می توان برداشت نمود.

۱- در می یابیم هر شخصی، در هر زمانی، بر او واجب است، امام زمان خود را بشناسد.

---

۱- حاشیه مفاتیح الجنان.



- ۲- امام باید معصوم باشد، تا به جاهلیت گرایش نداشته باشد.
- ۳- امام باید به تمام احکام اسلام آگاهی داشته باشد.
- ۴- امام باید حتماً از طرف خداوند نصب شده باشد و علم او خدایی باشد.
- ۵- بدون شناخت امام بهره برداری از نعمت‌های آخرت میسر نیست.
- ۶- نظام عالم هستی در سایه وجود امام باقی می ماند.
- ۷- با این اوصاف، حکومت بر جهان، حق مسلم امام است.
- ۸- تنها امام است که با اتکا به قدرت بی نهایت خداوند، جهان را پس از پر شدن از ظلم و جور، مملو از عدل و داد می کند.
- ۹- نفی امامت امام غیر معصوم و مدعی‌های مهدویت.
- ۱۰- برنامه کار دولت آسمانی باید از طرف خداوند عالم تدوین شده، آن حضرت همان را در جهان پیاده کند.

البته باید گفت که سخن معصوم علیه السلام هم مانند آیات شریفه قرآن دارای معنا و وجود مختلف است؛ مثلاً از همین حدیث معروف مذکور، این ۱۰ نوع مطلب استنباط می شود و هر کدام از این مطالب قابل شرح و توضیح اند، لیک چون این مختصر، گنجایش آن را ندارد، شرح ده موضوع گفته شده را به محل دیگری ارجاع می دهیم. ولی لازم به دقت است که مراد از شناخت امام معصوم علیه السلام، شناسایی آن حضرت از لحاظ کمالات روحی و جسمی است و نیز نحوه ارتباط آن سرور با خدای بزرگ و کیفیت استیلای وجود مقدس بر عالم هستی و شکل پیاده شدن سلطنت آن امام عزیز و برنامه حکومت آن تنها یادگار رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم است و الا نه تنها این بنده بی بضاعت در این موضوع عاجز و از پا درآمده هستم، بلکه به طور مسلم بزرگان و علمای جلیل القدر هم از بیان شناخت واقعی امام معصوم علیه السلام عاجزند و فقط و فقط خداوند متعال در رتبه اول و در رتبه دوم معصوم علیه السلام توان شناخت معصوم علیه السلام را دارا است، چنان که رسول مکرم

اسلام ﷺ فرمودند: ای علی! غیر از خدا و تو، کس دیگری مرا نمی‌شناسد و غیر از من و خداوند، کسی نمی‌تواند تو را بشناسد.<sup>(۱)</sup>

## اشراق دوم

یکی از نشانه‌های ظهور امام عصر عجل الله فرجه، این است که نام آن حضرت بسیار برده می‌شود در این مختصر به یک حدیث اکتفا می‌کنیم. که امام صادق عجل الله فرجه فرمودند:

«ای مفضل! او در حالی که مورد شبهه است آشکار خواهد شد، تا خود بیان امرش باشد و یادش بلند گردد و نام و کنیه و نسبش ندا شود و یادش در زبان همه خواد اهل حق یا اهل باطل زیاد برده می‌شود! تا به سبب شناخت آن جناب حجت بر ایشان تمام شود. ما برایت بیان کردیم و به نسب و نام و کنیه معرفی کردیم و گفتیم که او همانم جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله و هم کنیه او است، تا مبادا مردم بگویند که نه اسمی را شنیدیم نه نسبی می‌شناختیم. به خدا قسم چنان به روشنی او و نام کنیه‌اش زبان زد خواهد بود که او را برای یکدیگر نام برند. تمام این‌ها به آن خاطر است که حجت بر مردم تمام شود.<sup>(۲)</sup>»

راستی امروز می‌بینیم که در هر مجلسی، چه حق و چه باطل و هر مکانی، چه حق و چه باطل نام وجود حضرت برده می‌شود. امروز حتی پارک‌هایی، که در آن نام منور ایشان (پارک ولی عصر) عجل الله فرجه نامدار است. و چه فسادها که در این مکانها می‌شود. چه بسیار افرادی که لیاقت دیدن آن باهر انور را ندارند، ولی مدعی دیدن حضرت هستند و خود را منسوب به آن حضرت می‌کنند. هزاران هزار نمونه دیگر، که توان گفتن آن‌ها در این مختصر نیست، شاهدی بر حدیث بالایند. آیا این نشانه ظهور به وقوع نپیوسته و به



ظهور نزدیک نگردیده‌ایم؟ اما این مجموعه اسماء آن حضرت را در بردارد و تا به حال کسی، چنین همّتی نداشته است که اسماء آن وجود نازنین را جمع‌آوری کند در یک مجموعه با ادله‌ی نموده است. حال در این وقایع و در این موقعیت زمانی، به فضل پروردگار این مجموعه جمع‌آوری و امید این می‌رود که با آشنا نمودن مردم به اسماء آن حضرت، قدمی در ظهور آن حضرت برداشته شده باشد.

### اشراق سوم

چون در این مجموعه که به چهار اشراق تقسیم شده است، یک اشراق مختص به اسماء حضرت در آیات قرآن است، اشراق سوم بحث مقدمه را به توضیح تفسیر، تأویل و تطبیق آیات قرآن کریم اختصاص می‌دهیم.

### تأویل قرآن چیست؟

تأویل از «أول» به معنای بازگشت است. تأویل در تفسیر آیات قرآنی، به چهار معنا اطلاق می‌شود:

۱- تأویل به معنای عاقبت و نتیجه کار، چنان که در قرآن کریم می‌خوانیم: «وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كِلْتُمْ وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا»<sup>(۱)</sup> با ترازوی راست بسنجید که آن بهتر و در عاقبت نیکوتر است.

۲- تأویل به معنی تعبیر خواب، چنان که در قرآن کریم، در سوره یوسف، چندین مرتبه آمده است.

۳- تأویل به معنای: تحقق یافتن و وقوع خارجی وعده‌های الهی، چنان که در قرآن کریم می‌خوانیم: «هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا تَأْوِيلَهُ يَوْمَ يَأْتِي تَأْوِيلَهُ يَقُولُ الَّذِينَ نَسُوهُ مِنْ قَبْلُ

قَدْ جَاءَتْ رُسُلٌ رَبَّنَا بِالْحَقِّ فَهَلْ لَنَا مِنْ شُفَعَاءَ فَيَشْفَعُوا لَنَا أَوْ نُرَدُّ فَنَعْمَلْ غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ قَدْ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ»<sup>۱۱</sup> «آیا کافران چه انتظار می‌کشند، منتظر رسیدن تأویل آیات و تحقق یافتن روز موعودند؟ روزی که تأویل آیات فرامی‌رسد.

۴- بیان و توجیه الفاظ و کارهای شبه‌انگیز که چند احتمال داشته باشند؛ مانند: آیات متشابه قرآن و کارهای حضرت خضر<sup>علیه السلام</sup> که حضرت موسی<sup>علیه السلام</sup> را به شگفتی وامی‌داشت و سرانجام جناب خضر<sup>علیه السلام</sup> انگیزه معقول و درست کارهای خود را بیان و تأویل کرد. البته لازم به ذکر است که قرآن کریم می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ»<sup>۱۲</sup> «اوست خدایی که کتاب را به تو فرستاد که برخی از آن کتاب آیات محکم است، که آنها اصل و مرجع سایر آیات کتاب خواهند بود و برخی دیگر آیات محکم است، که آنها اصل و مرجع سایر آیات کتاب خواهند بود و برخی دیگر آیاتی است متشابه تا آنکه گروهی که در دلشان میل به باطن است از پی متشابه تا آنکه گروهی که در دلشان میل به باطن است از پی متشابه رفته و امتحان شوند تا به تأویل کردن آن در دین راد شبه و فتنه‌گری پدید آرند در صورتی که تأویل آن را کسی جز خدا نداند و اهل دانش گویند ما به همه آن کتاب گرویدیم که همه محکم و متشابه به آن از جانب پروردگار ما آمده است و بر این دانش و علم تنها خردمندان عالم آگاهند.»

تأویل آیات قرآن در روایات به معانی دیگری هم آمده است، که از آن به بطن نیز تعبیر



می‌گردد و تأویل به این معنا بر تمامی آیات قرآن کریم صادق است و چه بسا آیه‌ای چندین تأویل داشته باشد چنانکه امام باقر علیه السلام خطاب به جابر می‌فرماید:

ای جابر! همانا برای قرآن باطنی است و بطن آن را باطنی دیگر و ظاهری است و ظاهرش را ظاهری دیگر. ای جابر! چیزی نسبت به عقول مردان از تأویل قرآن دورتر نیست. همانا آیه‌ای اولش درباره چیزی خواهد بود و آخرش مربوط به چیز دیگری و سخن متصل و پیوسته‌ای است که بر چند وجه است.<sup>(۱)</sup>

## تفسیر قرآن چیست؟

در لغت از «فسر» گرفته شده، به معنای بیان و پرده برداری از روی لفظ و گویند که مقلوب از «سفر» است چنان‌که گویند: «سفر الصبح» یعنی «صبح روشن شد.» و به قولی مأخوذ از «تفسره» است وسیله معاینه طبیب از مریض

در قرآن کریم آیات بسیاری است، که بی تردید به تفسیر نیاز دارند. در تفسیر آیات یا از ظواهر آن باید استفاده کرد و یا با شناخت عربی صحیح و اطمینان لفظی از معنای معین به مقصود پی برد و یا از عقل فطری صحیح پیروی نمود و یا از روایات معصومین علیهم السلام بهره گرفت. با حدس و گمان نباید در مورد آیات قرآن نباید اظهار نظر کرد، که تفسیر به رأی در شرع اسلام حرام و مردود است.

ابن عباس رضی الله عنهما می‌گوید که تفسیر بر چهار وجه است:

تفسیری که هیچ کس از دانستن آن معذور نیست. تفسیری که عرب‌ها از جهات

زبان‌شان می‌شناسند. تفسیری که عالمان آن را می‌دانند. تفسیری که جز خداوند کسی نمی‌داند. پس آنچه هیچ کس از دانستن آن معذور نیست، دستورهای صریح شرع در احکام، و دلایل روشن توحید و مانند اینها است. آنچه را عربها می‌شناسند؛ حقایق لغت و موضوعات زبان عربی است. آنچه را علما می‌دانند؛ تأویل و بیان مقصود از آیات متشابه است. و آنچه را که جز خداوند نمی‌داند، اخبار غیبی، هنگام برپایی قیامت و مانند اینها است.

### تطبیق چیست؟

در آیات قرآن مطالب بسیاری هست، که به لفظ عام بیان شده‌اند و در هر زمان بر عددای مصداق می‌یابد و گاهی نیز لفظ، آیه‌ای خاص است، ولی معنای آن عام است و شامل کسان دیگری که مشابه آن عمل، از آنان صدور یافته نیز می‌شود. خلاصه این که ملاک و مناط حکم در سایرین هم یافت می‌شود و حکم بر آنان منطبق می‌گردد.

احادیث پر شماری از معصومین علیهم‌السلام در این قبیل آمده است که مصادیق حتمی و بارز بودن آیات را بیان فرموده‌اند. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

«وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ»<sup>(۱)</sup>

«و آنانکه آنچه خداوند به پیوندش امر فرموده اطاعت می‌کنند و از خدا می‌ترسند و به سختی هنگام حساب می‌اندیشند.»

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید:

ارحام آل محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نازل شده، و درباره‌ی خویشاوندان نیز هست.»



سپس فرمودند:

از کسانی مباش که چیزی را در یک مورد منحصر می دانند.<sup>(۱)</sup>

### اشراق چهارم

سخن آخر، در معرفی مجموعه‌ای است که در پیش رو دارید. این مجموعه شامل اشراق اصلی است که عبارتند از:

۱- اسماء حضرت، در آیات قرآن کریم.

۲- اسماء حضرت در روایات اهل بیت علیهم‌السلام.

۳- اسماء حضرت در دعاهای مشهور و غیر مشهور.

۴- اسماء حضرت در زبان بزرگان دین و در کتب دیگر آسمانی.

البته لازم به ذکر است که بعضی از اسماء وجود نازنین حضرت در دو اشراق و یا سه اشراق قابل بحث شده است.

عبدالحق میرزا علی سنبلانی

بروجردی

## **اشراق اوّل**

**اسماءِ حضرت در آیات قرآن کریم**



## ۱- احمد رضی الله عنه

خداوند در قرآن می فرماید:

«وَإِذْ قَالَ عِيسَىٰ بْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُّصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَ مُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ»<sup>(۱)</sup>

«چون عیسی بن مریم رضی الله عنه به بنی اسرائیل گفت: ما فرستاده خدا به سوی شما ایم، در حالی که کتاب آسمانی قبل از خود، یعنی تورات را تصدیق دارم و به آمدن رسولی بعد از خودم، که اسمش احمد است بشارت می دهم. ولی همین که آیات روشن برایشان آورد، گفتند: این سحری آشکار است.»

اگر چه ظاهر آیه خطاب به پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله می باشد. لیکن بنا بر احادیثی که از معصومین نقل شده است که آیات قرآن وجه های مختلفی را دارا می باشند، بعید نیست که آیه در مورد ولی عصر عجل الله فرجه هم باشد. چنانچه از معصوم عجل الله فرجه نقل است که:

«امام عصر عجل الله فرجه دارای دو اسم می باشد.»<sup>(۲)</sup>

شاید مراد از دو اسم، همان دو نام پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله یعنی احمد و محمد باشد. امام صادق عجل الله فرجه می فرماید:

«بعضی از یهودیان - که خدا لعنتشان کند - از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدند:

«چرا به نام احمد و محمد نامیده شدی؟»

حضرت فرمودند:

«محمد نامیده شدم، به این جهت که من در زمین محمودم و احمد نامیده

شدم، به این جهت که من در آسمان احدم.»<sup>(۱)</sup>

محمود، یعنی: از نظر دوست و دشمن ستوده‌ام در زمین. احمد، یعنی: ستوده‌ام، ستوده‌تر از ستوده‌گیم در زمین.<sup>(۲)</sup>

## ۲- ابوتراب علیه السلام

علت نامگذاری آن حضرت علیه السلام به این نام ممکن است چند چیز باشد. شاید آن حضرت فرزندی به نام ابوتراب داشته باشد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«او به کینه همه اجدادش مکنّا است.»<sup>(۳)</sup>

ابوتراب هم، یکی از کنیه‌های معروف امیرالمؤمنین علی علیه السلام است.

شاید مراد از ابوتراب، صاحب خاک و مربی زمین باشد؛

چنان که خداوند در قرآن می‌فرماید:

«وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوُضِعَ الْكِتَابُ وَجِيءَ بِالنَّبِيِّينَ

وَالشُّهَدَاءِ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ»<sup>(۴)</sup>

«و زمین به نور پروردگار روشن گردد و نامه اعمال حق در پیشگاه عدل

حق گذاری شود و انبیاء و شهداء احضار شوند و میان خلق به حق حکم

کنند و به هیچ کس ابداً ظلمی نخواهد شد.»

امام معصوم علیه السلام در ذیل آیه می‌فرماید:

---

۱- تفسیر المیزان ج ۱۹ ص ۵۱۸.

۲- برای اطلاعات بیشتر به همین اسم در اشراق دوم مراجعه کنید.

۳- نجم الثاقب، ص ۵۹. ۴- سوره زمر آیه ۶۹.

ربّ زمین، امام آن زمان است.<sup>(۱)</sup>

اکنون هم در زمان حاضر امام عصر علیه السلام، پرورش دهنده زمین است.

در آیات متعدد قرآن کریم آمده است، که حضرت آدم علیه السلام از خاک آفریده شده است. در قرآن کریم می فرماید:

«هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلاً  
ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ ثُمَّ لِتَكُونُوا شُيُوخًا وَمِنْكُمْ مَنْ يُوْتِي مِنْ قَبْلُ وَلِتَبْلُغُوا  
أَجَلًا مُّسَمًّى وَلَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ»<sup>(۲)</sup> «خدا شما را نخست از خاک آفرید.  
سپس نطفه خلق کرد و سپس شما را از جفت قرار داد و آنچه زنان  
بارگیرند و بزایند جز به علم و اراده او نخواهد بود و کسی عمر طولانی  
نکند یا از عمرش نکاهد، جز این که همه در کتاب ثبت است و این بر خدا  
بسیار آسان است»

و یا در آیه دیگری می خوانیم:

«وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ»

«اوست خدایی که شما را از خاک بیافرید و سپس از قطره آب نطفه»

از این آیات نتیجه می گیریم که حضرت آدم علیه السلام به گونه مستقیم از خاک آفریده شده اند. وقتی به وجود نازنین ولی عصر علیه السلام لقب ابوتراب، یعنی پدر خاک می دهیم، ما هم از خاک آفریده شده ایم، پس امام عصر علیه السلام پدر تمام عالم و پرورش دهنده نه تنها زمین، بلکه پرورش دهنده زمین و زمینیان است.

### ۳- آیت الله علیه السلام

خداوند در قرآن می فرماید:

«سَرِّبِهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَ فِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَّبِعِنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ»<sup>(۱)</sup>

امام صادق علیه السلام در ذیل آیه می فرماید:

«در آفاق و جهان هستی، نشانه خداوندی تنگی و سختی در شدن وسایل زندگی بر آنان است و [ در جانشان ] به مسخ شدن است تا معلوم شود که او حق است یعنی او قائم است.»<sup>(۲)</sup>

امام باقر علیه السلام در ذیل آیه می فرماید:

این که فرموده است: [برایشان روشن گردد که او حق است] مقصود خروج حضرت قائم علیه السلام است و او است حق از سوی خداوند عزوجل که به ناچار خلق او را خواهد دید.»<sup>(۳)</sup>

خداوند در قرآن می فرماید:

«هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ رَبُّكَ أَوْ يَأْتِيَ بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ لَسَيِّتٌ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا قُلِ انْتَضِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ»<sup>(۴)</sup>

امام صادق علیه السلام در ذیل آیه می فرماید:

«آیات همان امامانند و آیه‌ای که مورد انتظار است، قائم علیه السلام است در آن روز کسانی را که پیش از قیام او با شمشیر، ایمان نداشته‌اند، ایمان سودی نبخشد هر چند به امامان دیگر از پدران او ایمان داشته باشند.»<sup>(۵)</sup>

۱- سوره حم سجده آیه ۵۳.

۲- سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص ۳۲۷.

۳- سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص ۳۲۷.

۵- سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص ۱۲۴.

۴- سوره انعام آیه ۱۵۸.



باز هم امام صادق علیه السلام در ذیل آیه می فرماید:

«خوشا به حال شیعیان قائم علیه السلام ما که در زمان غیبت او منتظر ظهورش

باشند و در زمان ظهورش او را اطاعت نمایند. آنان اولیای خدایند.»<sup>(۱)</sup>

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«ذَرْنِي وَمَنْ خَلَقْتُ وَحِيدًا وَجَعَلْتُ لَهُ مَالًا مَمْدُودًا وَبَنِينَ شُهُودًا

وَمَهَّدْتُ لَهُ تَمْهِيدًا ثُمَّ يَطْمَعُ أَنْ أَزِيدَ كَلَّا إِنَّهُ كَانَ لِآيَاتِنَا عَنِيدًا»<sup>(۲)</sup>

امام باقر علیه السلام در ذیل آیه می فرماید:

منظور از آیه یعنی: ابلیس لعین است، که بدون پدر و مادر او را آفرید. و

این که فرموده است: و برای او ثروت و مال فراوان قرار دادم یعنی: این

دوست و سلطه شیطانی است که تا روز وقت معلوم، روزی که قائم علیه السلام

قیام کند، ادامه خواهد داشت. و این که فرموده است: «که او با آیات ما

عناد و دشمنی دارد» یعنی: او مخالف و معاند با امامان است و به غیر راه

ایشان دعوت می کند و مردم را از امام باز می دارد و آن حضرت آیت الله

است.»<sup>(۳)</sup>

خداوند در قرآن می فرماید:

«إِذَا تُلِيٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ»<sup>(۴)</sup>

«هر گاه آیات ما بر آنان خوانده شود، گویند افسانه پیشینیان است.»

امام صادق علیه السلام در ذیل آیه می فرماید:

«تو را نمی شناسم و تو از فرزندان فاطمه (ع) نمی دانند. همانطور که

۱- سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص ۱۲۵.

۲- سوره مدثر آیات ۱۱ الی ۱۶. ۳- سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص ۴۰۵.

۴- سوره مصطفون آیه ۱۳.

مشرکین به حضرت محمد ﷺ چنین گفتند:» (۱)

خداوند در قرآن می فرماید:

«وَإِنْ يَرَوْا آيَةً يَعْرِفُوا يَقُولُوا سِحْرٌ مُّسْتَرٌ» (۲)

«چون آیتی را ببینند، روی بر تافته، و می گویند: سحری پی در پی است.»

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كُلِّهَا فَأَخَذْنَاهُمْ أَخْذَ عَزِيزٍ مُّقْتَدِرٍ» (۳)

«و تکذیب کردند کل آیات ما را...»

امام باقر علیه السلام در ذیل آیه می فرماید:

«مقصود از آیات اوصیاء هستیند.» (۴)

ولی عصر علیه السلام نیز یکی از ائمه و خاتم اوصیاء است.

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَىٰ وَ قَدْ كُنْتُ بَحِيرًا قَالَ كَذَالِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا

فَنَسِيتَهَا» (۵)

«آیات ما به سوی تو آمدند و تو آنها را به دست فراموشی سپردی.»

امام صادق علیه السلام در ذیل آیه می فرماید:

«مقصود از آیات، ائمه اطهار علیهم السلام هستند.» (۶)

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«وَكَذَالِكَ نُجْزِي مَنْ أَشْرَفَ وَ لَمْ يُؤْمِنْ بِآيَاتِ رَبِّهِ وَ الْعَذَابُ الْآخِرَةُ

۱- سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص ۴۵۶.

۲- سوره قمر آیه ۲.

۳- سوره قمر آیه ۴۲.

۴- اصول کافی جلد دوم.

۵- سوره طه آیه ۱۲۶.

۶- اصول کافی جلد ۳.

أَشَدُّ وَأَبْقَى»<sup>(۱)</sup>

و این گونه به سزارساندیم کسی را که از حد به در شد و نگر وید به آیات پروردگارش و هر عذاب آخرت سخت تر و پاینده تر است.

امام صادق علیه السلام در ذیل آیه می فرماید:

هر کسی است، که دیگری را در ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام شریک کرده به آیات پروردگارش نگر ویده است و ائمه را از راه عناد ترک کرده و از آثار و اخبار آنان پیروی نکرده و آنان را دوست ندارد.»<sup>(۲)</sup>

#### ۴- المص علیه السلام

خداوند در قرآن می فرماید:

«المص»<sup>(۳)</sup>

از امام باقر علیه السلام در ذیل آیه نقل است که فرمودند:

از فرزندان عباس دوازده تن زمامدار می شوند، که پس از هشتمین آنها چهار تن کشته خواهد شد، پس یکی از ایشان را سر می برند با گروهی که عمرشان کوتاه و مدت زمامداریشان اندک و شیویشان پلید است. از جمله آنها فاسقکی است که ملقب به هادی است و ناطق و غاوی. در حروف مقطعه دانش بسیاری است. همانا خداوند تبارک و تعالی نازل فرمود: «الم، ذلک الکتاب» پس حضرت محمد صلی الله علیه و آله به پاخواست تا این که نورش آشکار و سخنش در دلها نشست و روز ولادتش آن گاه بود که صد و سه سال از هزاره هفتم گذشته بود. و نشانه این در کتاب خداوند در حروف مقطعه است هر

۲- اصول کافی جلد ۳.

۱- سوره طه آیه ۱۲۷.

۳- سوره اعراف آیه ۱.

گاه آن‌ها را بدون تکرار برشماری. هیچ یک از حروف مقطعه نیست، مگر این‌که چون مدتش بگذرد، یکی از فرزندان هاشم پس از گذشت آن به پا می‌خیزد. سپس فرمودند: الف یکی، لام سی، میم چهل، صاد نود، و آن صد و شصت و یک می‌شود. آن‌گاه آغاز خروج حسین بن علی رضی الله عنه \* الله بود، چون مدتش بگذرد، قائم (ع) از فرزندان عباس هنگام: [المص] قیام می‌کند و قائم ما هنگام منقضی شدن آن در «الر» به پا خواهد خواست، پس این را بفهم و خوب تدبّر کن و حفظ کن و آن را از نااهل مخفی بدار.»<sup>(۱)</sup>



## بحثی درباره حروف مقطعه قرآن کریم

سوردهایی که با حروف مقطعه آغاز شده‌اند، عبارتند از:

بقره: الم	سجده: الم
آل عمران: الم	یس: یس
اعراف: المص	ص: ص
یونس: الر	غافر: حم
هود: الر	فصلت: حم
یوسف: الر	شوری: حم عسیق
رعد: المر	زُخْرُف: حم
ابراهیم: الر	دخان: حم
حجر: الر	جاثیه: حم
مریم: کهیعص	احقاف: حم
طه: طه	ق: ق
شعرا: طسم	قلم: ن
نمل: طس	روم: الم
قصص: طسم	لقمان: الم
عنکبوت: الم	

سوردهایی که آغازشان حروف مقطعه به کار رفته، ۲۹ سوره‌اند لیک اگر تکراری‌های را حذف کنیم مثلاً «طسم» دو مرتبه تکرار شده است) و یک بار حساب کنیم، درمی‌یابیم که چهارده مجموعه بیشتر نیست. ۱-ن؛ ۲-ق؛ ۳-حم؛ ۴-حمعسیق؛ ۵-ص؛ ۶-یس؛ ۷-الم؛ ۸-طسم؛ ۹-طس؛ ۱۰-طه؛ ۱۱-کهیعیص؛ ۱۲-الر؛ ۱۳-المص؛ ۱۴-المر. چنان که از شواهد و قرائن به دست می‌آید، هر یک از حرف مقطعه نام یکی از اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام است؛ مثلاً وجود مقدس ولی عصر علیه‌السلام درباره کهیعیص می‌فرماید:

«کاف، کربلای حسین علیه‌السلام است؛ هاء، هلاکت (شهادت) حسین علیه‌السلام است؛ یاء، یزید قاتل حسین علیه‌السلام است؛ عین، عطش حسین علیه‌السلام است؛ ص، صبر حسین علیه‌السلام است؛ هر کس خداوند را به این حروف قسم بدهد، خداوند او را جواب خواهد داد»  
امام صادق علیه‌السلام فرمودند:

از برای رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در قرآن دوازده اسم ذکر شده است، که پنج اسم در سوره یس آمده است: محمد، احمد، عبدالله، یس و نون. می‌بینیم که «کهیعیص» به امام حسین علیه‌السلام تفسیر شده و «یس» هم به وجود مقدس رسول مکرم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم. همین طور دیگر حروف به دیگر ائمه تفسیری شوند که مثلاً در دعای ندبه خطاب به امام عصر علیه‌السلام می‌خوانیم:

يَا بْنَ طَهِّ وَالْمُحْكَمَاتِ يَا بْنَ يَسِّ وَالذَّارِيَاتِ.

ای پسر طه و محکمت، ای پسر یس و ذاریات.

از این جا معلوم می‌شود که طه و یس باید نام اشخاصی باشند، تا امام عصر علیه‌السلام فرزند آنها باشد. در اینجا «طه» را به امیرالمؤمنین علیه‌السلام و «یس» را به رسول

خدا ﷻ تفسیر کرده‌اند.<sup>(۱)</sup>

اما بحث دوم درباره حروف مقطعه این است که همه می‌دانیم که حروف الفبای عربی ۲۸ حرف می‌باشد، که عبارتند از: الف، باء، تاء، ثاء جیم، حاء، خاء، دال، ذال، راء، زاء، سین، شین، صاد، ضاد، طاء، ظاء، عین، غین، کاف، فاء قاف، لام، میم، نون، واو، هاء، یاء. از این ۲۸ حرف الفبای عربی فقط ۱۴ حرف در حروف مقطعه قرآن کریم به کار رفته است و هر یک از حروف نام یکی از ائمه اطهار علیهم‌السلام می‌باشد. الف، لام، میم، صاد، راء، کاف، هاء، یاء، عین، طاء، سین، حاء، قاف، نون

و همان طور که می‌دانیم کل قرآن از همین حروف الفبای عربی تشکیل شده است و همان طور که گفتیم، نصف این حروف در حروف مقطعه به کار رفته است؛ یعنی نصف قرآن از حروف مقطعه تشکیل شده است و در احادیث مختلف و متواتر داریم که نصف آیات قرآن تفسیر به اهل بیت علیهم‌السلام و امیرالمؤمنین علیه‌السلام شده است. پس اگر هر یک از این ۱۴ حرف، یکی از ائمه هدایت معصومین علیهم‌السلام باشد و نصف قرآن هم از این حروف تشکیل شده، پس اگر نصف آیات قرآن هم به اهل بیت علیهم‌السلام تفسیر شده باشد، بعید نیست.

## ۵- امرالله علیه‌السلام

خداوند در قرآن می‌فرماید:

«أَتَىٰ أَمْرَ اللَّهِ فَلَا تَسْعَوْا سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ»<sup>(۲)</sup>

«فرمان خدا به زودی فرا می‌رسد، پس همان‌ای کافران، به تمسخر

تقاضای تعجیل آن می‌کنید، خدا منزّه از شرک مشرکان است.»

امام صادق علیه السلام در ذیل آیه می فرماید:

نخستین کسی که با مهدی علیه السلام بیعت می کند، جبرئیل است، که به صورت پرنده سفیدی نازل می شود و با آن حضرت بیعت می کند. سپس یک پای بر بیت الله الحرام و یک پای بر بیت المقدس می گذارد. آن گاه با صدای فصیح و بلیغی که خلائق می شنوند فریاد می زند: «امر الهی رسید، پس آن را زود شمارید»<sup>(۱)</sup>

باز هم امام صادق علیه السلام ذیل آیه می فرماید:

آن امر ماست، امر خداوند عزوجل است که «امر الهی رسید، پس آن را زود شمارید» پس در آن عجله نشود، خداوند آن را به سه ارتش تأیید می فرماید: فرشتگان، مؤمنان. رعب خروج آن حضرت مانند خروج رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است.<sup>(۲)</sup>

## ۶- اقوم علیهم السلام

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ»<sup>(۳)</sup>

«به راستی این قرآن راهنمایی می کند به آنچه راست و درست تر است.»

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«راهنمایی می کند به وجود امام علیه السلام»<sup>(۴)</sup>

پس اگر واقعاً در قرآن تدبیر کنیم ما را به امام معصوم علیه السلام و وجود ولی عصر علیه السلام راهنمایی

۱- «سیمای حضرت مهدی در قرآن ص ۲۰۱.

۲- همان

۳- سوره اسراء آیه ۹

۴- اصول کافی جلد ۲



می‌کند؛ همچنان که پیامبر اکرم ﷺ در حدیث ثقلین فرمودند: دو چیز گرانبها در بین شما به امانت می‌گذارم: کتاب خدا و اهل بیتم و این دو از هم جدا نمی‌شوند، تا در حوض کوثر بر من وارد شوند.

راستی می‌شود بین این دو که پیامبر مکرم ﷺ به طور قطع فرمودند: این دو از هم جدا نمی‌شوند، می‌شود فاصله انداخته‌اند جدا نمی‌شود.

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

«إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَءَانرَهُمْ وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ

فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ»<sup>(۱)</sup>

«ما هر چیزی را به امام مبین می‌دهیم.»

امیرالمؤمنین علی رضی الله عنه در ذیل آیه می‌فرماید:

«به خدا سوگند منم امام مبین که میان حق و باطل جدایی می‌اندازم و این

را از رسول خدا ﷺ به ارث بردادم.»<sup>(۲)</sup>

امام صادق رضی الله عنه می‌فرماید:

«رسول مکرم اسلام ﷺ در حدیثی درباره‌ی علی رضی الله عنه فرمودند: خدای

تعالی علم هر چیزی را در او گرد آورده کرده است.»<sup>(۳)</sup>

حال که رسول مکرم اسلام ﷺ هر علمی را به امام مبین و به امیرالمؤمنین علی رضی الله عنه

می‌دهد، مسلماً امیرالمؤمنین رضی الله عنه نیز این علم را به امام پس از خود داده است و اکنون

امام مبین و مصداق کامل آیه در عصر ما، وجود منور ولی عصر رضی الله عنه است. نکته بسیار

مهم و از ضرافتهای قرآن حکیم این که کلمه امام مبین در آیه ۱۲ سوره یس آمده است.

۲ - تفسیر المیزان جلد ۱۷ ص ۱۰۵

۱ - سوره یس، آیه ۱۲

۳ - تفسیر المیزان جلد ۱۷ ص ۱۰۵

فَتَدْبِرُ تَرَشِدٌ.

## ۷- اعراف ع

خداوند در قرآن می فرماید:

«وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كَلَامَ بَسِطَتِهِمْ»<sup>(۱)</sup>

«بر اعراف مردانی هستند، که همه بر سیمایشان شناخته شوند.»

امیرالمؤمنین علی ع در ذیل این آیه می فرماید:

ما هستیم اعراف. روز قیامت بر صراط خداوند عزوجل به بهشت نرود مگر کسی که ما را بشناسد و ما او را بشناسیم و به جهنم نرود مگر کسی که ما او را نشناسیم و او ما را نشناسد.»<sup>(۲)</sup>

## ۸- احسان ع

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ؟!»<sup>(۳)</sup>

«آیا پاسخ نیکی جز نیکی است؟! کدام نعمت پروردگارتان را انکار می کنید؟!»

از این آیه استفاده می شود که احسان بنده بی تلافی و جبران نیست و خداوند پاداش را به احسانی نظیر آن می دهد، پس اگر انسان به دنبال امام باشد، خداوند هم به او امام را می دهد.

---

۲ - اصول کافی جلد ۲

۱ - سوره اعراف آیه ۴۶

۳ - سوره الرحمن آیات ۶۰ و ۶۱

## ۹- ایمان عَلَيْهِمُ السَّلَامُ

خداوند در قرآن می فرماید:

«الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَبِعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَبْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَ مَا أَلْتَنَاهُمْ مِنْ  
عَمَلِهِمْ مِنْ شَيْءٍ»<sup>(۱)</sup>

«و آنان که به خدا ایمان آوردند و فرزندانشان هم در ایمان پیرو ایشان شدند، ما آن فرزندان را به آنها برسانیم، و از پاداش عمل فرزندان هیچ نکاهیم.»

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ در ذیل این آیه می فرماید:

[الذین آمنوا] پیغمبر (ص) و امیرالمؤمنین (ع) است و [ذریه]، انمه و اوصیاء هستند که به آنها پیوندیم و نسبت به ذریه حجتی را که محمد عَلَيْهِ السَّلَامُ درباره علی عَلَيْهِ السَّلَامُ آورده است نکاهیم و حجت همه یکی است و طاعت همه یک حکم دارد.»<sup>(۲)</sup>

## ۱۰- ایدی عَلَيْهِمُ السَّلَامُ

«ایدی» به معنای: نعمت و جمع «یدا» است.

خداوند در قرآن می فرماید:

«أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ  
عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً وَمِنَ النَّاسِ مَن يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ  
وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُنِيرٍ»<sup>(۳)</sup>

«یا شما مردم به حس مشاهده نمی کنید که خدا انواع موجوداتی را که در

آسمانها و زمین است برای شما مسخر کرده و نعمت‌های ظاهر و باطن را برای شما فراوان نموده برخی از مردم بی خبر از کتاب روشن حق از روی جهل و گمراهی در دین خدای متعال مجادله می‌کنند.»

امام کاظم علیه السلام در ذیل آیه می‌فرماید:

«نعمت ظاهر، امام ظاهر است و نعمت باطنی، امام غایب علیه السلام است.»<sup>(۱)</sup>

خداوند در قرآن می‌فرماید:

«وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ»<sup>(۲)</sup>

«و همگی به وسیله ریسمان خدا خویشان را حفظ کنید و متفرق نشوید و نعمت خدا بر خویشان را به یاد آورید.»

در تفاسیر آمده است که نعمتی که خداوند از آن یاد می‌کند همان «حبل الله» است.

امام باقر علیه السلام در ذیل آیه می‌فرماید:

«حبل الله» که خداوند تعالی مردم را امر فرموده، که به آن تمسک کنند و

فرموده است: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» آل محمد علیهم السلام

هستند.»<sup>(۳)</sup>

از رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نقل است که فرمودند:

«من پیش روی شمایم و قبل از شما از دنیا می‌روم و شما بر لبه حوض بر

من وارد می‌شوید. پس مراقب باشید که بعد از من چگونه با ثقلین رفتار

می‌کنید.»

شخصی پرسید: «یا رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم، ثقلین چیست؟»

۱- اکمال‌الدین شیخ صدوق (قدس). ۲- سوره آل عمران آیه ۱۰۳.

۳- تفسیر عیاشی (قدس).

حضرت فرمودند:

«ثقل بزرگ، کتاب خدای عزوجل است. یک سویش در دست خدا و سوی دیگرش در دست شماست. پس بعد از من به آن تمسک جوئید، که اگر تمسک کنید نه از بین می‌روید و نه گمراه می‌شوید ثقل کوچک هم عترت من است. این دو ثقل هرگز از یکدیگر جدا نمی‌شوند، تا در کنار حوض بر من درآیند و من این معنی را برای آن دو از پروردگارم در خواست کردم. پس مبادا از آن دو پیش افتید، که اگر چنین کنید، هلاک خواهید شد و مبادا بخواهید به آن دو چیزی تعلیم بدهید، که آن دو از شما عالم‌ترند.»<sup>(۱)</sup>

درباره اسم «یدالله» در آخر همین اشراق توضیح خواهیم داد که دست خداوند، وجود مقدس ولی عصر علیه السلام و ائمه هدی معصومین علیهم السلام هستند. پس از یک سر قرآن به دست ما و سر دیگرش به دست امام عصر علیه السلام است، این می‌شود ثقل بزرگ، ثقل کوچک هم که باز خود اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام هستند، پس نتیجه این گونه می‌شود که، این دو ثقل هرگز از یکدیگر جدا نمی‌شوند، تا در حوض کوثر بر پیامبر صلی الله علیه و آله وارد شدند. باز هم از پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله نقل است که فرمودند:

«بنی اسرائیل هفتاد و دو گروه شدند و به زودی امت من نیز هفتاد و دو فرقه می‌شود که همه آنها در آتش هستند، به جز یک فرقه» اصحاب پرسیدند: «آن یک فرقه کدام است؟» حضرت فرمود: «جماعت»

و آن‌گاه این آیه را تلاوت نمودند «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا...»<sup>(۲)</sup> از این حدیث این نتیجه گرفته می‌شود که اولاً منظور از «حبل الله» ولایت علی علیه السلام و



تمام ائمه هدايت معصومين (ع) است و «جميعاً» هم از ريشه «جَمَعَ» به افراى گویند که به اطراف ماتم اهل بیت علیهم السلام جمع شده باشند. پس منظور از «جميعاً» در آیه، شیعیانند. رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند:

«کسى که یک و جب از جماعت خارج شود، قلابه اسلام را از گردن خود باز کرده است. مگر آن که دوباره به جماعت برگردد و کسى که از دنیا برود در حالى که تحت رهبرى [امام زمان] است، به مزگ جاهلیت مرده است»<sup>(۱)</sup>

خداوند در قرآن می فرماید:

«وَ اذْکُرْ نِعْمَتَ اللّٰهِ عَلَیْکُمْ وَ مِثَاقَهُ الَّذِیْ وَ مَا تَقَّکُمْ بِهٖ رَاذُقْتُمْ سَمِعْنَا وَ اَطَعْنَا»<sup>(۲)</sup>

«نعمت خدا را بر خویش به یاد آرید و نیز به یاد آرید میثاقی را که شما را به آن متعهد کرد، که در پاسخش گفتید سمعاً و طاعتاً.»

امام صادق علیه السلام در ذیل آیه می فرماید:

میثاقی که خداوند متعال در قرآن از انسان گرفته، ولایت علی بن ابی طالب و اولاد معصوم علیهم السلام ایشان است»<sup>(۳)</sup>

و آن است نعمتی که خداوند به انسان داد، چنان که می فرماید:

«الْیَوْمَ اَکْمَلْتُ لَکُمْ دِیْنَکُمْ وَ اَتَمَّتْ عَلَیْکُمْ نِعْمَتِیْ وَ رَضِیْتُ لَکُمُ الْاِسْلَامَ دِیْنًا»

«امروز دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و امروز

دین اسلام را بر شما پسندیدم.»<sup>(۴)</sup>

۲- سوره مائده، آیه ۷.

۱- الدر المنثور.

۴- سوره مائده، آیه ۳.

۳- تفسیر المیزان در ذیل آیه.

در نتیجه، این آیه دو قسمت دارد و: اول: به اسلام بگروید. دوم - به ولایت اهل بیت علیهم السلام تن در دهید.

خداوند در قرآن می‌فرماید:

«يَعْرِفُونَ نِعْمَتَ اللَّهِ ثُمَّ يُنْكِرُونَهَا وَأَكْثَرُهُمُ الْكَافِرُونَ»<sup>(۱)</sup>

«نعمت خدا را می‌شناسند و آن را منکر می‌شوند و اکثر آنها کافرند»

«معرفت» مقابل «انکار» است، به همان گونه که «علم» مقابل «جهل» است. پس انکاری که در آیه آمده در حالی که معرفت به حقیقت آن دارند، یک انکار عملی می‌باشد، یعنی انکار زبانی کردن، در حالی که معرفت قلبی دارند، و این که «ال» که در اول کافرون آمده، دلیل بر این است که کافرون، نامبرده کفران مطالب مهمی مثل توحید و نبوت و امامت را می‌گویند.

از امام صادق علیه السلام در ذیل آیه نقل است که فرمودند:

«متصود این است که نعمت ولایت علی علیه السلام را به ایشان نمودند و به ولایتش دستور دادند، ولی ایشان بعد از وفات او آن را انکار کردند»<sup>(۲)</sup>

خداوند در قرآن می‌فرماید:

«الْيَوْمَ أَكَلَمْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا»<sup>(۳)</sup>

«امروز دین شما را کامل کردم و بر شما نعمت را تمام نمودم و بهترین آئین را که اسلام است برایتان برگزیدم.»

«امروز دین شما را کامل کردم و بر شما نعمت را تمام نمودم و بهترین آئین را که اسلام است برایتان برگزیدم.»

آئین را که اسلام است برایتان برگزیدم.

کلمه «إِكْمَال» و کلمه «إِتْمَام» در معنا نزدیک یکدیگرند. راغب در مفردات گوید: کمال

۱- سوره نحل، آیه ۸۳.

۲- تفسیر برهان در ذیل آیه.

۳- سوره مائده، آیه ۳.

هر چیز عبارت است از این که غرض از آن چیز حاصل شود و در معنای کلمه تمام گفته می شود. در تمام شدن هر چیز منتهی شدن آن به حدی است که دیگر احتیاج به خارج از خود نباشد.

اما بین دو واژه «کمال» و «تکمیل» و همچنین «اتمام» و «تتمیم» همان فرق است که بین دو باب «افعال» و «تفعیل» است. باب «افعال» در اصل و به حسب اصلی لغت، دلالت بر یکبارگی و باب «تفعیل» دلالت بر تدریج دارد.

در حدیث غدیر آمده است که: رسول مکرّم اسلام ﷺ مردم را امر کرد که در غدیر خم گرد آیند و مردم را به سوی پیروی از علی ﷺ دعوت نمود. بازوی او را گرفت و بلند کرد و به طوری که سفیدی زیر بغل آن جناب را دیدند. آن دو از یکدیگر جدا نشدند. تا آیه «الْيَوْمَ اكَلَمْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ» نازل گردید رسول مکرّم ﷺ به مؤذگانی این که دین به حد کمال رسیده و نعمت خدا تمام شده و پروردگارش از ولایت و رسالت علی ﷺ راضی شده است. الله اکبر گفت و سپس فرمود:

«اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ وَ انصُرْ مَنْ نصرَهُ اخذُولُ مَنْ خذَلَهُ»<sup>(۱)</sup>

## ۱۱- انصار الله ﷺ

خداوند در قرآن می فرماید:

«لَقَدْ نصرَكُمُ اللهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ»<sup>(۲)</sup>

«خدا در مواقع بسیاری شما را یاری کرد.»

اگر چه آیه درباره جنگ حنین نازل شده است، باید توجه داشت که جنگ حنین یکی

از جنگ هایی بود که پیامبر و یارانش شکست خوردند، لیک خداوند آنها را به وسیله فرشتگان به پیروزی رسانید. سعید بن مسیب می گوید: مردی که در روز جنگ همراه مشرکین بود، برایم تعریف کرد، که: «وقتی با اصحاب رسول خدا ﷺ روبرو شدیم، به قدر دوشیدن یک گوسفند در مقابل ما تاب نیاوردند. صفوف ایشان را در هم شکستیم و عقب می رانیم تا رسیدیم به صاحب استر ابلق، یعنی رسول خدا ﷺ، ناگهان مردانی سفید روی را دیدیم که به ما می گفتند: «زشت باد رویتان! برگردید!» و ما برگشتیم. در نتیجه همانان که گریخته بودند، برگشتند و بر ما غلبه کردند.»<sup>(۱)</sup>

و آن عده مردان رو سفید همان فرشته ها و ملائکه خداوند بودند. وقتی هم وجود مقدس صاحب الزمان ﷺ ظهور کند، آن حضرت را ملائکه یاری خواهند داد، چنان که حضرت صادق ﷺ می فرماید:

«با حضرت مهدی ﷺ ۳۱۳ ملک که با حضرت نوح ﷺ در کشتی بودند ملائکه ای که با حضرت ابراهیم ﷺ، آن زمان که در آتش بود و آن ملائکه ای که با حضرت موسی ﷺ بودند، وقتی شکافت دریا را و آنها که با عیسی ﷺ بودند وقتی که به آسمان می رفت و چهار هزار ملک مسومین؛ یعنی نشان کرده به عمامه زرد که با پیغمبر ﷺ بودند و ۴ هزار ملک که نازل شدند و اراده داشتند نصرت حضرت حسین بن علی ﷺ را و اذن نداد ایشان را. آنها در نزد قبر ایشان هستند؛ ژولیده غبا و گریه می کنند بر او تا روز قیامت و رئیس ایشان ملکی است که او را منصور گویند و... همه این ها در زمینند و انتظار می کشند بر خاستن قائم (ع) را و در وقت خروج از لشکر آن حضرت خواهند بود.»<sup>(۲)</sup>

این چهار هزار ملکی که عمامه‌های زرد داشتند و همراه پیامبر مکرم صلی الله علیه و آله اسلام بودند، همان ملک‌هایی بودند که در جنگ حنین و بدر یاور پیامبر صلی الله علیه و آله بودند و بعد از ظهور مهدی علیه السلام نصرت دهندۀ آن حضرت خواهند بود.

خداوند در قرآن می‌فرماید:

«وَلَقَدْ نَصَرَكُم بِبَدْرٍ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ» (۱)

«خداوند در بدر شما را نصرت داد، در حالی که ناتوان بودید»

در آیه قبل، توضیح کافی داده شده است.

خداوند در قرآن می‌فرماید:

«إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحِ وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا» (۲)

«منتظر باش، وقت فتح از ناحیه خدا برسد. و می‌بینی که مردم گروه گروه به اسلام داخل می‌شوند.»

کلمه «اذا» ظهور در استقبال آینده دارد و این ظهور اقتضا می‌کند که مضمون آیه شریفه خبری باشد از امری که هنوز رخ نداده و به زودی رخ می‌دهد و چون امر، یاری و فتح است، در نتیجه مزده‌ای است که به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله داده می‌شود. امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

بشارت پیروزی یاوری در این آیه که از طرف خداوند داده شده، یاوری حضرت مهدی علیه السلام توسط خداوند است و در زمان آن حضرت انسان‌ها

فوج فوج به دین اسلام روی می آورند و مسلمان می شوند. (۱)

خداوند در قرآن می فرماید:

«وَأُخْرَى تُحِبُّونَهَا نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَوِيبٌ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ كَمَا قَالَ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ لِلْحَوَارِيِّينَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ فَأَمْنَتْ طَائِفَةٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَكَفَرَتْ طَائِفَةٌ فَأَيَّدْنَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَىٰ عَدُوِّهِمْ فَأَصْبَحُوا ظَاهِرِينَ.» (۲)

«و سود دیگر این تجارت که مورد علاقه شما هم هست، نصرتی از خدا و فتحی نزدیک است و توای پیامبر مؤمنین را بشارت ده، هان ای کسانی که ایمان آورده‌اید یاران خدا باشید، همان طور که عیسی بن مریم علیه السلام به حواریون گفت: از شما چه کسی مرا در راه خدا یاری می کند، حواریون گفتند: «مائیم» انصار خدا. پس طایفه‌ای از بنی اسرائیل ایمان آوردند و طایفه‌ای کافر شدند و ما آنهایی را که ایمان آوردند علیه دشمنانشان یاری کریم و نیرومند و غالب شدند.»

امام صادق علیه السلام در ذیل آیه می فرماید:

«یعنی در دنیا با فتح و پیروزی حضرت قائم علیه السلام می باشد.» (۳)

خداوند در قرآن می فرماید:

«الْمُ غَلِبَتِ الرُّومُ فِي أَدْنَى الْأَرْضِ وَهُمْ مِّنْ بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ فِي بِضْعِ سِنِينَ لِلَّهِ الْأَمْرُ مِنْ قَبْلُ وَمِنْ بَعْدُ وَيَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ.» (۴)

۲- سوره صف، آیات ۱۳ و ۱۴.

۱- اکمال الدین شیخ صدوق (قدس).

۴- سوره روم، آیات ۱ تا ۴.

۳- نجم الثاقب، ص ۸۴.

یعنی: «الم. روم شکست خورده نزدیک زمین به سرزمین عرب وهم ایشان بعد از شکست خوردن به زودی غلبه خواهند کرد. در چند سال بعد آری زمام امور چه قبل از شکست خوردن روم و چه بعد از غلبه ایشان به دست خداست. در آن وقت که رومیان غلبه کنند مؤمنین خوشحال شوند، خوشحال شوند که خداوند به وعده خود در مورد رومیان وفا کرد. آری او هر که را بخواهد نصرت می دهد و او عزیز و رحیم است.

امام صادق علیه السلام در ذیل آیه فرمودند:

رومیان، همان بنی امیه اند و نصرت و یاری هنگام قیام، برای قائم علیه السلام ما خواهد بود.<sup>(۱)</sup>

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«وَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ فَإِذَا أُوذِيَ فِي اللَّهِ جَعَلَ فِتْنَةَ النَّاسِ كَعَذَابِ اللَّهِ وَلَئِن جَاءَ نَصْرٌ مِّن رَّبِّكَ لَيَقُولُنَّ إِنَّا كُنَّا مَعَكُمْ أَوَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِمَا فِي صُدُورِ الْعَالَمِينَ»<sup>(۲)</sup>

«و چنانچه نصرت از سوی پرورش دهنده ات آید، همانا خواهد گفت: که ما هم با شما بودیم.»

امام صادق علیه السلام در ذیل آیه می فرماید:

«مراد از آمدن نصرت، هنگام ظهور قائم علیه السلام است»<sup>(۳)</sup>

## ۱۲- بئر معطله علیه السلام

خداوند در قرآن می فرماید:

۱- سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص ۳۰۲.

۲- سوره عنکبوت، آیه ۱۰. ۳- اصول کافی ج ۲



«فَكَأَيُّ مَن قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا وَهِيَ ظَالِمَةٌ فِيهَا خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا وَبِئْرٍ  
مُّعَطَّلَةٍ وَقَصْرٍ مَّشِيدٍ»<sup>(۱)</sup>

«چه بسیار دهکده‌ها که ستمگر بودند و هلاکشان کردیم و اکنون با وجود  
بناها که دارند، از سکنه خالی است، و چه بسیار چاهها که معطل ماده و  
قصرها که با گچ ساخته شده و اهل آن هلاک شدند.»

امام صادق علیه السلام در ذیل آیه می‌فرماید:

«مراد از بئر معطله امام است وقتی که سکوت کرده است و قصر مشید نیز  
امام است وقتی که قیام کرده است.»<sup>(۲)</sup>

از رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله نقل است که فرمودند:

«ماییم و در حق ما نازل گردیده است.»<sup>(۳)</sup>

«بئر معطله» یعنی چاهی، که دیگر کسی از اهل آبادی به سراغ نمی‌آید، که آب بردارد،  
چون اصلاً کسی در آبادی نیست. «قصر مشید» عبارت از کاخ‌هایی که با گچ ساخته  
شده‌اند چون کلمه «شید» به معنای گچ است. بئر معطله و قصر مشید عطف بر قریه است.  
معنا این‌گونه می‌شود که چه بسیار قریه‌ها را برای آن‌که ظالم بودند، در حالی که مشغول  
ظلم بودند، هلاک کردیم. در نتیجه آن قریه‌های آباد به صورت خرابه‌هایی در آمد که  
دیوارهای بسیار سخت آن به هم ریخته و چه بسیار چاه‌های آب که تعطیل شده، چون  
آنان که برای برداشتن آب به کنار چاه آمده‌اند، همه هلاک شده‌اند و دیگر کسی نیست  
که از آب آن‌ها بنوشد.

مخفی نماند «بئر معطله» لقب آن حضرت به هنگام غیبت است که انسان به سختی و با

۲- مناقب آل ابی طالب.

۱- سوره حج، آیه ۴۵.

۳- نجم الثاقب، ص ۶۲.

عجز و تمنای بسیار می تواند از آن نور الهی استفاده علمی و معنوی و مادی بنماید. لیکن بعد از ظهور آن وجود منور، که همه می توانند از ایشان استفاده کنند، لقب آن حضرت «قصر مشید» است، که در جای خود مفصلاً توضیح خواهیم داد. [ان شاء الله.]

### ۱۳- بقیة الله ﷺ

خداوند در قرآن می فرماید:

«بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ»<sup>(۱)</sup>

«باقی مانده خدا، بهتر است برای شما، اگر ایمان دارید و ما مأمور حفظ شما نیستیم.»

وجود مبارک امام عصر «عج» می فرماید:

«أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، وَالْمُنْتَقِمُ مِنْ أَعْدَائِهِ»<sup>(۲)</sup>

«من باقی مانده خدا در زمین هستم و منم انتقام گیرنده از دشمنان خداوند.»

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ آيَةَ مُلْكِهِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ فِيهِ سَكِينَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَبَقِيَّةٌ مِّمَّا تَرَكَ آلُ مُوسَىٰ وَآلُ هَارُونَ تَحْمِلُهُ الْمَلَائِكَةُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ»<sup>(۳)</sup>

«و نیز ایشان گفتند: نشانه پادشاهی وی این است که صندوق معروف دوباره بر شما بر می گردد، تا آرامشی از پروردگارتان باشد و باقی مانده آن

۲- صحیفة المهدي.

۱- سورة هود، آية ۸۶.

۳- سورة بقره، آية ۲۴۸.

ها را که خدا به فرزندان هارون علیه السلام و موسی علیه السلام داده، در آن است و

فرشتگان آن را حمل می‌کنند.»

امام صادق علیه السلام در ذیل آیه می‌فرماید:

«منظور از بقیّه، در آل موسی علیه السلام و آل هارون علیه السلام، ذریّه آنها است.»<sup>(۱)</sup>

از معصوم علیه السلام نقل است که می‌فرمایند:

«منظور از بقیّه، ذریّه انبیا است.»<sup>(۲)</sup>

وجود نازنین حجّت بن الحسن المهدی علیه السلام نیز از ذریّه انبیا است؛ یعنی هم از ذریّه موسی

علیه السلام و هم از ذریّه ابراهیم علیه السلام. پس آن باقی مانده به وجود نازنین ایشان هم بر می‌گردد.

چنان که آن جناب تقاص گیرنده تمام انبیا و فرزندان انبیا است و در دعای ندبه خطاب

به حضرت می‌خوانیم:

«أَيْنَ طَالِبٍ بِذَوْ حَوْلٍ الْأَنْبِيَاءِ وَ أَبْنَاءِ الْأَنْبِيَاءِ»<sup>(۳)</sup>

«کجاست طلب کننده خون انبیا و فرزندان انبیا؟»

## ۱۴ - بلد الامین علیه السلام

«بلد» به شهر یا محل و قلعه مستحکمی گویند. «امین» از ریشه «أَمَنَ» به معنای

محافظت شده و «ال» به این معنا است که به طور کامل و مورد امن الهی قرار گرفته است.

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

«وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ»<sup>(۴)</sup>

«و قسم به شهر امن داده شده»

۱- تفسیر عیاشی ذیل آیه.

۲- تفسیر المیزان ذیل آیه.

۳- دعای ندبه.

۴- سوره تین، آیه ۳.

در تفاسیر، «بلد الامین» به امور مختلفی تفسیر شده است. از جمله:  
 مکه معظمه؛ پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؛ ولی عصر عَلَيْهِ السَّلَام؛ اگر بلد امین مکه معظمه باشد، با آیه بعد ربط  
 نمی یابد که می فرماید: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ»<sup>(۱)</sup> ما انسان را به بهترین  
 وجه خلقت خلق کردیم.

اگر بلد الامین را به پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و یا ولی عصر عَلَيْهِ السَّلَام تاویل و تفسیر کنیم در می یابیم  
 که این بهترین وجه خلقت، در همین ائمه هداات معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَام جلوه کرده است.

## ۱۵- برهان الله عَلَيْهِ السَّلَام

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«يَأْتِيهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَ كُفْرًا مِنْ رَبِّكُمْ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا»

«ای مردم آگاه باشید، که از طرف خداوند برای شما برهانی آمد و مانور

آشکار به شما نازل کردیم.»<sup>(۲)</sup>

کلمه «برهان» به معنای دلیل است و این کلمه بر وزن فُعْلَان می باشد و بعضی از علمای  
 عرب گفته اند: این کلمه مصدر است بر فعل «بَرِهَ يَبْرُهُ» و از آن مشتق می شود که به  
 معنای «روشن می شود» است. مراد از نور در این آیه چیزی به جز قرآن نمی تواند باشد؛  
 زیرا فرمود: «انزلنا اليكم نوراً». مراد از برهان، رسول مکرم اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ائمه هداات  
 معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَام است و بر این نظر دلائلی می باشد. که عبارتند از:

زیر این آیه، آیاتی نازل شده اند که بیانگر صدق رسول مکرم اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در رسالت اند.  
 شاهد دیگر کلمه «وَاعْتَصِمُوا» در آیه بعد است؛ چون در تفسیر آیه ۳۰ آل عمران که  
 فرموده بود «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا» گفتیم که مراد ولایت، ائمه هداات

معصومین علیهم السلام از امیرالمؤمنین علیه السلام تا وجود ولی عصر علیه السلام است. (۱)

## ۱۶- بقیة العترة علیهم السلام

خداوند در قرآن می فرماید:

«وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» (۲)

«و این را در ذریه و اعقاب خودش کلمه باقی گذاشت، تا باز گردند.»

جابر خطاب به امام باقر علیه السلام می گوید:

«ای زاده رسول خدا صلی الله علیه و آله، گروهی گویند: خدای تبارک و تعالی امامان را

در اعقاب فرزندان امام حسن علیه السلام قرار دادند نه امام حسین علیه السلام شما چه

می گویند؟

حضرت فرمودند:

به خدا سوگند آنها دروغ می گویند، آیا نشنیده‌اند که خدای تبارک و

تعالی ذکر می فرماید: «و جعلها کلمة...» آیا آن را جز در خاندان

حسین علیه السلام قرار داد. (۳)

امام باقر علیه السلام در ذیل آیه می فرماید:

ای جابر؛ به راستی که امامان آناند که رسول خدا صلی الله علیه و آله بر امامتشان نص

فرموده، همانانند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هنگامی که به آسمان برده

شدم، نام‌هایشان را دیدم که با نور بر ساق عرش نوشته شده بود. دوازده

اسم از: علی علیه السلام و دو سبط او علی علیه السلام و محمد علیه السلام و جعفر علیه السلام و موسی علیه السلام

۱- تفسیر المیزان در ذیل آیه. ۲- سورة زخرف، آیه ۲۸.

۳- تفسیر المیزان در ذیل آیه.

و علی علیه السلام و محمد صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام و حسن علیه السلام و حجت القائم علیه السلام پس اینان ائمه از اهل بیت برگزیده و پاکیزه‌اند، به خدا سوگند کسی غیر از ما آن مقام را ادا نکند، مگر این که خداوند تبارک و تعالی او را با ابلیس و لشکریانش محشور فرماید. خداوند حق این امت را رعایت نکند، که آن‌ها حق پیغمبرشان را رعایت نمودند. چنانچه امت حق را به اهلش وامی گذاشتند، دو نفر درباره خدا اختلاف نمی‌کردند و هیچ کس کافر نمی‌ماند. «و صاحبان صلیب به سبب دوست داشتن حضرت عیسی علیه السلام، با کمال آسودگی خاطر در آبادی‌های نجران آمد و شد دارند، ولی مؤمنان برای محبت آل محمد صلی الله علیه و آله، در اطراف و اکناف عالم به آتش می‌سوزند.»

جابر گوید که عرض داشتم:

«ای آقای من، آیا این امر، حق شما نیست؟»

حضرت فرمودند:

«آری.»

عرض کردم:

«پس چرا از حق خود کنار نشستید و در پی آن بر نخاستید در حالی که خدای تبارک و تعالی فرموده: «در راه خداوند حق جهادش را انجام دهید...»<sup>(۱)</sup> پس چرا امیرالمؤمنین از مطالبه حق خود کنار نشست؟»

حضرت فرمودند:

«چون یآوری برای خود نیافت. آیا نشنیدید که خداوند در قصه حضرت لوط علیه السلام فرمود: «لوط به قومش گفت: ای کاش قدرت داشتم که شما را از

کارهای زشت باز دارم، یا این که پشت و پناه محکمی بود که پناه می بردم.»<sup>(۱)</sup> و نیز به حکایت از حضرت نوح علیه السلام فرماید: «پروردگارش را فرا خواند که همانا من مغلوب شدم تو من را یاری کن.» و در جریان حضرت موسی علیه السلام که از زبان او فرموده: «پروردگارا، من جز بر خودم و برادرم بر کسی تسلط ندارم، پس تو میان ما و قوم فاسق و زیانکار جدایی افکن» وقتی حال پیغمبران چنین بوده، عذر و صی پیغمبر موجه تر و قوی تر است. ای جابر، امام مثل کعبه است که مردم باید به سویش روند و کعبه به سوی کسی نرود.

درباره ما نازل شده و درباره امامت من و اولاد من است تا روز قیامت که غایب از ما را دو غیبت خواهد بود، شش روز یا شش ماه یا شش سال و اما دومی: آنقدر مدتش طول خواهد کشید که بیش تر گروندگان از این امر برخوردارند گشت. پس بر آن ثابت نمی ماند، مگر کسی که یقینش قوی و معرفتش صحیح باشد و از آنچه ما می خواهیم در دل مخالفت نکند و نسبت به ما اهل بیت علیهم السلام تسلیم باشد.<sup>(۲)</sup>

## ۱۷- جمعه علیه السلام

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً.»<sup>(۳)</sup>

«پس به کارهای نیک سبقت گیرید، هر کجا باشید خداوند همه شما را

۲- سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص ۳۴۱.

۱- سوره هود آیه ۸۰.

۳- سوره بقره آیه ۱۴۸.



خواهد آورد.»

امام باقر علیه السلام در ذیل آیه می فرماید:

قسم به خدا گویی قائم علیه السلام را می بینم در حالی که به حجرالاسود تکیه زده، سپس حق خویش را از خداوند می خواهد و آنگاه می گوید: «ای مردم! هر کس درباره خدا با من حاجّه کند، من نزدیک ترین مردم به خدا هستم.» «هر کس درباره نوح علیه السلام با من حاجّه کند، من نزدیکترین کسان از شما به نوح علیه السلام هستم.» «هر کس درباره آدم علیه السلام با من حاجّه کند، من نزدیکترین کسان از شما به آدم علیه السلام هستم.» «هر کس درباره ابراهیم علیه السلام با من حاجّه کند، من نزدیکترین کسان از شما به ابراهیم علیه السلام هستم.» «هر کس درباره موسی علیه السلام با من حاجّه کند، من نزدیکترین کسان از شما به موسی علیه السلام هستم.» «هر کس درباره عیسی علیه السلام با من حاجّه کند، من نزدیکترین کسان از شما به عیسی علیه السلام هستم.» «هر کس درباره رسول خدا صلی الله علیه و آله با من حاجّه کند، من نزدیکترین کسان از شما به رسول خدا صلی الله علیه و آله هستم.» «ای مردم هر آنکه درباره کتاب خدا با من حاجّه کند پس منم نزدیکترین کسان از شما به کتاب خداوند.

سپس به مقام ابراهیم علیه السلام خواهد رفت و دو رکعت نماز می گذارد و حقش را از خدا طلب می کند.

بخدا سوگند اوست مضطری که در کتاب خدا یاد شده در فرموده او: «آیا چه کسی دعای مضطر بیچاره‌ای را به اجابت می رساند و رنج و ناراحتی را برطرف می سازد و شما را جانشین زمین قرار می دهد»<sup>(۱)</sup>

نخستین کسی که با وی بیعت می‌کند، جبرئیل است، سپس آن سیصد و سیزده مرد و هر کدام از ایشان که پیش از آن هنگام بیرون از منزل بود به مقصد خواهد پیوست و هر کس در سفر نبود از بستر خوابش مفقود خواهد شد. و آن فرموده امیرالمؤمنین علیه السلام است: (آنانند مفقود شده از خواب‌گاه‌هایشان). و آن فرموده خداوند متعال است: [پس به کارهای نیک پیشی گیرید هر کجا باشید خداوند همه شما را خواهد آورد.]<sup>(۱)</sup>

و فرمودند: خیرات: ولایت است و خداوند در جای دیگر فرمودند: [و چنانچه عذاب را از آنان تا هنگام معینی به تعویق اندازیم.]<sup>(۲)</sup>

و ایشان اصحاب قائم‌اند علیهم السلام. به خدا سوگند در یک ساعت نزد او جمع می‌شوند. پس چون به بیدار بیایند، لشکر سفیانی به سویش خروج کند، که خداوند امر فرماید به زمین که پاهایشان را گیرد و این است معنی فرموده خداوند: [و اگر بینی کافران را هنگامی که هراسانند، پس چیزی از عذابشان فوت و زایل نشود و از جایگاه نزدیکی گرفته شوند.]<sup>(۳)</sup>

و گویند: [به او ایمان آوردیم]<sup>(۴)</sup> یعنی: به قائم آل محمد علیه السلام.

[و با این همه دوری که توانند به آن مقام نائل شوند]<sup>(۵)</sup> تا آنجا که باز هم می‌فرماید: [و میان آنها و آرزوهایشان جدایی و مبایعت افتد]<sup>(۶)</sup> یعنی:

که عذاب نشوند. همچنان که

از این حدیث این نتیجه‌گیری می‌شود که: منظور از جمع‌آوری در آیه مذکور، جمع‌آوری یاران حضرت مهدی علیه السلام می‌باشد و شرط اینکه جزو یاران آن حضرت قرار

۲- سوره هود آیه ۸.

۴- سوره سبا آیه ۵۲.

۶- سوره سبا آیه ۵۴.

۱- سوره بقره آیه ۱۴۸.

۳- سوره سبا آیه ۵۱.

۵- سوره سبا آیه ۵۳.

بگیریم، سبقت و پیشگیری در ولایت است؛ چنان که امام باقر علیه السلام خطاب به یکی از یاران خود می‌فرماید: <sup>(۱)</sup>

«خانه نشین باش و ابداً فعالیتی نکن تا نشانه‌هایی را که برایت یاد می‌کنم در یک سال بینی، و بانگ زنده‌ای را بینی که درد مشق ندا کند، و فرو رفتنی در یکی از آبادیهای آن، و قسمتی از مسجد آن فرو خواهد ریخت، پس هر گاه ترک‌ها از آن گذشتند و ترک‌ها پیشروی کردند، تا اینکه در جزیره فرود آمدند، و رومیان پیش آمدند، تا اینکه در رمله فرود آیند و آن سالی است که در هر یک از سرزمینهای عرب اختلاف خواهد بود، و به راستی که اهل شام در آن هنگام به سه پرچم اختلاف کنند: اَصْهَب، <sup>(۲)</sup> و اَبْعَق، و سفیانی. با بنی ذنَب الحمار از قبیله مضر اختلاف می‌کنند، همراهان سفیانی دائیهایش [از] قبیله کلب خواهند بود، پس سفیانی و همدستانش بر بنی ذنَب الحمار پیروز خواهند شد و چنان کشته شوند که هیچ کشته بمانند آن نبوده باشد و مردی که از بنی ذنَب الحمار است. به دمشق می‌آید، پس او و همراهانش به طوری کشته می‌شوند که کسی را آن طور نکشته باشند، و این است معنی آیه‌ای که خدای تعالی می‌فرماید: [حزبها از میان خود اختلاف کنند، پس وای بر کافران از دیدن روزی بزرگ] <sup>(۳)</sup> و سفیانی و همدستانش آشکار می‌شود، و به طوری است که مقصودی جز کشتن آل محمد صلی الله علیه و آله و شیعیانشان ندارد، پس به خدا سوگند

۱- سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص ۴۲.

۲- «اصْهَب در لغت به معنی سرخ و سفید، و اَبْعَق به معنی لک و پیس و خال خال است، معلوم نیست اینها صفت صاحبان آن پرچمهاست یا خود پرچمها و با..»

۳- مریم آیه ۳۷.

سفیانی لشکری به کوفه می فرستد، و عده‌ای از شیعیان آل محمد علیهم‌السلام را در کوفه می کشد و به دار می آویزد. و پرچمی از خراسان می آید، تا اینکه در ساحل رودخانه دجله مستقر می شود، مرد ضعیفی از شیعیان با پیروانش برای سرکوبی سفیانی خروج می کند، سپس در بیرون کوفه مغلوب می گردد.

و سفیانی لشکری را به مدینه می فرستد، پس مردی را در آنجا می کشد، و مهدی و منصور از آنجا فرار می کنند، و کوچک و بزرگ فرزندان پیغمبر ۹ دستگیر می شوند، و همگی آنان به زندان می افتند، و لشکر در پی آن دو تن (مهدی و منصور) بیرون می رود.

(و مهدی علیه‌السلام) بسان موسی علیه‌السلام (از مصر گریخت) هراسان و نگران از مدینه بیرون می رود تا به مکه می رسد، و لشکر هم در پی او می روند و چون لشکر در بیداء منزل کنند به زمین فرو روند، و جز یک تن که خبرشان را می برد هیچکدام جان سالم بدر نمی برند، پس قائم علیه‌السلام میان رکن و مقام پیا خیزد و نماز می گذارد، و در حالی که وزیرش با اوست روی برمی گرداند و می گوید: ای مردم، ما خداوند را به یاری می طلبیم، به هر کسی که به ما ظلم کرده و حَقمان را ربوده است، هر که درباره خداوند با ما بحث دارد، پس بداند که من سزاوارترین افراد به خداوند هستم، هر کس درباره نوح علیه‌السلام گفتگو دارد، پس من به نوح علیه‌السلام از همه نزدیکترم و هر کس درباره ابراهیم علیه‌السلام بحث دارد، پس من از تمامی مردم به ابراهیم علیه‌السلام نزدیکترم و هر کس درباره محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با ما بحث دارد، پس من از همه مردم به محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نزدیکترم و هر کس در مورد پیغمبران با ما گفتگو دارد، پس من از همه مردم به پیغمبران نزدیکترم و هر کس درباره

کتاب خدا با ما محاجّه کند، پس ما از تمامی افراد به کتاب خداوند نزدیکتر من و هر مسلمانی امروز گواهی دهیم که همانا بر ما ظلم شده و ما را آوارد نموده‌اند بر ما ستم کرده‌اند و از خانه و وطن و اموال و خاندانمان بیرون راند و مقهور ساختند، مگر اینکه، امروز از خداوند یاری می‌خواهیم و هر مسلمانی را به یاری می‌خوانیم.

و به خدا سوگند سیصد و سیزده مرد، که پنجاه زن نیز در میان آنها است، خواهند آمد، بدون وعده قبلی و همچون ابرهای پائیزی پی در پی در مکه جمع می‌شوند، و این آیه‌ای که خدای تعالی فرماید: [هر کجا باشید خداوند همه شما را خواهد آورد، و محققاً خدا بر هر چیز تواناست] به تحقق می‌پیوندد و سپس مردی از آل محمد صلی الله علیه و آله می‌گوید: این است آن آبادی که اهلش ستم پیشه‌اند، سپس او با آن سیصد و سیزده نفر - که بین رکن و مقام با او بیعت می‌کنند، در حالیکه عهد پیغمبر صلی الله علیه و آله، و پرچم و سلاح آن حضرت با اوست - با وزیرش از مکه بیرون می‌آیند، و در مکه نام و فرمان آن جناب از سوی آسمان ندا می‌شود به طوری که تمامی اهل زمین آن را می‌شنوند، اسم او اسم پیغمبر است، هر چه بر شما مشکل شود پیمان پیغمبر صلی الله علیه و آله و پرچم و سلاحش و نفس زکیه از فرزندان حسین علیه السلام بر شما مشبه نخواهد شد، و چنانچه این امر بر شما مشبه بماند، آن صدای آسمانی به نام و فرمان او، و معدودی از فرزندان محمد صلی الله علیه و آله (که به عنوان برپایی عدل و داد و تشکیل دولت حق خروج می‌کنند) بر شما پوشیده نخواهد ماند، زیرا که آل محمد صلی الله علیه و آله را پرچمی است، دیگران بر پرچمهایی وابسته می‌شوند، [دیگران دولتهایی دارند] پس خانه نشین باش و از هیچ کدام اینان ابداً پیروی نکن، تا اینکه مردی از فرزندان حسین علیه السلام را

بنگری که با اوست، پیمان پیغمبر خدا و پرچم و سلاح او، زیرا که عهد و پیمان پیغمبر خدا به علی بن الحسین علیه السلام رسید، سپس به محمد بن علی علیه السلام رسید و... [بعد از این] خداوند هر چه را بخواهد انجام می دهد، سپس همیشه با اینان باش، و از آنهایی که برایت یاد کردم جداً پرهیز، پس هرگاه به پاخواست، و عازم مدینه شد، و چون از بیابان «بیداء» بگذرد می گوید: اینجا جای کسانی است که به زمین فرو خواهند شد و این است آیه ای که خداوند عزوجل فرمود:

[آیا کسانی که زشتیها را انجام می دهند ایمن هستند، از اینکه خداوند آنان را در زمین فرو برد، یا بدون اینکه متوجه باشند عذاب بر آنان فرارسد، یا هنگامی که سرگرم رفت و آمدها هستند، به ناگاه آنان را به مواخذه سخت بگیری و آنان نتوانند بر قدرت حق غالب آیند.]<sup>(۱)</sup>

و هنگامی که وارد مدینه شود محمد بن شجری را همچون یوسف از زندان آزاد سازد، سپس به سوی کوفه می رود و مدتی طولانی در آنجا می ماند تا اینکه بر آن غالب می شود، آنگاه در حالی که مردمان بسیاری به آن حضرت ملحق شده باشد، با همراهانش به سوی «عذرا» کوچ می کنند، سفیانی در آن موقع در «وادی رمله» است، که دو لشکر به هم برخورد می نمایند، و آن روز تغییر و تبدیل است، جمعی از شیعیان آل محمد صلی الله علیه و آله که با سفیانی بوده اند از آنها جدا می شوند و عده ای که با آل محمد صلی الله علیه و آله بوده اند به سوی سفیانی بیرون می روند،<sup>(۲)</sup> و هر مردمی به

۱- سورة نحل آیه ۵۴.

۲- مقصود از «عده ای که با آل محمد صلی الله علیه و آله بوده اند و به سوی سفیانی بیرون می روند» اصحاب سید حسنی می باشد که از خراسان خروج نموده و به حضرت مهدی علیه السلام

سوی پرچم خودشان روی می‌کنند و آن روز تبدیل است.  
 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: و آن روز سفیانی و همراهانش کشته می‌شوند، به طوری که خبر آورنده‌ای هم از آن باقی نخواهد ماند، زیانبار در آن روز کسی است که از غنیمت قبیله کلب بی بهره باشد. سپس آن حضرت به کوفه می‌آید و منزلش در آن خواهد بود، پس هیچ برده مسلمان را وانگذارد، مگر اینکه او را بخرد و آزاد نماید، و هیچ بدهکاری را مگر آنکه قرضش را ادا کند و هر کس مظلومه‌ای نسبت به کسی از مردمان داشته باشد، آن را به او می‌دهد می‌دارد، و هیچ بنده‌ای از آن کشته نشود مگر آنکه دیه کامل آن را به خانواده‌اش می‌پردازد و از هر مقتولی و امش را ادا می‌کند و به وضع عائله‌اش رسیدگی می‌نماید، تا اینکه زمین را پر از قسط و عدل می‌سازد، همچنان که آکنده از جور و تجاوز شده باشد، و خود و خاندانش در «رحبه» سکونت خواهند داشت و «رحبه» محل سکونت نوح علیه السلام بوده و آن سرزمین پاکیزه‌ای است، که در آن اوصیاء پاکیزه پیغمبرند.»

اما آن کسانی که طبق این آیه کریمه خداوند همه آنان را جمع خواهد کرد، طبق این حدیث که مرحوم علامه بحرانی در ذیل همین آیه در تفسیر برهان نقل کرد که ابوبصیر خدمت امام صادق علیه السلام رسید و عرصه داشت: فدایت شوم! آیا امیرالمؤمنین علیه السلام اصحاب قائم علیه السلام را می‌شناخت، همچنانکه شماره آنان را می‌دانست؟

---

دعوت می‌کند، و در کوفه با آن جناب ملاقات و بیعت می‌نماید، و اینکه از او به آل محمد صلوات الله علیهم تعبیر آمده، از این جهت است که به حکومت و بیعت با ایشان دعوت می‌کند، دلیل بر آنچه گفتیم روایات صریح در این زمینه است، به ابواب مربوط به قیام حسنی در کتابهای غیبت نعمانی مراجعه شود.



امام صادق علیه السلام فرمودند:

«به خدا سوگند، آنان را با اسامی خودشان و نامهای پدرانشان و قبائلشان می شناخت، و منزلگاهها و مراتبشان را می دانست، و هر چه را امیرالمؤمنین علیه السلام می دانست، امام حسن علیه السلام هم می شناخت، و هر چه را امام حسن علیه السلام می شناخت امام حسین علیه السلام هم آن را می شناخت و هر چه را امام حسین علیه السلام می شناخت علی بن حسین علیه السلام آن را می دانست و بعد به محمد بن علی علیه السلام انتقال یافت و هر چه را محمد بن علی علیه السلام می دانست صاحب شما (منظور خود آن حضرت می باشد.) آن را می شناسد و می داند.»

ابوبصیر گوید: «عرضه داشتم: نوشته شده است؟»

حضرت فرمودند: «در کتابی که در دل محفوظ است و ذکر ثبت گردیده»

ابو بصیر گوید: «عرض کردم، فدایت شوم تعداد آنان و شهرها و جایگاهشان را برایم بفرمای؟»

حضرت فرمودند: «چون روز جمعه شود، بعد از نماز نزد من آی.»

ابو بصیر گوید: «چون روز جمعه شد، به خدمت آن حضرت رفتم فرمود: «ای ابابصیر به جهت آن چه سوال کرده بودی آمدی؟»

گفتم: «آری فدایت شوم.»

فرمود: «تو آن را حفظ نخواهی کرد، کو آن دوستت که برایت می نوشت؟»

گفتم: «گمان می کنم کاری او را مشغول داشته، من هم خوش نداشتم که از کارش وقت عقب بیفتد.»

پس آن بزرگوار به مردیکه در مجلس بود فرمود:

«برایش بنویس: این است آنچه رسول خدا صلی الله علیه و آله آن را بر

امیرالمؤمنین علیه السلام املاء فرمود و آن را نزد او به ودیعت سپرد. از نامهای اصحاب مهدی علیه السلام و شماره آنان که به خدمتش می‌شتابند از مفقودین از خوابگاهها و قبایلشان، و روندگان در شب و روز به مکه، و آن هنگامی است که مردم صدای آسمانی را می‌شنوند، در سالی که امر خدای عزّ و جل ظاهر می‌شود، و آنان نجّبا و قُضات حکمرانان بر مردمند:

- |                     |                           |
|---------------------|---------------------------|
| ۱- از طلازبند شرقی! | ۱ یک مرد                  |
| ۲- از صامغان!       | ۱ دو مرد <sup>(۱)</sup>   |
| ۳- از اهل فرقانه!   | ۲ یک مرد <sup>(۲)</sup>   |
| ۴- از اهل ترمُد!    | ۲ دو مرد <sup>(۳)</sup>   |
| ۵- از دیلم!         | ۴ چهار مرد <sup>(۴)</sup> |
| ۶- از مرو رود!      | ۲ دو مرد <sup>(۵)</sup>   |
| ۷- از مرو!          | ۱۲ دوازده مرد             |
| ۸- از بیروت!        | ۹ نه مرد                  |
| ۹- از طوس!          | ۵ پنج مرد                 |
| ۱۰- و از قریبات!    | ۲ دو مرد                  |
| ۱۱- و از سجستان!    | ۳ سه مرد <sup>(۶)</sup>   |
| ۱۲- از طالقان!      | ۲۴ بیست و چهار مرد        |

۱- از آبادینهای خطه طبرستان است که به فارسی آن را بمیان گویند.

۲- یکی از شهرهای بزرگ ماوراءالنهر بوده است.

۳- جایی در بلاد بنی اسد بوده است. ۴- نام چشمه آبی از بنی عبس می‌باشد.

۵- شهری نزدیکی مرو شاهجان از شهرهای مشهور خراسان است.

۶- از نواحی و بلاد بزرگ است.

۸ هشت مرد	۱۳- از جبل الغر!
۱۸ هجده مرد	۱۴- از نیشابور!
۱۲ دوازده مرد	۱۵- از هرات!
۴ چهار مرد	۱۶- از یوسنج!
۷ هفت مرد	۱۷- از ری!
۷ هفت مرد و یا (۹ نه مرد)	۱۸- از طبرستان!
۱۸ هجده مرد	۱۹- از قم!
۲ دو مرد	۲۰- از قدس!
۱۲ دوازده مرد	۲۱- از جرجان!
۱۳ مرد <sup>(۱)</sup>	۲۲- از رقه!
۲ مرد	۲۳- از رافعه!
۳ مرد	۲۴- از حلب!
۵ مرد <sup>(۲)</sup>	۲۵- از سلمیه!
۲ مرد	۲۶- از دمشق!
۱ مرد	۲۷- از فلسطین!
۱ مرد	۲۸- از بعلبک!
۱ مرد <sup>(۳)</sup>	۲۹- از اسوان!
۴ مرد	۳۰- از فسطاط!
۲ مرد <sup>(۴)</sup>	۳۱- از قیروان!

۱- شهری معروف در کنار نهر فرات. ۲- شهرکی از توابع حماة امت.

۳- یکی از شهرهای بزرگ در کنار صحرای مصر.

۴- از شهرهای بزرگ آفریقا.

۳۲- از کور کرمان!	۳ مرد
۳۳- از قزوین!	۲ مرد
۳۴- از همدان!	۴ مرد
۳۵- از موقان!	۱ مرد <sup>(۱)</sup>
۳۶- از ید!	۱ مرد
۳۷- و از خلاط!	۱ مرد <sup>(۲)</sup>
۳۸- از حایروان!	۳ مرد
۳۹- از سنوی!	۱ مرد
۴۰- از سنجار!	۴ مرد <sup>(۳)</sup>
۴۲- از قالی قلا!	۱ مرد <sup>(۴)</sup>
۴۳- از سمیسا!	۱ مرد <sup>(۵)</sup>
۴۴- از نصیبین!	۱ مرد <sup>(۶)</sup>
۴۵- از موصل!	۱ مرد
۴۶- از بارق!	۲ مرد <sup>(۷)</sup>
۴۷- از رهاء!	۱ مرد <sup>(۸)</sup>

---

۱- از شهرهای آذربایجان که روستاهای بسیار دارد.

۲- شهری مشهور در اقلیم پنجم.

۳- شهری مشهور که در بین آن تا موصل سه روز راه است.

۴- یکی از شهرهای ارمنستان از نواحی خلاط.

۵- یکی از شهرهای کرانه رود فرات.

۶- یکی از شهرهای آباد الجزیر.

۷- از نواحی کوفه در عراق.

۸- شهری بین موصل و شام.

۴۸- از حران!	۲ مرد (یک مرد) <sup>(۱)</sup>
۴۹- از باغه!	۱ مرد <sup>(۲)</sup>
۵۰- از قابس!	۱ مرد <sup>(۳)</sup>
۵۱- از صناء!	۲ مرد
۵۲- از قبه!	۱ مرد <sup>(۴)</sup>
۵۳- از طرابلس!	۲ مرد
۵۴- از قُلُوم!	۲ مرد <sup>(۵)</sup>
۵۵- از عبثه!	۱ مرد
۵۶- از وادی القری!	۱ مرد
۵۷- از خیبر!	۱ مرد
۵۸- از بدهاء!	۱ مرد <sup>(۶)</sup>
۵۹- از جار!	۱ مرد <sup>(۷)</sup>
۶۰- از کوفه!	۱ مرد
۶۱- از مدینه!	۲ مرد
۶۲- از تربده!	۱ مرد
۶۳- از حیون!	۱ مرد
۶۴- از کوثر!	۱ مرد

۱- یکی از شهرهای بین موصول و شام.

۲- از شهرهای اسپانیا.

۳- شهری است بین طرابلس و سفاقس.

۴- یکی از نواحی کوفه.

۵- شهری در کنار دریای یمن.

۶- دره‌ای نزدیک ایله از ساحل دریا و به قولی در وادی القری و به قولی روادی عذره نزدیک

شام. ۷- قریه‌ای است محاذی مدینه کنار دریا.

- ۶۵- از طهنی! ۱ مرد
- ۶۶- از بیرم! ۱ مرد
- ۶۷- از اهواز! ۲ مرد
- ۶۸- از اصطخر! ۲ مرد<sup>(۱)</sup>
- ۶۹- از مولیان! ۱ مرد
- ۷۰- از دیبله! ۱ مرد
- ۷۱- از صیداتبل! ۱ مرد
- ۷۲- از مدائن! ۸ مرد
- ۷۳- از عکبر! ۱ مرد<sup>(۲)</sup>
- ۷۴- از حلوان! ۲ مرد<sup>(۳)</sup>
- ۷۵- از بصره! ۳ مرد
- ۷۶- اصحاب کهف که ۷ مرد هستند.
- ۷۷- آن دو تاجر که از انطاکیه می‌روند و غلامشان که سه تن می‌باشند.
- ۷۸- مسلمانانی که به روم پناهنده می‌شوند، که یازده تن می‌باشد.
- ۷۹- و آن دو که در سرندیب منزل می‌کنند.
- ۸۰- از سمند! ۴ نفر
- و آنان که از روی مرکبشان ناپدید می‌شوند.
- ۸۱- در سلاط! ۱ مرد
- ۸۲- از شیراز! ۱ مرد

۱- شهری در استان فارس. ۲- شهری از نواحی دجیل عراق.

۳- شهری که به جای آن سرپل ذهاب بناگشته است.

۸۳- آن دو که از درد به سروانیه فرار می کنند.

۸۴- آنکه به طلب حق به جستجو و گردش می پردازد و در صقلیه منزل می گیرد.

۸۵- از یخشب! ۱ مرد

۸۶- و آنکه از عشیراش فرار می کند! یک مرد

۸۷- و آنکه با کتاب خدا بر ناصبی محاجّه کند، از سرخس یک نفر.<sup>(۱)</sup>

پس اینها سیصد و سیزده نفر هستند به شمار اهل بدر، خداوند در یک شب اینان را در مکه جمع خواهد کرد، و آن شب جمعه است، پس صبح آن شب همه آنان از مسجدالحرام خواهند بود. هیچ یک از آنان عقب نمی ماند، و در کوچه های مکه پراکنده می شوند و در پی فراهم کردن منازلی برای خود می روند، که اهل مکه آنان را ناشناس می بینند، چون که کاروان خاصی را ندیده اند که از شهر معین به قصد حج یا عمره و یا تجارت آمده باشد، لذا به یکدیگر می گویند: «امروز ما گروهی را می بینیم که پیشتر ندیده ایم، که اهل یک شهر نیستند، از بادیه نشینان هم نمی باشند، و نه شتری با آنان هست و نه مرکبی.» در همین حال که از وضع آن گروه به تردید افتاده اند، مردی از بنی مخزوم می آید، مردم را عقب می زند تا به نزد رئیسشان می رسد، می گوید: «من دیشب خواب عجیبی دیده ام که از آن ترسانم و دلم از آن لرزان است!» رئیس به او می گوید: «خوابت را تعریف کن.» و او چنین بیان می کند: «دیدم انبوهی آتش در آسمان کنده شده و آن قدر پایین آمد تا اینکه به کعبه فرود آمد، در آن نگریستم، دیدم ملخ هایی است با بال های سبز مانند چادر، مقدار زیادی دور کعبه طواف کردند، سپس به سوی مشرق و مغرب به پرواز درآمدند، به هر شهری رسیدند آن را آتش زدند، و هر دری را



ویران ساختند، پس از این خواب من دل پریشان و ترسان از جای جستم و بیدار شدم.» مردم به او می‌گویند: «همین‌ها را در خواب دیده‌ای، بیا نزد اقرع برویم، تا خوابت را تعبیر کند.» اقرع مردی از خاندان ثقیف است، نزد او می‌روند، آن مرد خوابش را تعریف می‌کند، اقرع پاسخ می‌دهد: «خواب عجیبی دیده‌ای، و البته دیشب یکی از سپاهیان خداوند بر شما وارد شده‌اند، که نمی‌توانید آنها را از خود برانید.» مردم گویند: «امروز ما چیز عجیبی دیدیم و ماجرای آن گروه را برای اقرع بیان می‌کنند.» سپس از نزد او بیرون می‌آیند و در صدد یورش بردن به آن گروه بر می‌آیند، در حالی که خداوند دل‌هایشان را از رعب و ترس آنان پر کرده است، آنگاه وقتی برای انجام آن کار با هم مشورت می‌کنند بعضی از آنان به دیگران می‌گویند: «در این کار عجله نکنید زیرا که این گروه هنوز عمل ناشایستی نسبت به شما مرتکب نشده‌اند و خلافی آشکار نکرده‌اند، و شاید یکی از آنان منسوب به یکی از قبایل شما باشد، پس چنانچه شری از ایشان برایتان معلوم گشت، آن وقت شما دانید و آنها از این گذشته ما این گروه را اهل عبادت می‌بینیم، و آثار خوبی در چهره‌شان مشاهده می‌کنیم، و ایشان در حرم خدای تعالی هستند، که هر کس را به آن داخل گشت روانیست به او صدمه بزنند مگر اینکه خلافی از او صادر شود که موجب جنگیدن با ایشان گردد.»

در اینجا مخزومی - که رئیس و رهبر آنهاست - می‌گوید: «ما ایمن نیستم از اینکه اینان نیروی کمکی در پشت سر نداشته باشند، که چون به ایشان پیوندند مقصودشان آشکار گردد و کارشان بالا بگیرد، پس حالا که شمارشان اندک و در دیار غربت هستند، آنان را سرکوب کنید، پیش از آنکه نیروی کمکی آنها برسد. چون اینها به مکه نیامده‌اند، مگر برای اینکه در آتیۀ نزدیک جریان مهمی داشته باشند، و من تعبیر خواب دوست شما را جز حق نمی‌دانم، بنابراین تا می‌توانید شهرتان را از آنان خالی کنید.» کسی از میان مردم می‌گوید: «اگر کسانی که به اینان ملحق خواهند شد، همانند همین‌ها باشند، ترسی از

ایشان برایشان نیست، زیرا که نه اسلحه‌ای با خود دارند و نه مرکب‌های سواری، و نه پناهگاه و دژی که به آن پناه برند، اینها جمعی هستند غریب، که چیره شدن بر آنان سهل و آسان است. و چنانچه لشکری برای آنان آمد بپا خواهید خاست و هم اینان و هم آنان را همچون آب خوردنی که به تشنه لبی داده شود همه را از پای در می‌آورید.»

پس پیوسته چنین حرف‌هایی را می‌زنند، تا اینکه شب دامن خویش را بر مردم می‌گستراند، سپس خداوند خواب را بر گوش‌ها و چشمهایشان مستولی می‌نماید، و پس از جدا شدنشان از یکدیگر جمع نخواهند شد، تا آنکه حضرت قائم عجل الله فرجه قیام نماید، البته با یکدیگر ملاقات می‌کنند، انگار که از یک پدر و مادر هستند، و اگر از هم جدا شوند شب‌هنگام و باز روز با هم ملاقات خواهند داشت. پس تأویل این آیه: [پس به کارهای نیک سبقت گیرید هر کجا باشید خداوند شما را خواهد آورد.] به وقوع خواهد پیوست.»

ابوبصیر گوید: «عرضه داشتم فدایت کردم! آیا در آن هنگام جز آنها هیچ مؤمن بر روی زمین نیست؟»

حضرت فرمودند: «چرا، ولی اینها جمعی هستند که با پیدایششان، خداوند حضرت قائم عجل الله فرجه را ظاهر خواهد کرد، و اینان نجباء و قضات و حکام و فقهای در دین می‌باشند، دلها و پیشانی‌شان مسخ می‌گردد پس هیچ حکمی برایشان مشتبه نخواهد شد.»

ابوبصیر گوید: «در سال بعد خدمت امام صادق عجل الله فرجه شرفیاب شدم و به آن حضرت گفتم: «جریان آن مرابط سیاحتگر چیست؟»

حضرت فرمودند: «او مردی از دهقان زادگان اهل اصفهان است، عمودی دارد که وزن آن هفتاد من می‌باشد، هنگامی که می‌خواهد از شهرش بیرون برود و در جستجوی حق برآید کسی جز او آن عمود را نمی‌تواند حمل کند، پس هیچ مخالفی را در خلوت نیابد، جز اینکه شرش را کم کند، سپس او به طازبند می‌رسد، و او حاکم بین اهل اسلام و کفر

خواهد بود. پس در آنجا یکی از ناصبیان که به امیرالمؤمنین علیه السلام دشنام می دهد را به هلاکت می رساند، و در همانجا می ماند تا اینکه برای یاری حضرت قائم علیه السلام برده می شود.

و اما آن گردش کننده برای طلب حق: مردی از اهل یخشب است که حدیث را نگاشته و اختلاف بین مردم را دانست، که پیوسته به شهرها و بلاد می رود و دانش می طلبد تا طالب حق را پیدا کند و همواره چنین خواهد بود، تا اینکه در حال رفتن از موصل به رها دستور به او می رسد، که می رود تا به به مکه وارد شود.

و اما آنکه از عشیره اش فرار کرده در بلخ: مردی از اهل معرفت که پیوسته امر خود را آشکار می سازد و مردم و قوم و عشیره اش را دعوت به آن می نماید، تا آنگاه که از آنان فرار می کند و به اهواز می رود، در یکی از روستاهای آن اقامت می کند، تا امر خداوند به او می رسد، که از آنان می گریزد.

و اما آنکه احتجاج کننده به کتاب خدا بر ناصبی از سرخس: مرد عارفی است که خداوند شناخت قرآن را به او الهام می کند، که هر کی از مخالفین را ببیند با او بحث می نماید، و امر ما را از کتاب خداوند ثابت می کند.

و آن سکوت کننده در صقلیه: مردی از رومیان است، از قریه ای که آن را «قریه مسلم» می نامند، از روم بیرون می رود، و پیوسته در بلاد اسلام در پی یافتن حق از شهری به شهری، و از روستایی به روستای دیگر، و از مرزی به مرز دیگر می گذرد، تا اینکه خداوند به شناخت این امر که شما اهل آن هستید، بر او منت می گذارد، و چون آن را شناخت و یقین کرد، اصحابش نیز یقین کنند، آنگاه به صقلیه داخل می شود و به عبادت خداوند اشتغال می ورزد، تا وقتی که صدای مخصوص را بشنود که اجابت می کند.

و اما آن دو تن از شعب به سروانیه می گریزند: یکی از آنان اهل مدائن عراق است، دیگری از حبایا، به سوی مکه خارج می شوند و پیوسته در آن به تجارت می پردازند، تا

آنکه به جایی گذرشان می افتد که آن را شعب می خوانند، پس به آنسوی روانه می شوند و مدتی در آنجا بسر می برند، و چون اهل شعب آن دو را بشناسند، آزارشان دهند. و بسیاری از کارهایشان را خراب کنند، پس یکی از ایشان به دیگری گوید: «ای برادر ما در شهر خودمان آزار دیدیم تا از اهل مکه جدا گشتیم، سپس به شعب آمدیم، و حالا می بینیم اینان علیه ما از اهل مکه سخت ترند و کار را به اینجا رسانده اند، پس خوب است در شهرها بگردیم تا امر [و قضای] الهی فرارسد، یا عدالت و فتح و پیروزی، و یا مرگ راحت کننده از دنیا.» آنگاه از آنجا می گریزند و به برقع می روند، و سپس مهیا شده و به سردانیه کوچ می کنند، و پیوسته در آنجا خواهند ماند، تا آن شب که امر قائم ﷺ ما فرارسد.

و امّا آن دو تاجری که از عانه به انطاکیه روند: که یکی از آنها را مسلم و دیگری را سلیم گویند و غلام عجمی دارند به نام سلمونه، همگی با جمعی از تجّار به قصد انطاکیه بیرون می روند، و چون به نزدیکی آن می رسند آن صدا را می شنوند، پس به آن گوش می دهند و توجه می کنند، گویی جز به آن که دعوت شده اند چیزی دیگری نمی شناسند، و تجارت هایشان را فراموش می کنند. همراهانشان صبح به انطاکیه داخل می شوند و ایشان را نمی یابند، پس به جستجوی آنان می پردازند و از مردم راجع به ایشان می پرسند ولی هیچ اثری نمی یابند و هیچ خبری به دست نمی آورند، آنگاه از هم می پرسند، «کسی منزلشان را می داند؟» بعضی از آنان می گویند: «بله»، سپس کالاهای تجارتی آنها را می فروشند و به خانواده های ایشان حمل می کنند و اموالشان را تقسیم می کنند، پس از شش ماه بیشتر نمی شود که پیشاپیش سپاهیان حضرت قائم ﷺ به نزد خاندان خود باز می گردند، انگار اصلاً از آنها جدا نشده اند.

و امّا پناهندگان به روم از مسلمین: قومی هستند که آزار سختی از همسایگان و خویشاوندان و بستگان و از زمامداران به آنها می رسد، پیوسته چنین باشند تا اینکه به

نزد پادشاه روم می‌روند و جریان خویش را باز می‌رسد، و آزارها و ناراحتی‌ها که از سوی بستگان و همکیشان خود را می‌بینند بیان می‌کنند، پس او به آنان امان می‌دهد، و قطعه زمینی از سرزمین قسطنطنیه را در اختیارشان می‌گذارد، که در آنجا به سر می‌برند، تا آنگاه که آن شب فرارسد که آنان را شبانه می‌برند، همسایگان و ساکنان زمینی که در آن بوده‌اند صبح آنان را نمی‌یابند، به جستجوی ایشان می‌پردازند، و هیچ اثر و خبری از آنان به دست نمی‌آورند، در این هنگام به پادشاه روم ماجرای مفقود شدنشان را گزارش می‌دهد. پادشاه دستور می‌دهد جریان پیگیری شود و از آنان خبری بدست آید، ولی هیچکس خبری از آنها نمی‌آورد. طاغوت روم به شدت از این قضیه غمناک می‌گردد و همسایگان آنان را مؤاخذه و زندانی می‌کند و به احضار ایشان الزام می‌نماید و می‌گوید: «با گروهی که من به آنان امان دادم و احسان نمودم چه کردید؟» و آنها را تهدید می‌کند که اگر ایشان را نیاورند و خبرشان را باز نگویند، آنها را خواهد کشت. پیوسته مردمان اهل مملکت او در اذیت و مؤاخذه قرار گیرند، و تحت تعقیب و زندانی و اعدام می‌شوند، تا اینکه راهبی اهل مطالعه جریان را می‌شنود، به کسانی که واقعه را برایش شرح داده‌اند می‌گوید: «بر روی زمین جز من و مردی از یهود بابل هیچکس نمانده که قضیه ایشان را بداند، ولی هرچه می‌پرسد، احوال آنها چیست؟ جواب نمی‌دهد، این خبر به طاغوت روم می‌رسد، فرمان می‌دهد راهب را احضار کنند، و چون راهب نزد پادشاه می‌رسد، پادشاه به او گوید: «آنچه گفته‌ای به من رسیده و تو می‌بینی که در چه وضعی هستم، به من راست را بگو تا کشندگانشان را به قتل برسانم و بیگناهان از اتهام از ناراحتی خلاص شوند.» راهب گوید: «ای پادشاه عجله مکن و بر آن گروه غمگین مباش که کشته نشده و نمرده‌اند، و حادثه‌ای که مایه ناراحتی شاه باشد بر آنان وارد نشده، و در مورد آنها جای نگرانی نیست و سوء قصدی نسبت به ایشان پیش نیامده که شاه را ناخوش آید، و اینان گروهی هستند، که از سرزمین این پادشاه به مکه

برده شده‌اند، به نزد پادشاه امت‌ها، که اوست آن بزرگترین زمامداری که پیوسته پیغمبران به او مزده می‌دادند و از او سخن می‌گفتند و ظهور و عدل و داد و احسانش را وعده می‌دادند.» پادشاه به او گوید: «این را از کجا می‌گویی؟» گوید: «جز حقیقت نگفته‌ام، و به راستی که این مطلب نزد من در کتاب هست که پانصد سال بر آن گذشته، علما یکی پس از دیگری آن را به ارث گرفته‌اند.» پادشاه گوید: «اگر آنچه گفتی حقیقت دارد و راست گفته‌ای پس آن کتاب را حاضر کن.» پس راهب می‌رود تا کتاب را بیاورد و پادشاه افراد مورد وثوقی همراه وی می‌فرستد، که به زودی کتاب را می‌آورد و آن را می‌خواهد که در آن وصف حضرت قائم علیه السلام و نام آن جناب و نام پدرش نوشته شده و تعداد یارانش و خروج ایشان قید گردیده، و اینکه بر کشور او نیز چیره خواهند شد.

پادشاه به او گوید: «وای بر تو، چرا تا به امروز این مطلب را به من نگفتی؟» گوید: «چنانچه ترس از این نبود که پادشاه دستش را به خون بی‌گناهان بیالاید این حقیقت را برایش نمی‌گفتم تا اینکه به چشم خود بیند.» پادشاه می‌پرسد: «آیا من او را خواهم دید؟» راهب گوید: «آری، سال نمی‌گذرد تا اینکه اسبهایش در دل کشورت نفوذ کنند و این افراد بر مذهب شما دلالت کنند، و شیوه شما را باز گویند.» پادشاه گوید: «آیا کسانی را نفرستم که خبری از ایشان بیاورد، یا نامه‌ای برایشان بنویسم؟» راهب گوید: «تو از اصحاب آن جناب شوی که کار را به او واگذاری و تسلیم شوی، و از او پیروی خواهی کرد و چون بمیری مردی از اصحاب او بر تو نماز خواهد گذارد.»

و آنان که در سرانندیب و سمندار فرود آیند: چهار مرد از تجار اهل فارس هستند، که از تجارت‌هایشان بیرون رفته و در سرانندیب و سمندار سکونت می‌کنند تا اینکه صدا را می‌شنوند و به سوی آن روان می‌شوند.

و آنکه از روی مرکبش در ساقطه مفقود می‌گردد: مردی از نژاد یهود اصفهان است، از ساقطه با کاروانی بیرون می‌رود، در آن اثنا که در کشتی سوار هستند و در دل شب ندا

بلند می‌شوند، که او از مرکب بیرون می‌رود. بر قطعه زمینی که از آهن سخت‌تر و از ابریشم نرم‌تر است، ناخدا به سراغش می‌آید و چون او را میان آب می‌بیند فریاد می‌زند: «کمک کنید که دوست شما غرق شد.» ولی آن مرد پاسخ می‌دهد: «نترس بر من باکی نیست من بر روی زمین سختی هستم. پس میان ایشان با او جدایی می‌افتد، و زمین برایش باز می‌شود که به دوستانش ملحق می‌گردد و هیچ کدام از ایشان تأخیر نخواهند کرد.»

اما آنکه در طازبند شرقی است: بندار بن احمد بن سبکه می‌باشد که «بازان» خوانده می‌شود، و اوست سیاح مرابط.

و از اهل شام دو مرد: که ایشان را ابراهیم بن صباح، و یوسف بن جریا گویند، که یوسف عطاری از اهل دمشق است، و ابراهیم، قصابی از روستای صویقان می‌باشد. و از ضامغان: احمد بن عمر خیاط از ساکنان بزبغ و علی بن عبدالصمد تاجر از سکنه بحارین.

و از اهل سراف: سلم کوسج بزّار ساکن درباغ. و خالد بن سعید بن کریم، دهقان و کلب ناهد، کلیب شاهد، از دانشاه.

از مرو رود: لفاق و جوز مولی خصیب.

از مرو: دوازده تن که عبارتند از: ۱- بندار بن خلیل عطار ۲- محمد بن عمر صیدانی ۳- عرب بن عبدالله بن کامل ۴- مولی قحطبه ۵- سعد رومی ۶- صالح بن دجال ۷- کردوس ازدی ۸- دهیم بن جابر بن حمید ۹- طاشف بن علی قاجانی ۱۰- قرعان بن صدید ۱۱- جابر بن علی احمر ۱۲- جوشب بن جریر.

از بیروت ۹ مرد: ۱- زیاد بن عبدالرحمن بن حجدب ۲- عباس بن فضل بن قارب ۳- اسحاق بن سلیمان حناط ۴- علی بن خالد ۵- سلام بن سلیم بن فرات بزّار ۶- محمونه بن عبدالرحمن بن علی ۷- جریر بن رستم بن سعد کیشاتی ۸- حرب بن صالح ۹- عمارة

بن عمر.

از طوس چهار مرد: ۱- شعرد بن حمران ۲- موسی بن مهدی ۳- سلیمان بن طبعه ۴- علی بن السندي صيرفي.

و از غاریات: ۱- شاکر بن حمزه ۲- علی بن کلثوم از ساکنان جایی که باب الجبل خوانده می شود.

از طالقان بیست و چهار مرد: ۱- آنکه معروف به ابن الرّازی جبلی است ۲- عبدالله بن عمیر ۳- ابراهیم بن عمرو ۴- سهل بن رزق الله ۵- جبرئیل حدّاد ۶- علی بن علی وراق ۷- عبادة بن جمهور ۸- محمد بن جيهاد ۹- زکریا بن حبسه ۱۰- بهرام بن سرح ۱۱- جمیل بن علمر بن خالد ۱۲- کثیر مولى جریر ۱۳- عبدالله بن قرط بن سلام ۱۴- فزارة بن بهرام ۱۵- معاذ بن سالم بن خلیل تمّار ۱۶- حمید بن ابراهیم بن جمعه فزّاز ۱۷- عقبه بن فنة بن ربيع ۱۸- حمزة بن عباس بن جناده از دارالرزق ۱۹- کائن بن جنید صایع ۲۰- علقمة بن مدرک ۲۱- مروان بن جمیل بن دزقا ۲۲- ظهور مولى زرارة بن ابراهیم ۲۳- جمهور بن الحسين زجاج ۲۴- ریّاش بن سعد بن نعیم.

از سجستان: ۱- خلیل بن نصر از اهل زنگبار ۲- ترک بن شبه ۳- ابراهیم بن علی از غور ۴- مجیع بن جریوز ۲- شاهد بن بندار ۳- داوود بن جریر ۴- خالد بن عیسی ۵- زیاد بن صالح ۶- موسی بن جریوز ۷- عرف طویل ۸- ابن کرد

از نیشابور هفده مرد: ۱- سمعان بن فاخر ۲- ابولبابه بن مدرک ۳- ابراهیم بن یوسف قیصر ۴- مالک بن حرب بن سکین ۵- ذرود بن سوکن ۶- یحیی بن خالد ۷- معاذ بن جبرائیل ۸- احمد بن عمر بن نفده ۹- عیسی ابن موسی سواق ۱۰- یزید بن درست ۱۱- محمد بن حماد بن شیث ۱۲- جعفر بن طرخان ۱۳- علان ماهویه ۱۴- ابو مریم ۱۵- عمر بن عمیر بن مطرف ۱۶- بلیل بن هائل بن هو مرد یار. ۱۷- معاذ بن هانی.

از هرات دوازده مرد: ۱- سعید بن عثمان وراق ۲- ما سحر بن عبدالله نبیل ۳- غلام



کندی، ۴- سمعان قصاب ۵- هارون بن عمران ۶- صالح بن جریر، ۷- مارک بن معمر بن خالد ۸- عبدالاعلی بن ابراهیم عبده ۹- نزل بن حزم ۱۰- صالح بن هیشم ۱۱- آدم بن علی ۱۲- خالد قواس.

از اهل بوسخ چهار مرد: ۱- ظاهر بن محمد ظاهر معروف به اصلح ۲- طلحة بن طلحه سائح ۳- حسن بن حسن بن مسمار ۴- عمر بن هشام.

از ری هفت مرد: ۱- اسرائیل قطان ۲- علی بن جعفر بن حواذر ۳- عثمان بن علی بن درخت ۴- مسکان بن جبلة بن مقاتل ۵- کرد بن شیبان ۶- حمدان بن کر ۷- سلیمان بن دیلمی.

او طبرستان چهار مرد: ۱- خوشا بن کردم ۲- بهرام بن علی ۳- عباس بن هاشم ۴- عبدالله بن یحیی.

از قم هیجده مرد: ۱- غسان بن محمد غسان ۲- علی بن احمد ۳- مرثیة بن نعیم ۴- یعقوب بن بلال ۵- عمر ابن خالد بن کلیب ۶- سهل بن عبی بن صاعد ۷- عبد العظیم بن عبدالله بن شاه ۸- حسکه بن هاشم به دایه ۹- اخصو بن محمد ۱۰- اسمائیل بن نعیم ۱۱- بلیل بن مالک بن سعد طلحه ۱۲- جعفر بن احمد بن حریر ۱۳- موسی بن عمران بن لاحق ۱۴- عباس بن زمر بن سلیم ۱۵- حرید بن بشر بن بشیر ۱۶- مروان بن علابة بن جرید معروف به ابن رأس الزرق ۱۷- صغر اسحاق بن ابراهیم ۱۸- کامل بن هشام. [ از قومس دو مرد: ۱- محمد بن احمد بن ابی اشعب ۲- علاء بن حمویه بن صدقه از قریة حزقان.

از گرگان دوازده مرد: ۱- احمد بن هرقد بن عبدالله ۲- وزرارة بن جعفر ۳- حسین بن علی بن مَطَر ۴- حمید بن ناقح ۵- محمد بن محوته ۶- علاء بن حمید بن جعفر بن عبد ۷- ابراهیم اسحاق بن عمرو ۸- علی بن علقمة بن محمود ۹- سلمان بن یعقوب ۱۰- عریان بن خفان ملقب به حال روّ ۱۱- شعبه بن علی ۱۲- موسی بن کردویه.

اسماء حضرت در آیات قرآن کریم ..... ۷۰

از موقان یک مرد: عبید الله بن محمد بن ماجور.

از سند دو مرد: ۱- شباب بن عباس بن محمد ۲- نَفْطَر بن منصور معروف به نافشت.

از همدان چهار مرد: ۱- هارون بن عمر بن خالد ۲- طیفور بن محمد بن طیفور ۳- ابان بن محمد بن ضحاک ۴- عتاب بن مالک بن جمهور.

از جاروان سه مرد: ۱- کرد بن حنیف ۲- عاصم بن خلیل خیاط ۳- زیاد بن زرین.  
از شوری یک مرد: لقیط بن فرات.

از اهل خلاط: وهب بن حزنید بن سروین.

از تفلیس پنج مرد: ۱- حجد بن الزيت ۲- هانی عطاردی ۳- جواد بن بدر ۳- سلیم بن وحید ۴- فضل بن عمیر.

از باب الابواب: جعفر بن عبدالرحمن

از سنجار چهار مرد: ۱- عبید الله بن زریق، ۲- شحم بن مطر، ۳- هبة الله صدوقه، و ۴- هبل بن کامل.

از قالی قلا: لا کردوس بن جابر.

از تمیشاط: موسی بن زرقان.

از نصیبین دو مرد: داود بن المحق ۲- حامد بن صاحب البواری.

از موصل: مردی که او را سلیمان بن صبیح گویند، از روستای الحدیثه.

از یلمورق دو مرد: ۱- سعد بن سحیر ۲- احمد بن حمید بن سوار.

از بلد: مردی که او را بور بن زاید بن ثوران می خوانند.

وازرها: مردی که او را کامل بن عفیر می گویند.

وازحراق: ذکریا سعدی.

وازترافعه ۳ مرد: ۱- احمد بن سلیمان بن سلیم ۲- نوفل بن عمر ۳- اشعث بن مال.

از رابعه ۲ مرد: ۱- عیاض بن عاصم بن سمره بن حجش ۲- ملیح بن اسعد.

- ۷۱..... شهاب الثاقب
- از حلب چهار مرد: ۱- یونس بن یوسف ۲- حمید بن قیس ۳- سهیم بن مدرک بن علی بن حرب بن صالح بن میمون ۴- مهدی بن هندبن طارد.
- از دمشق سه مرد: ۱- نوح بن جریر ۲- شعیب بن موسی ۳- حجر بن عبیدالله فزاری.
- از فلسطین: سوید بن یحیی.
- از بعلبک: منزل بن عمران.
- از طبریه: معاذبن معاذ.
- از یافا: صالح بن هارون.
- از قومس: ۱- ریاب بن جلده ۲- جلیل بن سیّد.
- از تیس دو مرد: ۱- یونس بن الصقر ۲- احمد بن مسلم بن مسلم.
- از دمياط: علی بن زائده.
- از اسوار: حماد بن جمهور.
- از فسطاط چهار مرد: ۱- نصر بن الحواس ۲- علی بن موسی فزاری ۳- ابراهیم بن صفیره ۴- یحیی بن نعیم.
- از قیروان: ۱- علی بن موسی بن شیخ ۲- عنبره بن قرطه.
- از باغه: شرحیل سعدی.
- از تلبیس: علی بن معاذ.
- از بالس: حمام بن فرات.
- از صنعاء: ۱- فیاض بن ضرار بن ثروان ۲- میسرة بن عنذرین مبارک.
- از مازن: عبدالکریم بن غندر.
- از طرابلس: ذنور بن عبدة بن علقمة.
- از ایله دو مرد: ۱- یحیی بن بویل ۲- حواشة بن الفضل.
- از وادی القرى: حربن ذرقان.

از خیبر: مردی که او را سلمان بن داوود خوانند.

از زیدار: طلحة بن سعید بن بهرام.

از جار: حارث بن میمون.

از مدینه دو مرد: ۱- حمزة بن طاهر ۲- شرحبیل بن جمیل.

از زبده: حماد بن محمد بن ابی نصر.

از کوفه چهارده مرد: ۱- ربیعة بن علی بن صالح ۲- تمیم بن عباس بن اسد ۳- عصرخ بن

عیسی ۴- مطرف بن عمر کندی ۵- هارونه بن صالح بن میثم ۶- وکایا بن سعد ۷- محمد

بن روایة ۸- حروب بن عبدالله بن ساسان ۹- عودة اعلم ۱۰- خالد بن عبدالقدوس ۱۱-

ابراهیم بن مسعود بن عبدالحمید ۱۲- بکیر بن سعد بن خالد ۱۳- احمد بن ریحان بن

حارث ۱۴- غرشا اهدانی.

از قلزم: ۱- رحبة بن عمرو ۲- شیبب بن عبدالله.

از حیره: بکر بن عبدالله بن عبدلواحد.

از کورثا: حفص بن مروان.

از طاهی: ۱- جیاب بن سعد ۲- صالح بن طیفور.

از اهواز: ۱- عیسی بن تمام ۲- جعفر بن سعید ناینبایی که نایبنا خواهد شد.

از سلم: علقمة بن ابراهیم.

از اصطفر: ۱- متوکل بن عبیدالله ۲- هشام بن فاخر.

از مولیان: حیدر بن ابراهیم.

از نیل: شاکر بن عبده.

از قندایل: عمرو بن فروه.

از مدائن هشت نفر: ۱ و ۲ دو برادر صالح محمد و احمد فرزندان منذر ۳- میمون بن

حارث ۴- معاذ بن علی بن معروف بن عبدالله ۵- حارس بن سعید ۶- زهیر بن طلحه ۷-

نصر ۸ - منصور.

از عکبرا: زائده بن هبه.

از حلوان: ۱- ماهان بن کبتر ۲- ابراهیم بن محمد.

از بصره: عبدالرحمن بن اعطف بن سعد ۲- حماد بن جابر.

و اصحاب کهف: کمسکمینا و یارانش.

پناهندگان به روم [[توضیحشان گفته شد]] یازده مردند: ۱- صهیب بن عباس ۲- جعفر

بن حلال ۳- ضرار بن سعید ۴- حمید قدوس نازی ۵- منادی ۶- مالک بن خلید ۷- بکیر

بن حرّ ۸- حبیب بن حنان ۹- جابر بن سفیان ۱۰- جعفر بن زکریا ۱۱- دانیال بن داود.

و آنان که در مندرا ۴- مردند: ۱- حوزین طرحان ۲- سعید بن علی ۳- شاه بن برزح ۴-

حر بن جمیل.

و آن دو که به نزدیک هم شود گریزند: ۱- سری بن اغلب ۲- زیاده الله بن زرق الله عقبه.

و آنانکه در مقلیه رحل اقامت افکند: ابو داود شعشاع.

گردش کننده برای یافتن حق از یحشش: عبدالله بن صاعد بن عقبه.

و آنکه از بلخ از عشیراش فرار می کند: اوس بن محمد

و آنکه بوسیله کتاب خدا بر ناصبی احتجاج کند از سرخس: نجم بن عقبه بن داود.

از فرغانه: از دجاه بن وابص.

از برّیه: ۱- صخر بن عبدالصمد قبایلی ۲- یزید بن فاجر»

«و اینها سیصد و سیزده نفرند به شما راهل بدر»<sup>(۱)</sup>

## اما ادامه بحث درباره لقب جمعه:

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ»<sup>(۱)</sup>

«همان خداوند که آسمان و زمین را و آنچه را میان این دو وجود داشت در شش روز آفرید.»

این شش روز همان شش روز اول هر هفته یعنی شنبه، یکشنبه، دوشنبه، سهشنبه، چهارشنبه، پنجشنبه می باشد.

و در آیه دیگر می فرماید: «وَيَوْمَ جَمْعَانِ»<sup>(۲)</sup> یعنی جمع کردیم آن شش روز را در یک روز.

جمعه نیز از ریشه جَمَعَ به معنی جمع شده می باشد.

حضرت امام رضا علیه السلام می فرماید:

«باطن ایام این است،

شنبه! جدّ من رسول خدا صلی الله علیه و آله

یکشنبه! امیرالمؤمنین علیه السلام

دوشنبه! امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام

سهشنبه! علی بن حسین علیه السلام و محمد بن علی علیه السلام و جعفر بن محمد علیه السلام

چهارشنبه! موسی بن جعفر علیه السلام و علی بن موسی علیه السلام و محمد بن علی علیه السلام و علی بن محمد علیه السلام

پنجشنبه! حسن بن علی علیه السلام

جمعه! آن کسی است که جمع می کند کلمه ها را، یعنی دین ها یک دین

می شود و تمام می کند به او خداوند نعمت را، حق را ثابت و ظاهر می کند  
و باطن را محو می کند»<sup>(۱)</sup>

هر یک از ایام هفته متعلق به یکی از ائمه علیهم السلام است. و همان گونه که تمام شش روز در  
یک روز به نام جمعه، جمع شده، پس تمام صاحبان این شش روز هم در صاحب روز  
جمعه، یعنی ولی عصر علیه السلام جمع شده است. فَأَفْهَمُ  
خداوند در قرآن می فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ  
اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ»<sup>(۲)</sup>

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، وقتی ندا زده می شود برای نماز در روز  
جمعه، بشتابید برای ذکر خدا و معامله را رها کنید.»

و در جای دیگر خداوند در قرآن می فرماید:

«لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ.»<sup>(۳)</sup>

«نبودیم ما از نمازگذاران.»

امام صادق علیه السلام در ذیل آیه می فرماید:

«مقصود این است که از پیرو آن امامانی نبودیم، که خداوند درباره آنان  
گفته و پیشروان پیشرو، آنان مقربانند<sup>(۴)</sup> تونبینی مردمی را که در مسابقه،  
آن که دنبال اسبی هستند و آن اسبی که مسابقه را برده مصلی می نامند. در  
اینجا هم از مصلی همان معنی مقصود است که فرموده: نبودیم از  
نمازگذاران نبودیم دنبال پیشروان از ائمه علیهم السلام»<sup>(۵)</sup>

۱- نجم الثاقب ص ۸۱۲

۲- سوره جمعه آیه ۹.

۳- سوره مدثر آیه ۴۳.

۴- سوره واقعه، آیه ۱۰ و ۱۱.

۵- اصول کافی جلد ۳.

می بینیم در این آیه صلاة به امام تفسیر شده، پس وقتی که آیه سورة جمعه می فرماید:

«وقتی ندا زده می شود برای نماز روز جمعه بشتابید

یعنی: وقتی ندا زده می شود برای امام روز جمعه که همان وجود مقدس

ولی عصر علیه السلام می باشد، بشتابید، به سوی ذکر خدا، که همان امام عصر علیه السلام

می باشد.»

این کمترین رارساله ای است به نام «اقامة الصلاة فی مدح الائمة الهدات» که تمام آیاتی

که در آنها کلمه صلاة آمده را به اهل بیت علیهم السلام تفسیر نموده ایم، که هنوز به حلیت صلب و اصل نشده است.

## ۱۸- جوارالکنس علیه السلام

خداوند متعال در قرآن می فرماید:

«فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنَّسِ الْجَوَّارِ الْكُنَّسِ»<sup>(۱)</sup>

«سوگند به ستارگانی که باز می گردند. حرکت می کنند و از دیده ها پنهان

می شوند.»

از امام باقر علیه السلام در ذیل آیه روایت است:

«مراد از آیه آن امامی است که غایب شود در سال ۲۶۰ هـ ق و ظاهر

شود مانند شهاب درخشان در شب تاریک.»<sup>(۲)</sup>

## ۱۹- جنب الله علیه السلام

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتِي عَلَىٰ مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ وَإِنْ كُنْتُ لَمِنَ

۲- اکمال الدین شیخ صدوق علیه السلام

۱- سورة تکویر آیه ۱۵ و ۱۶ .



### الْخَائِرِينَ»<sup>(۱)</sup>

«بترسید از روزی که هر کسی به خود می‌گوید: [وَأَحْسَرْتُ] از آن ستمهایی که بر خود روا داشتیم، اعتراف می‌کنم به راستی از مسخره کنندگان بودم.»

مرحوم میرزای نوری رحمته الله در کتاب نجم الثاقب بوسیله احادیث بسیاری جنب‌الله را به وجود ولی عصر علیه السلام تفسیر نموده است.

«تُحَسَّرُ» به معنی غم خوردن از چیزی که وقتش فوت شده باشد، به خاطر متضرر شدن انسان به صورتی که دیگر تدارکش ممکن نباشد.

«جَنْبٍ» در اصل به معنی عضو بوده، سپس به طور استعاره در سمت آن عضو استعمال کرده‌اند، چون عادتشان در سایر اعضاء هم بر این بوده است که نام او در سمت آن به نحو استعاره استعمال می‌کردند، به معنی جانب خداوند، پس امام عصر علیه السلام از جانب و ناحیه خداوند می‌باشند.

### ۲۰- نورالله علیه السلام

خداوند در قرآن می‌فرماید:

«اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلَ نُورِ نُورِهِ كَمَشْكُوتٍ فِيهَا مَصْبَاحٌ، الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ تَمَسَّهُ نَارٌ نُوْرٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ»<sup>(۲)</sup>

خداوند نور آسمانها و زمین است، مثل نور او به مشكاة ماند که در آن روشنی چراغی باشد، آن چراغ در میان شیشه‌ای، آن شیشه مانند ستاره

درخشان تلاء لو کند، از درخت مبارک زیتونی روشن باشد، که با آنکه شرقی و غربی نیست، شرق و غرب گیتی به آن فروزان است و بی آنکه آتشی زیر آن را برافروزد خود به خود جهانی را روشنی بخشد، که پرتو آن نور حقیقت بر روی نور معرفت قرار گرفته و خداوند هر که را خواهد به نور خویش هدایت فرماید و این مثلها را خداوند برای مردم می زند و خداوند به همه امور داناست.»

جابر بن عبدالله انصاری رضی الله عنه روایت می کند:

«به مسجد کوفه داخل شدم، دیدم حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام با انگشت چیزی می نویسد و تبسم می کند عرضه داشتم: «یا امیرالمؤمنین چه چیزی باعث خنده شما شده؟» حضرت فرمودند:

«شگفتم کسی که این آیه را می خواند، ولی آن طور که شایسته است به معنی آن معرفت ندارد.»

عرضه داشتم:

«کدام آیه یا امیرالمؤمنین علیه السلام؟»

فرمود: «الله نور السموات والارض و..»

سپس فرمودند:

[مشکات] محمد صلی الله علیه و آله است

[فیها مصباح] من هستم.

[فی زُجاجة] حسن علیه السلام و حسین علیه السلام می باشند.

[کائنها کوكبٌ دری] علی بن حسین علیه السلام است.

[یوقد من شجرة مباركة] محمد بن علی علیه السلام است.

[زیتونة] جعفر بن محمد علیه السلام است.

[لا شرقية] موسی بن جعفر علیه السلام است.

[لَا غَرْبِيَّةَ] [علی بن موسی الرضا علیه السلام است.

[يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ] [محمد بن علی علیه السلام است.

[وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ] [علی بن محمد علیه السلام می باشد.

[نُورٌ عَلَى نُورٍ] [حسن بن علی علیه السلام است.

[يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ] [قائم علیه السلام مهدی است.]<sup>(۱)</sup>

از امام باقر علیه السلام در ذیل آیه نقل است که فرمودند:

«[خدا نور آسمانها و زمین است مثلاً نورش به مانند مشكاة است] فانوس فاطمه علیها السلام است.

[در آن چراغی است] [حسن علیه السلام است.

[چراغی در آبگینه] [حسین علیه السلام است.

[آبگینه به مانند اختر درخشانی است] فاطمه علیها السلام اختر درخشان است میان زنهای جهان.

[از درخت با برکتی برافروزد] که ابراهیم علیه السلام است.

[زیتونه‌ای است نه شرقی و نه غربی] نه یهودی و نه ترسا.

[نزدیک است روغنش تابان شود] دانش از آن بجوشد.

[اگر چه آتشی در آن نگیرد نوری بر نوری فرازد.] امامی پس از امامی آید.

[خدا هر که را خواهد به نورش راهنمایی کند] خدا هر که را خواهد به امامان راهنمایی کند.<sup>(۲)</sup>

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا

مُبِينًا»<sup>(۳)</sup>

۲- اصول کافی، جلد ۳.

۱- سیمای حضرت مهدی در قرآن

۳- سوره نساء، آیه ۱۷۴.

«ای مردم دلیل روشنی از سوی پروردگارتان برای شما آمد و نور آشکاری به سوی شما نازل گردید.»

در ذیل آیه از امام صادق علیه السلام نقل است که فرمودند:

«نور ولایت علی بن ابیطالب علیه السلام و اولاد ایشان می باشد.»<sup>(۱)</sup>

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأَصِيَّ الَّذِي يَجِدْنَاهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَا مَرْهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَجَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»

«آنان که پیروی کنند از رسول و پیامبر امّی که در تورات و انجیلی که نزد آنان است. [ نام و اوصافش ] را نگاهشته یابند [ که آن رسول ] آنها را امر به معروف و نهی از منکر خواهد کرد و چیزهای پاکیزه را برایشان حلال و پلیدیها را حرام می سازد و یار سنگین و غل و زنجیرهایی که بر گردنشان بود از آنها بر می گیرد، پس کسانی که به او ایمان آورند و او را گرامی داشته و یاری نمایند و از آن نوری که همراه وی نازل گشته پیروی کنند، آنان همان رستگارانند.»<sup>(۲)</sup>

شخصی از امام باقر علیه السلام از استعانت مردم پرسید:

آن حضرت این آیه را تلاوت کرد و فرمود:

« [ مردم همواره مختلف خواهند بود، مگر آنکه پروردگار تو رحم فرماید و برای همین شما را آفرید ] ای ابو عبیده مردم در رسیدن به قول حق در اختلافند و همگی در معرض هلاکتند.»

راوی گوید عرضه داشتیم:

«فرموده خداوند: [مگر آن را که پروردگار تو رحم فرماید.]»

حضرت فرمودند:

«آنان شیعیان ما هستند، و برای رحمت خود شیعیان را آفریده است و همین است که فرموده: [و برای همین آنان را آفرید]. خداوند می فرماید: برای طاعت آن رحمتی که فرموده: [و رحمت من همه چیز را فرا گرفته] منظور خداوند علم امام علیه السلام است که از علم خداوند سرچشمه گرفته.»<sup>(۱)</sup>

سپس امام باقر علیه السلام می فرماید:

«[آن رحمت را برای کسانی که پرهیز می کنند خواهم نوشت.] یعنی از ولایت و اطاعت غیر امام پرهیز می کنند.»

سپس فرمودند:

«[آن را در نزد خود در تورات و انجیل نوشته می یابند] منظور او پیغمبر صلی الله علیه و آله و قائم علیه السلام است. [آنان را به معروف امر می کند] هرگاه که به پا خیزد [و از منکر ایشان را باز می دارند] منکر کسی که برتری و فضیلت امام را انکار نماید و رد کند. [و چیزهای پاکیزه را برایشان حلال می کند.] گرفتن علم از اهل آن و [پلیدی ها را بر آنان حرام می داند] گفتار مخالفین است و [و بار سنگین را از گردنشان بر می گیرد] و گناहانی است که پیش از دانستن فضیلت امام در آن بودند و [غل و زنجیرهایی که بر آن بود] غل همان حرف هایی است که می زنند در ترک فضیلت امام، در صورتی که به آن امر نشده بودند، سپس چون فضل امام را شناختند بارشان را از دوششان کنار گذاشت، آنگاه خداوند آنها را

معرفی کرد و فرمود: [ آنان که به او ایمان آورند ] یعنی به امام ایمن آورند و [ او را گرمی داشته و یاری نموده و از آن نوری که همراه وی گشته پیروی کنند، آنان همان رستگارانند ] یعنی کسانی که دوری گزیدند، از عبادات جبت و طاغوت. سپس ایشان را پاداش می دهد و می فرماید: [ برای آنان مژدگانی و بشارت در زندگی دنیا و آخرت خواهد بود ] و امام آنان را به قیام حضرت قائم علیه السلام و ظهور او و کشته شدن دشمنانش و نجات در آخرت و وارد شدن بر حضرت محمد صلی الله علیه و آله و امامان راستین علیهم السلام در کنار حوض کوثر بشارت می دهد. <sup>(۱)</sup>

امام باقر علیه السلام در ذیل آیه می فرماید:

« [بگروید به خدا و رسولش و نوری که فرو فرستاده] بخدا آن نور ائمه علیهم السلام هستند. ای اباخالد، به خدا نور امام در دل مؤمن تابنده تر است از، پرتو خورشید در روز تابان. و ائمه اند که دل مؤمنان را نورانی کنند و خدا نور آنان را از هر دلی خواهد محجوب سازد و دل آنها تاریک بماند و ظلمت آنها را فرا گیرد. » <sup>(۲)</sup>

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«يُرِيدُنَّ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ وَاللَّهُ الْوَسِيمُ  
كِرَّةَ الْكَافِرُونَ» <sup>(۳)</sup>

«می خواهند نور خدا را با پف دهانشان خاموش کنند ولی خداوند تمام کننده نور خود است، هر چند کافران را ناخوش آید.»

امام کاظم علیه السلام می فرماید:

«می خواهند ولایت علی بن ابیطالب علیه السلام را با پف دهانشان خاموش کنند.»

۱- سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص ۱۳۴.

۳- سوره توبه آیه ۳۲.

۲- اصول کافی، جلد دوم.

راوی گوید عرض کردم:

« [ خداوند تمام کننده نور خود است. ] »

« خداوند تمام کننده نور امامت است، به دلیل فرموده خداوند: [ آنانکه به خداوند و رسول او و نوری که نازل ساختیم ایمان آورند ] پس نور همان امام است. »

راوی گوید عرض کردم:

« [ اوست خدایی که رسولش را به هدایت و دین حق فرستاد. ] »

حضرت فرمودند:

« اوست خدایی که رسولش را به ولایت و صییش امر فرمود، ولایت همان دین حق است. »

عرضه داشتم:

« [ تا بر همه دین غالب گرداند. ] »

حضرت فرمودند:

« آن را بر تمام ادیان هنگام قیام حضرت قائم علیه السلام غالب سازد و خداوند فرماید: [ و خداوند تمام کننده نور خود است ] یعنی ولایت قائم علیه السلام را به مرحله تمام می‌رساند. [ هر چند کافران را خوش نیاید ] یعنی: هر چند کافران به ولایت علی علیه السلام اکراه دارند. »

عرضه داشتم:

« این تنزیل است؟ »

حضرت فرمودند:

« آری این تنزیل است و اما غیر آن تأویل می‌باشد. »<sup>(۱)</sup>

## ۲۱- نور ﷺ

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَآمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ»<sup>(۱)</sup>

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، تقوای خدا پیشه کنید و ایمان آورید به رسول او تا خدا شما را از رحمتش دو بهره نصیب فرماید و نوری که در پرتو ایمان به قرآن است به شما عطا کند، تا با آن نور راه را بیمایید و از گناه شما نیز درگذرد، که آمرزنده و مهربان است.»

امام صادق ﷺ در ذیل آیه می فرماید:

«[به شما دهد دو بهره از رحمت خود] حسن ﷺ و حسین ﷺ باشد. [نوری برای شما مقرر سازد که در پرتو آن راه بروید] امام و رهبری است که به او اقتدا کنید.»<sup>(۲)</sup>

از امام باقر ﷺ در ذیل آیه نقل است که فرمودند:

«یعنی: امامی که به او اقتدا کنید. ای اباخالد، به خدا آن نور ائمه ﷺ هستند. ای اباخالد به خدا نور امام در دل مؤمنان تابنده تر است از، پرتو خورشید در روز تابان و هم ائمه‌اند که دل مومنان را نورانی کنند و خدا نور آنان را از هر دلی بخواهد محروم می سازد تا دل آنها تاریک بماند و ظلمت آن را فراگیرد.»<sup>(۳)</sup>

خداوند در قرآن می فرماید:

«آیا کسی که مرده ما او را زنده کردیم و به او نور دادیم تا در میان مردم سرافراز رود.»<sup>(۴)</sup>

۲- اصول کافی، جلد ۲.

۱- سوره حدید، آیه ۲۸.

۴- سوره انعام، آیه ۱۳۲.

۳- اصول کافی، جلد ۳.



امام صادق علیه السلام در ذیل آیه می فرماید:

«[آیا کسی که مرده بود زنده اش کردیم] منظور از مرده، نادانی است که هیچ نفهمد. [و برای او نوری نهادیم که در میان مردم راه رود] امامی است که از او پیروی کند، [مانند کسی است که در ظلمت قرار گرفته و نتواند از آن به در آید.] مقصود از کسی که در ظلمت قرار گرفته کسی است، که نتواند امام را بشناسد.»<sup>(۱)</sup>

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«فَأْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ»<sup>(۲)</sup>

«پس ایمان بیاورید به خدا و نوری که نازل کردیم، که خدا به هر چه کنید آگاه است.»

امام باقر علیه السلام در ذیل آیه می فرماید:

«ای اباخالد! منظور از نور، نور ائمه علیهم السلام از خاندان محمد صلی الله علیه و آله است تا روز قیامت هم ایشانند به نور خدا که فرو فرستاده و هم آنانند به خدا، نور خدا در آسمان و زمین. به خدا ای اباخالد: نور امام در دل مؤمنان از پرتو خورشید تابان، در روز روشن تر است. به خدا آنها دل مؤمنان را نورانی می کنند و خدای عزوجل نورشان را از هر که خواهد محجوب کند تا دلشان تاریک گردد. بخدا ای اباخالد! ما را دوست ندارد و پیروی نکند تا خدا دلش را پاک کند و خدا دل بنده ای را پاک نکند تا تسلیم ما شود. با ما در سازش و صفا باشد و چون نسبت به ما در صلح و صفا باشد، خدا او را در سختی حساب سالم دارد و از عذاب روز قیامت آسوده اش کند.»<sup>(۳)</sup>

۲- سوره تغابن، آیه ۸.

۱- اصول کافی، جلد ۲.

۳- اصول کافی، جلد ۳.

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

«يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ...»<sup>(۱)</sup>

«ای رسول ما یادآور روزی را که مردان و زنان مؤمن شعشۀ نورشان

پیش رو و سمت راست آنها بشتابند.»

امام صادق علیه السلام در ذیل آیه می‌فرماید:

«ائمه مؤمنان در روز قیامت می‌شتابند، از جلوی مؤمنان و در سمت

راست آنها تا آنها را در منزلگاه بهشتی خودشان فرود آرند، و جای

دهند.»<sup>(۲)</sup>

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

«يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ

كَرِهَ الْكَافِرُونَ»<sup>(۳)</sup>

«می‌خواهند نور خدا را با پف‌های دهان خود خاموش کنند و خدا

نمی‌گذارد و دست بر نمی‌دارد، تا آنکه نور خود را به تمام برساند، هر

چند کافران کراحت داشته باشند.»

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در ذیل آیه می‌فرماید:

«خداوند تمام می‌کند نور خود را به قائم علیه السلام.»<sup>(۴)</sup>

## ۲۲- نصر علیه السلام

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

«ثَانِي عَطْفِهِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَنُذِيقُهُ يَوْمَ

۱- سوره حدید، آیه ۱۲..

۲- اصول کافی، جلد ۲.

۳- سوره توبه، آیه ۳۲.

۴- نجم الثاقب، ص ۱۲۲.

### الْقِيَامَةِ عَذَابَ الْحَرِيقِ»<sup>(۱)</sup>

«به کسانی که با آنها نبرد می‌شود، اجازه جنگ داده شده به خاطر اینکه به آنها ستم شده و خداوند به یاری آنان تواناست.»  
اما باقر علیه السلام در ذیل آیه می‌فرماید:

«درباره حضرت قائم علیه السلام و اصحاب اوست.»<sup>(۲)</sup>

امام صادق علیه السلام در ذیل آیه می‌فرماید:

«اهل سنت می‌گویند: این آیه درباره پیغمبر صلی الله علیه و آله نازل شده هنگامی که کفار قریش آن حضرت را از مکه بیرون کردند و حال آنکه او قائم علیه السلام است، که چون خروج کند برای حسین علیه السلام خونخواهی نماید و این است فرمایش او: (که ما اولیاء خون و طالبان دیه هستیم.)»<sup>(۳)</sup>

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

«الَّذِينَ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَاللَّهُ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ»<sup>(۴)</sup>

«کسانی که اگر در زمین به آنها توانایی دهیم، نماز را به پا دارند و زکاة بخشیده و به معروف امر نموده و از منکر نهی کنند و عاقبت کارها به دست خداست.»

امام باقر علیه السلام در ذیل آیه می‌فرماید:

«این برای آل محمد صلی الله علیه و آله، مهدی علیه السلام و اصحاب اوست، خداوند مشارق و مغارب زمین را به دست آنها درآورد، و دین را آشکار سازد و خداوند متعال بوسیله او بدعت‌ها و باطل‌ها را از بین ببرد، او همچنان حق را جلو

۱- سوره حج، آیه ۹. ۲- سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص ۲۵۵.

۳- سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص ۲۵۴.

۴- سوره حج، آیه ۴۱.

می برد تا جایی که اثری از ظلم دیده نشود. امر به معروف و نهی از منکر خواهد شد. و آخر کارها به دست خداست. «<sup>(۱)</sup>

خداوند در قرآن می فرماید:

«حَتَّىٰ إِذَا اسْتَيْأَسَ الرُّسُلُ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِّبُوا جَاءَهُمْ نَصْرُنَا فَنُجِّيَ  
مَنْ نَشَاءُ وَلَا يُرَدُّ بَأْسُنَا عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ»<sup>(۲)</sup>

«تا آنجا که رسولان مأیوس شدند و گمان کردند (حتی افراد اندک مؤمن) نیز به آنان دروغ گفته اند، در آن حال یاری ما به سراغشان آمد.»

امام صادق علیه السلام در ذیل آیه می فرماید:

«شخصی خدمت امیرالمؤمنین علیه السلام شرفیاب شد و از طولانی شدن دولت جور و ستم شکایت کرد.

امیرالمؤمنین علیه السلام به او فرمودند:

به خدا سوگند! آنچه را آرزو دارید نخواهد شد، تا اینکه باطل جویان هلاک شوند و جاهلان از میان بروند و متقیان - که اندک هستند - در امان گردند، تا جایی که احدی از شماها جای پای برای خودش نخواهد یافت و تا آنجا که شما در نظر مردم از مردار در چشم صاحبش نیز بی ارزش تر خواهید شد و همانطور که شما در آن حال هستید، یاری خداوند و پیروزی او بیاید و این است، فرموده پروردگار من در کتابش تا آنجا که رسولان مأیوس شوند و گمان کنند حتی افراد اندک مؤمن نیز به آنها دروغ گفته اند، در آن حال یاری ما به سراغشان می آید. «<sup>(۳)</sup>

۱- سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص ۲۵۵.

۲- سوره یوسف، آیه ۱۱۰. ۳- سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص ۱۸۷.

## ۲۳- نور آل محمد ﷺ

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ»<sup>(۱)</sup>

«کافران می خواهند که نور خدا را با پف خاموش کنند و البته خدا نور خود را هر چند کافران خوش ندارند، تمام خواهد کرد.»

امام صادق علیه السلام در ذیل آیه می فرماید:

«نور خداوند آل محمد صلوات الله عليهم است [والله مُتِمُّ نُورِهِ] بولایت قائم علیه السلام و به ظهور آن جناب.»<sup>(۲)</sup>

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا»<sup>(۳)</sup>

«و زمین به نور پرورش دهندداهش روشن می شود.»

امام صادق علیه السلام در ذیل آیه می فرماید:

«مراد روشن شدن زمین به نور مهدی علیه السلام است.»<sup>(۴)</sup>

## ۲۴- نباء علیه السلام

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«وَلَتَعْلَمَنَّ نَبَأَهُ بَعْدَ حِينٍ»<sup>(۵)</sup>

«و همانا پس از آن هنگام، راستی و حقیقت این خبر را خواهید دانست.»

امام باقر علیه السلام در ذیل آیه می فرماید:

۲- نجم الثاقب، ص ۱۲۲.

۴- نجم الثاقب، ص ۱۲۲.

۱- سوره صف، آیه ۸.

۳- سوره زمر، آیه ۶۹.

۵- سوره ص، آیه ۸۸.

« و همانا پس از آن هنگام، راحتی و حقیقت این خبر را خواهید

دانست هنگام خروج قائم علیه السلام است.»<sup>(۱)</sup>

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

«عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ عَنِ النَّبِيِّ الْعَظِيمِ»<sup>(۲)</sup>

«از چه یک خبری را پرسند. یک خبری بزرگ.»

امام صادق علیه السلام در ذیل آیه می‌فرماید:

«خبر ولایت است.»<sup>(۳)</sup>

## ۲۵- ناقور علیه السلام

خداوند در قرآن می‌فرماید:

«فَإِذَا نُقِرَّ فِي النَّاقُورِ»<sup>(۴)</sup>

«تا آنگاه که در صور اسرافیل بدمند.»

امام صادق علیه السلام در ذیل آیه می‌فرماید:

«پس هر گاه دمیده شود در صور از برای ما امامی است مستقر، پس هر

گاه اراده فرماید خدای عزوجل: اراده و اظهار امر خود را بیفکند در

دلش، پس ظاهر شود، به امر خدای عزوجل.»<sup>(۵)</sup>

امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

«دمیده می‌شود در صور و قائم علیه السلام اذن می‌گیرد در خروج.»<sup>(۶)</sup>

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

۱- سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص ۳۲۲.

۲- سوره نباء، آیه ۱ و ۲.

۳- اصول کافی، جلد ۲.

۴- سوره مدثر، آیه ۸.

۵- سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص ۴۰۳.

۶- نجم الثاقب، ص ۱۲۰.

«خبر مده به کسی سفله را که افشاء خواهد نمود آن را، آیا نخواندی در کتاب خدای عزوجل فَإِذَا نُقِرَ فِي النَّاقُورِ بدرستی که او امامی خواهد بود پنهان، پس هر گاه اراده فرماید، خدای عزوجل اظهار امر خود را بیفکند در قلبش، پس ظاهر می شود، تا اینکه برمی خیزد به امر خداوند»<sup>(۱)</sup>

## ۲۶- نفس ﷻ

«وَالصُّبْحَ إِذَا تَنَفَّسَ»<sup>(۲)</sup>

«قسم به صبح وقتی که تنفس کند.»

آیه شریفه را در اسم «صبح» توضیح داده خواهد شد. انشاءالله

## ۲۷- نهار ﷻ

خداوند در قرآن می فرماید:

«وَالشَّمْسِ وَضُحَيْهَا \* وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَّيْنَاهَا \* وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّيْنَاهَا \* وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا.»<sup>(۳)</sup>

«قسم به خورشید و تابش هنگام رفتهش، قسم به ماه که پیرو آفتاب تابان است. قسم به روز هنگامی که عالم را به ظهور خود روشن کند. قسم به شب، وقتی که عالم را به پرده سیاهی بکشد.»

امام باقر ﷻ می فرماید:

«در قرآن زده شده در او مثالها و مخاطبه نموده به ما»<sup>(۴)</sup>

از این حدیث استفاده می شود که مثلثایی که در قرآن زده شده و نام

۱- سورة شمس آیه ۱.

۲- نجم الثاقب، ص ۱۲۰.

۳- نجم الثاقب، ص ۱۲۱.

۴- سورة شمس آیات ۱ تا ۴.

اشیایی که برده شده جز نام اهل بیت علیهم السلام نیست.

امام باقر علیه السلام در ذیل آیه مذکور می فرماید:

«حارث عرض کرد به امام حسین علیه السلام : یا بن رسول الله فدای تو شوم، که

قول خداوند متعال در قرآن وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا چیست؟

حضرت فرمودند:

«وای بر تو حارث این محمد صلی الله علیه و آله رسول خداست.»

عرض کردم:

«فدای تو شوم قول وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَّهَا چیست؟»

حضرت فرمودند:

«این امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام است که در پی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

می باشد.»

عرض کردم:

«فدای تو شوم قول وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّهَا چیست؟»

حضرت فرمودند:

«این قائم علیه السلام است، از آل محمد صلی الله علیه و آله که پر کند زمین را از عدل و داد.»

عرض کردم:

«فدای تو شوم قول وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى چیست؟»

حضرت فرمودند:

«شب در اینجا دومی است، که فرو پوشاند امیرالمؤمنین علیه السلام را در دولت

خود که جاری شد بر آن جناب و خداوند امر فرمود: امیرالمؤمنین علیه السلام را

که صبر کند، تا دولت ایشان منقضی شود.»<sup>(۱)</sup>

امام صادق علیه السلام در ذیل آیه می فرماید:



« سوگند به خورشید و هنگام درخشندگی اش خورشید امیرالمؤمنین علیه السلام است و هنگام درخشندگی اش قیام حضرت قائم علیه السلام است زیرا که خداوند فرمودند: **وَ أَنْ يَخْشَرَ النَّاسُ ضُحَى** (۱)(۲)

سوگند به ماه، که در پی آن نور تابان است **حسن علیه السلام و حسین علیه السلام** می باشند. سوگند به روز، که تاریکی را می زداید قیام، قائم علیه السلام است. سوگند به شب، هنگامی که عالم را در پرده سیاهی پرکشد **حبثرو دولت اوست و این در حالی است که حق آن را خواهد پوشاند.**

سوگند به آسمان بلند و آنکه این کاخ را بنا نمود (۳) او حضرت محمد صلی الله علیه و آله، آسمانی است، که خلاق در علم و دانش به سوی او بالا روند. سوگند به زمین و آنکه آن را گستراند (۴) **ارض و زمین شیعه است.** سوگند به نفس و آنکه آن را مستقیم بیافرید (۵) او مؤمن است، که آفرینش معتدلی دارد. و به شر و خیرش الهام نمود (۶) **حق را از باطل به او شناسانید و این است که فرمود:** و سوگند به نفس و آنکه او را مستقیم بیافرید به راستی هر که آن را پاک دارد رستگار است (۷)

مؤمنی که خداوند آن را پاکیزه گرداند، البته رستگار است و هر که را به پلیدی انداخت زیانکار گشته است. قوم ثمود از روی سرکشی تکذیب کردند (۸) **ثمود، گروهی از شیعه است.** و اما قوم ثمود را هدایت کردیم، پس آنان کوری و گمراهی بر هدایت برگزیدند، پس صاعقه عذاب

۱- یعنی: «و اینکه مردم هنگام اوج درخشندگی خورشید جمع می شوند.»

۲- به اسم «شمس» مراجعه شود.

۳- سوره شمس آیه ۵.

۴- سوره شمس آیه ۶.

۵- سوره شمس آیه ۷.

۶- سوره شمس آیه ۹.

۷- سوره شمس آیه ۱۰.

۸- سوره شمس آیه ۱۱.

خواری آنان را گرفت] <sup>(۱)</sup> این عقوبت شمشیر است هرگاه قائم علیه السلام بپاخیزد. [پس رسول خدا به آنان فرمود] <sup>(۲)</sup> او پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله است [این ناقة خداوند است] <sup>(۳)</sup> ناقة امامی است که از سوی خداوند فهمانیده. [و آبشخور آن] آبشخور او علم نزد امام است. [پس او را تکذیب کردند و ناقة را پی نموده که خداوند هم به کیفر گناهانشان هلاکشان ساخت] <sup>(۴)</sup> این عمل در رجعت است. [از پایان کار بیمی نداریم] <sup>(۵)</sup> از مانند آنچه باز گردد، ترسی نداریم. <sup>(۶)</sup>

## ۲۸- نعمت الله صلی الله علیه و آله

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«يَعْرِفُونَ نِعْمَتَ اللَّهِ ثُمَّ يُنْكِرُونَهَا وَأَكْثَرُهُمُ الْكَافِرُونَ» <sup>(۱)</sup>

«نعمت خدا را دانسته و شناخته و باز انکار می کنید و اکثر اینها کافر می باشند.»

امام صادق علیه السلام در ذیل آیه می فرماید:

«چون آیه [همانا ولی و سرپرست شما خداست و رسولش و آن کسانی که گرویدند، آنان که نماز را به پا دارند و زکات را پردازند، در حالی که در رکوع هستند] جمعی از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله در مسجد مدینه گرد آمدند و گفتند: اگر به این آیه کافر شویم به آیات دیگر هم کافر شده ایم و اگر ایمان آوریم و بپذیریم خوار شدیم، چون که پسر ابیطالب بر ما مسلط

- 
- |                     |                                    |
|---------------------|------------------------------------|
| ۱- سوره شمس آیه ۱۲. | ۲- سوره شمس آیه ۱۳.                |
| ۳- سوره شمس آیه ۱۴. | ۴- سوره شمس آیه ۱۵.                |
| ۵- سوره شمس آیه ۱۶. | ۶- سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص ۴۲۵. |
| ۷- سوره نحل آیه ۸۳. |                                    |

می شود، همه گفتند: ما می دانیم هر چه محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ گوید راست است و ما از او پیروی می کنیم، ولی درباره علی عَلِيٌّ از او پیروی نمی کنیم. حضرت فرمود: سپس این آیه نازل شد: [می شناسند نعمت خدا را و سپس آن را انکار می کنند] یعنی ولایت علی بن ابیطالب و اولاد معصومش عَلِيٍّ را می شناسند و انکار می کنند و بیشتر آنها کافر به ولایتند»<sup>(۱)</sup>

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«الْمُ تَرَى إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُ نِعْمَتَ اللَّهِ كَفْرًا وَ أَحَلُّو قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ»<sup>(۲)</sup>

«آیا هیچ ندیدی حال مردمی را که نعمت خدا را به کفر مبدل سازند و قوم خود را به دیار هلاکت رهسپار کردند.»

امیرالمؤمنین علی عَلِيٌّ در ذیل آیه می فرماید:

«چه خیال می کنند مردمی که سنت رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را دگرگون کردند و بر وصی او سربر تافتند و نمی ترسند عذاب خدا نازل شود. سپس این آیه را تلاوت کردند [ هیچ ندیدی مردمی را که نعمت خدا را به کفر مبدل سازند و قوم خود را به دیار هلاکت رهسپار کردند] ما هستیم آن نعمتی که خدا به بندگانش انعام کرده و بوسیله ما کامیاب شود، هر که در روز قیامت کامیاب باشد»<sup>(۳)</sup>

خداوند در قرآن می فرماید:

«مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ \* بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ \* فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكذَّبَانِ \* يُخْرِجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤَ وَ الْمَرْجَانَ \* فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكذَّبَانِ \*»<sup>(۴)</sup>

«اوست که دو دریای شور را به هم پیوند داده، میان آن دو دریا فاصله ای

۲- سوره ابراهیم آیه ۲۹.

۴- سوره الرحمن آیات ۱۹ تا ۲۳.

۱- اصول کافی ج ۲.

۳- اصول کافی جلد ۲.

است که به حدود یکدیگر تجاوز نمی‌کنند. پس شما کدام یک از نعمتهای خدا را منکر می‌شوید. و خارج می‌شود از آن لولوء و مرجان. پس شما کدام نعمت خدا را منکر می‌شوید.»

امام باقر علیه السلام در ذیل این آیات می‌فرماید:

«مقصود از تکذیب نعمت این است که: پیغمبر را تکذیب کنید یا وصی او را.»<sup>(۱)</sup>

دو دریای شوری که در آیه اول آمد وجود منور امیرالمؤمنین علیه السلام و فاطمه زهرا «س» است و حائلی که میان این دو می‌باشد پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله می‌باشد «لولوء و مرجان» را مفسرین اینگونه تفسیر کرده‌اند:

«لولوء» فرزندان پسر فاطمه زهرا علیها السلام می‌باشند، یعنی: ائمه معصوم علیهم السلام «مرجان» دختران آن حضرت مثل زینب کبری علیها السلام و رقیه خاتون علیها السلام، فاطمه معصومه علیها السلام حکیمه خاتون علیها السلام می‌باشند.<sup>(۲)</sup>

تفسیر مفصل و کامل آیات رابه جای دیگر وامی‌گذاریم

## ۲۹- حی علیه السلام

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

«وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ»<sup>(۳)</sup>

«و نباشید همچون کسانی که از پیش کتاب آسمانی برایشان آمد، پس دوران طولانی [[فطرت]] بر آنها گذشت و دل‌هایشان قساوت گرفت و بسیاری از آنان فاسق شدند.»

۲- سر آمد زوجهای جهان علی و فاطمه.

۱- اصول کافی جلد ۲.

۳- سوره حدید آیه ۱۶.

در آیه بعدی می فرماید:

«إِعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا»<sup>(۱)</sup>

«بدانید که البته خداوند زمین را پس از مردن آن زنده خواهد کرد...»

امام صادق علیه السلام در ذیل آیه می فرماید:

«این آیه هم در مورد امام قائم علیه السلام نازل شد.»<sup>(۲)</sup>

باز هم امام صادق علیه السلام می فرماید:

«پس تاویل این آیه در زمان غیبت جاری است، نه در غیر آن و [آمد]

مدّت غیبت است.»<sup>(۳)</sup>

امام باقر علیه السلام می فرماید:

«خدای عزوجل زمین را بوسیله حضرت قائم علیه السلام زنده می کند [پس از

مردن آن] کفر اهل زمین [مردن زمین به کفر وزیدن آن است] و کافر

مرده است.»<sup>(۴)</sup>

آیه دوم دارای دو وجه می باشد

اول: «يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا»

«زنده می کند زمین را بعد از مردن آن.»

این مردن، کفر و شرک اهل زمین می باشد و با ظهور امام زمان علیه السلام همه مسلمان شده. و

زنده می شوند. چنانچه معصوم علیه السلام می فرماید:

«منظور از مردن زمین کفر ورزیدن اهل آن است، پس خداوند آن را به

ظهور حضرت قائم علیه السلام زنده خواهد کرد که در زمین عدالت می نماید،

پس زمین را زنده می سازد و اهل آن را پس از مرگشان زنده

۱- سوره حدید آیه ۱۷.

۲- سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص ۳۷۶.

۳- سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص ۳۷۶.

۴- سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص ۳۷۵.

می نماید.»<sup>(۱)</sup>

و یا در حدیث دیگر از معصوم علیه السلام است که:

«زمین را به قائم آل محمد علیه السلام زنده می نماید [پس از مردن آن] یعنی: از

جور و ستم اهل مملکت آن [به تحقیق که ما آیات خود را بر شما بیان

کردیم] یعنی: به قائم آل محمد علیه السلام. [شاید که تعقل کنید.]»<sup>(۲)</sup>

وجه دوم آن این است که: «يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا» «زنده می کند در زمین بعد از مرگ

آن.» این مرگ و این زندگی مخصوص وجود مقدس ولی عصر علیه السلام می باشد.

یعنی: «أَنَّ اللَّهَ» خداوند متعال وجود مقدس امام عصر علیه السلام را بعد از آنکه مرده است،

زنده می کند و زمین را پر از عدل و داد می کند.

البته این مردن، مردن شخص امام عصر علیه السلام نیست، بلکه مردن شخصیت می باشد یعنی:

نام و یاد آن حضرت مرده می شود

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«وَأَقْسِمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَا يَبْعَثُ اللَّهُ مِنْ مَيِّتٍ، بَلَىٰ وَعَدَا عَلَيْهِ حَقًّا

وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ»<sup>(۳)</sup>

«و کافران ما مبالغه و تاکید کامل قسم یاد می کنند، که هرگز کسی که مرد

خدا او را زنده نخواهد کرد، ولی این وعده حتمی خداست ولی اکثر مردم

به آن علم ندارند.»

ابابصیر گوید در مورد آیه از امام صادق علیه السلام سوال نمودم

حضرت فرمودند:

«ای ابابصیر، در این باره چه می گویند؟»

عرض کردم:

۱- غیبت شیخ طوسی رحمته الله.

۲- غیبت شیخ طوسی رحمته الله.

۳- سوره نحل آیه ۳۸.

«مشرکین می گویند و می پندارند و سوگند می خورند برای رسول اکرم صلی الله علیه و آله که خداوند هرگز مردگان را زنده نخواهد کرد.»

حضرت فرمود:

«مرگ بر کسی که چنین سخنی می گوید، از آنها پیرس، آیا مشرکین به الله قسم می خورند، یا به لات و عزّی؟»

عرض کردم:

«فدایت شوم پس برایم بیان کن آیه را!»

حضرت فرمودند:

«[ای ابابصیر] هنگامی که قائم عجل الله فرجه ما بپاخیزد، خداوند برای او گروهی از شیعیان را برانگیزد و زنده کند که گیرهای شمشیرهایشان بر روی شانه هایشان است، چون این خبر به قومی از شیعیان ما که نمرده باشند برسد به یکدیگر گویند: فلان و فلان از قبرهایشان برانگیخته شدند و آنها با قائم عجل الله فرجه هستند، این سخن به گوش گروهی از دشمنان ما برسد آنها گویند: ای گروه شیعیان چقدر دروغگو هستید. این دولت و حکومت شماست و شما دروغگو هستید! نه والله اینها که شما می گوید زنده نشده و زنده نخواهند شد تا روز قیامت، پس خداوند گفته آنها را حکایت کرده و می فرماید: [و آنان با مبالغه و تأکید به خداوند سوگند یاد کنند که خداوند هرگز کسی که بمیرد را زنده نخواهد کرد.]»<sup>(۱)</sup>

امام صادق عجل الله فرجه در ذیل آیه می فرماید:

«به خدا سوگند دروغ می گویند، همانا این وقتی است که قائم عجل الله فرجه بپاخیزد و آنانکه اهل رجعت باشند به خدمت آن حضرت بشتابند، مخالفان شما خواهند گفت: ای گروه شیعیان دولت شما آشکار شد و این از دروغهای

شماست که می‌گویند: فلان و فلان بازگشته است، که قسم به خدا که خدا کسی را که مرد به دنیا باز نمی‌گرداند، آیا نمی‌نگری که او فرمود: [آنان را مبالغه و تأکید به خداوند سوگند یاد می‌کنند] چون مشرکین بیشترین تعظیمشان به لات و عزیٰ اختصاص داشت، بیش از اینکه به غیر از آن سوگند یاد کنند، پس خداوند عزوجل فرمود: [بلی، البته وعده الهی حق است، تا به آنان بیان سازد، آنچه را در آن اختلاف می‌کنند و تا آنانکه کفر ورزیده‌اند بدانند که دروغگو بوده‌اند، همانا ما به امر نافذمان هر گاه چیزی را اراده کنیم گوئیم: موجود باش همان لحظه خواهد بود.]<sup>(۱)</sup>

### ۳۰- حزب الله ﷻ

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

«أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»<sup>(۲)</sup>

«آنان حزب خداوند، آگاه باشید که حزب خداوند پیروزند.»

رسول مکرم اسلام ﷺ فرمودند:

«خوشا به حال صبرکنندگان در زمان غیبت او، خوشا بحال کسانی که بر محبتشان پا بر جا ماندند، آنهاوند که خداوند چنین وصفشان فرمود: [آنان حزب خداوند آگاه باشید حزب خداوند پیروزند.]»<sup>(۳)</sup>

خداوند در قرآن می‌فرماید:

«وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ»<sup>(۴)</sup>

۱- سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص ۲۰۵.

۲- سوره مجادله، آیه ۲۲. ۳- اصول کافی، ج ۲.

۴- سوره مائده، آیه ۵۶.



«و هر کس که ولی و فرمانروای او خداست و رسول او و اهل ایمان، پس آنها حزب خداوند که غالبند.»

شرط حزب الله بودن در این آیه ۳ چیز می باشد:

۱- اطاعت خداوند متعال

۲- اطاعت از رسول خدا ﷺ

۳- اطاعت از مؤمنین

همچنان که در اسم مؤمن توضیح خواهیم داد، منظور از مؤمنین در قرآن ائمه معصومین علیهم السلام و در عصر ما وجود ولی عصر علیه السلام می باشد.

پس حزب خداوند هم که غالب خواهند بود، یاران حضرت مهدی علیه السلام می باشند و به طور کامل اطاعت خدا و رسول و امام خود را نموده اند.

### ۳۱- حسن علیه السلام

خداوند در قرآن می فرماید:

«مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَ هُمْ مِنْ فَرْعِ يَوْمِئِذٍ ءَامِنُونَ»<sup>(۱)</sup>

«هر کس حسنه‌ای آورد، بهتر از آن پاداش برد و هم آنها از هراس روز کذایی درآسایشند و هر که گناهی ورزد به دوزخ افتد، مگر می شود جز آنکه شما می کنید پاداش یابید.»

امام صادق علیه السلام در ذیل آیه می فرماید:

«ابو عبدالله جدلی خدمت امیرالمؤمنین علیه السلام وارد شد. امیرالمؤمنین علیه السلام

فرمود: ای ابو عبدالله تو را از تفسیر قول خدای عزوجل (هر که حسنه‌ای آورد، بهتر از آن را پاداش برد و هم آنها از هراس روز کذایی در آسایشند؛ هر که گناهی ورزد به دوزخ رود، مگر می شود جز طبق آنچه

شما می‌کنید، پاداش بگیرید؟] آگاه سازم؟»

ابو عبدالله گفت: «آری یا امیرالمومنین علیه السلام، قربانت گردم.»

حضرت فرمودند: «این حسن، معرفت ولایت و دوستی خانواده ما است و گناهی چنین، انکار ولایت همراه با بغض خانواده ما است و سپس آیه را خواند.»<sup>(۱)</sup>

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

«وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ

وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا»<sup>(۲)</sup>

«هر کس خدا و رسول را اطاعت کند، پس آنان البته با کسانی که خداوند نعمتش را بر آنان کامل گردانیده، از پیغمبران و صدیقان و شهیدان و نیکوکاران محشور خواهند بود و چه نیکوکار رفیقانی هستند.»

امام صادق علیه السلام در ذیل آیه می‌فرماید:

«نَبِيِّنَ» رسول خدا صلی الله علیه و آله است.

«وَالصِّدِّيقِينَ» علی علیه السلام است.

«وَالشُّهَدَاءِ» حسن علیه السلام، حسین علیه السلام می‌باشند.

«وَالصَّالِحِينَ» ائمه علیهم السلام هستند.

«وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا» قائم آل محمد صلی الله علیه و آله می‌باشد.<sup>(۳)</sup>

### ۳۲- حم عسق علیه السلام

خداوند در قرآن می‌فرماید:

«حم - عسق»<sup>(۴)</sup>

۱- اصول کافی جلد دوم. ۲- سوره نساء، آیه ۶۹.

۳- سیمای حضرت مهدی در قرآن، ۱۱۰. ۴- سوره شوری آیه اول.

امام باقر علیه السلام می فرماید:

«(حم عسق) شماره سالیان حضرت قائم علیه السلام است. (ق) کوهی است که از زمرّد سبز که بر دنیا احاطه دارد و سبزی آسمان از آن کوه می باشد و علم همه چیز در (عسق) است.»<sup>(۱)</sup>

امام باقر علیه السلام می فرماید:

«(حَمّ) حتم (عین) عذاب (سین) قحطسالی است، همچون قحطسالی زمان یوسف علیه السلام (قاف) سنگساری و مسخ شدنی است، که در آخرالزمان خواهد شد، نسبت به سفیانی و یاران او و مردانی از قبیله کلب، سی هزار تن که باوی خروج می نمایند و آن هنگامی است که حضرت قائم علیه السلام در مکه خروج می کند و اوست مهدی این امت.»<sup>(۲)</sup>

### ۳۳- حق علیه السلام

خداوند در قرآن می فرماید:

«وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا»<sup>(۳)</sup>

«و بگو حق آمد و باطل نابود شد و یقیناً باطل نابود شدنی است.»

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«که چون قائم علیه السلام ظهور کند، دولت باطل برود.»<sup>(۴)</sup>

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«الْمَلِكُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ لِلرَّحْمَنِ وَكَانَ يَوْمًا عَلَى الْكَافِرِينَ عَسِيرًا»<sup>(۵)</sup>

«فرمانروایی حق در آن روز از آن خداوند رحمن است و آن روز بر

۱- سیمای حضرت مهدی در قرآن، ۳۳۰. ۲- سیمای حضرت مهدی در قرآن ص ۳۳۱.

۳- سوره اسراء، آیه ۸۱. ۴- اصول کافی جلد ۲.

۵- سوره فرقان آیه ۲۶.

کافران سخت خواهد بود.»

حدیث قدسی از زبان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است.

«همانا نافرمانروایی امروز و بعد از امروز از آن خدای رحمن است، ولی

چون قائم علیه السلام بپاخیزد، جز خدای عز و جل عبادت نخواهد شد.»<sup>(۱)</sup>

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا فَإِنْ يَشَأِ اللَّهُ يَخْتِمْ عَلَىٰ قَلْبِكَ وَيَمْحُ

اللَّهُ الْبَاطِلَ وَيُحِقُّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ»<sup>(۲)</sup>

«بلکه جاهلان گویند: او به خدا دروغ بسته (که محبت و پیروی از

خاندانش را بر امت واجب کرد، چنین نیست هرگز رسولی نتواند بر خدا

دروغ بندد که) اگر خداوند خواهد بر قلب تو مهر زند و باطل را از بین

می برد و حق را به کلمات خود پایدار و برقرار می سازد.»

امام باقر علیه السلام در ذیل آیه می فرماید:

«یعنی در مورد اهل بیت علیهم السلام است و (و بعد فرمودند) انصار به حضور

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمدند و عرضه داشتند ما (شما را) پناه دادیم و یاری

کردیم، پس بخشی از اموالمان را بگیر و در حوائج خود صرف کن، پس

خدای تعالی این آیه را نازل کرد (بگو از شما اجر رسالت نخواهم) یعنی:

بر نبوت (مگر مودت بر خاندانم) یعنی: درباره اهل بیتش.

نمی بینی که چنانچه مرد دوستی داشته باشد، و در دل آن مرد نسبت به

خاندانش چیزی باشد سینه اش قرار نخواهد یافت. پس خداوند در دل

رسول مکرم خدا صلی الله علیه و آله بر امتش (اهل بیتش) چیزی نباشد، پس مودت در

مورد قربی را بر ایشان فرض و واجب کرده که اگر آنها را انجام داده باشند

۱- سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص ۲۷۶.

۲- سوره شوری، آیه ۲۴.

و چنانچه واگذارند، فریضه‌ای را ترک گفته‌اند.

انصار از خدمت آن حضرت بیرون رفتند، در حالی که بعضی از آنها می‌گفتند: ما اموالمان را عرضه داشتیم و او را در جواب گفت به دفاع از خاندان من جنگ کنید و گروهی دیگر گفتند: این را رسول خدا ﷺ نگفت و این را انکار کردند و چنانچه خدای تعالی از آن حکایت کرده و گفتند: [بلکه گویند او به خداوند دروغ بسته] که خداوند فرمود: (اگر خدا خواهد بر قلب تو مهر زند) فرمود: یعنی اگر افترا بندی (و باطل را محو کنی) [یعنی: ابطال می‌نماید (و حق را به کلمات خود پایدار و برقرار می‌کند)] یعنی: بوسیله پیغمبر و امامان و قائم آل محمد ﷺ. (همانا او به اسرار دلها کاملاً آگاه است) سپس خداوند فرمود: (و اوست خدایی که توبه بندگان را می‌پذیرد و از گناهان می‌گذرد) تا آنجا که فرمود (از فضل خود به آنها می‌افزاید) منظور آنها هستند که مانند گفته رسول خدا را گفتند و از فرموده آن جناب پیروی می‌کردند، سپس فرمود: (ولی برای کافران عذاب سختی خواهد بود.)<sup>(۱)</sup>

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

«وَأَسْتَمِعُ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادِ مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ. يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ»<sup>(۲)</sup>

«و آن روزی که منادی حق از جای نزدیک ندا خواهد کرد، روزی که آن صیحه را به حق بشنوند، آن روز روز خروج است.»

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«منادی صیحه، حضرت قائم علیه السلام و نام پدرش را ندا می‌کند، اینکه فرمود

۱- سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص ۳۳۷.

۲- سوره ق، آیه ۴۱ و ۴۲.

(روزی که آن صیحه را به حق بشنوند، آن هنگام، روز خروج است)

فرمودند: به نام قائم علیه السلام از سوی آسمان و آن روز روز خروج است. (۱)

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«فَوَرَبِّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقٌّ مِثْلَ مَا أَنَّكُمْ تَنْطِقُونَ» (۲)

«به پروردگار آسمان و زمین سوگند این مطلب حق است همچنانکه

سخن می گویند.»

امام سجاد علیه السلام در ذیل آیه می فرماید:

«این که فرمود: (این حق است) قیام حضرت قائم علیه السلام است و در همان

مورد این آیه نازل شد: [خداوند به کسانی که شما ایمان آورده و عمل

صالح انجام دهند وعده نموده که در زمین خلافت دهد و دین پسندیده

آنان را بر همه جا مسلط و نافذ گردانید و بر همه مؤمنان پس از ترس و

حواس از دشمنان، ایمان کامل عطا فرماید. (۳)

از معصوم علیه السلام نقل است که فرمودند:

«منظور از آیه قیام قائم علیه السلام است و مثل همین است! (هر جا باشید خداوند

همه شما را خواهد آورد) گویند: اصحاب حضرت قائم علیه السلام را خداوند در

یک روز جمع می فرماید.» (۴)

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«وَيُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُحِقَّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ» (۵)

«و خدا می خواهد که حق را بوسیله کلماتش ثابت کند و ریشه کافران را

از بیخ و بن برکند.»

۱- سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص ۳۵۹.

۲- سوره ذاریات آیه ۲۲. ۳- سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص ۳۶۱.

۴- غیبت شیخ طوسی رحمته الله. ۵- سوره انفال، آیه ۷.

امام باقر علیه السلام در ذیل آیه می فرماید:

«در باطن خدا چنین می خواهد، زیرا که این چیزی است که آن را می خواهند، ولی هنوز به انجام نرسانید و اما قول خداوند: [حق را بوسیله کلماتش ثابت گرداند] منظور احقاق حق محمد صلی الله علیه و آله می باشد و اینکه فرموده [بوسیله کلماتش] کلمات او در باطل علی علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام می باشد. و اما قول خداوند: [و ریشه کافران را از بیخ و بن برکند] اینان بنی امیه هستند، آنها را کافران، خداوند دنبالشان را قطع خواهد کرد. و اینکه فرمود: [تا حق تحقق بخشد] حق آل محمد صلی الله علیه و آله وقتی تحقق بخشد، که حضرت قائم علیه السلام قیام می کند. و اما قول خداوند: [و باطل را محو و نابود سازد] یعنی حضرت قائم علیه السلام باطل را نابود سازد که چون قیام کند، بنی امیه را از بین خواهد برد و این است معنی قول خداوند: [تا حق را محقق نماید و باطل را محو و نابود سازد هر چند که مجرمان را ناخوش آید.]»<sup>(۱)</sup>

### ۳۴ - خُنَس علیه السلام

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنَّسِ الْجَوَّارِ الْكُنَّسِ»<sup>(۲)</sup>

«سوگند به آن ستارگان که حرکت کرده و پنهان می شوند.»

امام باقر علیه السلام می فرماید:

«[خُنَس] امامی است که در زمان سال ۲۶۰ پنهان می شود، سپس همچون ستاره نافذ در تاریکی شب آشکار می گردد، اگر آن دوران را

درک کنی دیده‌ات روشن می‌شود.»<sup>(۱)</sup>

«خُنَس» جمع «خُنَس» از مصدر «خُنُوس» است که، در معنی گرفتگی و تأخیر و استتار می‌آید. در اسم کُنَس هم خواهیم گفت: که آیه بعد هم یکی از القاب حضرت ولی عصر علیه السلام می‌باشد.

### ۳۵- «الْجَوَارِ الْكُنَسِ» علیه السلام

«خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

«فَلَا اقْسِمُ بِالْخُنَسِ. الْجَوَارِ الْكُنَسِ. وَاللَّيْلِ إِذَا عَسَسَ. وَ الصُّبْحِ إِذَا التَّنَفَّسُ»

«قسم به ستارگان بازگرداننده که به گردش در آیند و در مکان خود پنهان شوند، قسم به شب تاریکی که روی به تاریکی آورده، قسم به صبح هنگامی که تنفس کند.»

«جواری» جمع «جاریه» است از مصدر «جری» به معنی سیر و سریع می‌باشد. «کنوس» به معنی داخل شدن وحشی‌هایی از قبیل آهو و طیور در درون لانه هایشان است، لانه‌ای که برای خود اتخاذ کرده‌اند.

پس اگر این آیه طبق روایات اهل بیت وجود مقدس ولی عصر علیه السلام می‌باشد این شبی که می‌رود، همان عصر تاریکی و ظلمت است، که با آمدن صبح و نفس کشیدن آن خواهد رفت. و این صبح متنفس، هم وجود مقدس ولی عصر می‌باشد، چنانچه امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید:

«هنگامی که در تاریکی گمراهی بودید و راهنمایی نداشتید، به سبب ما هدایت شدید و به راه راست قدم نهادید و بر کوه‌های بلندی سوار شدید



و از تیرگی شبهای آخر به روشنایی صبح داخل شدید»<sup>(۱)</sup>  
 اگر دقت کنید آیه شریفه می فرماید: «صبح وقتی که تنفس کند.» در می یابیم که هنوز  
 نفس نکشیده است و وجود منور ولی عصر هم هنوز ظهور ننموده اند.  
 آیه هفتم عطف است بر کلمه «خُنَس» و جمله «إِذَا عَسَعَسَ» قیدی است برای کلمه  
 «لیل» و کلمه «عسعس» به معنی رفتن شب می باشد.  
 آیه هشتم سوره عطف است بر کلمه «خُنَس» و جمله «إِذَا تَنَفَّسَ» قید است برای کلمه  
 «صبح».

### ۳۶ - خلیفه الله ﷺ

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً»<sup>(۲)</sup>

«هنگامی که پروردگار به فرشتگان گفت: من در روی زمین جانشینی

قرار می دهم.»

مصدق کامل خلیفه خداوند متعال ائمه هداست معصومین می باشند. چنانچه در آیه ۵  
 سوره قصص می فرماید: «و نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ  
 أُمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»

امام صادق علیه السلام در ذیل آیه می فرماید:

«در باره حضرت قائم علیه السلام و اصحاب او نازل گشت.»<sup>(۳)</sup>

باز هم امام صادق علیه السلام می فرماید:

«ایشان ائمه هستند.»<sup>(۴)</sup>

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

۲- سوره بقره آیه ۳۰.

۴- اصول کافی جلد ۲.

۱- نهج البلاغه خطبه چهارم.

۳- غیبت نعمانی علیه السلام.

«أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَا وَ يَكْشِفُ السُّوءَ وَ يَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ  
أَئِنَّ لَهُ مَعَ اللَّهِ قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ»<sup>(۱)</sup>

«یا آن که در مانده، وقتی که او را بخواند، اجابتش کند و محنت از او بر  
دارد و شما را جانشینان این سرزمین کند، با این خدایی که چه خدایی  
است؟ چه کم است اندر زگیری شما.»

مراد از «اجابت مضطر وقتی که او را بخوانید» این است که خدا دعای دعاکنندگان  
مستجاب و حوائجشان را بر می آورد. قید دیگری که برای دعا آورده که فرموده: [إِذَا  
دَعَا] = وقتی که او را بخوانید. [المضطر] «ال» در این کلمه «ال» جنس است، نه «ال»  
استغراق. برای اینکه چه بسیار دعاها که می بینیم اجابت نمی شود، پس مراد از این آیه  
این است که: اجابت دعای مضطر هر جا که اجابت شود از ماست، نه اینکه هر دعایی که  
شود ما اجابت می کنیم. «وَ يَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ»

آنچه از سیاق استفاده می شود این است که مراد از خلافت، خلافت زمینی باشد که خدا  
آن را برای انسان قرار داده، تا با آن خلافت در زمین و هر چه مخلوق زمینی است به هر  
طور که خواستند تصرف کنند، همچنانکه درباره این خلافت در آیه ۳۰ بقره فرموده  
است.

امام صادق علیه السلام در ذیل آیه می فرماید:

«این آیه در مقام قائم آل محمد صلی الله علیه و آله صادر شده و نازل گشته، به خدا  
سوگند اوست که در مقام ابراهیم علیه السلام دو رکعت نماز می خواند و خدای  
عزوجل را می خواند، پس او را اجابت می فرماید و خلیفه در زمینش  
می سازد.»<sup>(۲)</sup>

رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله در ذیل آیه می فرماید:

«خروج می کند مهدی و بر سر او ابريست و در آن منادی است که ندا

می کند [[مهدی خلیفة الله است]] او را پیروی کنید.»<sup>(۱)</sup>

### ۳۷- دابة ﷺ

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«وَكَأَيِّن مِّن دَابَّةٍ لَّا تَحْمِلُ رِزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا إِيَّكُمْ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ»<sup>(۲)</sup>

«و چه بسیار جنبنده‌ای که نمی تواند رزق خود را تأمین کند، خدا آنها را و شما را روزی می دهد و او شنوا و داناست.»

ابن عمر گوید:

«من و رسول خدا ﷺ به گردش رفتیم، تا به چهار دیواری بعضی از انصار رسیدیم، رسول خدا ﷺ خرماهای ریخته را جمع می کرد و می خورد. سپس به من فرمود: ای پس عمر، چرا نمی خوری؟»

عرضه داشتیم:

«میل ندارم.»

رسول خدا ﷺ فرمود:

«ولی من میل دارم و امروز صبح چهارمین روزی است که غذا نخورده بودم، با اینکه اگر می خواستم و دعا می کردم که خدا مانند ثروت کسری و قیصر را به من بدهد هر آینه می داد، ولی نخواستم، و در مقابل من کسانی خواهند بود که تو آنها را دیدار خواهی کرد، که روزی یک سال خود را زیر سر می گذارند و ذخیره می کنند بخاطر اینکه نصیبشان کم است.»

ابن عمر می گوید:

«به خدا سوگند از آن جا بر نخواستم تا اینکه آیه [وَكَأَيِّن مِّن دَابَّةٍ لَّا تَحْمِلُ اللَّهُ...]

نازل شد.»<sup>(۱)</sup>

طبق این حدیث در می‌یابیم که منظور از دابة، وجود مکرم پیامبر مکرم اسلام ﷺ می‌باشد و بطبق حدیث معروف «كُلُّهُمْ نُورٌ وَاحِدٌ» چون زندگی تمام ائمه اطهار علیهم السلام مثل هم می‌باشد، پس «دابه» در این آیه به تمام ائمه اطهار علیهم السلام مخصوصاً ولی عصر علیهم السلام تفسیر شده است.

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

«وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ  
كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ»

«و چون فرمان عذاب آنها رسد، جنبنده‌ای را از زمین برای آنها بیرون آریم تا با آنها تکلم کند و بگوید: این مردم آیه‌های ما را باور نمی‌کنند.»<sup>(۲)</sup>

(رسول خدا ﷺ به امیر المؤمنین علیهم السلام برخورد و او را در مسجد خوابیده دیده به دین حال که مقداری ریگ جمع کرده و سرش را روی آن گذاشته حضرت با پای خود حرکتش داد و فرمود: «برخیز ای دابة الارض.»

مردی از اصحاب عرضه داشت:

«یا رسول الله ﷺ آیا ما هم می‌توانیم رفقای خود را به این نام بنامیم؟»

حضرت فرمودند:

«نه به خدا سوگند، این نام جز برای او نیست و او همان دابه‌ای است که  
خدای متعال در کتابش فرموده است.»

آنگاه حضرت فرمودند:

«یا علی! چون آخر الزمان شود خدای متعال تو را بهترین صورت بیرون می‌کند، در حالی که با توست وسیله داغ نهادن و دشمنان خود را با داغ

نشان می‌کنی.»<sup>(۱)</sup>

امیر المؤمنین علی علیه السلام در ذیل آیه می‌فرماید:

«آگاه باشید به خدا سوگند این جنبنده دمدار نیست! بلکه ریش دار است.»<sup>(۲)</sup>

### ۳۸- ذی القربی علیه السلام

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

«قُلْ لَا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى»<sup>(۳)</sup>

«بگو از شما چیزی نمی‌خواهم جز دوستی با ذی القربی.»

امام صادق علیه السلام در ذیل آیه می‌فرماید:

«مقصود از ذی القربی ائمه علیهم السلام هستند.»<sup>(۴)</sup>

### ۳۹- ذکر علیه السلام

خداوند در قرآن می‌فرماید:

«فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ أَبْوَابَ كُلِّ سَمَاءٍ حَتَّى إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً فَإِذَاهُمْ مُبِلَسُونَ»<sup>(۵)</sup>

«پس چون آنچه [[از نعمتهای خداوند]] به ایشان تذکر داده شده بود همه را فراموش کردند، ابواب همه چیز را به آنها گشودیم، تا آنگاه که به آنچه عطا شدند شادمان و مغرور گشتند به ناگاه آنها را [[به کیفر اعمالشان]] گرفتار کردیم و در آن هنگام خوار و نا امید شدند.»

۱ - تفسیر المیزان در ذیل همین آیه. ۲ - تفسیر مجمع البیان در ذیل همین آیه.

۳ - سوره شوری آیه ۲۳.

۴ - اصول کافی جلد ۳.

۵ - سوره انعام آیه ۴۴.

امام باقر علیه السلام در ذیل آیه می‌فرماید:

«اینکه فرمود: [پس چون آنچه به ایشان تذکر داده شده بود همه را فراموش کردند]. یعنی چون ولایت علی علیه السلام را ترک گفتند و حال آنکه به آن مأمور شده بودند. [و ابواب را بر ایشان گشودیم] یعنی: دولتشان در دنیا و آنچه در آن برایشان گسترده شده بود. [تا آنگاه که به آنچه عطا شدند شادمان و مغرور شدند ناگاه آنها را گرفتار کردیم و در آن هنگام خوار و ناامید شدند]. منظور از آن قیام حضرت قائم علیه السلام است به طوری که گویی هیچ گاه سلطه و حکومتی بر آن نبوده و این است که فرمود [به ناگاه] پس آخر این آیه به حضرت محمد صلی الله علیه و آله نازل گشت [پس ریشه قومی که ستم پیشه بودند کنده شده و ستایش خدای را که پروردگار عالمیان است].»<sup>(۱)</sup>

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

«و كَذَلِكَ أَنْزَلْنَا قُرْآنًا عَرَبِيًّا وَ صَدَقْنَا فِيهِ مِنَ الْوَعْدِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ  
أَوْ يُحَدِّثَ لَهُمْ ذِكْرًا»<sup>(۲)</sup>

«و این چنین ما قرآن را به فصاحت عربی نازل ساختیم و در آن از هشدارها آوردیم، شاید که تقوی پیشه سازید، یا پند و تذکر نوینی را پدید آورد.»

امام صادق علیه السلام در ذیل آیه می‌فرماید:

«وَأَمَّا فَرْمُودَةُ خَدَاوَنَد [یا پند و تذکر و نوینی را پدید آورد]. یعنی: آنچه از امر و ماجرای حضرت قائم علیه السلام و سفیانی پدیدار می‌شود.»<sup>(۳)</sup>

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

۱ - سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص ۱۲۱.

۳ - اصول کافی جلد ۳.

۲ - سوره طه آیه ۱۱۳.

«وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا»<sup>(۱)</sup>

«هر که رو برگرداند از ذکر من برآستی از اوست تنگی معشیت.»

امام صادق علیه السلام در ذیل آیه می فرماید:

«مقصود از ذکر، ولایت امیر المؤمنین علیه السلام است.»<sup>(۲)</sup>

خداوند در قرآن می فرماید:

«وَمَا هِيَ إِلَّا ذِكْرُ الْبَشَرِ»<sup>(۳)</sup>

«و نیست جز ذکر برای بشر.»

امام صادق علیه السلام در ذیل آیه می فرماید:

«آری مقصود ولایت علی علیه السلام [و اولاد ایشان] می باشد.»<sup>(۴)</sup>

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«إِنَّمَا تُنذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَ خَشِيَ الرَّحْمَنَ الْغَيْبِ فَبَشِّرْهُ بِمَغْفِرَةٍ وَأَجْرٍ كَرِيمٍ.»<sup>(۵)</sup>

«همانا تو تذکر دهی کسانی را که پیروی کنند از ذکر و بترسند از خدای

رحمان پنهانی بترسند مژده ده به آنها به آمرزش و مغفرت و صواب زیاد

از سوی خدای کریم.»

امام صادق علیه السلام در ذیل آیه می فرماید:

«پیروی از ذکر پیروی از امیر المؤمنین علیه السلام است.»<sup>(۶)</sup>

خداوند در قرآن می فرماید:

«مَا فَسَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ.»<sup>(۷)</sup>

۲ - اصول کافی جلد ۳.

۴ - اصول کافی جلد ۳.

۶ - اصول کافی جلد ۳.

۱ - سوره طه آیه ۱۲۴.

۳ - سوره مدثر آیه ۳۱.

۵ - سوره یس آیه ۱۱.

۷ - سوره نحل آیه ۴۳.

«اگر تا به حال نمی دانستید از اهل ذکر بپرسید.»

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در ذیل آیه می فرماید:

«ذکر من هستم و اهل ذکر ائمه علیهم السلام می باشند.»<sup>(۱)</sup>

خداوند در قرآن می فرماید:

«وَإِنَّهُ لَذِكْرٌ لَّكَ وَلِقَوْمِكَ فَسَوْفَ تَسْأَلُونَ.»<sup>(۲)</sup>

«به راستی آن ذکر است برای تو و تبار تو و آنها در آینده مسؤلند.»

امام صادق علیه السلام در ذیل آیه فرمودند: «ما تبار اوئیم و ما مسؤلیم»

راوی گوید از حضرت پرسیدم: «شما هستید مسؤل و ما ئیم سائل.»

حضرت فرمود: «آری»

عرض کردم: «بر عهده ماست از شما پرسیم.»

حضرت فرمود: «آری»

عرض کردم: «بر عهده شماست که جواب دهید.»

حضرت فرمودند:

«نه، این از ماست اگر خواستیم جواب می دهیم، اگر نخواستیم، جواب

نمی دهیم، نمی کنیم، مگر نشنیدی خدای تبارک و تعالی فرمودند: [این

است عطای ما ببخش یا دریغ کن، یا اینکه ببخش بی حساب و دریغ کن

بی حساب.]<sup>(۳)</sup> (۴)

امام رضا علیه السلام می فرماید:

«برائمه علیهم السلام یک وظیفه لازمی است، که بر شیعه آنها نیست و بر شیعه هم

یک وظیفه لازمی است که بر عهده ما نیست، خدای عزوجل به آنها

فرمان داده که از ما بپرسند، پاسخ بر ما واجب نیست اگر خواهیم پاسخ

۲ - سوره نحل آیه ۴۴.

۱ - اصول کافی جلد ۲.

۴ - اصول کافی جلد ۲.

۳ - سوره ص آیه ۳۹.



دهیم و اگر بخواهیم دهان ببندیم.»<sup>(۱)</sup>،<sup>(۲)</sup>

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«الَّذِينَ ءَامَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ، أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»<sup>(۳)</sup>

«آنها کسانی هستند که ایمان آورده اند و دل‌هایشان به یاد خدا مطمئن و آرام است. آگاه باشید! تنها با یاد خدا دل‌ها آرامش می یابد.»

امام صادق علیه السلام در ذیل آیه می فرماید:

«محمد بن عبدا... علیه السلام نیز قلوب طمأنینه پیدا می کند چون او ذکر خدا و حجاب خدا می باشد.»<sup>(۴)</sup>

وقتی این آیه نازل شد رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله رو به اصحاب نمود و فرمود: «هیچ میدانید معنی آیه چیست؟»

عرض کردند: «خدا و رسولش داناتر است.»

حضرت فرمود:

«کسی به یاد خداست که خدا و رسولش را و اصحاب مرا دوست بدارد.»<sup>(۵)</sup>

پس کسی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و اولاد رسول خدا صلی الله علیه و آله را دوست داشت به یاد خداست و کسی که به یاد خدا بود قلب او آرام می گیرد، پس سبب آرامش قلوب ولایت و محبت ائمه اطهار علیهم السلام و در عصر ما وجود مقدس ولی عصر علیه السلام می باشد.

پسر ام سلیم گوید: همین آیه را نزد رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله قرائت نمودم حضرت فرمودند: «ای پسر ام سلیم هیچ می دانی اینان چه کسانی هستند؟»

۱ - اصول کافی جلد ۲.

۲ - در مورد آیه مذکور ۷ حدیث دیگر در کتاب شریف اصول کافی می باشد.

۳ - سوره رعد آیه ۲۸. ۴ - تفسیر المیزان در ذیل آیه.

۵ - تفسیر المیزان در ذیل آیه.

عرض کردم: «چه کسانی هستند یا رسول الله؟»

حضرت فرمودند: «ما اهل بیت و شیعیان ما.»<sup>(۱)</sup>

پیامبر مکرم اسلام ﷺ می فرماید:

«اینان کسانی هستند که خدا و رسولش ﷺ و اهل بیت رسولش ﷺ را به

راستی و نه به دروغ دوست بدارند و مؤمنین را شاهد و غاییشان را

دوست بدارد، آری به یاد خداست کسانی که یکدیگر را دوست

بدارند.»<sup>(۲)</sup>

#### ۴۰- رب ﷻ

خداوند در قرآن می فرماید:

«وَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا»<sup>(۳)</sup>

«و زمین به نور پرورش دهنده اش روشن می شود.»

امام صادق ﷺ می فرماید:

«رب زمین، امام هر زمان است.»<sup>(۴)</sup>

#### ۴۱- رزق ﷻ

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«اللَّهُ لَطِيفٌ بِعِبَادِهِ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ وَ هُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ»<sup>(۵)</sup>

«خداوند نسبت به بندگان خود لطف بسیار دارد به کسی که بخواهد

روزی دهد و بر هر چیز توانای مطلق و مقتدر غالب است. هر آنکه

۱ - تفسیر المیزان در ذیل آیه.

۲ - المیزان. در ذیل آیه.

۳ - سوره زمر آیه ۶۹.

۴ - نجم الثاقب، ص ۱۶۸.

۵ - سوره شوری آیه ۱۹.

حاصل کشت آخرت را بخواهد. ما بر تخمی که کاشته می‌افزائیم و هر کس حاصل کشت دنیا را بخواهد، از دنیا سهمی به او می‌دهیم، ولی دیگر در آخرت بهره‌ای برایش نخواهد بود.»

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«روزی، مقصود امیر المؤمنین علیه السلام است.»<sup>(۱)</sup>

باز هم امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«[خدا لطف دارد به بندگان هر کس را که خواهد، روزی دهد مقصود ولایت امیر المؤمنین علیه السلام است. [هر که خواهد کشت و کار آخرت را] یعنی امیر المؤمنین علیه السلام و ائمه بعد از او. [و بیفزاییم برایش در کشت او] او بهره خود را از دولت ائمه علیهم السلام دریافت می‌کند. [هر که کشت و کار دنیا را خواهد به او بهره‌ای از آن را بدهیم و برای او در آخرت بهره‌ای نیست. یعنی: برای او در دولت حق با امام قائم علیه السلام بهره‌ای نیست.»<sup>(۲)</sup>

## ۴۲ - رضوان الله علیه السلام

خداوند در قرآن می‌فرماید:

«أَمَّنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَ اللَّهِ كَمَنْ بَاءَ بِسَخَطٍ مِنَ اللَّهِ وَ مَالَهُ جَهَنَّمُ وَ بِيَسَ الْمَصِيرُ»<sup>(۳)</sup>

«آیا کسیکه به ایمان در راه رضای خدا قدم بر دارد مانند کسی است که به کفر راه غضب خدا پیماید که منزلگاه او جهنم است و بسیار بد جایگاهی است.»

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

۲ - اصول کافی جلد ۳.

۱ - تفسیر المیزان، در ذیل آیه

۳ - سوره آل عمران آیه ۱۶۲.

«آنها که پیرو رضوان خداوند همان ائمه علیهم السلام اند و همانها میزان درجات مؤمنانند و بوسیله ولایت و شناسایی آنها از ما، خدا اعمالشان را مضاعف کند و درجات بلندی برای آنها برد.»<sup>(۱)</sup>

### ۴۳ - رحمت الله علیه السلام

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

«يُدْخِلُ مَنْ يَشَاءُ فِي رَحْمَةٍ»<sup>(۲)</sup>

«خداوند هر که را خواهد در رحمت خود داخل کند.»

امام صادق علیه السلام در ذیل می‌فرماید:

«یعنی در آورد او را در ولایت ما»<sup>(۳)</sup>

خداوند در قرآن می‌فرماید:

«إِنَّ يَوْمَ الْفِضْلِ مِيقَاتُهُمْ أَجْمَعِينَ. يَوْمَ لَا يُغْنِي مَوْلَىٰ عَنْ مَوْلَىٰ شَيْئًا وَ لَا لَهُمْ يُنْصَرُونَ. إِلَّا مَنْ رَحِمَ اللَّهُ.»<sup>(۴)</sup>

«به راستی روز جدایی مؤمن و کافر و وعده‌گاه جمیع خلائق است.»  
روزی که دوست به حال دوست هیچ فایده‌ای ندارد و آنان یاری نشوند.  
جز آنکه خدایش رحم کند.»

زید شحام گوید: در شب جمعه امام صادق علیه السلام به من فرمود: «قدری قرآن بخوان» سوره دخان آیات ۴۰ تا ۴۲ آیات.... [همان آیات بالا را] خواندم. حضرت فرمود:

«به خدا ما هستیم که خدا به ما ترحم کند و به خدا ما هستیم که خدا استثناء کرد، ولی ما فائده به حال آن دوستان خود داریم.»<sup>(۵)</sup>

۲ - سوره انسان آیه ۳۱.

۴ - سوره دخان آیات ۴۰ تا ۴۲.

۱ - اصول کافی جلد ۳.

۳ - اصول کافی جلد ۲.

۵ - اصول کافی جلد ۳.

#### ۴۴ - راسخ علیه السلام

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ  
إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ»

«پیروی کنند آنچه را از آن متشابه باشند، برای فتنه جویی و جستجوی از  
تأویل آن و نمی داند تأویلش را جز خدا و راسخان در علم.»

امام صادق علیه السلام می فرماید:

« [اوست که نازل کرده بر تو کتاب را، از آن است آیات که آنها ام  
الکتابند] یعنی: امیرالمؤمنین و ائمه علیهم السلام هستند. [و آیات دیگری  
متشابه] یعنی: فلان و فلان هستند. [اما کسانی که در دل کجی دارند]  
یعنی: پیروان و دوستان آن فلان و فلان [پیروی کنند آنچه را از آن  
متشابه باشند، برای فتنه جویی و جستجوی از تأویل آن و نمی داند]  
یعنی: به امید سود آینده پیروی آنان کنند. [و نمی دانند تأویلش را جز  
خداوند و راسخان در علم] یعنی: خداوند و امیرالمؤمنین علیه السلام و ائمه علیهم السلام  
بعد از آن. (۱)

#### ۴۵ - رکن شدید علیه السلام

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«قَالَ لَوْ أَنِّي لِي بِكُمْ قُوَّةً أَوْ آوِي إِلَيْ رُكْنٍ شَدِيدٍ» (۲)

«[[لوط]] گفت: ای کاش در مقابل شما قوتی داشتم، یا تکیه گاه و  
پشتیبان محکمی در اختیارم بود.»

امام صادق علیه السلام فرمودند:

نیروی حضرت قائم و رکن شدید سیصد و سیزده تن یاران اویند»<sup>(۱)</sup>  
امام صادق علیه السلام باز هم می فرماید:

«اینکه لوط به قومش گفت: [ای کاش در برابر شما قدرتی داشتم و پشتیبان محکمی در اختیارم بود] مقصودش جز این نبود، که نیروی قائم را تمنا کند و رکن شدیدی یاران حضرت هستند، که یک مرد از آن قوت چهل مرد را دارد و دلش از کوه آهنین محکم تر است و اگر به کوهها بگذرند، آنها را از بین می برند و شمشیرها را کنار نگذارند، مگر وقتی که خدای عزوجل راضی شده باشد.»<sup>(۲)</sup>

#### ۴۶ - ساعة علیه السلام

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا»<sup>(۳)</sup>

«از تو درباره ساعت می پرسند که چه وقت انجام می شود.»

کلمه ساعة در قرآن در بسیاری از آیات به کار رفته است، قسمتی از آن طبق احادیث اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام تفسیر به ساعت ظهور ولی عصر علیه السلام و یا به خود آن وجود منور شده است. ظاهراً تعبیر به اینکه فرموده: [می پرسند] فرموده که: [پرسیدند] برای این بود که بفهماند، این سؤالی است که همیشه می کنند.

امام صادق علیه السلام در آیه می فرماید:

«این آیه در تاویل حضرت مهدی علیه السلام است.»<sup>(۴)</sup>

خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید:

۱ - سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص ۱۸۶.

۲ - سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص ۱۸۷.

۳ - سورة نازعات آیه ۴۲.

۴ - نجم الثاقب، ص ۷۶.

«إِقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَ انْشَقَّ الْقَمَرُ»<sup>(۱)</sup>

«ساعت نزدیک شده و ماه از هم شکافت.»

کلمه [اقتربت] به معنی: بسیار نزدیک شده است. پس اینکه فرمود: [اقتربت الساعة] معنایش این است که ساعت خیلی نزدیک شده است. «انشق القمر» این است که به زودی در آن ساعت ماه دو نیم می شود و اگر فرموده: [دو نیم شد] از باب این است که بفهماند حتماً واقع می شود. از نشانه های ظهور دو نیم شدن ماه می باشد. خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«وَ كَذَلِكَ أَغْتَرْنَا عَلَيْهِمْ لِيُعلمُوا أَنَّ وَ عَدَّ اللهُ حَقًّا وَ أَنَّ السَّاعَةَ لَأَرْيبُ فِيهَا إِذْ يَتَنَزَّعُونَ بَيْنَهُمْ أَمْرَهُمْ فَقَالُوا ابْنُوا عَلَيْهِم بُنْيَانًا رَبُّهُمْ أَعْلَمُ بِهِمْ»<sup>(۲)</sup>

«وقتی گفته شود وعده خدا حق است و در ساعت هیچ شکی نیست. شما هم می گفتید. ما نمی دانیم ساعت چیست؟ ما تنها گمانی درباره او داریم و به هیچ وجه یقین نداریم.»

راغب در مفردات گوید: کلمه «خسر» و «خسران» به معنی کم شدن سرمایه است، حالا سرمایه مالی و جسمی و روانی و دینی و مذهبی همه را شامل می شود. و در معنای کلمه «مبطول» گفته «ابطال» به معنای فاسد کردن و از بین بردن چیزی است، چه آن چیز حق باشد یا باطل. پس معنی آیه اینگونه می شود: روزی که ساعت، یعنی روز قیام حضرت قائم علیه السلام بر پا می شود، در آن روز مبطل آنهایی که حق را باطل جلوه می دادند و از آن اعراض می کردند، زیانکار می شوند. خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً وَ هُمْ لَا يَشْعُرُونَ»<sup>(۳)</sup>

۱- سوره قمر، آیه ۱.

۲- سوره کهف آیه ۲۱.

۳- سوره زخرف آیه ۶۶.

«آیا جز این انتظار دارند، که ساعت ناگهان به سراغشان آید، در جایی که

نمی‌دانند. دوستان در آن روز دشمن یکدیگرند، مگر پرهیزکاران»

کلمه [ینظرون] از مصدر [نظر] به معنی [انتظار] است. کلمه [بغنة] به معنای ناگهانی است. مراد از اینکه فرمودند: [ایشان نمی‌فهمند] غفلتشان از آن ساعت است و به خاطر اینکه سرگرم به امور دنیا هستند. همچنان که در سوره یس آیه ۴۹ می‌فرماید: «انتظار نمی‌کشند، مگر تنها یک صیحه را که ایشان را بگیرد، در حالی که سرگرم بگو مگوی باهمند.»<sup>(۱)</sup>

امام باقر علیه السلام در ذیل آیه می‌فرماید:

«پس آن ساعت، حضرت قائم علیه السلام به ناگاه خبر ظهور و قیامش به آنان

می‌رسد.»<sup>(۲)</sup>

امام صادق علیه السلام در ذیل آیه می‌فرماید:

«این آیه در تأویل حضرت مهدی علیه السلام است.»<sup>(۳)</sup>

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

«و أَنَّهُ لَعَلَّمُ لِلسَّاعَةِ فَلَا تَمْتَرْنَ بِهَا وَ اتَّبِعُونِ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ.»<sup>(۴)</sup>

«و گذشت عیسی علیه السلام نسبت به ساعت علم آور است، پس زنهار که در

ساعت شک کنی و من را پیروی کنید، که این است صراط مستقیم.»

ضمیر «انه» به حضرت عیسی علیه السلام در آیه قبل بر می‌گردد، مراد از اینکه فرموده است:

[عیسی علم به ساعت است.]، این است که عیسی وسیله علم به ساعت است و معنی

آیه این است، عیسی وسیله‌ای است که با آن می‌توان به ساعت علم یافت. این را

می‌دانیم که قبل از ظهور حضرت مهدی علیه السلام حضرت عیسی علیه السلام به زمین برگشته و تمام

۱- «مَا يَنْظُرُونَ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً تَأْخُذُهُمْ وَ هُمْ يَخِصِّمُونَ»

۲- سیمای حضرت مهدی در قرآن. ۳- نجم الثاقب.

۴- زخرف، آیه ۶۱.



مسیحیان را مسلمان می‌کند و در نماز، خود حضرت عیسی علیه السلام به وجود مقدس ولی عصر علیه السلام اقتدا می‌کند و درباره جمله [وَتَّبِعُونَ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ] که در معنی آن گفته‌اند: کلامی است از خود خداوند متعال و معنی آن این است، که هدایت امر و امام من را و رسول من را پیروی کنید، که این صراط مستقیم است.  
امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«صراط مستقیم ولایت علی بن ابیطالب است.»<sup>(۱)</sup>

خداوند در قرآن می‌فرماید:

«اللَّهُ الَّذِي أَنْزَلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَالْمِيزَانَ وَ مَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ قَرِيبٌ، يَسْتَعْجِلُ بِهَا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِهَا وَالَّذِينَ آمَنُوا مُسْفِقُونَ مِنْهَا وَ يَعْلَمُونَ أَنَّهَا الْحَقُّ إِلَّا إِنَّ الَّذِينَ يُمَارُونَ فِي السَّاعَةِ لَفِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ.»<sup>(۲)</sup>

«خداوند کسی است که کتاب و میزان را به حق نازل کرد، تو چه می‌دانی شاید ساعت نزدیک باشد. کسانی که به قیامت ایمان ندارند، درباره آن شتاب می‌کنند، ولی آنها که ایمان آورده‌اند، پیوسته از آن هراسانند و می‌دانند آن حق است، آگاه باشید کسانی که در ساعت تردید می‌کنند، در گمراهی عمیق هستند.»

امام صادق علیه السلام از مفضل می‌پرسد:

«ای مفضل: اهل عراق این آیه را چگونه می‌خوانند؟»

عرض کردم ای آقای من همین طور می‌خوانند:

[آنان که به آن ساعت ایمان ندارند، از روی تمسخر تقاضای تعجیل در ظهور آن می‌کنند و آنان که ایمان دارند، از آن روز سخت ترسانند، که آن حق است.]

حضرت فرمود:

«به خدا سوگند جز قیام حضرت قائم علیه السلام است، پس چگونه کسی که به آن ایمان ندارد عجله می‌کند. بخدا سوگند جز مؤمنان نسبت به آن ایمان نمی‌آورند ولی این را از روی حسد نسبت به شما تحریف کردند، پس این را بدان ای مفضل.»

مفضل سوال کرد:

«معنی یمارون چیست؟»

حضرت فرمودند:

«می‌گویند: کی متولد شد، کی او را دید و او کجاست و چه وقت ظاهر می‌شود، همه اینها به جهت استعجال در امر الهی و شک در قضای اوست.»<sup>(۱)</sup>

کلمه [یدری] از مصدر [ادراء] گرفته شده، که به معنی اعلام است و منظور از کلمه ساعة آمدن ساعت است و به همین جهت کلمه [قریب] که خبر این مبتداء است مذکر آمده و اگر نه منظور خود ساعت بود، نه آمدن آن، باید می‌فرمود: [الساعة قریبة]. پس معنی جمله این می‌شود که: [ای رسول گرامی، تو چه می‌دانی شاید آمدن ساعت نزدیک باشد.] کلمه [یمارون] مضارع از مصدر [ممارات] است و [ممارات] به معنی: پافشاری بر جدال است.

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

«يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي لَا يُجَلِّيهَا لِوَقْتِهَا إِلَّا هُوَ»<sup>(۲)</sup>

«از تو می‌پرسند ساعت کی بر پا می‌شود. بگو علم آن نزد پروردگار من

۱ - سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص ۳۳۳.

۲ - سوره اعراف آیه ۱۸۷.

است و کسی وقت آن را آشکار نمی‌کند مگر خودش.»

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«این آیه در تأویل حضرت مهدی علیه السلام است.»<sup>(۱)</sup>

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«۵ چیز است که علم آن مخصوص خداوند متعال است: ۱ - روح ۲ -

ساعت و...»<sup>(۲)</sup>

[مرسی] اسم زمان و مکان و مصدر میمی از [ارسیت الشیء] است، که به معنای [آن چیز ثابت و استوار شد.] می‌باشد. ساعت در این آیه ساعت ظهور ولی عصر علیه السلام می‌باشد و «ال» در [الساعة] برای عهد می‌باشد، کلمه [يُجَلِّئُهَا] به معنی: کشف و اظهار است، وقتی گفته می‌شود. [جَلَاءٌ فَأُنْجَلِي] معنایش این است که: پرده از روی آن چیز برداشت و آن چیز هویدا گشت.

پس معنی جمله این می‌شود: از تو می‌پرسند وقوع و ثبوت ساعت چه وقت است، به آنها بگو علم آن نزد خداست و او ساعت را هویدا نمی‌کند و پرده از روی آن بر نمی‌دارد، تا وقتی که واقع شود.

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

«أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَأَنَّ السَّاعَةَ لَا رَيْبَ فِيهَا.»<sup>(۳)</sup>

«وعدۀ خدا حقّ است و در آن ساعت تردیدی نیست.»

جای هیچ تردیدی نیست که امام عصر حقّ است و در ساعت و روز مشخصی ظهور خواهد کرد.

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

«إِنَّ السَّاعَةَ آيَةٌ أَكَادُ أُخْفِيهَا لِتُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا تَسْعَىٰ.»<sup>(۴)</sup>

۱ - نجوم الثاقب، ص ۷۶.

۲ - اصول کافی جلد اول.

۳ - سورة كهف آية ۲۱.

۴ - سورة طه آية ۱۵.

«آن ساعت آمدنی است، می‌خواهم آن را پنهان کنم، تا هر کس در مقابل

کوششی که می‌کند سزا ببیند.»

خداوند متعال ساعت ظهور امام عصر علیه السلام را پنهان داشته است، تا دوست از دشمن شناخته شود، پس خداوند هر کس که بیشتر تلاش برای دیدن آن حضرت و یا شاد کردن قلب آن حضرت کرده است، نتیجه و پاداش و جزای بیشتر بدهد.

خداوند در قرآن می‌فرماید:

«وَيَوْمَ تُقَوْمُ السَّاعَةُ يُبْلِسُ الْمُجْرِمُونَ» (۱)

«و روزی که ساعت بر پا شود، مجرمین مأیوس می‌شوند.»

«یُبْلِسُ» از مصدر «ابلاس» است، به معنی: ناامیدی از رحمت خدا که منشأ همه شقاوتها و بدبختیهاست. وقتی که وجود مقدس ولی عصر علیه السلام ظهور کند، تمام مجرمین و کسانی که طمع داشتند که به جایی برسند مأیوس و نومید می‌شوند.

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

«وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُومِئِدِ يَتَفَرَّقُونَ» (۲)

«و روزی که ساعت بر پا شود، فرقه‌ها از هم جدا می‌شوند.»

«يَتَفَرَّقُونَ» از ریشه «فَرَقَ» یعنی: فاصله افتادن و جدا شدن است.

در روز ظهور امام عصر علیه السلام، در آن ساعت هم فاصله زیادی بین گروههای حق از باطل می‌افتد.

از امام حسن مجتبی علیه السلام پرسیده شد که؟

«چه وقت ظهور خواهد کرد قائم علیه السلام؟»

امام فرمودند:

«مَثَلُ أَوْ مِثْلُ سَاعَتِ اسْتِ، كِه پنهان داشته خدای تعالی علم آن را بر اهل

آسمان و زمین، نمی آید مگر ناگاه و بی خبر.»<sup>(۱)</sup>

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا فَأَنَّى لَهُمْ إِذَا جَاءَتْهُمْ ذِكْرُهُمْ.»<sup>(۲)</sup>

«آیا جز این انتظار دارند که آن ساعت به ناگاه آنان را فرارسد، که شرائط و علائم آن آمده، و سپس از آمدن آن دیگر تذکرشان چه سودی به حالشان دارد.»

سائلی از امام صادق علیه السلام سوال نمود که:

«آیا برای ظهور مهدی علیه السلام وقت معینی هست، که مردم آن را بدانند؟»

حضرت فرمودند:

«حاشا که خداوند برای آن وقتی تعیین فرماید!»

گوید عرضه داشتم:

«برای چه ای مولای من؟»

حضرت فرمودند:

«زیرا که این همان ساعت است، که خدای تعالی فرمود: [از تو می پرسند هنگام ساعت چه وقت خواهد بود، بگو البته علم آن نزد پروردگار من است، کسی که جز او ساعت را روشن و ظاهر نتواند کرد، آن ساعت در آسمان و زمین بسی سنگین است، از تو می پرسند گویی که تو کاملاً به آن آگاهی. بگو علم آن ساعت فقط نزد خداوند است، ولیکن بیشتر مردم نمی دانند]<sup>(۳)</sup> و یا فرمود: [و علم ساعت نزد اوست]<sup>(۴)</sup> و نفرمود: نزد کس

۱ - اصول کافی جلد ۲. ۲ - سورة محمد صلی الله علیه و آله آیه ۱۸

۳ - سورة اعراف آیه ۱۸۷ که در چند صفحه پیش گذشت.

۴ - سورة زحرف آیه ۸۵ که در چند صفحه پیش گذشت.

دیگری غیر از او و نیز فرمود: [آیا جز این انتظار دارند که آن ساعت به ناگاه آنان را فرا رسد که شرایط و علائم آن آمده و پس از آمدنش دیگر تذکرشان چه سودی به حالشان داشت] <sup>(۱)</sup> و بفرمود: [آن ساعت نزدیک شد و ماه شکافت] <sup>(۲)</sup> و بفرمود: [تو چه می دانی شاید آن ساعت نزدیک باشد، آنان که به ساعت ایمان ندارند، از روی تمسخر تقاضای زودتر شدن آنرا دارند و آنان که ایمان آورده اند از آن ساعت سخت بیمناک کند و می دانند که آن روز به حق است، توجه کنید آنان که درباره ساعت جدال کنند، در گمراهی دوری هستند]. <sup>(۳)</sup>

عرض کردم «مولای من معنی یماون چیست؟»

حضرت فرمودند:

«می گویند قائم علیه السلام کی متولد شد؟ و چه کسی او را دید؟ و در کجاست؟ کی ظاهر می شود؟ و تمام اینها از جهت عجله کردن در امر خداوند و شک در قضای الهی است، آنان در دنیا و آخرت زیان کرده اند و پایان بد از آن کافران است.»

عرضه داشتم:

«ای مولای من پس وقتی برای آن تعیین نمی کنید؟»

حضرت فرمودند:

«برای آن وقتی مگذار، که هر کس برای ظهور مهدی علیه السلام وقتی تعیین نماید، خود را در علم خداوند شریک داشته و مدعی شده که خدای

---

۱ - سوره محمد صلوات الله علیه آیه ۱۸ که در چند صفحه پیش گذشت.

۲ - سوره قمر آیه اول و دوم که در چند صفحه پیش گذشت.

۳ - سوره شوری آیه ۱۷ و ۱۸ که در چند صفحه پیش گذشت.

متعال او را از اسرار خویش آگاه ساخته است. (۱)

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

«بَلْ كَذَّبُوا بِالسَّاعَةِ وَ أَعْتَدْنَا لِمَنْ كَذَّبَ بِالسَّاعَةِ سَعِيرًا» (۲)

«بلکه این کافران آن ساعت را تکذیب کردند و ما برای کسانی که آن

ساعت را تکذیب کردند، آتش دوزخ مهیا ساختیم.»

امام صادق علیه السلام در ذیل آیه می‌فرماید:

روز ۱۲ ساعت است و ماهها ۱۲ ماه و امامان ۱۲ امام هستند و نقیبان ۱۲

نقیب و براستی که علی علیه السلام ساعتی از ۱۲ ساعت است و آن قول خدای

عزوجل است: [بلکه این کافران آن ساعت را تکذیب کردند و ما برای

کسانی که آن ساعت را تکذیب کنند، دوزخ مهیا ساختیم.]» (۳)

باز هم امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«همانا روز ۱۲ ساعت و البته علی بن ابیطالب علیه السلام بهترین ساعت از ۱۲

ساعت می‌باشد و اوست معنی قول خدای تعالی: [بلکه این کافران آن

ساعت را تکذیب کنند ما برای کسانی که آن ساعت را تکذیب کنند آتش

دوزخ مهیا ساختیم.]» (۴)

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

«حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَآيُوعِدُونَ إِمَّا الْعَذَابَ وَ إِمَّا السَّاعَةَ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ

هُوَ شَرُّ مَكَانًا وَ أَضْعَفُ جُنْدًا.» (۵)

«تا آنکه و عده را به چشم خود بینند، که یا عذاب دنیا است و یا فرارسیدن

۱ - سیمای حضرت مهدی در قرآن ص ۳۵۳.

۲ - سوره فرقان آیه ۱۱. ۳ - سیمای حضرت مهدی در قرآن. ص ۲۷۲.

۴ - سیمای حضرت مهدی در قرآن ص ۲۷۲.

۵ - سوره مریم آیه ۷۵.

ساعت، به زودی خواهند دانست که کدامیک جایگاه بدتر و سپاهش  
ضعیفتر است.»

امام صادق علیه السلام در ذیل آیه می فرماید:

«[و چون آیات و نشانه‌های ما به روشنی بر آنان خوانده شود، کسانی که  
کفر ورزیدند، به آنانکه ایمان آورده‌اند گویند: کدامیک از دو گروه مقام  
بہتر و جایگاه خوبتری دارند] <sup>(۱)</sup> آن را منکر شدند. [پس کسانی که کفر  
ورزیدند] از قریش [به ان که ایمان آورده بودند] و کسانی که به  
امیرالمؤمنین علیه السلام و ما اهل بیت اقرار داشتند، گفتند: امیرالمؤمنین علیه السلام  
گفتند، پس خداوند در رد آنها فرمود: [پیش از ایشان چه نسلی را هلاک  
کردیم] از امتهای گذشته «[که آن نسلی اساس و زندگی جالبتر و بہتری  
دارند]. <sup>(۲)</sup>»

عرض داشتم:

«اینکه فرموده: [هر کس به راه ضلالت رفت خداوند او را مهلت و تمکن  
همی دهد.؟]»

حضرت فرمودند:

«همه آنها در مسیر گمراهی بودند، نه ولایت امیرالمؤمنین را باور داشتند  
و نه ولایت ما را گردن نهادند، پس آنان گمراهان و گمراه کنندگانی بودند.  
پس خداوند ایشان را در ضلالت و سرکشیشان مهلت می‌دهد، تا  
هنگامی که بمیرند، پس آنان را به وضع بدتر و سپاه ضعیفتر منتقل  
فرماید.»

عرض داشتم:

«اینکه خداوند فرماید: [تا آنکه وعده را به چشم خود ببینند که یا عذاب



دنیاست با فرا رسیدن ساعت، به زودی خواهند دانست جایگاهش بدتر  
و سپاهش ضعیفتر است.»

حضرت فرمودند:

«اینکه فرمود [تا آنکه وعده را به چشم خود بینند] آن خروج حضرت  
قائم علیه السلام و همان ساعت است، در آن روز خواهد دانست و آنچه از سوی  
خداوند به دست و لیش فرود می آید، و همین است که فرمود [کدام  
جایگاهش بدتر است] یعنی: نزد حضرت قائم و [سپاهش ضعیفتر].»

عرض داشتیم:

«و [و خداوند هدایت یافتگان را هدایتشان می افزاید].»<sup>(۱)</sup>

حضرت فرمودند:

«در آن روز به خاطر پیرویشان از حضرت قائم علیه السلام هدایت روی هدایت  
می افزاید، زیرا که او را رد نکنند و انکار ندارند.»

عرضه داشتیم:

«این که فرمود: [در آن روز مالک شفاعت نباشد، مگر کسی که نزد خدای  
رحمن عهدی گرفته باشد].»<sup>(۲)</sup>

حضرت فرمودند:

«مگر کسی که با ولایت امیرالمؤمنین که همان مودت و دوستی با او  
است، که خدای تعالی فرموده است.»

عرضه داشتیم:

«[همانا ما حقّ ایق این قرآن را به زبان تو آسان و روان ساختیم، تا  
بوسیله آن متقیان را مزدگانی دهی و گروه سرسخت را هشتار دهی].»<sup>(۳)</sup>

۲ - سوره مریم آیه ۷۸.

۱ - سوره مریم آیه ۷۶.

۳ - سوره مریم آیه ۹۷.

حضرت فرمودند:

«البته خداوند آن را به زبان او آسان کرد، هنگامی که امیرالمؤمنین علیه السلام را به راهنمایی نصب فرمود، پس مؤمنان را مژده داد و کافران را از آن بر حذر داشت و این که همانهایند. که خداوند در کتاب خود به عنوان [لُدًّا] یعنی: کافر یاد کرده است.»<sup>(۱)</sup>

#### ۴۷ - سبیل علیه السلام

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«وَإِنَّهَا لِسَبِيلٍ مُّقِيمٍ»<sup>(۲)</sup>

«براستی در این آیات راهی است برای اندیشه کنندگان»

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«ما هستیم مُتَوَسَّئِنٌ، و راه حق در ما پابرجا است.»<sup>(۳)</sup>

#### ۴۸ - سابقون علیه السلام

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«فَأَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ وَأَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ»<sup>(۴)</sup>

«و گروه دیگر شقاوت‌مندان و شوماند، چه شقاوت‌مندان و شومانی و سومین گروه پیشگامانند. چه پیشگامانی. آنها مقربانند. و سعادت‌مندان و خستگان، چه سعادت‌مندان و خستگانی»

امام صادق علیه السلام می فرماید:

---

۱ - سیمای حضرت مهدی در قرآن. ۲ - سورۀ حجر آیه ۷۶.  
۳ - اصول کافی جلد ۲. ۴ - سورۀ واقعه آیه ۸ تا ۱۱.

«ای جابر براستی خدای تبارک و تعالی خلق را سه دسته آفرید و این است قول خدای عزوجل: [شما سه دسته بودید که با هم جفت شدید، اصحاب میمنه، چه کسانی؟ اصحاب میمنه. اصحاب مشئمه کیانند؟ اصحاب مشئمه پیشگامان پیشگام، آنها مقربند.] دستۀ سابقون: رسولان خدا باشند و مخصوصاً حضرت او باشد، از خلق او که در آن ۵ نیروئی روحی نهاده! ۱- با روح القدس آنها را تأکید کردن و بوسیله او هر چیز را شناختند و فهمیدند. ۲- روح ایمان و عقیده، که بوسیله آن از خدای عزوجل بترسند. ۳- روحیه توانایی، که بوسیله آن فرمان خدا ببرند. ۴- روحیه شهوت، که وسیله آن طاعت خدا جویند و از نافرمانی خدا دوری کنند. ۵- روحیه عمومی که بوسیله آن با مردم رفت و آمد کنند و زنده باشند.

و در مؤمنان اصحاب میمنه این روح ها را قرار داده است. ۱- روح ایمان، که آنان از خدا بترسند. ۲- روح ناتوانی، که آن قدرت بر طاعت خدا دارند. ۳- روحیه شهوت، که در طاعت خدا پویند. ۴- روحیه عمومی، که میان مردم همه رفت و آمد کنند و زنده باشند.»<sup>(۱)</sup>

#### ۴۹- شمس ﷻ

خداوند در قرآن می فرماید:

«وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا»<sup>(۲)</sup>

«قسم به خورشید و گسترش نور آن»

امام صادق ﷻ می فرماید:

«[سوگند به خورشید و هنگام درخشندگی اش]. خورشید

امیرالمؤمنین علیه السلام است و هنگام درخشندگی اش، قیام قائم علیه السلام است (۱)

۵۰ - شاهد علیه السلام

خداوند در قرآن کریم می فرماید

«وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لَيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ، وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا» (۲)

«و هیچ کس از اهل کتاب نیست، جز آنکه پیش از مرگ به وی ایمان خواهد آورد و در روز قیامت او بر آنان گواه خواهد بود.»

ابوحمزه شهر بن حوشب گوید که حجاج به من گفت!

«آیه ای در قرآن هست که در آن در مانده ام؟»

گفتم:

«ای امیر کدام آیه است؟»

گفت:

«فرموده خداوند: [و هیچ کس از اهل کتاب نیست، جز این که پیش از مرگ به او ایمان خواهد آورد] به خدا سوگند: من دستور می دهم یهودی و نصری را گردن می زنند، سپس به او چشم می دوزم، پس می بینم لبهایش را حرکت دهد، تا اینکه بی حرکت گردد.»

گفتم:

«خداوند حال امیر را خیر فرماید: چنانچه تاویل فرموده اید نیست.»

گفت:

«پس چگونه است؟»

۱- سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص ۴۲۵.

۲ - سوره نساء، آیه ۱۵۹.

گفتم:

«همانا عیسی علیه السلام پیش از روز قیامت به زمین فرود می آید، پس اهل هیچ آیین مسیحی باقی نمانند، مگر آنکه پیش از مردنش به او ایمان آورد، و پشت سر حضرت مهدی علیه السلام نماز گذارد.»

گفت:

وای بر تو، این را از کجا می گویی و از کجا آورده ای؟»

گفتم:

«این را محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابیطالب علیه السلام برایم حدیث فرمود.»

گفت:

«به خدا سوگند آن را از چشمه زلالی آورده ای.»<sup>(۱)</sup>

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيدًا»<sup>(۲)</sup>  
«پس چطور است گاهی که بیاوریم، از هر امتی گواهی و تو را برایتان احضار کنیم.»

امام صادق علیه السلام فرمودند:

«در باره امت محمد صلی الله علیه و آله بخصوص نازل شده، در هر قرنی از ایشان امام می باشد از ما که گواه است، بر ایشان و محمد صلی الله علیه و آله گواه است بر خود ماها»<sup>(۳)</sup>

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

۱ - سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص ۱۱۵.

۲ - اصول کافی جلد ۲.

۳ - سوره نساء آیه ۴۱.

«وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ»<sup>(۱)</sup>

«و همچنین شما را امت وسط ساختیم تا بر مردم گواه باشیم.»

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«ما هستیم آن امت وسط و مائیم شهداء خلقش و حاجتهای او بر

زمین.»<sup>(۲)</sup>

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَ تَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ»<sup>(۳)</sup>

«تا این رسول بر شما گواه باشد و شما بر او گواه باشید.»

برید عجمی گوید: به امام باقر علیه السلام عرض کردم:

«تفسیر قول خدای تبارک و تعالی را بفرمایید: [با آن کسانی که گرویدند

رکوع کنید و سجده کنید و بپرستید پروردگار خود را و کار نیک کنید، تا

شاید رستگار شوید و در راه خدا به راستی جهاد کنید، اوست که شما را

برگزیده است.]»

حضرت علیه السلام فرمود:

«ما را قصد کرده، ما هستیم برگزیده‌های خدای تبارک و تعالی، در دین

حرجی ننهاده و حرج از گرفتن سخت تر است [کیش: پدر شما ابراهیم

است] ما را بخصوص قصد کرده. [شما را مسلمان نام نهاده]: خدا ما را

مسلمان نامیده [از پیش] در کتب گذشته، [و در این] قرآن، [تا آن

رسول بر شما گواه باشد و شما بر مردم گواه باشید]، رسول خدا به آنچه به

ما رسانیده است، از خدای تبارک و تعالی به ما گواه است و ما بر مردم

دیگر شاهدیم، هر که ما را تصدیق کند، روز قیامت او را تصدیق کنیم و

۲ - اصول کافی جلد ۲.

۱ - سوره بقره آیه ۱۴۳.

۳ - سوره حج آیه ۷۸.

هر که تکذیب کند، او را تکذیب کنیم در روز قیامت.»<sup>(۱)</sup>

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُمْ عَلَىٰ بَيْتِهِ مِنْ رَبِّي وَءَاتَنِي رَحْمَةً مِنْ عِنْدِي»<sup>(۲)</sup>

«آیا کسی که بیته از پروردگار خود دارد و گواه از وی در دنبال او است.»

امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید:

«مقصود از گواه من هستم، که گواه و مصدق رسول خدا صلی الله علیه و آله هستم و

رسول خدا صلی الله علیه و آله بود. که بیته و معجزه از پروردگارش داشت.»<sup>(۳)</sup>

خداوند در قرآن می فرماید:

«وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا كَسَّتْ مُرْسَلًا. قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا جِئِنِّي وَبَيْنَكُمْ وَ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ»<sup>(۴)</sup>

«بگو بس است خدا برای شاهد میان من و شماها و کسی که علم کتاب

در نزد او است.»

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«مقصود ما هستیم و علی علیه السلام اول و افضل و بهتر ما ائمه است، پس از

پیغمبر»<sup>(۵)</sup>

## ۵۱ - شدید المحال علیه السلام

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«وَهُوَ شَدِيدُ الْمِحَالِ»<sup>(۶)</sup>

۲ - سورة هود آية ۲۱.

۱ - اصول کافی جلد ۲.

۴ - سورة رعد آية ۴۳.

۳ - اصول کافی جلد ۲.

۶ - سورة رعد آية ۱۳.

۵ - اصول کافی جلد ۲.

«اوست خداوند سخت انتقام گیرنده»

اصبغ بن گوید: دیدم امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند:

«پیشاپیش ظهور حضرت قائم علیه السلام سالهای فریبنده‌ای خواهد بود، که

راستگو در آن درغگو و درغگو در آن راستگو پنداشته شود و شخص

«ماحل» در آن زمان مقرب گردد - در آن به سخت آید.»

راوی گوید عرض داشتیم:

«و ما حل کدام است؟»

حضرت فرمود:

«آیا قرآن نمی‌خوانید که خداوند فرماید: [و اوست خداوند سخت انتقام

گیرنده] یعنی: «مکر خداوند شدید است.»

راوی گوید: عرض کردم: «ما حل کدام است؟»

حضرت فرمود:

«مقصود حيله گر است.»<sup>(۱)</sup>

## ۵۲ - صادق علیه السلام

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ»<sup>(۲)</sup>

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید از خدا بترسید و با صادقین باشید.»

امام باقر علیه السلام در ذیل آیه می‌فرماید:

«مقصود از صادقین ما هستیم.»<sup>(۳)</sup>

امام رضا علیه السلام می‌فرماید:

«صادقان همان ائمه‌اند علیهم السلام، که طاعت آنان را بی‌تردید واجب است و

۱ - سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص ۴۴۷.

۳ - اصول کافی جلد ۲.

۲ - سوره توبه آیه ۱۱۹.



باید آنها را تصدیق کرد.»<sup>(۱)</sup>

پیامبر مکرم اسلام ﷺ فرمودند:

«هر کس دوست دارد مانند پیغمبران زنده ماند و چون شهداء بمیرد و در بوستانی که خدا کاشته جای کنند، باید پیرو علی علیه السلام باشد و با دوستدار او دوستی کند و به امامان پس از او اقتدا کند، زیرا آنها عترت من هستند، که از گل من آفریده شده‌اند، بار خدایا فهم و دانشم را به آنها روزی کن. وای بر آن کسانی از امتم، که مخالف آنها باشند، خدایا شفاعتم را به آنها مرسال.»<sup>(۲)</sup>

### ۵۳- صراط علیه السلام

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

«قُلْ كُلُّ مُتَّبِعٍ فَتَرْبُّوا فَسَتَعْلَمُونَ مِنْ أَصْحَابِ الصِّرَاطِ السَّوِيِّ وَ  
مَنِ الْمَهْدِيِّ»<sup>(۳)</sup>

«پس بزودی خواهیم دانست که کدام یک اهل راه مستقیم هستیم و چه کسی هدایت شده است.»

امام کاظم علیه السلام می‌فرماید:

«صراط، همان حضرت قائم علیه السلام است، و هدایت از آن کسی است که، به طاعت او هدایت گردیده و مانند این است در کتاب خدای عزوجل [و به راستی که من بر کسی که توبه کند و ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد، سپس هدایت شود، بسیار آمرزنده‌ایم] به سوی ولایتمان.»<sup>(۴)</sup>

خداوند در قرآن می‌فرماید:

۲- اصول کافی ج ۲.

۱- اصول کافی جلد ۲.

۴- سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص ۲۴۳.

۳- سوره طه آیه ۱۳۵.

«أَمَّنْ يَمِئِي مُكِبًّا عَلَىٰ وَجْهِهِ أَهْدَىٰ أَمَّنْ يَمِئِي سَوِيًّا عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»<sup>(۱)</sup>

«آیا پس کسی که به رو افتاده راه می رود برتر است و یا کسی که درست بر سر پا راه می رود و در راه راست است.»

امام صادق علیه السلام در ذیل آیه می فرماید:

«خدا در اینجا مثل زده است، از کسی که از ولایت علی علیه السلام روگردان است، به کسی که به رو در افتاده و به کار خود گم است و قرار داده هر که پیروی علی علیه السلام کند، چون کسی است که بر پا افتاده و در راه راست است، راه راست همان امیرالمؤمنین علیه السلام است.»<sup>(۲)</sup>

خداوند در قرآن می فرماید:

«فَأَسْتَمِمْ بِالَّذِي أَحَىٰ إِلَيْكَ إِنَّكَ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»<sup>(۳)</sup>

«بچسب به آنچه به تو وحی شده، زیرا تو به راه راست هستی.»

امام باقر علیه السلام در ذیل آیه می فرماید:

«یعنی توبه و ولایت علی علیه السلام هستی و علی علیه السلام همان راه راست است.»<sup>(۴)</sup>

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«راه راستی که در قرآن آمده ولایت علی بن ابیطالب علیه السلام و اولاد معصوم علیهم السلام ایشان می باشد.»<sup>(۵)</sup>

خداوند در قرآن فرموده:

«أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ»<sup>(۶)</sup>

«ما را به راه راست هدایت فرما»

۲ - اصول کافی جلد ۲.

۴ - اصول کافی جلد ۳.

۶ - سوره حمد آیه ۶

۱ - سوره ملک آیه ۲۲.

۳ - سوره زخرف آیه ۴۳.

۵ - اصول کافی جلد ۳.

راه راست راه ولایت ۱۴ معصوم می باشد، پس آیه می فرماید:  
«ما را به راه علی بن ابیطالب و فرزندان معصوم علیهم السلام او هدایت فرما.»

## ۵۴ - صبح ص

در قرآن کریم می فرماید:

«وَالصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ»<sup>(۱)</sup>

«قسم به صبح وقتی که تنفس کند.»

اگر به قسمهای قبل از این آیه نگاه کنیم، خداوند می فرماید:

«فَلَا أُقْسِمُ بِالْخَنَسِ الْجَوَّارِ الْكُنَّسِ وَلَكِلِ إِذَا عَسَعَسَ وَالصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ»<sup>(۲)</sup>

«پس چنین نیست ستارگان رجوع کننده.» که در اسم «خنس» توضیح کامل داده شد.

«و قسم به روندگان پنهان شوند.» این هم در جای خود توضیح کامل داده شد. «و قسم

به شب وقتی پشت کند.» «لیل» قسم به دشمنان امیرالمؤمنین علیه السلام و در زمان ظهور قسم

به وجود منور ولی عصر می باشد.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«منظور از لیل دومی می باشد، که به امیرالمؤمنین علیه السلام پشت نموده»<sup>(۳)</sup>

«قسم به صبح وقتی که تنفس کند.» اگر دقت کنیم در قرآن کریم فقط یک چیز است که

خداوند متعال می فرماید: [تنفس می کند] و آن هم صبح می باشد و فرموده در حال

حاضر تنفس می کند، بلکه فرموده است: [قسم به صبح وقتی که تنفس کند] یعنی: در

آینده تنفس خواهد نمود، و هنوز تنفس نکرده است.

اگر منظور از تنفس همان روشنائی صبح باشد و اگر منظور از صبح خود صبح معمولی

باشد، بایستی می فرمود: «قسم به صبح که تنفس می کند» در حالی که فرموده است:

۲ - سورة تکویر آیه ۱۷.

۱ - سورة تکویر آیه ۱۸.

۳ - اصول کافی جلد ۲.

[قسم به صبح وقتی که تنفس کند]. پس نتیجتاً نه منظور از صبح همین صبح معمولی است و نه منظور از تنفس کردن روشن شدن هواست. امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید:

«هنگامی که در تاریکی گمراهی و نابودی بودید و راهنمایی نداشتید، و به سبب ما هدایت شدید و به راه راست قدم نهادید و بر کوههای بلندی سوار شدید و از «تیرگی» شبهای آخر به روشنایی صبح داخل شدید.»<sup>(۱)</sup> این آیات هم می فرماید:

«وَاللَّيْلِ إِذَا دُبِرَهُ وَالصُّبْحِ إِذَا أَسْفَرَ»<sup>(۲)</sup>

«و قسم به شب چون برود و قسم به صبح چون جهان را روشن سازد.» اگر دقت کنیم این آیات هم مانند آیات سوره تکویر می باشد، چرا که اول قسم به رفتن شب یا همان ظلمت می خورد، سپس به آمدن صبح و روشن کردن آن، در این آیات هم منظور از صبح وجود مقدس ولی عصر علیه السلام می باشد و آمدن آن هم ظهور آن حضرت، چنانچه که هنوز ظهور ننموده و صبح هم هنوز تنفس ننموده است.

## ۵۵ - ضحیٰ علیه السلام

خداوند در قرآن می فرماید:

«وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا»<sup>(۳)</sup>

«سوگند به خورشید و نور ضیاء آن.»

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«شمس رسول خداست صلی الله علیه و آله و وضحاء شمس که نور و ضیاء آفتاب است، چون بتابد قائم علیه السلام است و این است، این تابش به همه چیز و همه کس

۲ - سوره مدثر آیه ۳۳ و ۳۴.

۱ - نهج البلاغه خطبه چهارم.

۳ - سوره شمس آیه اول.

میباشد.»<sup>(۱)</sup>

و باز هم خداوند متعال در آیه اول و دوّم سورة ضحی می فرماید:

«وَالضُّحَىٰ وَ اللَّيْلِ إِذَا سَجَىٰ»

«قسم به روز روشن و قسم به شب هنگام آرامش آن»

که در اینجا هم مانند آیات اول سورة مبارکه شمس قسم به ضحی، قسم به ولی عصر علیه السلام می باشد و قسم به شب، قسم به ایام تاریک، قبل از ظهور می باشد.

### ۵۶- طریق علیه السلام

خداوند در قرآن کریم فرماید:

«وَالْوِاسْتِقَامُ عَلَى الطَّرِيقَةِ لَا سَقِينَهُمْ مَاءً غَدَقًا»<sup>(۲)</sup>

«اگر به طریق اسلام استقامت می کرد که البته آب علم و رحمت و رزق

وسیع نسیبشان می کردیم.»

امام باقر علیه السلام در ذیل آیه می فرماید:

«یعنی: اگر بر پا بماند بر ولایت علی بن ابیطالب علیه السلام و پیروی اوصیاء از

فرزندانش پذیرند، طاعت آنها را در هر چه فرمان دهند کنند، [به آنها

آب فراوان بنوشانیم] یعنی: دل آنها را از ایمان لبریز کنیم، طریقت حقّ

ایمان به ولایت علی و اوصیاء علیهم السلام است.»<sup>(۳)</sup>

### ۵۷- عصر علیه السلام

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«وَالْعَصْرِ، إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ، إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

۲- سورة جن آیه ۱۶.

۱- نجم الثاقب، ص ۶۱.

۳- اصول کافی جلد ۲.

و تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ»<sup>(۱)</sup>

«قسم به عصر، که همانا انسان در خسران و زیان است. مگر آنان که ایمان آورده‌اند و کارهای صالح انجام داده و یکدیگر را به حقّ سفارش نموده و به صبر و پایداری توصیه کنند.»

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«[سوگند به عصر] خروج حضرت قائم علیه السلام است [همانا انسان در خسران و زیان است] یعنی: دشمنان ما در خسران و زیانند. [مگر آنان که ایمان آورده] یعنی: آنان که به آیات ما ایمان آورده‌اند. [و کارهای نیک انجام داده‌اند] یعنی: با مساوات برادران دینی، [یکدیگر را به حقّ سفارش نمودند] یعنی: به امامت [یکدیگر را به صبر و پایداری توصیه کردند] یعنی: در زمان غیبت و دوران فترت که عقائد سست می‌شود.»<sup>(۲)</sup>

مرحوم میرزای نوری رحمته الله [عصر] را یکی از اسماء حضرت دانسته است.

## ۵۸ - عذاب علیه السلام

خداوند در قرآن می‌فرماید:

«وَ لَنَذِيقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَدْنَىٰ دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ»<sup>(۳)</sup>

«و چنانچه عذاب را تا هنگام معنی به تأخیر اندازیم گویند: افراد معدودی، چه موجب تأخیر عذاب شده است.»

امام صادق علیه السلام در ذیل آیه می‌فرماید:

«عذاب، خروج حضرت قائم علیه السلام است و امت معدوده اهل بدر و اصحاب

۲ - سیمای حضرت مهدی در قرآن.

۱ - سوره عصر آیات اول تا آخر.

۳ - سوره سجده آیه ۲۱.

او می باشند»<sup>(۱)</sup>

امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید:

«قول خدای تعالی [پس به کارهای نیک سبقت و پیشی گیرد، هر کجا باشید خدا شما را جمع خواهد کرد] خیرات ولایت است و هر کجا باشید، خدواند شما را جمع خواهد کرد یعنی: اصحاب حضرت قائم علیه السلام آن سیصد و چند مرد به خدا سوگند آنها امت معدوده هستند، به خدا قسم در یک ساعت جمع خواهند شد، پیایی همچون ابرهای پاییزی»<sup>(۲)</sup>

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«عده‌ای همچون تعداد اهل بدر [آنگاه گویند: چه چیزی موجب تأخیر عذاب گذشته آگاه باشید که چون آن هنگام فرارسد، از آنها به هیچ وجه دور نخواهد شد.] یعنی قائم علیه السلام»<sup>(۳)</sup>

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«او قائم علیه السلام و اصحابش می باشند»<sup>(۴)</sup>

باز هم امام صادق علیه السلام می فرماید:

«عذاب: همان حضرت قائم علیه السلام و او عذاب بر دشمنان است و امت معدود آنها بی هستند که به پا خیزند به عدد اهل بدر»<sup>(۵)</sup>

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«چنانچه آنها را در این دنیا تا ظهور حضرت قائم علیه السلام بهره‌مند سازیم،

---

۱ - سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص ۴۳۹.

۲ - سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص ۳۰۶.

۳ - سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص ۳۰۶.

۴ - سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص ۳۰۷.

۵ - سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص ۳۰۸.

پس از آن آنها را باز می گردانیم و عذابشان می کنیم [آنها گویند چه چیز عذاب را بر داشته] یعنی: از روی تمسخر و استهزاء گویند: که حضرت قائم قیام نخواهد کرد و خرج نخواهد داشت، پس خداوند فرمود: [آگاه باشید روزی که عذاب فرا رسد، دیگر از آنها باز گردانده نخواهد شد، آنچه را استهزاء می کنند که گرفتارش می شوید].<sup>(۱)</sup>

امام باقر علیه السلام می فرماید:

«به خدا قسم قائم علیه السلام را می بینم، در حالی که به حجر الاسود تکیه زده، سپس حق خویش را از خداوند می خواهد، اوست به خدا سوگند در فرموده او: [آیا چه کسی دعا مضطر ناچیز را به اجابت می رساند و شما را جانشین زمین قرار می دهد]. سپس نخستین کسی که با او بیعت می کند جبرئیل است، پس سیصد و سیزده نفر، پس هر کدام از ایشان پیش از اینکه از منزلشان بیرون بوده به مقصد خواهد پیوست و هر کدام از آنها دچار سفر نموده که از بستر خوابشان مفقود شده اند و همین است، فرموده امیرالمؤمنین علیه السلام: [آنانند مفقود شدگان از خابگاههایشان] و آن فرموده خدای عزوجل: [پس به کارهای نیک پیشی و سبقت گیرید، هر کجا باشید خداوند همه شما را خواهد آورد] فرمود: خیرات: ولایت است. و در جای دیگر می فرماید: [و چنان عذاب را تا هنگام معینی، بدست افراد معینی به تعویض اندازیم]. ایشان اصحاب قائم علیه السلام هستند، به خدا قسم در یک ساعت نزد ما جمع می شوند پس چون به بیاید، لشکر سفیانی به سویش خروج کند که خداوند امر کند: زمین را می گیرد و این است فرموده خداوند: [اگر بینی ای رسول کافران را هنگامی که هراسانند، پس هیچ از عذابشان فوت و زایل نشود و از جایگاه نزدیکی



گرفته شوند و گویند به او ایمان آوردیم] یعنی: به قائم علیه السلام آل محمد [و این همه دوری که توانند به آن مقام نائل شوند و از جایگاه نزدیکی گرفته شوند] تا آنجا که فرمود: [و میان آنها و آرزوهایشان جدایی افتد] یعنی: اینکه عذابشان نکنند [همچنان که نسبت به همکیشان آنان چنین شد] یعنی: کسانی پیش از ایشان بودند، از تکذیب کنندگانی که هلاک گشتند. «و آنان که طلا و نقره را گنجینه و ذخیره می‌کنند و در راه خدا انفاق نمایند، پس آنان را به عذاب دردناک بشارت ده.»<sup>(۱)</sup>

امام صادق علیه السلام در ذیل آیه می‌فرماید:

«بر شیعیانمان توصیه داده شده است، که از آنچه در اختیار دارند به نیکی انفاق نمایند، پس هرگاه قائم علیه السلام به پا خیزد بر هر گنجینه‌ای ذخیره ساختن ثروت را تحریم خواهد کرد تا این که آن را و آن حضرت بوسیله آن بر دشمنش یاری جوید و این است معنی فرموده خدای عزوجل در کتاب خود: [و آنان که طلا و نقره را گنجینه و ذخیره می‌کنند و در راه خدا انفاق نمی‌نمایند، پس آنان را به عذاب دردناک بشارت ده.]»<sup>(۲)</sup>

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«همانا اگر نزد مؤمن چیزی از آن هست، آنچه بخواهد بر عیال خویش مصرف نماید، پس هرگاه حضرت قائم علیه السلام قیام کند آنچه را از آن مال نزدش باقی مانده به پیشگاه آن جناب تقدیم نماید که در راه پیشبرد امرش یاری جوید، چنین کسی آنچه براو واجب بوده است را انجام داده است.»<sup>(۳)</sup>

۱- سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص ۳۰۹.

۲- سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص ۳۰۹.

۳- سیمای حضرت مهدی در قرآن ص ۳۱۰.

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

«لَوْ تَزَّيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَاباً أَلِيماً»<sup>(۱)</sup>

«اگر آنان از هم جدا شوند، همانا افراد کافر از ایشان را به عذابی دردناک

گرفتار خواهیم کرد.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: در جواب سؤالی که از آن حضرت شده بود که:

«پس چگونه قوم بر علی علیه السلام چیره شدند، در حالی که قوی بود و چگونه

آنها را دفع نمود و چه چیز او را از این کار باز داشت.

حضرت فرمود:

«آیه‌ای از قرآن کریم او را باز داشت.»

راوی گوید پرسیدم:

«کدام آیه بود؟»

حضرت فرمود:

«[اگر آنان از هم جدا شوند، همانا افراد کافر از ایشان را به عذابی

دردناک معذب می‌سازیم] همانا خداوند پرده مؤمنی در نسلهای افراد

کافر و منافق داشت، پس علی پدران را نمی‌کشت، تا اینکه آن و دینه‌ها

بیرون آیند و چون آن بیرون می‌آمدند، آن حضرت به کشتن آنها اقدام

کرد و همین مهدی ما ابداً ظاهر نخواهد شد، آیا اینکه سپرده‌های خدای

عزوجل بیرون آیند و چون ظاهر گردند، آن حضرت هم ظهور خواهد

نمود و خواهد کشت.»<sup>(۲)</sup>

ممکن است از کفار زمان المیرالمؤمنین علیه السلام و یا رسول اکرم صلی الله علیه و آله در ذریه آنها حتی مثلاً

دوازده، سیزده نسل بعد شیعیانی از آن حضرت وجود داشته باشد. لذا آن حضرت چه

بسیار افرادی را در کنار دستش بود نمی‌کشت و دیگران حمله می‌نمود.

اگر در حدیث آمده که وقتی آن و دیده بیرون آمد، آن حضرت به آنها اقدام می‌کرد، نه از این باب است که مثلاً وقتی نسل هفتم، هشتم شخص به دنیا آمد، حضرت علی علیه السلام او را خواهد کشت زیرا در آن زمان دیگر اصلاً حسب ظاهر جسم حضرت علی علیه السلام زنده نبود، بلکه چنانچه در اسم دابه گفته شده منظور وجود مقدس ولی عصر علیه السلام می‌باشد. به داستان زیر دقت کنید.

در یکی از جنگها امیرالمؤمنین علیه السلام ۵۰۱ نفر از دشمنان را به درک و اصل نموده بود و مالک اشتر نخعی، سرباز رشید اسلام ۵۰۰ نفر را از دشمنان کشته بود، بعد از جنگ مالک اشتر گفت: «نزدیک بود در یکی از فضیلت‌ها مثل حضرت علی شوم، چرا که فقط یک نفر کمتر از حضرت کشته‌ام.» حضرت علی این سخن را که شنید این گونه جواب داد که:

«ای مالک کشتن من با کشتن تو تفاوت دارد، تو از دشمنان همه را می‌کشی، ولی من تا چهل نسل او را نگاه می‌کنم اگر مؤمنی در ذریه او باشد او را نمی‌کشم. ولی فرزندم قائم علیه السلام وقتی بیاید، او هم مثل تو همه را می‌کشد، چرا که دیگر در نسل آنها مؤمنی نخواهد بود.

## ۵۹- عهدالله علیه السلام

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

«وَأَوْفُوا بِعَهْدِي أَوْفٍ بِعَهْدِكُمْ»<sup>(۱)</sup>

«به عهد من وفا کنید تا به عهد شما وفا کنم.»

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«[به عهد من وفا کنید] یعنی: به ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام وفا کنید. [تا به

عهد شما وفا کنم] یعنی: بهشت را به شما بپردازم.»<sup>(۲)</sup>

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

«وَلَقَدْ عَاهَدْنَا إِلَىٰ آدَمَ مِنْ قَبْلُ فَنَسِيَ وَلَمْ نَجِدْ لَهُ عَزْماً»<sup>(۱)</sup>

«و ما با آدم عهد بستیم و در این عهد او را استوار نیافتیم.»

امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

«به او سفارش کردیم دربارهٔ محمد صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام پس از او و آن را ترک کردیم و تصمیمی نداشت که آنان چنین باشند و همانا اوالعظم را او العظم نامیدند، برای آنکه به آنها دربارهٔ محمد صلی الله علیه و آله و اوصیاء پس از وی و خصوص دربارهٔ مهدی علیه السلام و روش او سفارش داده شده و آنها تصمیم یافتند که مطلب همین است و به آن اقرار کرده‌اند.»<sup>(۲)</sup>

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«[هر آینه به تحقیق پیش از این به آدم سفارش کردیم] سخنانی دربارهٔ محمد و علی، فاطمه و حسن و حسین و ائمه علیهم السلام از ذریهٔ آنها [پس فراموش کرد].»<sup>(۳)</sup>

## ۶۱ - عالم علیه السلام

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

«يَعْلَمُ وَ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ مَا خَلْفَهُمْ وَ لَا يُحِيطُونَ بِهِيَ عِلْماً»<sup>(۴)</sup>

«خداوند آنچه بر خلائق گذشته و آنچه در آینده بر آنها خواهد آمد را می‌داند، و هیچ کس را به او احاطه و آگاهی نیست.»

امام صادق علیه السلام در ذیل آیه می‌فرماید:

«[آنچه بر آنان گذشته] اخبار و جریانهای پیغمبران گذشته است. [آنچه

۲- اصول کافی جلد ۳.

۴- سوره طه آیه ۱۱۰.

۱- سوره طه آیه ۱۱۵.

۳- اصول کافی جلد ۳.

در آینده بر آنان خواهد آمد] از اخبار حضرت قائم علیه السلام است.»<sup>(۱)</sup>

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ»<sup>(۲)</sup>

«و تأویل آن را کسانی جز خدا و استواران در علم نمی دانند.»

امام باقر علیه السلام می فرماید:

«رسول خدا صلی الله علیه و آله افضل راسخون در علم است، خدای عزوجل به او آموخته است، هر چه را به او فرستاده، از تنزیل و تأویل، هر چه آن را نمی دانست، به وی نازل می کرد و اوصیای پس از روی هم، همه آن را می دانند و از کسانی که تأویل آن را نمی دانند، چون عالم راسخ در علم راسخ در علم که میان آنهاست، از روی علم به آنها بگویند: خدا پذیرش آن را اعلام کرده به قول خود که می گویند: [ما به آن ایمان داریم همه آن از نزد پروردگار ماست] قرآن خاص است و عام، محکم است و متشابه، ناسخ دارد و منسوخ، راسخون در علم همه را می دانند.»<sup>(۳)</sup>

خداوند در قرآن می فرماید:

«الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آيْتِكُمْ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ ظَرْفُكُمْ»<sup>(۴)</sup>

«بگو آن کسی که به علم کتاب آگاهی داشت، گفت: که من پیش از آنکه، چشم به هم بزنی تخت را اینجا آوردم.»

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«به خدا علم کتاب همه اش نزد ماست.»

سدید گویند: خدمت امام صادق علیه السلام عرض کردم:

۱- سیمای حضرت مهدی در قرآن.

۲- سوره آل عمران آیه ۷.

۴- سوره نمل آیه ۴۰.

۳- اصول کافی جلد ۲.

«ما نسبت علم غیب به شما می دهیم.»

امام فرمودند:

«ای سدید مگر تو قرآن نمی خوانی.»

گفتم:

«بله»

امام فرمود:

«تو از آنچه از قرآن عزوجل خواندی به این آیه برخورد کردی: [گفت: آنکه نزد او بو علمی از کتاب من نزد او بود گفت که من پیش از آنکه چشم به هم بزنی تخت را اینجا می آورم] آن مرد را شناختی و دانستی چه علمی از کتاب نزد او بود.»

گفتم:

«بلی»

امام فرمود:

«علم او به اندازه یک قطره بود در دریای مدیترانه، این اندازه چیست، نسبت به علم کتاب؟»

گفتم:

«قربانت! چه بسیار کم است این اندازه.»

حضرت فرمودند:

«چه بسیار کم است که خدای عزوجل او را منصوب به آن علم کرده که من به تو خبر میدهم. ای سدید آیا در آنچه از قرآن خواندی این آیه را نخواندی: [بگو بس است از میان گواه من و شما، خداوند و کسی که علم کتاب دارد]؟»

گفتم:

«خوانده‌ام قربانت»

فرمود:

«کسی که همه علم کتاب را دارد با فهم تراست، یا کسی که جزعی از علم کتاب را دارد؟»

گفتم:

«کسی که کل علم کتاب را دارد.»

سپس حضرت با دست اشاره به سینه کرد و گفت:

«به خدا علم کتاب نزد ماست، به خدا همه‌اش نزد ماست.»<sup>(۱)</sup>

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

«قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا وَبَيْنَكُمْ وَ مَن عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ»<sup>(۲)</sup>

«بگو تنها گواهی بین من و شما خدا و عالمان حقیقی به کتاب خدا، کافی خواهد بود.»

امام صادق علیه السلام در ذیل آیه می‌فرماید:

«مقصود ما هستیم و علی علیه السلام افضل و بهتر ما ائمه است، پس از پیغمبر.»<sup>(۳)</sup>

## ۶۱ - عِلْمُ علیه السلام

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

«وَ أَدَانُ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ»<sup>(۴)</sup>

«در بزرگترین روز حج اکبر، از سوی خداوند و رسول او به مردم اعلام می‌دارند.»

۲ - سوره رعد آیه ۴۳.

۱ - اصول کافی جلد ۳.

۴ - سوره توبه آیه ۳.

۳ - اصول کافی جلد ۳.

امام باقر علیه السلام در ذیل آیه می فرماید:

«خروج حضرت قائم علیه السلام و اعلام دعوت به خودش را اعلام می نمایند»<sup>(۱)</sup>

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«وَعَلَّمْتِ وَاالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ»<sup>(۲)</sup>

«و علامت های و ستاره ها را قرار داد، تا با آن هدایت شوید.»

امام صادق علیه السلام در ذیل آیه می فرماید:

«رسول خدا ستاره و ائمه علامات هستند.»<sup>(۳)</sup>

## ۶۲ - العزیز علیه السلام

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّونَهُ وَيُحِبُّنَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَأِئِمٍّ»<sup>(۴)</sup>

«ای کسانی که ایمان آورده اید، هر کدام از شماها از دین خود مرتد شود، پس بزودی خداوند قومی را که دوست دارد و آنها نیز خدا را دوست دارند و نسبت به مؤمنان فروتن و بر کافران سرافراز و مقتدرند، به نصرت اسلام خواهد برانگیخت.»

سلیمان بن داوود گوید: خدمت امام صادق علیه السلام عرض کردم.

«شمشیر رسول خدا صلی الله علیه و آله به گفته بعضی از جلیلیان، نزد عبدالله بن حسن علیه السلام است.»

۲ - سوره نحل آیه ۱۶.

۱ - اصول کافی ج ۳.

۴ - سوره مائده آیه ۵۴.

۳ - اصول کافی جلد ۳.



آن حضرت فرمود:

«به خدا سوگند، نه خودش و نه پدرش هیچ یک از این دو شمشیر را به چشم ندیده‌اند، مگر آن که پدرش آن را نزد حسین علیه السلام دیده باشد و البته برای صاحب این امر محفوظ است. پس مبادا به راست و چپ روی آوری، که به خدا سوگند امر روشن است. به خدا اگر اهل آسمان و زمین همدست شوند، که این امر را در جایگاهی که خدا در آن قرار نداده، قرار دهند، نخواهند توانست و چنانچه همه مردم کفر ورزند تا جایی که هیچ کس باقی نماند، همانا خداوند برای این امر کسانی را خواهد آورد، که از شایستگان آن باشند. آیا نمی‌شنوی که خداوند می‌فرماید: [ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هر کدام از شماها در دین خود مرتد شوید، پس به زودی خداوند قومی را که دوست دارد و آنها نیز خدا را دوست دارند و نسبت به مؤمنان فروتن و به کافران سرافراز و مقتدرند، به نصرت اسلام خواهد برانگیخت]. و در آیه دیگر فرموده: [پس اگر این قوم بر آنها کفر ورزند، همانا ما قومی را که هرگز به آنها کافر نشوند، بر آنان بگماریم] سپس فرمود: همانا این آیه، همان اهل آن آیه می‌باشند.»<sup>(۱)</sup>

### ۶۳ - العظیم علیه السلام

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

«فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ فَلَا أُقْسِمُ بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ وَإِنَّهُ لَقَسَمٌ لَوْ تَعْلَمُونَ عَظِيمٌ»<sup>(۲)</sup>

«پس تسبیح کن به اسم پرورش دهنده عظیم. سوگند به موقع نزول

۱- سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص ۱۱۹.

۲- سوره واقعه آیه ۷۶.

ستارگان. و این قسم، قسم عظیمی است اگر بدانید.»  
نجم هم یکی از اسماء امام عصر علیه السلام می باشد، که در همان اسم توضیح داده خواهد شد.  
«انشاء...»

سؤال اینجاست که اسم اعظم خداوند چیست؟ که خطاب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «خدا را تسبیح کن به اسم اعظم آن.»  
امام صادق علیه السلام می فرماید:

«اسم اعظم خداوند علی بن ابیطالب علیه السلام است.»<sup>(۱)</sup>

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

«ما اهل بیت علیهم السلام همه از نور واحدیم.»<sup>(۲)</sup>

پس اگر امیرالمؤمنین علیه السلام اسم اعظم خداست یعنی: تجلی کامل اسم اعظم می باشد و اگر تمام اهل بیت علیهم السلام از یک نور واحد می باشند، پس وجود منور ولی عصر علیه السلام هم اسم اعظم حضرت باری تعالی می باشد و ما باید خداوند را بوسیله اهل بیت تسبیح کنیم و آنها را واسطه بین خود و خدای خود قرار دهیم چنانچه در زیارت عاشورا خطاب به امام حسین علیه السلام می خوانیم: «اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي عِنْدَكَ وَجِيهًا بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ»<sup>(۳)</sup> «خدایا به سوی تو تقرب می جویم بوسیله حسین علیه السلام در دنیا و آخرت.»

## ۶۴ - غیب علیه السلام

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«آلَمْ، ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ، الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ

۲ - اصول کافی جلد ۳.

۱ - اصول کافی جلد ۴.

۳ - به تفسیر زیارت عاشورا حقیر مراجعه فرمائید.

و يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ»<sup>(۱)</sup>

الم، آن کتاب که هیچ تردیدی در آن نیست، برای هدایت متقین است، آنان که به غیب ایمان آورند، نماز را بر پا دارند و از آنچه به ایشان روزی داده‌ایم انفاق کنند.»

امام صادق علیه السلام در ذیل آیه می‌فرماید:

«متقیان، شیعیان علی علیه السلام هستند و غیب همان حجت «غائب» علیه السلام است و شاهد آن فرموده‌ی خدای تعالی است که فرموده: [و گویند چرا آیتی از پروردگارش بر او نازل نمی‌شود، پس بگو همانا غیب مخصوص خداست پس منتظر باشد که ما نیز از منتظران هستیم].»<sup>(۲)</sup>

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«غیب: یعنی هر کس که ایمان آورد، که قیام «قائم» علیه السلام حق است.»<sup>(۳)</sup>

رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند:

«خوشا به حال صبرکنندگان در زمان غیب او، خوشا به حال کسانی که محبتشان پا بر جا می‌ماند، آنهایند که خدا در کتاب خویش وصفشان نموده [آنانکه به غیب ایمان آوردند] آنگاه فرموده: [آنها حزب خدایند آگاه باشید که حزب خداوند پیروزند].»<sup>(۴)</sup>

## ۶۵ - غایب علیه السلام

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

۲- سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص ۳۶.

۱ - سورة بقره آیات ۱ تا ۴.

۳ - سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص ۳۷.

۴ - سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص ۳۸.

«وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ»<sup>(۱)</sup>

«و آنانکه ظلم و ستم کردند به زودی خواهند دانست، که به کدام کیفرگاه و دوزخی دگرگون خواهند شد.»

امام رضا علیه السلام می فرماید:

«رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس دوست می دارد به دین من دست یابد و پس از من بر کشتی نجات قرار گیرد، باید به علی بن ابیطالب علیه السلام اقتدا نماید و با دشمنش دشمنی کند و با دوست او دوستی نماید، زیرا که او خلیفه و وصی من و جانشین بر امت من در زندگانیم و پس از وفاتم می باشد و اوست امیر هر مسلمان، و امیر هر مؤمن بعد از من، گفته اش گفته من و امرش امر من و پیرو او پیرو من است. روز قیامت مرا نخواهد دید و من نیز او را نخواهم دید، هر که با علی علیه السلام مخالفت نماید، خداوند بهشت را بر او حرام نماید و عاقبتش را جهنم قرار دهد و آنکه علی علیه السلام را خوار نماید، خداوند او را خوار سازد، روزی که او بر خداوند عرضه شود. و هر کس علی علیه السلام را نصرت دهد، خداوند او را نصرت فرماید، روزی که او را ملاقات کند. و به هنگام سوال و جواب دلیلش را به او تلقین نماید: حسن علیه السلام و حسین علیه السلام دو امام امت من بعد از پدرشان و دو سید جوانان اهل بهشت است و مادرشان بهترین زنان عالمیان می باشد، و پدرشان سید اوصیاست. از فرزندم حسین علیه السلام نه امام خواهد بود، که نهمینشان قائم علیه السلام از فرزندان من است، طاعتشان اطاعت از من و معصیتشان، معصیت من است. به خداوند شکوه می کنم از منکران فضیلت ایشان و تضعیف کنندگان حق آنان بعد از من، و خداوند کافی است که ولی و یاور عترت من و امامان امتم باشد و از منکران حق ایشان

انتقام کشد [و آنانکه ظلم کردند به زودی خواهند دانست، که به کدام  
کیفرگاه و دوزخی دچار خواهند شد.]»<sup>(۱)</sup>

## ۶۵ - فجر ﷺ

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ»<sup>(۲)</sup>

«سلام و رحمتی پیوسته تا هنگام طلوع فجر.»

امام صادق علیه السلام نقل می کند که:

«امیرالمؤمنین علیه السلام در حالی که حسن علیه السلام و حسین علیه السلام نزدش بودند، سوره  
(إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ) را قرائت نمود. امام حسین علیه السلام به آن جناب عرض کرد: ای  
پدر، گویی دهان شما شیرینی دیگری دارد. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:  
ای فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله و فرزند من: البته در این سوره من می دانم آنچه  
را که تو نمی دانی، هنگامی که این سوره نازل شد، جدت رسول خدا صلی الله علیه و آله  
در پی من فرستاد، سپس به شانه راست من زد و فرمود: ای برادر و  
جانشین و ولی من بر امتم بعد از من و جنگ دشمنانم این سوره برای  
توست پس از من و برای دو فرزندت بعد از تو همانا جبرئیل برادرم از  
فرشتگان حوادث و کارهای امتم در این سالشان را به اطلاع من رسانید،  
به خدا قسم همانا این جریان اطلاع دادن از حوادث برای تو نیز خواهد  
بود، همچون خبر گرفتن نبوت و برای او نور درخشانی است در دل تو و  
دلهای اوصیای تو تا طلوع فجر حضرت قائم علیه السلام»<sup>(۳)</sup>

امام صادق علیه السلام فرماید:

۱- سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص ۲۸۸.

۲- سوره قدر آیه ۴. ۳- سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص ۴۳۲.

[ما در شب قدر نازل کردیم] ليله فاطمه عليها السلام است و قدر الله. پس آن کس که فاطمه عليها السلام را آنگونه که سزااست بشناسد، ليلة القدر را ادراک کرده است. علت نام گذاری او به فاطمه عليها السلام آن است که خلایق از معرفت فاطمه عليها السلام محروم و بریده شدند. [وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ] <sup>(۱)</sup>

یعنی: چه می فهمی که ليلة قدر چیست. [ليلة قدر بهتر از هزار ماه است] یعنی: فاطمه عليها السلام بهتر از هزار مؤمن است، زیرا فاطمه عليها السلام مادر مؤمنان است. [تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ] ملائکه و روح را در این شب فرود می آورند. ملائکه مؤمنانی هستند که علم آن محمد را دارند، و مقصود از روح، فاطمه عليها السلام است. [بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ] یعنی: از هر امری به اذن پروردگار در حالی که سلام می گویند، تا فجر طلوع کند. یعنی: تا حضرت قائم عليه السلام خروج کردند. <sup>(۲)</sup>

امام صادق عليه السلام می فرماید:

«قدرت خداوند توصیف نمی شود، زیرا که او فرمود: [در آن شب هر امری با حکمت ممتاز و جدا می شود.] پس چگونه امری ممتاز خواهد بود، مگر آنچه را او ممتاز ساخته؟ و قدرت خدای سبحان وصف ناپذیر است، زیرا او هر چه را بخواهد پدید می آورد و اینکه فرمود: [از هزار ماه بهتر است] یعنی: حضرت فاطمه عليها السلام و اینکه فرمود [فرشتگان و روح در آن شب فرود می آیند] فرشتگان در اینجا مؤمنانی هستند که علم آل محمد را دارند و روح، روح القدس است و آن در فاطمه عليها السلام می باشد. [از هر امر سلام و رحمت است] هر امری که تسلیم کننده است آن را تسلیم

۱ - سورة قدر آیات ۱ تا ۶.

۲ - فَصُّ الْحِكْمَةِ عِصْمَتِيهِ فِي كَلِمَةِ فَاطِمِيَّةَ، ص ۶۱.

کند. [تا طلوع سپیده دم] تا وقتی که قائم علیه السلام قیام کند.»<sup>(۱)</sup>

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«وَالْفَجْرِ، وَلَيَالٍ عَشْرٍ، وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ، وَاللَّيْلِ إِذَا يَسِرُّ»<sup>(۲)</sup>

«قسم به فجر و به شب دهگانه و به دو به یک و به شب وقتی که به روز

مبدل شود.»

امام صادق علیه السلام می فرماید:

[وَالْفَجْرِ] فجر همان قائم علیه السلام. [وَلَيَالٍ عَشْرٍ] مامان از امام حسن

مجتبی علیه السلام تا امام حسن عسکری علیه السلام است. [وَالشَّفْعِ] امیرالمؤمنین علیه السلام

و فاطمه زهرا علیها السلام می باشد. [وَالْوَتْرِ] در بعضی نقلها همان خدای

یکتاست که هیچ شریک ندارد. در بعضی از نقلها همان پیامبر مکرم صلی الله علیه و آله

اسلام است. «[وَلَّيْلِ إِذَا يَسِرُّ] منظور دولت حبتراست، که سرایت

می کند، تا دولت حضرت قائم علیه السلام منتهی گردد.»<sup>(۳)</sup>

لازم به تذکر است که بعضی از آیات قرآن کریم مثل شفع و وتر در این آیه قبلاً به وجود

منور ولی عصر علیه السلام تفسیر شد، و این دلیل بر این نیست که به دیگر ائمه علیهم السلام یا به چیز

دیگری تفسیر نشود، چرا که پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند: «برای قرآن ظاهر و باطنی

است تا ۷ باطن»<sup>(۴)</sup> بلکه می شود، یک کلمه قرآن بلکه یک حرف قرآن را به چند معنی

تفسیر نموده، مثلاً شفع و وتر در این آیه به موارد زیر تفسیر شده است.

«شفع» «وتر»

۱- روز ۸ و نهم ذیحجه. ۱- روز عید قربان.

۲- دو رکعت نماز شفع نماز شب. ۲- یک رکعت نماز وتر نماز شب.

۱- سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص ۴۳۳.

۲- سوره فجر آیات اول تا چهارم. ۳- سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص ۴۲۳.

۴- اسفار ج ۷.

- ۳- روز عید قربان.      ۳- روز عرفه.
- ۴- تمام انسانها.      ۴- خدای متعال.
- ۵- حضرت آدم.      ۵- حضرت حوا.
- ۶- شبها و روزها.      ۶- روزی که دنبالش شب نیاید،  
یعنی «روز قیامت».
- ۷- صفا و مروه.      ۷- بیت الله الحرام.
- ۸- روزهای قوم عاد عَلَيْهِمُ السَّلَامُ      ۸- شبهای قوم عاد عَلَيْهِمُ السَّلَامُ
- ۹- درهای بهشت است، که ۸ تا است.      ۹- درهای جهنم است، که ۷ تا است.
- ۱۰- روز ۸ ذیحجه.      ۱۰- روز ۹ ذیحجه.
- ۱۱- ولی عصر عَلَيْهِ السَّلَامُ.      ۱۱- ولی عصر عَلَيْهِ السَّلَامُ.
- ۱۲- حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ و علی عَلَيْهِ السَّلَامُ.      ۱۲- پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ.
- ۱۳- امام حسن عَلَيْهِ السَّلَامُ و امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ.      ۱۳- امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ.
- ۱۴- پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ.      ۱۴- خداوند متعال.
- ۱۵- امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ و امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ.      ۱۵- پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ.
- ۱۶- مراد تمام نمازهاست که بعضی شفع ۲ و ۴ رکعتی و وتر ۱ و ۳ رکعتی است.
- ۱۷- به اعداد قسم خورده ۲- ۴- ۶- ۸- و... ۱۸- ۱- ۳- ۴- ۵- و... .
- ۱۸- شفع همه مخلوقات عالم است، و وتر خدای متعال است (۱)
- و دیگر اقوال که برای گفتن هر یک دلالتی ارائه شده، حتی در تفسیر مجمع البیان تا حدود ۴۶ قول نقل کرده‌اند، و همه اینها درست می‌باشد، چرا که اینجا مصداق‌هایی می‌باشد و معنی هر کدام در ظاهر یکی و در باطن ۷ یا ۷۰ هزار می‌باشد.



## ۶۶ - فتح بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ»<sup>(۱)</sup>

«منتظر باشید، که وقت نصرت و فتح از جانب خدا برسد.»

کلمه «اذا» ظهور در استقبال آینده دارد و این ظهور اقتضاء دارد، که مفهوم آیه شریفه خبری باشد، که هنوز رخ نداده و به زودی رخ می دهد و چون آن امر یاری و فتح است، در نتیجه سوره مورد بحث از مژده هایی است که خدای تعالی به پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ داده و نیز از ملاحم و خبرهای غیبی قرآن کریم است.

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام می فرماید:

«مراد از فتح، فتح قائم است.»<sup>(۲)</sup>

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«وَأُذِرِي تُحِبُّونَهَا نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ وَبِسْرِ الْمُؤْمِنِينَ»<sup>(۳)</sup>

«و سود دیگر این تجارت که مورد علاقه شماست، نصرتی از خدا و

فتحنی نزدیک است و توای پیامبر مؤمنین را بشارت ده»

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام در ذیل آیه می فرماید:

«فتح یعنی: فتح قائم.»<sup>(۴)</sup>

## ۶۸ - قمر بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«وَالْقَمَرَ إِذَا تَلَّهَا»<sup>(۵)</sup>

۱ - سوره نصر آیه ۱.

۲ - تفسیر المیزان در ذیل آیه.

۳ - اصول کافی ج ۲.

۴ - سوره صف آیه ۱۳.

۵ - سوره شمس آیه ۲.

«قسم به ماه، که در بعد از او تابان است.»

در آیه قبل می خوانیم:

«وَالشَّمْسُ وَ ضُحَاهَا»<sup>(۱)</sup>

«قسم به آفتاب و تابش آن.»

در روایات آمده که: قسم شمس قسم پیامبر مکرم اسلام ﷺ و قسم به ماه قسم به امیرالمؤمنین ﷺ و قسم به تابش و تابان بودن ماه، قسم به انوار ائمه هدی معصومین ﷺ می باشد، که پر نورترین و آخرین آنها وجود مقدس ولی عصر ﷺ می باشد. کلمه «اذا» ظهور در استقبال آینده دارد، پس معنی آیه می شود: «قسم به ماه که بعدها تلاء لو خواهد کرد.»<sup>(۲)</sup>

خداوند در قرآن می فرماید:

«وَالْقَمَرَ إِذَا تَسَقَّ»<sup>(۳)</sup>

«قسم به ماه هنگام بدر بودنش.»

قسم به ماه شب چهارده که پر نورترین حالت خود را دارد که به آن «اتسَّق» گویند. منظور از پر نورترین حالت ماه، که کلاً چهارده حالت از شب اول تا ۲۸ دارد، بهترین حالت آن است که حضرت مهدی ﷺ می باشد.

## ۶۸ - قریه ﷺ

«وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ الْقُرَى الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا قُرَى ظَاهِرَةً وَ قَدَّرَهُ نَا فِيهَا  
يسيروا فيها كِيَالِي وَ أَيَّاماً آمَنِينَ.»<sup>(۴)</sup>

«و ما میان ایشان و قریه هایی که آنها را برکت دادیم، قریه های ظاهره ای. قرار دادیم با فاصله های کوتاه و نزدیک به هم در میان آنها در شبها و

۱ - سورة شمس آیه ۱.

۲ - به اسم «شمس» رجوع کنید.

۳ - سورة انشقاق آیه ۱۸.

۴ - سورة سباء آیه ۱۸.

روزها با ایمنی مسافرت نمایید.»

امام صادق علیه السلام فرمودند:

«در میان آنها در شبها و روزها یا ایمنی مسافرت نمایید [یعنی: با

قائم علیه السلام ما اهل بیت علیهم السلام مسافرت نمایید.»<sup>(۱)</sup>

محمد بن صالح همدانی رضی الله عنه روایت کرد که به حضرت صاحب الزمان علیه السلام نوشتم که:

«خاندانم مرا اذیت می‌کنند و نکوهش می‌نمایند به آن حدیثی که از

پدران شما روایت شده که ایشان فرمودند: خدمتگزاران و کارگزاران ما

بدترین خلق خدایند.»

پس آن جناب در جواب نوشت:

«وای بر شما مگر نمی‌دانید آنچه را خدای عزوجل فرموده: [و ما میان

ایشان و قریه‌هایی که آنها را برکت دادیم قریه‌های ظاهره‌ای قرار

دادیم.] مائیم به خدا سوگند آن قریه‌هایی که در آن برکت نهاده و

شما بید قریه‌های ظاهره.»<sup>(۲)</sup>

بسیاری دیگر از آیات قرآن و کلمهٔ قمر به ائمه علیهم السلام و به وجود ولی عصر علیه السلام، تفسیر شده

است، که جهت اقتصار ذکر نمی‌گردد.

## ۶۹ - قیمة علیه السلام

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

«ذَلِكَ دِينُ الْقِيَمَةِ»<sup>(۳)</sup>

«و آن است دین استوار و آیین محکم و درست.»

امام صادق علیه السلام در ذیل آیه می‌فرماید:

---

۱ - سیمای حضرت مهدی در قرآن. ۲ - غیبت شیخ طوسی علیه السلام.

۳ - سورهٔ بقره آیهٔ ۱۷۷.

«همانا این دین حضرت قائم علیه السلام است.»<sup>(۱)</sup>

#### ۷۰- قول الله تعالى

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«وَلَقَدْ وَصَّلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ»<sup>(۲)</sup>

ما برای این مردم، سخن پیوسته آوردیم، شاید متذکر شوند»

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«یعنی: پیوسته ایم امامی را به امامی و دنبال یکدیگر قیام به امامت

کردند، برای ارشاد و هدایت مردم، مقصود این امت که در امر امامت

فاصله ای نیست و زمین خالی از امام نمی ماند.»<sup>(۳)</sup>

#### ۷۱- قصر سورة (۴) علیه السلام

#### ۷۲- بروج سورة

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ»<sup>(۵)</sup>

«قسم به آسمان که دارای برجها و کاخهای با عظمت است.»

رسول خدا صلی الله علیه و آله در ذیل آیه فرمودند:

«ذکر خدای عزوجل عبادت است و یاد من عبادت است و یاد علی علیه السلام

۱ - سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص ۳۱۰.

۲ - سورة قصص آیه ۵۱. ۳ - اصول کافی جلد ۲.

۴ - برای توضیح به لغب «بئر معطله» رجوع شود.

۵ - سورة بروج آیه اول.

عبادت است. سوگند به آنکه مرا به نبوت برانگیخت و بهترین از مخلوقات قرارم داد، اینکه وصی من برترین اولیاست، همانا او حجت خداوند بر بندگانش و خلیفه او بر خلقش می باشد و از فرزندانش امامان هدایت گر بعد از من هستند، با آنان خداوند عذاب را از اهل زمین دور می کند و به سبب آن آسمان را نگاه می دارد و جز به اذن او به زمین نمی افتد و آنها کوهها را نگاه می دارد. که به حرکت در آیند و بوسیله ایشان بر آفرینندگان خویش باران می بارد و به آنان گیاه می رویانند، ایشانند به حق اولیاء خداوند خلفاء راستین من، شماره ایشان همانند عدد ماههاست، که دوازده ماد است و به شماره حواریون موسی بن عمران. [سوگند به آسمان که دارای کاخها و برجهای با عظمت است] ای ابن عباس: آیا چنین می پنداری که خداوند به برجهای آسمان سوگند یاد کند و منظورش همان آسمان و برجهای آن باشد؟»

ابن عباس گوید: عرض کردم:

«یا رسول الله پس چیست؟»

حضرت فرمودند:

«آن آسمان من هستم، و اما برجها پس امامان بعد از من باشند، که اولیشان علی علیه السلام و آخرینش مهدی علیه السلام است.»<sup>(۱)</sup>

۷۳- م ح م د علیه السلام

«وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً»<sup>(۲)</sup>

«بکشید همه مشرکین را، همچنانکه آنها با شما همگی جنگ می کنند.»

امام باقر علیه السلام می فرماید:

۲ - سوره توبه آیه ۳۶.

۱ - احتجاج - شیخ مفید علیه السلام.

«هنوز تاویل این آیه نرسیده است و هر گاه قائم بیا خیزد و هر آن که زمان او را در یابد، آنچه از پی تاویل این آیه خواهد بود را، درک می کند. دین محمد تا هر کجا که شب سایه افکند، خواهد رسید. تا جایی که هیچ گونه شرکی بر روی زمین نخواهد ماند، همچنانکه خداوند فرموده است.»<sup>(۱)</sup>

برای توضیح بیشتر اسم (م ح م د) به رساله این کمترین که تحت عنوان [چرا نام امام مقطعه است] مراجعه کنید.

#### ۷۴- ماء معین عنه

تشبیح امام به آب، ۵ وجه می تواند داشته باشد.

۱- زندگی انسان به وجود آب بستگی دارد و اگر آب نباشد، نمی توان زندگی جسمانی را ادامه داد و همان طور هم زندگی جسمانی و روحانی ما هر دو به وجود امام بستگی دارد و همین دلیل است بر فرموده امام صادق که: «لَوْ لَا حُجَّةَ كَفَا حَتِّ الْأَرْضِ بِأَهْلِهَا»<sup>(۲)</sup>

یعنی: «اگر حجت نباشد زمین اهل خود را فرو می برد.»

۲- همانطور که آب از مواهب خداوند تبارک و تعالی است و دست بشر هیچگونه نقشی در ساخت آن ندارد، همچنین امام از نعمتهایی است که خداوند آن را بر اساس تفضل کرده و آدمی در تعیین و نصب آن هیچ گونه دخالت و اثری ندارد، چنانچه دلائل محکم آن در جای خود بیان گردیده است.

۳- آب وسیله ای است که، بوسیله آن انسان پلیدیهای جسمانی و نجاستهای ظاهری خود را می شوید و پاک می کند و امام همان است، که از طریق او پروردگارش را می شناسد و احکام قرآن و شریعتش را می آموزد و به این وسیله او از پلیدیها و رزائل

شرک و جهل تطهیر و رها می‌گردد.

۴ - آبی که در دل زمین موجود است، نقش عمده‌ای در ثبات و مسیر آن دارد و مبنای نظام دقیق و برنامه معینی در حرکت زمین موثر می‌باشد. همینطور از امام، انسان و بلکه تمام موجودات از او استفاده می‌کنند، هر چند که پشت ابرهای غیب مخفی باشد، زیرا که او واسطه نزول فیض از سوی خالق متعال به سوی تمام مخلوقات است.

۵ - همانطور که در موقع فقدان آب، انسان به جستجوی آن بر می‌خیزد، به طلب آب زمین را می‌گردد و چاهها حفر می‌کند و... چون زندگی جسمانی بر آن متوقف است. همانطور لازم است به جستجوی امام برخیزد و برای تقرب به ساحت شرفیابی او و به دیدار عدل و داد در زمین تلاش کنند. که زندگی سعادت‌مندانه و خوش و راحت بدون قسط و عدل و داد میسر نیست.

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

«قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَا وَكُمُ غَوْرًا حَمْنٌ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ»<sup>(۱)</sup>

«بگو به من خبر دهید، اگر آبهای شما در زمین فرود رود، چه کسی می‌تواند آب جاری و گوارا در دست شما قرار دهد».

امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

«این آیه نازل شده در قائم علیه السلام و می‌فرماید: اگر امام شما غائب شود، و از شما که نمی‌دانید او در کجاست، پس کیست که بیاورد برای شما امام ظاهری؟ که بیاورد برای شما اخبار آسمان و زمین و حلال عزوجل و حرام او را؟ آنگاه فرمودند: نیامده تاویل این آیه و لابد نسخا خواهد آمد تاویل آن تا ظهور قائم علیه السلام»<sup>(۲)</sup>

خداوند در قرآن کریم فرموده:

«وَاللَّهُ وَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ فِي ذَلِكَ

۲- سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص ۳۹۱.

۱- سوره ملک آیه آخر.

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَوْمَ يُسْمَعُونَ»<sup>(۱)</sup>

«خداوند از آسمان آبی فرستاد، زمین را که پس از او مرده بود حیات

بخشید. این نشانه روشنی است برای کسانی که گوش شنوا دارند.»

امام باقر علیه السلام می فرماید:

زنده می کند بوسیله قائم علیه السلام زمین را بعد از مردنش، به سبب کفرانش و

کافر مرده است.»<sup>(۲)</sup>

امام باقر علیه السلام می فرماید:

«خداوند اصلاح می کند زمین را بوسیله قائم آل محمد علیهم السلام بعد از

مردنش، یعنی: بعد از جور اهل مملکتش.»<sup>(۳)</sup>

پس میتوان این نتیجه را از این آیه و احادیث گرفت که همانطور که آب از آسمان فرو

می ریزد و باعث حیات زندگی گیاهان و جانوران و انسانها و طبیعت می شود، نطف

خاصه و عامه حضرت ولی عصر علیه السلام هم از آسمان به زمین می آید و انسانها مسلمانان و

شیعیان را مشمول لطف و رحمت خود می کند. همانطور که آب باران به هر گیاهی داده

می شود، هر گیاه میوه خاص خود را می دهد. تمام درختان یک نوع میوه نمی دهند و

اندازه و شکل گیاهان یک گونه نیست. پس رحمتی هم که از جانب ولی عصر علیه السلام به

شیعیان داده می شود یکسان می باشد ولی هر کدام به اندازه ای استفاده می کنند و باعث

می شود هر انسانی در رشته ای رشد پیدا کند.

و باز هم از آیه می توان نتیجه گرفت که در جاهای دیگر هم که در قرآن صحبت از فرود

آمدن باران از آسمان به زمین می شود و یا صحبت از زنده شدن و حیات دوباره عالم

است، بی ارتباط با وجود مقدس ولی عصر علیه السلام نمی باشد.

از آیات دیگری که در آن اشاره به فرود آمدن باران از آسمان دارد و سبب حیات عالم

۲- اصول کافی، ج ۳.

۱- سوره نحل آیه ۶۵.

۳- غیبت شیخ طوسی علیه السلام.



میشود بسیارند از جمله می توان به موارد زیر اشاره نمود.

«وَفِي الْأَرْضِ قِطْعٌ مُتَجَاوِزَاتٌ وَ جَنَّاتٌ مِنْ أَعْنَابٍ وَ زُرْعٌ وَ نَخْلِيلٌ  
صِنُونَانٌ وَ غَيْرٌ يُسْقَى بِمَاءٍ وَاحِدٍ وَ تَفْضُلٌ بَعْضُهَا عَلَى بَعْضٍ فِي الْأَكْلِ  
إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ»<sup>(۱)</sup> و<sup>(۲)</sup>

«در زمین قطعاتی هم قرار دارند که با هم متفاوتند، باغهایی از انگور و  
زراعت و نخلها که گاه بر یک پایه رویند و گاه بر دو پایه که همه آنها از  
یک آب سیراب شوند با این حال بعضی از جهت میوه با هم برتری دارند.  
در اینها نشانه هایی است، برای گروهی که عقل خویش را به کار  
می اندازد.»

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«سالی که قائم علیه السلام قیام کند ۲۴ نوبت بر زمین باران می بارد، که آثارش و  
برکاتش دیده میشود.»<sup>(۳)</sup>

اگر آب ائمه هدایت معصومین علیهم السلام می باشند که خداوند متعال برای سیراب کردن  
روحی ما بندگان به زمین نازل کرده باشد، و نی قدر آن را ندانسته و آن را مورد ظلم و  
ستم قرار دادیم، چنانچه که در آیه ۶ سوره العادیات می خوانیم که انسان نسبت به  
پروردگارش و پرورش دهنده خود ناسپاس و قدر ندانسته و آن را شکستیم چنانچه  
حق تعالی می فرماید [شما قدر آب را نمی دانید]<sup>(۴)</sup> پس خداوند دوازدهمین آنها را  
فعالاً از انسان گرفته، تا زمانی که قدر این نعمت را بدانند. مخفی نماید چون در ایام ظهور  
مردم از این سرچشمه فیض ربانی به سهل و آسانی استفاده می کند و بهره می برد، مانند

۱ - سوره رعد آیه ۴.

۲ - سوره های دیگر و آیات دیگری هم که کلمه «ماء» به معنی آب، در آن به کار رفته عبارتند از:

ابراهیم ۳۲ / حجر ۲۲ - ۲۳ / حج - ۶۳ / عنکبوت ۶۳ / روم ۲۴ / قلم - ۱۱ / حاقه ۱۱ / جن ۱۶ /

۳ - کشف الغمه. ۴ - سوره حجر آیه ۲۴.

سر چشمه‌ای که در کنار نهر جاری و گوارایی باشد که جز اعتراف حالت منتظره نداشته باشند، لذا از آن جناب تعبیر به [ماء معین] نموده‌اند. و در زمان غیبت که لطف خاص برداشته شده و آن به جهت سوء کردار مسلمین می‌باید، بارنج و عجر و لابه و تضرع، از آن جناب فیض به دست آورند و چیزی بگیرند و علمی بیاموزند، مانند تشنه‌ای که بخواهد از چاه عمیق تنها با آلات و اسبابی که باید به زحمت آبی کشد و آتشی فرو نشاند.

آب دریا اگر نتوان کشید      نیک قدر تشنگی باید چشید

#### ۷۵- مضطر علیه السلام

خداوند در قرآن می‌فرماید:

«أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ وَ يَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ لَهُ مَعَ اللَّهِ»<sup>(۱)</sup>

«آن کیست که دعای بیچاره مضطر را به اجابت می‌رساند و رنج و غم را بر طرف می‌سازد و شما را جانشین زمین قرار می‌دهد.»

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«هر گاه قائم خروج کند به مسجد الحرام داخل می‌گردد، پس رو به قبله نموده و پشت به مقام می‌کند، سپس دو رکعت نماز می‌گذارد. آنگاه به با می‌خیزد و می‌گوید: «ای مردم من نزدیکترین مردمان به آدم علیه السلام هستم. ای مردم من نزدیکترین مردمان به ابراهیم علیه السلام هستم. ای مردم من نزدیکترین مردمان به اسماعیل علیه السلام هستم. ای مردم من نزدیکترین مردمان به محمد صلی الله علیه و آله و سلم هستم. سپس دست‌ها را به سوی آسمان بلند می‌کند و به سوی خدا تضرع و زاری می‌کند، تا اینکه به روی خود می‌افتد

[سجده می‌کند] و این است فرمودهٔ خدای عزوجل: [آیا چه کسی جز خدای عزوجل است، که دعای بیچاره مضطر را به اجابت می‌رساند.]<sup>(۱)</sup>

امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

«این آیه دربارهٔ قائم از آل محمد صلی الله علیه و آله نازل شده، هرگاه که خروج کند و عمامه بر سر نهد، در کنار مقام نماز گذارد و به پروردگارش تضرع نماید، پس هیچ پرچمی از او رد نشود.»<sup>(۲)</sup>

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«این آیه دربارهٔ قائم آل محمد صلی الله علیه و آله نازل شده است، به خدا سوگند آن مضطر حقیقی هنگامی که در مقام دو رکعت نماز گذارد و به سوی خداوند دعا کند، پس او را اجابت نماید و ناراحتی را بر طرف سازد و او را خلیفه در زمین قرار دهد و این از جمله اموری است که تأویلش بعد از تنزیلش می‌باشد.»<sup>(۳)</sup>

امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

«برای صاحب این امر در یکی از این دره‌ها - [با دست به سوی ذی طوی اشاره کرد] غیبتی خواهد بود، تا هنگامی که خروجش نزدیک باشد، خدمتگزار مخصوص می‌آید، تا بعضی از اصحاب آن حضرت را ملاقات نماید. می‌گوید: شما در اینجا چند نفرید؟ می‌گویند: حدود چهل نفر. می‌گوید: چنانچه صاحبان را ببینید چه خواهید کرد؟ می‌گویند: به خدا قسم آن مضطری که خداوند می‌فرماید: [آیا آن کیست! که دعای

۱ - سیمای حضرت مهدی در قرآن. ۲ - سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص ۲۹۰.

۳ - سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص ۲۹۲.

بیچاره مضطر را به اجابت می‌رساند را یاری می‌کنیم. <sup>(۱)</sup>

امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

«اوست به خدا سوگند آن مضطری که خداوند می‌فرماید: [آیا آن کیست! که دعای مضطر بیچاره را به اجابت می‌رساند و رنج و غم را بر طرف می‌سازد و شما را جانشین زمین قرار می‌دهد] پس نخستین کسی که با او بیعت می‌کند، جبرئیل است، سپس آن سیصد و سیزده مرد که هر کدامشان پیش از آن هنگام پیش از منزل بوده به قصد خدمت خواهند رفت و کسی دچار سفر نبوده، از بستر خوابش ربهوده خواهد شد، در این قول امیرالمؤمنین [آنان مفقود شدگان از روی خوابگاه‌هایشان می‌باشند.] و فرموده خداوند است: [پس به کارهای نیک سبقت گیرید، هر کجا باشید خداوند شما را خواهد آورد] و...» <sup>(۲)</sup>

## ۷۶ - منصور علیه السلام

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

«وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا» <sup>(۳)</sup>

«و هر آنکه مظلوم کشته شود، پس البته ما برای او ولی حکومت و تسلط دادیم پس مبادا در کشتن اسراف کنید که او منصور است.»

امام صادق علیه السلام فرمودند:

«آن قائم اهل بیت محمد صلی الله علیه و آله است، خروج می‌کند و به انتقام خون

۱ - سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص ۲۹۳.

۲ - سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص ۲۹۴.

۳ - سوره اسراء، آیه ۳۳.

حسین علیه السلام دشمنان را می‌کشد، پس چنانچه اهل زمین را به قتل می‌رساند. مسرف نخواهد بود و اینکه فرموده: [پس مبادا در کشتن اسراف کند] یعنی: کاری انجام نمی‌دهد که به سبب آن اسراف کرده باشد، به خدا سوگند ذریه و نوادگان کشتندگان حسین علیه السلام را به سبب کارهای پدرانشان به قتل می‌رساند.»<sup>(۱)</sup>

صالح هروی گوید: از امام رضا علیه السلام سوال کردم:

«چه می‌فرمایید دربارهٔ حدیثی که از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرموده: هرگاه قائم علیه السلام قیام کند نوادگان قاتلان حسین علیه السلام را به خاطر کارهای پدرانشان به قتل خواهد رساند؟»

حضرت فرمودند:

«هیمن طور است.»

عرض کردم:

«پس قول خدای عزوجل: [و هیچ نفسی بار دیگری را بر دوش نمی‌گیرد] معنایش چیست؟»

حضرت فرمود:

«خداوند در تمامی اقوالش راست گفته، ولی ذریهٔ کشتندگان امام حسین علیه السلام از کردهٔ پدرانشان راضی هستند و به آن جنایتها افتخار می‌کنند و هر کس به کاری راضی باشد، همچون کسی است که آن را انجام داده است و چنانچه مردی در مشرق کشته شود و مرد در مغرب به کشتنش راضی باشد، آنکه رضا داده نزد خدای عزوجل شریک خواهد بود، تنها به این جهت حضرت قائم علیه السلام وقتی خروج کند آنها را می‌کشد، که از کردار پدرانشان راضی هستند.»

راوی گوید به حضرت عرض کردم:

«هرگاه قائم علیه السلام قیام کند، اول چه کار می کند؟»

حضرت فرمودند:

«اول از بنی امیه آغاز می کند، سپس دستها را قطع می کند، چون آنها

دزدان بیت الله عزوجل هستند.»<sup>(۱)</sup>

امام صادق علیه السلام فرمودند:

«این آیه درباره امام حسین علیه السلام نازل شده، اگر حضرت قائم به خاطر آن

تمام اهل زمین را بکشد، اسرافکار نخواهد بود.»<sup>(۲)</sup>

امام باقر علیه السلام می فرماید:

«او حسین بن علی علیه السلام است که مظلوم کشته شد و اولیاء او و قائم علیه السلام از

ماست، چون به پا خیزد، خون حسین علیه السلام را مطالبه می نماید، پس آنقدر

می کشد، که گویند: در کشتن اسراف کرده، ولی اسراف در قتل آن است که

غیر قاتل را بکشد [که او منصور و موعود است] که همانا دنیا به پایان

نرسد، تا آنکه مردی از آن رسول الله زمین را پر از قسط و عدل کند،

همچنانکه از ظلم و جور پر شده باشد.»<sup>(۳)</sup>

## ۷۷ - منتظر علیه السلام

خدا در قرآن می فرماید:

«وَ يَقُولُونَ لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْتَظِرُوا إِنِّي

۱ - سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص ۲۲۶.

۲ - سیمای حضرت مهدی در قرآن ص ۲۲۷.

۳ - سیمای حضرت مهدی در قرآن ص ۲۲۸.

مَعَكُمْ مِنَ الْمُكْتَظِرِينَ»<sup>(۱)</sup>

«و کافران گویند: چرا آیتی از پروردگارش بر ما نازل نمی شود، پس بگو همانا غیب مخصوص خداوند است، پس منتظر باشید که ما هم از منتظرانیم.»

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«در باره فرموده خداوند عزوجل: [الم این کتاب هیچ تردیدی در آن نیست هدایتگر متقیان است کسانی که به غیب ایمان آورند.] متقیان شیعیان علی علیه السلام هستند و غیب همان حجت قائم علیه السلام می باشد و شاهد بر این که فرموده خدای عزوجل [و کافران گویند: چرا آیتی از پروردگارش بر ما نازل نمی شود، پس بگو همان غیب مخصوص خداوند است، پس منتظر باشید که ما هم از منتظرانیم.]<sup>(۲)</sup>

## ۷۸ - موعود علیه السلام

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ أَضَعُفٌ نَاصِرًا وَ أَقْلٌ عَدَدًا»<sup>(۳)</sup>

«تا آنکه که عذاب موعود خود را به چشم خواهند دید و خواهند دانست، که کدامیک یارانش ضعیفتر و افرادشان کمتر است.»

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«[تا آنکه که عذاب موعود خود را بچشم بینند] یعنی: قائم علیه السلام و امیرالمؤمنین علیه السلام در دوران رجعت [خواهند دانست که کدامیک

۲ - سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص ۳۳۷.

۱ - سوره یونس آیه ۲۰.

۳ - سوره جن آیه ۲۴.

یارانشان ضعیفتر و افرادشان کمتر است] این فرموده امیرالمؤمنین علیه السلام است به عمر [به خدا سوگند پسر صحاک چنانچه عهده از رسول خدا صلی الله علیه و آله و عهده از خداوند صدور نیافته بود، هر آینه می دانستی کدامیک از ما یارانشان توانتر و افرادشان کمتر است]، گویند: پس هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله آنچه از رجعت را به آنها خبر داد گفتند: این جریان کی تحقیق می یابد خداوند فرمود: «بگو ای محمد [نمی دانم آیا [[عذابی که]] وعده می شود، نزدیک است یا پروردگار مدتی [[طولانی]] برای آن قرار می دهد.]]»<sup>(۱)</sup>

## ۷۹- عذاب علیهم السلام

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«حَتَّىٰ إِذَا أَوَامُوا يَوْعَدُونَ إِلَّا السَّاعَةَ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ شَرُّ مَكَانًا وَأَضْعَفُ جُنْدًا.»<sup>(۲)</sup>

«تا آنگاه که وعده را به چشم بینند که یا عذاب است، یا فرا رسیدن ساعت، به زودی خواهد دانست که کدامیک جایگاهشان بدتر و سپاهشان ضعیفتر است.»

امام صادق علیه السلام در ذیل آیه می فرماید:

«مقصود خروج و ظهور امام قائم علیه السلام است، که عذاب به آن تعبیر شد و به خوبی آن روز را بدانند که بفهمند، آنچه را از طرف خدا به دست امام قائم علیه السلام بر آن فرود آید و این است قول خدای عزوجل: [کیست که جایگاه برتری دارد] یعنی: نزد امام قائم علیه السلام»<sup>(۳)</sup>

۱- سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص ۴۰۰.

۳- اصول کافی جلد ۲.

۲- سوره مریم آیه ۷۵.



### ۸۰- رزق علیه السلام

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ. فَوَرَبِّ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ لِحَقِّ

«در آسمان است رزق شما و آنچه وعده کرده می شود.»

راوی گوید: از امام سجاد علیه السلام در تفسیر این آیه سوال نمودم که:

«در آیه شریفه [در آسمان است رزق شما و آنچه وعده کرده می شود] پس قسم به پرورش دهنده آسمان و زمین که آن حق است، مثل آنکه شما سخن می گوید.]»

حضرت فرمودند:

«این برخاستن و خروج قائم علیه السلام آل محمد است.»

راوی گوید عرض کردم:

«در آیه به ظهور آن جناب تأویل از رزق است و رزق را تفسیر به ظهور نموده است.»

حضرت فرمودند:

«ظهور آن جناب که به سبب نشر ایمان و حکمت و انواع علوم و معارف است که، حقیقت رزق و مدد حیات انسان و عیش جاودانگی است؛ طعام را در آیه شریفه [پس نظر کند انسان به سوی طعامهای خود] تفسیر نموده اند به علم.»<sup>(۱)</sup>

### ۸۱- محسن علیه السلام

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«وَبَارَكْنَا عَلَيْهِ وَعَلَىٰ إِسْحَاقَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِهَا مُحْسِنٌ»<sup>(۱)</sup>

«و بر ابراهیم و اسحاق برکت و خیر بسیار عطا کردیم و از ذریه آنها محسن آمد.»

همه می دانیم پیامبر مکرم اسلام از نسل حضرت اسمائیل و ابراهیم می باشد و آیه می فرماید [بعضی از فرزندان آنها محسن شدند]. محسن در این آیه دو وجه میتواند داشته باشد. ۱- محسن به معنی نیکوکار ۲- محسن در این آیه، نام شخص معینی باشد. اگر محسن به معنی نیکوکار باشد که مشخصاً و معلوماً از اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در نسل حضرت ابراهیم علیه السلام خلیل نیکوکارتر وجود ندارد، چنانچه امیرالمؤمنین در رکوع نماز انگشتی به فقیر می دهد و چنانچه از احادیث بر می آید، در رکوع نماز انگشت به فقیر دادن، فقط مخصوص امیرالمؤمنین علیه السلام نبوده بلکه تمام اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام انجام داده اند. و چنانچه در زندگی تمام اهل بیت می خوانیم، که آنها در نیمه های شب چه بخششها که به فقرا می کردند و چقدر نیکوکار بودند.

و اما اگر محسن نام شخص معینی باشد، دو وجه را دارا می باشد.

۱- محسن نام فرزند سقط شده فاطمه زهرا علیها السلام می باشد.

۲- محسن یکی از نامهای وجود مقدس ولی عصر علیه السلام می باشد.

## ۸۲- مقتصر علیه السلام

مراد این لقب این است که جمیع انبیاء و اوصیاء گذشته در ایام ریاست و عزلت مبتلا بودن به معاشرت و مؤانست و مصاحبت، بلکه مواظبت و مناکحت با منافقین و فاسقین و مأمور بودند، بمدارات و مؤالفت با آنها به جهت حفظ و بقای دین و عصابه مؤمنین. لیکن حضرت مهدی علیه السلام اقتصار خواهد فرمود: از انصار و اعوان و مصاحبت مؤمنین و مخلصین و عباد صالحین که خدای تعالی از ایشان در سوره اسراء مدح فرموده و خبر

داده است.

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«اعْبَادَ النَّا أُولِي يَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَا سُو جَلَالَ الدِّيَارِ وَ كَانَ وَ عَدَاً مَفْعُولاً»<sup>(۱)</sup>

«بندگان سخت جنگجو و نیرومند خود را بر شما سخت بر انگیزیم، تا آنجا که درون خانه های شما نیز جستجو کنند و این وعده انتقام حتمی خواهد بود.»

و باز هم در قرآن کریم می فرماید:

«وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْاَرْضَ يَرِنُهَا عِبَادِي الصَّالِحُونَ»<sup>(۲)</sup>

«البته بندگان نیکوکار من، ملک زمین را وارث خواهند شد.»

چنانچه در احادیث آمده است که رشته الفت و مجالست و مؤانست با کفار و منافقین بالمره گسسته خواهد شد. صالح و طالع، طیب و خبیث از یکدیگر جدا شوند و هرگز به احدی از ایشان مستعین نشود، چنانچه بسیار میشد که جدا از کرمش با منافقین جهاد می کرد.

### ۸۳ - منتقم ﷺ

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«وَ قَصِينَا اِيَّيْ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُونَ فِي الْاَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَ لَتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا، فَاِذَا جَاءَ وَ عَدَاؤُهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا جَلَالَ الدِّيَارِ وَ كَانَ وَ عَدَاً مَفْعُولاً.»<sup>(۳)</sup>

۲ - سورة انبياء آية ۱۰۵.

۱ - سورة اسراء آية ۵.

۳ - سورة اسراء آيات ۴ - ۶.

«و به بنی اسرائیل در کتاب خود خبر دادیم، که البته شما دوبار در زمین فساد بزرگی خواهید کرد و تسلط و سرکشی سخت ظالمانه‌ای را خواهید داشت. پس هر گاه نوبت نخستین انتقام فرا رسد، بندگان سخت جنگجوی خود را بر شما خواهیم برانگیخت، تا آنجا که درون خانه هایتان را نیز جستجو کنند و این وعده حتمی خواهد بود. سپس بار دیگر شما را بر آنها سلطه دهیم و بوسیلهٔ اموال و فرزندان مدد نماییم و تعدادتان را بیشتر نماییم.»

امام صادق علیه السلام دربارهٔ آیات فرموده است.

«[که شما دوبار در زمین فساد بزرگ خواهید کرد] یعنی: کشتن امیرالمؤمنین علیه السلام و شربت خوراندن به حسن علیه السلام بن علی [و تسلط و سرکشی خواهید داشت] یعنی: کشتن حسین بن علی علیه السلام [بزرگان سخت جنگجوی خود را بر شما خواهیم برانگیخت، تا آنجا که درون خانه هایتان را هم جستجو کنند] قومی را خداوند پیش از قیام حضرت قائم علیه السلام را برانگیزد که هیچ مسؤل خونی از آل محمد صلوات الله علیهم را وانگذارند مگر اینکه او را بگیرند.

[و این وعده حتمی خواهد بود] قبل از قیام حضرت قائم علیه السلام [سپس بار دیگر شما را بر آنها سلطه دهیم و بوسیلهٔ اموال و فرزندان مدد نماییم و تعدادتان را بیشتر سازیم] خروج امام زمان علیه السلام در رجعت با ۳۱۳ از اصحابش که کشته شدند، در حالی که کلاه خودهای زرینی بر سر دارند، که دور است که به مردم ابلاغ خواهد شد که حسین علیه السلام با اصحاب خود بیرون آمد، تا آنجا که مؤمنان دربارهاش هیچ شک نکنند و بدانند که او دجال و شیطان نیست و امام آن زمان در میان مردم است، پس چون در دل مؤمن اعتقاد به اینکه او حسین علیه السلام است، استقرار یافته دربارهٔ او

شک نکنند و به حدی این عقیده رسوخ می یابد که حسین علیه السلام را حجت قائم علیه السلام به امر امامت دانند و مؤمنان آن حضرت را این چنین تصدیق کنند، در این هنگام مرگ حضرت حجت علیه السلام فرا رسد، پس امام حسین علیه السلام عهده دار غسل و کفن و حنوط او می شود و او را در آرامگاهش به خاک می سپارد که وصی را جز وصی عهده دار نشود. سپس امام حسین علیه السلام زمان امورشان را به دست می گیرد تا آنجا که ابروانش سفید و بر چشمانش می افتد.»<sup>(۱)</sup>

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«[بندگان سخت جنگجو خویش را بر شما خواهیم برانگیخت] یعنی:

قائم علیه السلام است و اصحاب او صاحبان سخت نیرومند و جنگجو.»<sup>(۲)</sup>

علی بن ابراهیم بن مهزیار اهوازی رضی الله عنه گوید:

در یکی از سالها به قصد حج رفتم به مدینه و چند روز در آنجا اقامت کردم و از حضرت صاحب الزمان علیه السلام جستجو و سوال نمودم، ولی نه خبری از آن جناب به من رسید و نه دیده ام به جمال منورش روشن شده، لذا به شدت اندوهگین شدم و از اینکه مبادا به آرزویم نرسم بیمناک گشتم، پس از مدینه به مکه رفتم و حج را به جای آوردم و یکی هفته اقامت نموده و به عمره اشتغال داشتم. تمام این مدت در جستجو بودم. در همین حال که به فکر فرو رفته بود، ناگاه درب کعبه برایم آشکار شد، که شخصی را دیدم گویی شاخه درخت بان، برد به کمر بسته و بر دیگر از ذیل بغل، بر روی گردن انداخته بود، دلم به دیدن او قرار گرفت و با دیدنش و به سویش شتافتم او نیز متوجه من شد و گفت: «اهل کجایی؟» گفتم: «از عراق» گفت: «کدام شهر آن؟» گفتم: «از اهواز.» گفت: «تو ابن الخطیب را می شناسی؟» گفتم: «آری او از دنیا رفته.» گفت: «خداوند رحمتش کند، که

۱ - سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص ۲۱۵.

۲ - سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص ۲۱۶.

شبهای بسیاری را به عبادت می‌گذراند و چقدر اشک چشمانش روان بود.» گفت: «ابن مهزیار کجاست؟» گفتم: «خودم هستم.» گفت: «سلام خدا بر تو باد ای ابوالحسن.» آنگاه به گرمی من را به آغوش گرفت و گفت: «ای ابوالحسن آن نشانی که بین تو و ابو محمد بود چه کردی؟» گفتم: «به همراه دارم» و دست بردم و انگشتری را که بر آن نام محمد و علی نقش بود را از جیبم بیرون آوردم، چون بر آن نظر کرد گریست، تا آنجا که آستینش تر شد و گفت: «ای ابو محمد خدایت رحمت کند، که به راستی زینت امت هستی، خداوند به امامت تو را شرافت بخشید و تاج علم و معرفت بر تو عنایت فرمود: ما به سوی شما رهسپاریم.» سپس من را در آغوش گرفت و فرمود: «ای ابوالحسن چه می‌خواهی؟» گفتم: «خواسته‌ام دیدن امامی است، که از عالم محجوب مانده.» گفت: او از شما مخفی شده ولی کارهای شما او را مخفی داشته است، برخیز و نزد مرکب خود برو و آماده دیدار باشد، که چون خورشید از آسمان غایب شد و ستارگان آسمان درخشان گشتند، من بین رکن و مقام منتظر شما هستم. خوشدل و شادمان شدم و یقین دانستم که خداوند این فضیلت را به من داده، پس لحظه شماری می‌کردم تا وقت معین فرارسد، به سوی مرکبم رفتم و بر آن سوار شدم که ناگاه صدای آن دوست را شنیدم که می‌گفت: «ای ابوالحسن به سوی من آی.» به سوی او شتافتم و به من گفتم: «بیا برویم برادر.» و پیوسته از پستی‌ها و بلندی‌ها گذشتیم؛ به من گفتم: «ای ابوالحسن فرود آی تا بقیه نماز شب را به جای آوریم.» نماز واجب صبح را به امامت او خواندیم: گفتم: «پس آن دو رکعت اول چیست؟» گفت: «آن دو رکعت از نمازهای شب می‌باشد و نیز قنوت را کوتاه بخوان و نیز همه نمازهای مستحبی را کوتاه بخوان» و گفت: «بردار برویم.» و پیوسته در فراز و نشیبها می‌رفتیم، تا بر دشت بزرگی مشرف شدیم که همچون کافور سفید بود. چشم در آن گرداندم به ناگاه چادری که از موی بافته شده بود، دیدم که نور از آن می‌درخشید. به من گفتم: «آیا چیزی می‌بینی.» گفتم: «چادری از مو می‌بینم.» گفت: «همه امید و سعادت در همین است» و در پی او رفتم تا در میان دشت رسیدیم. از

مرکبش پیاده شد و آن را وا گذاشت و به من گفت: «آن را رها کن.» گفتم: «گر گم شود چطور.» گفت: «این سرزمینی است که جز مؤمن در آن داخل نشود.» سپس پیش از من داخل چادر شد، به سرعت بیرون آمد و گفت: «مژده ات باد که اجازه ورود به تو داده شد.» داخل شدم، دیدم نور از گوشه آن جایگاه بالا می‌رود، به آن جناب به امامت سلام کردم. به من فرمود: «ای ابوالحسن ما شب و روز انتظار داشتیم که بیایی، چه چیز باعث شد که دیر بیایی.» عرض کردم: «ای آقای من کسی را تا کنون نیافته بودم که راهنمایی ام کند.» به من فرمود: «کسی را نیافتی که راهنمایت باشد.» سپس انگشت خود را بر زمین زد و فرمود: «هرگز ولیکن اموالتان را زیاد کردید و بر ضعفای مؤمنین ستمکاری نمودید و رحمی را که در میانشان بود قطع کردید، پس چه عذری دارید.» عرض داشتم: «توبه، توبه، در گذرید، در گذرید.» حضرت فرمود: «ای پسر مهزیار، اگر استغفار شما برای یکدیگر نبود، و خواص شیعه که سخنانشان مثل افعالشان است، هر که روی زمین است هلاک می‌شود.» سپس فرمود: «ای پسر مهزیار، آیا تو را از خبر آگاه سازم هر گاه کودک بنشیند و مغربی حرکت کند. و یمانی راه بیفتد و با سفیانی بیعت شود، خداوند به من اجازه قیام خواهد داد، پس بین صفا و مروه با سیصد و سیزده مرد خروج می‌کنم، آنگاه به کوفه می‌آیم و مسجد آن را منهدم می‌سازم و بر اثاث بنای نخستین آن بنا می‌کنم و آنچه از ساختمانهای جباران پیرامون آن هست نیز خراب می‌کنم با مردم حجة السلام را به جای می‌آورم، و به یثرب می‌روم، پس حجره را خراب می‌کنم آنچه در آن است. یعنی آن دو را تازه، تازه بیرون می‌آورم و دستور می‌دهم، در سمت بقیع به دو چوب خشک آن را به دار آویزند، پس آن چوب خشک از زیر آنها برگ می‌دهد، آنگاه مردم به فتنه‌ای شدیدتر از فتنه اول دچار می‌گردند، که آواز دهنده‌ای از سوی آسمان بانگ می‌زند: ای آسمان اینان را نابود گردان، و ای زمین بگیر اینها را. سپس بر روی زمین نمی‌ماند، جز مؤمنی که دلش را برای ایمان خالص کرده باشد.» عرض داشتم ای آقای من پس از آن چه می‌شود؟ فرمودند: «بازگشت بازگشت،

رجعت، رجعت، سپس این آیه را تلاوت کردند [سپس بار دیگر شما را بر آنان سلطه دهیم و بوسیله اموال و فرزندانمان مدد نمائیم و تعدادتان را بیشتر سازیم].»<sup>(۱)</sup>  
 خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«فَقُتِلَ لَيْفَ قَدَّرَ، ثُمَّ قُتِلَ لَيْفَ قَدَّرَ»<sup>(۲)</sup>

«پس او کشته باد، که چه فکر غلطی کرد. باز هم کشته باد، که چه اندیشه نادرستی کرد.»

امام صادق علیه السلام در ذیل آیه می فرماید:

«[و من را واگذار با کسی که او را تنها وحید آفریدم] وحید در اینجا زنازاده است و او می باشد. [و برای او مالی فراوان و دراز قرار دادم] یعنی: اجل ممدوده دراز تا مدتی. [و پسران آماده به خدمت] همکاران و رفقای او که گمراهی دادند به اینکه رسول خدا صلی الله علیه و آله ارث باقی نمی گذارد. [و زمینه های قدرت و حکومت را برایش فراهم آوردیم] دوران زمامداری و ریاستش که را باز گذاردیم. [سپس طمع دارد که نعمتهایش را بر او بیفزایم. هرگز، که او به آیات ما عناد ورزید] یعنی: ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام را منکر بود و در مورد آن با رسول خدا صلی الله علیه و آله عناد ورزید. [و به زودی او را در آتش دوزخ در افکنیم. او با خود اندیشید و نقشه ای طرح کرد] در مورد ولایت که به آن مأمور شده بود فکر کرد و چنین نقشه کشید، که چون رسول خدا صلی الله علیه و آله از دنیا رحلت کرد، نسبت به بیعتی که با امیرالمؤمنین علیه السلام در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله انجام داده بود وفادار نماند و کار خدمت را تسلیم آن حضرت نمود. [پس او کشته باد که چه فکر غلطی کرده، باز هم کشته باد که چه اندیشه نادرستی کرد] یعنی: «عذابی که پس از عذاب دیگر که حضرت قائم علیه السلام نسبت به او



خواهد کرد.» [سپس نگریست] «به رسول خدا ﷺ و امیرالمؤمنین ﷺ پس روی ترش کرده و چهره در هم کشید از جهت دستوری که به او داده شده بود.» [سپس روی بر تاخت و کبر ورزید] [آنگاه گفت: این جز سحر و جادوگری خیره کننده چیزی نیست]. «یعنی «زفر» گفت: پیغمبر مردم را به پیروی علی ﷺ سحر کرده.»<sup>(۱)</sup>

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«يُعْرِفُ الْمَجْرُمُونَ بِسِيَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنُّوَاصِي وَالْاِقْدَامِ»<sup>(۲)</sup>

«مجرمین از چهره‌هایشان شناخته می‌شود، پس از موهای پیشانی و پاهایشان آنها گرفته می‌شود.»

امام صادق ﷺ در ذیل آیه می فرماید:

«خداوند آنها را می شناسد، ولی آیه درباره حضرت قائم ﷺ نازل گردیده که او آنها را از چهره‌هایشان می شناسد، پس او و اصحابش آنها را از دم شمشیر می گذرانند.»<sup>(۳)</sup>

امام صادق ﷺ در ذیل آیه می فرماید:

«هرگاه قائم ﷺ ما به پا خیزد، خداوند شناخت چهره‌ها را به آن حضرت عطا می‌کند، پس امر می‌کند کافر را با پیشانی و پا بگیرند، سپس از دم شمشیر بگذرانند.»<sup>(۴)</sup>

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«وَلَمَنْ أَنْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولَئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ»<sup>(۵)</sup>

۱ - سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص ۴۱۰.

۲ - سورة الرحمن آیه ۴۱. ۳ - سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص ۳۷۲.

۴ - سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص ۳۷۱.

۵ - سورة شوری آیه ۴۱.

«و آنکه پس از ظلمی که بر او انتقام جویی کند، پس بر چنین کسان هیچ گونه مؤاخذه و گناهی نیست.»

امام باقر علیه السلام می فرماید:

«آن حضرت قائم علیه السلام هرگاه به پا خیزد، از بنی امیه و تکذیب کنندگان شان و ناصبیان انتقام خواهد گرفت و این است معنی فرموده خداوند: [و آنان که پس از ظلمی که بر او انتقام جویی کند، بر چنین کسانی هیچ گونه مؤاخذه و گناهی نیست] و [تنها راه مؤاخذه از کسانی که بر مردم ظلم می کنند و در زمین به ناحق تباهی می نمایند برای آنان عذابی دردناک است] <sup>(۱)</sup>»

#### ۸۴ - وَعَدَ اللَّهُ علیه السلام

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَ سَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ وَ رِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» <sup>(۲)</sup>

«خدا اهل ایمان را از مرد و زن وعده فرمود که در بهشت، خلدایدی که زیر درختهای آن نهلهایی جاریست: در آورد، و در عمارات نیکوی بهشت منزل دهد و برتر و بزرگتر از هر نعمت مقام رضا و خوشنودی خدا را به آنان کرامت فرماید، و این به حقیقت فیضی بزرگ است.»

امام صادق علیه السلام در ذیل آیه می فرماید:

«مقصود از آن امام قائم علیه السلام و اصحابش می باشد.» <sup>(۳)</sup>

۱- سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص ۳۴۱.

۲ - سوره توبه آیه ۷۲. ۳ - اصول کافی جلد ۲.

## ۸۵- وارث علیه السلام

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«و نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَجْرَهُمُ الْمُنْتَفَعِينَ»<sup>(۱)</sup>

«و ما اراده کریم بر آنان که بر زمین مستضعف شدند، منت گذاردیم و آنان را پیشوایان و وارثان زمین قرار دادیم.»

امیرالمؤمنین علیه السلام در ذیل آیه می فرماید:

«ایشان آل محمد صلوات الله علیهم است، خداوند مهدی علیه السلام ایشان را پس از تلاش بر

انگیزد، پس آنان را عزت دهد و دشمنانشان را خوار گرداند.»<sup>(۲)</sup>

سلمان فارسی رضی الله عنه گوید: رسول خدا صلوات الله علیهم به من فرمود:

«خداوند تبارک و تعالی هیچ پیغمبر و رسولی را مبعوث نفرمود، مگر

آنکه ۱۲ نقیب برایش قرار داد.»

«عرض کردم:

یا رسول الله صلوات الله علیهم این را از اهل کتاب دانستم.»

حضرت فرمود:

«آیا دانسته‌ای که نقبانی من کی‌ایند.»

عرض کردم:

«خدا و رسولش داناتر است.»

حضرت فرمودند:

«ای سلمان، خداوند من را از برگزیده نورش آفرید و من را دعوت کرد و

او را اطاعت نمودم، و از نور من علی علیه السلام را آفرید، او را دعوت نمود، پس

علی علیه السلام او را طاعت کرده و از نور علی علیه السلام، فاطمه علیه السلام را خلق کرد و او را

دعوت نمود و از او اطاعت کرد و از من و از علی علیه السلام و از فاطمه علیها السلام حسن علیه السلام را آفرید، پس دعوتش کرد که دعوت خدا را طاعت کرد. و از من و از علی علیه السلام و از فاطمه علیها السلام، حسین علیه السلام را آفرید و او را دعوت نمود که دعوت او را اطاعت نمود. سپس ما را به ۵ اسم از اسماء خود نامید. که خداوند محمود است و من محمد صلی الله علیه و آله و خداوند اعلیٰ است و این هم علی علیه السلام که خداوند فاطر است و این فاطمه علیها السلام و خداوند احسان است و این حسن علیه السلام و خداوند احسان است و این حسین علیه السلام یازده امام آفرید و ایشان را دعوت نمود و اطاعتشان کردند، پیش از آن که آسمان ساخته شده و پهن گردیده و فرشته‌ای و بشری خلق کند، نوری بودیم و خدای سبحان را تسبیح می‌گفتیم و از او می‌شنیدیم و اطاعت می‌نمودیم.»

عرض داشتم، ای رسول خدا صلی الله علیه و آله

«پدر و مادرم به فدای تو باد برای کسی که ایشان را بشناسد، چه پاداشی خواهد بود.»

فرمودند:

«ای سلمان رضی الله عنه هر کس آنان را به راستی بشناسد و ایشان را الگوی خود قرار دهد و دوستشان را دوست بدارد و از دشمنشان بیزارى جوید. چنین کسی به خدا سوگند از ما خواهد بود، هر کجا وارد شویم او نیز وارد خواهد شد، پس هر کجا مسکن کنیم او هم سکنی یابد.»

عرض داشتم:

«ای رسول خدا صلی الله علیه و آله آیا می‌شود، با شناخت نامها و اسمهای آنها، به آنها ایمان داشت؟»

حضرت فرمودند:

((نه))

عرض داشتیم:

«یا رسول الله ﷺ چگونه به شناخت ایشان دست یابم در حالی که تا حسین ﷺ را شناختم؟»

حضرت فرمودند:

«پس از او سید العابدین علی بن حسین ﷺ است. سپس پسرش محمد بن علی ﷺ شکافنده علم اولین و آخرین از پیغمبران و رسولان. سپس جعفر بن محمد ﷺ زبان صادق خداوند. سپس موسی بن جعفر ﷺ آن فرود شائنده خشم خود در راه خداوند. سپس علی بن موسی ﷺ آن راضی به امر خدا. سپس محمد بن علی ﷺ آن برگزیده خلق خدا. سپس علی بن محمد ﷺ آن هدایت کننده به سوی خداوند. سپس حسن بن علی ﷺ آن صامت امین سر خداوند. سپس پسرش م ح م د ابن الحسن، المهدی، الهادی، الناطق، آن قائم به حق خدا ای سلمان تو او را درک خواهی کرد و هر کس مانند تو باشد و نیز هر کس با معرفت راستین از او پیروی نماید، او را درک خواهد کرد.»

سلمان ﷺ گوید:

«پس شکر خدای را نمودم، سپس گفتم: آیا من تا عهد و زمان او خواهم بود.»

حضرت فرمودند:

ای سلمان بخوان قول خدای تعالی را: [پس چون هنگام انتقام او فرا رسد، بندگان سخت جنگجوی خود را بر شما برانگیزیم تا درون خانه هایتان را نیز جستجو کنند و این وعده حتماً تحقق خواهد یافت، سپس بار دیگر شما را بر روی آنها باز مسلط گردانیم و بوسیله مال و فرزند مدد

فرمائیم و تعدادشان را افزایش دهیم»<sup>(۱)</sup>.

سلمان رضی الله عنه گوید:

«در این هنگام گریه و شوق و اشتیاقم شدت یافت، آنگاه عرض کردم: یا رسول الله صلی الله علیه و آله این جریان در زمان شما خواهد بود.»

حضرت فرمودند:

«آری، سوگند به خداوند که مرا به حق فرستاد، من و علی رضی الله عنه و فاطمه رضی الله عنها و حسن رضی الله عنه و حسین رضی الله عنه و آن نه و هر کسی که از ماست، و در راه ما ستم دیده، آری به خدا قسم ابلیس لشکریانش را جمع می‌سازد، و تمامی آنانکه ایمانشان خالص بود. و نیز همه کافران حقیقی آورده می‌شوند، تا از یکدیگر قصاص کشند و خون خواهی کنند و پروردگار تو بر احدی ظلم نمی‌کند و تأویل این آیه تحقق می‌یابد که [و می‌خواهیم بر آنانکه بر زمین مستضعف شدند، منت گذاریم و آنان را پیشوایان و وارثان زمین قرار دهیم و ایشان را در زمین توان بخشیدیم و به فرعون و به هامان و به لشکریانش آنچه را می‌ترسیدند نشان دهیم]»<sup>(۲)</sup>

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

«وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»<sup>(۳)</sup>

«به راستی که ما پس از نوشتن در ذکر در زبور نیز نوشتیم، که البته بندگان صالح، من زمین را به ارث خواهند برد.»

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«تمام کتابهای آسمانی ذکر است، [البته بندگان صالح من زمین را به ارث

۲- سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص ۲۹۷.

۱- سوره اسراء آیات ۴ تا ۶.

۳- سوره انبیاء آیه ۱۰۵.

خواهند برد] حضرت قائم عجل الله فرجه و اصحاب اویند.»<sup>(۱)</sup>

امام باقر عجل الله فرجه می فرماید:

«آنان اصحاب حضرت مهدی عجل الله فرجه در آخر الزمان هستند.»<sup>(۲)</sup>

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»<sup>(۳)</sup>

«موسی به قوم خود گفت: از خداوند یاری بخواهید و صبر کنید، بدرستی که زمین از آن خداوند است و او به هر کس از بندگانش که خواهد آن را واگذارد و سرانجام کار، مخصوص اهل تقوی است.»

امام باقر عجل الله فرجه می فرماید:

«در کتاب حضرت علی عجل الله فرجه یافتیم که حضرت فرمودند: [بدرستی که زمین از آن خداوند است و او به هر کس از بندگانش که خواهد آن را واگذارد و سرانجام کار مخصوص اهل تقوی است،] من و خاندانم هستیم، آن که زمین را به ما واگذارد و مائیم متقیان، زمین همه‌اش برای ماست، پس هر کس از مسلمانان زمینی را احیاء نمود باید آن را مأمور بدارد و خراج آن را به امام از اهل بیت من بپردازد و هر آنچه از آن برداشت نماید برای او خواهد بود [پس چنانچه آن را رها سازد یا خراب کند و مردی از مسلمانان پس از او آن را بگیرد، مأمور بدارد احیاء سازد، نسبت به آن زمین شایسته‌تر از کسی است که آن را ترک گفته خواهد بود، فراجش را به امام از خاندان من بپردازد و آنچه از آن به دست

۱ - سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص ۲۵۱.

۲ - سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص ۲۵۲.

۳ - سورة اعراف آیه ۱۲۸.

می آید از آن دو خواهد بود]] تا آنکه قائم علیه السلام از خاندانم با شمشیر به پا خیزد. پس آن زمینها را تصرف نماید و از متصرفین جلوگیری می کند و آنها را از آن زمینها اخراج نماید همچنان که رسول خدا زمینها را تصرف نمود و از متصرفین جلوگیری میکرد. مگر زمینهایی که در اختیار شیعیان ما باشد، که حضرت قائم علیه السلام با خود ایشان قرار بدهد و زمین را در دستشان باقی گذارد.»<sup>(۱)</sup>

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«لَتَرْكُوبَنَّ طَلَبًا عَنْ طَبَقٍ»<sup>(۲)</sup>

«البته که شما احوال گوناگون و حوادث مختلف خواهید یافت.»

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«قائم علیه السلام ما را غیبتی است، که مدت آن به طول می انجامد.»

سدیر گوید:

«چرا یابن رسول الله صلی الله علیه و آله؟»

حضرت فرمودند:

«زیرا که خداوند متعال می خواهد سنتهای پیغمبران را در غیبتشان بر او نیز جاری سازد ای سدیر ناگریز است از اینکه این مدت های غیب آن را پایان برد، خدای تعالی می فرماید: [البته که شما احوال گوناگون و حوادث مختلف خواهید یافت] یعنی: سنتهای آنان که پیش از شما بوده اند.»<sup>(۳)</sup>

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَئِكَ مَرْمُوكُمْ»

۱ - سیمای حضرت مهدی در قرآن. ۲ - سوره انشقاق، آیه ۱۹.

۳ - سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص ۱۳۰.



«اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید رسول خدا را و ولی امر را از خودتان»

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«حسین بن اعلاء گوید: برای امام صادق علیه السلام عرض کردم که عقیده ما نسبت به اوصیاء این است که طاعت آنها بر ما فرض شده است.»

حضرت فرمودند:

«آری ایشان همان کسی هستند که خدای تعالی درباره آنها فرموده [اطاعت کنید خدا را و اطاعت رسول خدا و اولو الامر را از خودتان] و باز فرموده است [همانا ولی شما خداست و رسولش و کسانی که گرویدند.]<sup>(۱)(۲)</sup>

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«هُنَالِكَ الْوَلَايَةُ لِلَّهِ الْحَقِّ هُوَ خَيْرٌ ثَوَابًا وَ خَيْرٌ عُقْبًا»<sup>(۳)</sup>

«آنجا ولایت و حکم فرمایی خاص خداست که به حق فرمان دهد و بهترین اجر و ثواب و عاقب نیکو را هم او عطا کند.»

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«مقصود ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام است.»<sup>چ</sup>

۸۶- وجه الله علیه السلام

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا»<sup>(۴)</sup>

«پس اقامه کن وجه خدا را با دین اسلام»

۲- اصول کافی جلد ۳.

چ- اصول کافی جلد ۲.

۱- نساء آیه ۵۹.

۳- سوره کهف آیه ۴۴.

۴- سوره روم آیه ۳۰.

امام باقر علیه السلام می فرماید:

«مقصود از وجه خدا، ما هستیم»<sup>(۱)</sup>

## ۸۷- وَتَر علیه السلام

وتر به معنی طاق و فرد در کمال و فضایل که ممکن باشد، تحقق آن در نوع شبه و در خصایص و اکرامات مخصوصه الاهیة. خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«وَ الْفَجْرِ، وَ لَيْلٍ عَشْرٍ، وَ الشَّفِيعِ وَ الْوَتْرِ، وَ اللَّيْلِ إِذَا يَسِرُّ، هَلْ فِي ذَلِكَ قَسَمٌ لِّذِي حِجْرٍ»<sup>(۲)</sup>

«قسم به صبح. قسم به ۱۰ شب و قسم به ۲ و به ۱ قسم به شب هنگامی که روز مبدل می شود. آیا در این امور که به آنها قسم یاد شد، نزد اهل خرد لیاقت سوگند نیست.»

در قرآن کریم این مکان تنها مکانی است که فرموده لیاقت سوگند به گفته خود قرآن کریم دارا می باشد.

تمام این قسمها به وجود منور ولی عصر علیه السلام می باشد.

۱- قسم به فجر

که خود یکی از اسماء امام زمان علیه السلام است، که در اسم «فجر» توضیح داده شد.

۲- قسم به شفع

در اسلام دو نفر قیام کردند، برای حفظ دین مبین اسلام یکی وجود منور سیدالشهداء علیه السلام می باشد، که به حسب الظاهر، قیام آن حضرت به شکست منجر شد و یکی وجود منور ولی عصر علیه السلام است که مسلماً به پیروزی خواهد انجامید و یکی از مصداقهای این شفع این دو امام مبین می باشد.

۳ - قسم به لیل

در این جا هم قسم به شبها است که به روز مبدل می گردد و آن هم وجود منور امام عصر علیه السلام است که با ظهور ایشان روز حقیقی به تنفس در خواهد آمده.

۴ - قسم به وتر

وتر هم به معنی تنها و امام عصر علیه السلام هم تنها امامی است، که تمامی علوم و حکم الهی را برای مردم باز می کند.

حال راستی قسم به امام زمان نزد اهل خرد لیاقت سوگند را ندارد.

در روایات آمده است که امام صادق فرمودند:

« [فجر] وجود منور ولی عصر علیه السلام می باشد.

[ولیل عشر] ۱۰ امام از امام حسن مجتبی علیه السلام تا امام حسن عسکری علیه السلام است.

[شفع] امام علی علیه السلام و فاطمه زهرا علیها السلام می باشد.

[وتر] پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می باشد.

۸۸ - اسم الله علیه السلام

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

« وَ لِلّٰهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنٰی فَادْعُوهُ بِهَا وَ ذُرُّوا الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي أَسْمَائِهِ

سَيُجْزَوْنَ مَا كَانُوا يَعْلَمُونَ»<sup>(۱)</sup>

«خدا را نامهای نیکوست، بدانها خدا را بخوانید و آنان که در نامهای او

کفر و عنار ورزیدند به خود واگذارید، که به زودی به کردار بدشان

مجازات خواهند شد.»

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«آنان ائمه علیهم السلام هستند.»<sup>(۲)</sup>

## ۸۹- هدی ﷺ

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«و نَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غَلٍّ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ»<sup>(۱)</sup>

«و زنگار کینه را از آینه دل بهشتیان بزدائیم و در بهشت بر زیر قصرهایشان نهرها جاری شود، گویند ستایش خدای را که ما را بر این مقام راهنمایی کرد، اگر هدایت و لطف الهی نبود ما به خود در این مقام راه نمی یافتیم»

امام صادق ﷺ در ذیل آیه می فرماید:

«چون روز قیامت شود پیغمبر ﷺ را خوانند به همراه امیرالمؤمنین ﷺ و ائمه ﷺ از فرزندان آن حضرت و آنها را برای مردم به پای دارند و چون شیعیان آنان بیندشان گویند: [سپاس از آن خداست که ما را به این رهنمود و ما راه نمی بردیم، اگر خدا به ما راه نمی نمود] یعنی: ما را راهنمایی کرد به ولایت امیرالمؤمنین ﷺ و فرزندان آن که امام بودند»<sup>(۲)</sup>

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ»<sup>(۳)</sup>

«خدا شرح و آیین که برای شما مسلمین قرارداد، حقایق و احکامی است که نوح ﷺ را هم به آن سفارش کرد و بر تو وحی کردیم و به ابراهیم ﷺ و

۲- اصول کافی جلد ۳.

۱- سوره اعراف آیه ۴۳.

۳- سوره شوری آیه ۱۳.

موسی علیه السلام و عیسی علیه السلام همان را سفارش نمودیم که دین خدا را به پا دارید و هرگز تفرقه در دین خدا نکنید. مشرکان را که به دین خدا دعوت می‌کنی، به نظرشان بزرگ می‌آید، خدا هر که را بخواهد به سوی خود بر می‌گزیند و هدایت می‌فرماید.»

امام رضا علیه السلام می‌فرماید:

«در قرآن فرمود (مقرر کرده برای شما ای آل محمد صلی الله علیه و آله از دین، همان را که به نوح علیه السلام سفارش داده) و آن چه را به تو وحی کردیم (ای محمد صلی الله علیه و آله) و آنچه را به ابراهیم علیه السلام، و موسی علیه السلام و عیسی علیه السلام سفارش دادیم (خدا به ما رسانیده و آموخته آنچه را باید بداینم و به ما سپرده علم آن را، ما وارثان رسولان اولی العزم) برای آنکه دین را بر پا دارید (ای آل محمد صلی الله علیه و آله) و در آن متفرق نشوید، و جدایی نیندازید (و متحد باشید) بر مشرکان بسیار سخت و ناگوار است (هر که در ولایت علی مشرک نیست) آنچه را به آن دعوت کنید (از ولایت بلافضل علی علیه السلام به راستی خدا هدایت کند، هر که را به جانب او برگردد) (یعنی به جانب ولایت علی علیه السلام را از تو نپذیرد)»<sup>(۱)</sup>

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

«فَأَمَّا يَا يَتَّبِعُكُمْ مِّنِّي هُدًى فَمَنِ اتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقُ»<sup>(۲)</sup>

«پس از جانب من برای شما راهنمایی بیاید، آنگاه هر که از راه من پیروی کند، نه هرگز گمراه شود، نه شقی و بدبخت گردد.»

امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

«هر کس معتقد به ائمه باشد و از آن پیروی کند، از طاعت آن بیرون

نرود.»<sup>(۱)</sup>

خداوند در قرآن می‌فرماید:

«هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ يُنظِرُهُ عَلَىٰ الدِّينِ كُلِّهِ  
وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»

«اوست خدایی که رسولش را به هدایت و دین حق فرستاد، تا او را بر همه دین آشکار سازد، هر چند مشرکان این امر را کرده‌اند.»  
امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«به خدا سوگند تاویل آن هنوز نیامده و تاویل آن نازل نخواهد شد، تا این که قائم علیه السلام خروج کند و هیچ کافر به خدای عظیم و هیچ مشرک به امامت باقی نماند، مگر آنکه خروج او را اکراه دارد، تا اینکه اگر کافر یا مشرکی در دل سنگی باشد، آن سنگ خواهد گفت: ای مؤمن در شکم من کافری هست، مرا بشکن و او را به قتل برسان»<sup>(۲)</sup>

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

«[اوست خدایی که رسولش را با هدایت و دین حق فرستاد، تا او را بر همه دین آشکار سازد، هر چند که مشرکان این امر را اکراه دارند].»  
راوی گوید پرسیدم:

«آیا پس از آن برای مشرکان و کافران چیرگی و غلبه هست.»

حضرت فرمود:

«نه، سوگند به آنکه جانم در دست اوست، تا آنجا که هیچ آبادی نماند مگر آنکه در آن به گواهی دادن به لا اله الا الله و محمد رسول الله صلی الله علیه و آله هر صبح و شام ندا گردد.»<sup>(۳)</sup>

۲ - سیمای حضرت مهدی در قرآن.

۱ - اصول کافی جلد ۳.

۳ - سیمای حضرت مهدی در قرآن.

ابن عباس گوید:

«چنین نخواهد بود، تا وقتی که یهودی و نصرانی و صاحب کیشی نماند، مگر اینکه اسلام یابد، تا جایی که گوسفند و تردیدی و گاو و شیر، آدمیزاد و مار در امان شوند و تا جایی که موش، انبان را نچود و تا آنجا که جزیه ساقط گردد و صلیب شکسته شود و خوک کشته گردد و همین است که خدای تعالی فرماید [تا او را بر همه دین آشکار سازد، هر چند که مشرکان این امر را اکراه دارند.] و این هنگام قیام حضرت قائم علیه السلام خواهد بود.»<sup>(۱)</sup>

امام کاظم علیه السلام می فرماید:

«آن امر خدا و رسول اوست به ولایت برای وصیش و ولایت همان دین حق می باشد.»

راوی گوید عرض کرد؟

«[تا او را بر همه دین آشکار سازد].»

حضرت فرمود:

«آن را بر همه ادیان آشکار سازد، هنگام قیام حضرت قائم علیه السلام»<sup>(۲)</sup>

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ، قُلْ اللَّهُ يَهْدِي لِلْحَقِّ رَافِعًا  
يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقَّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمَّنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يَهْدِي، فَمَا لَكُمْ كَيْفَ  
تَحْكُمُونَ»<sup>(۳)</sup>

«بگو آیا هیچ یک از شرکاء شما کسی را به حق هدایت می کند، بگو تنها خداست که به سوی حق هدایت می کند، آیا آنکه خلق را به سوی حق

۱ - سیمای حضرت مهدی در قرآن. ۲ - اصول کافی جلد اول.

۳ - نسوره یونس آیه ۳۵.

رهبری می‌کند، سزاوارتر به پیروی است، یا آنکه هدایت نتوان کند، مگر آنکه خود هدایت شود، پس شما را چه شده و چگونه چنین قضاوت باطل می‌کنید.»

راوی گوید: عرض کردم خدمت حضرت صادق علیه السلام که:

«مخالفین ما را توبیخ و سرزنش می‌کنند و درغگو می‌شمارند، اینک می‌گوییم دو صیحه خواهد بود، پاسخ آنها را چه می‌گویید: آنها می‌گویند: از کجا معلوم می‌شود که کدام حقیقت است و کدام باطل؟»

حضرت فرمودند:

«بگویید کسی که بیشتر به آنان ایمان داشته آن را تصدیق خواهد کرد، همانا خدای عزوجل می‌فرماید [آیا آنکه خلق را به حق رهبری می‌کند سزاوارتر به پیروی است، یا آنکه نتوان کرد، مگر آنکه خود هدایت شود، پس شما را چه شد که چنین قضاوت باطل می‌کنید.]»<sup>(۱)</sup>

حارث همدانی رضی الله عنه گوید: خدمت امام صادق علیه السلام در خیمه آن حضرت بودم، که حضرت گوشه خیمه را برداشت و فرمود:

«همانا هرگاه امر ما واقع شود، از این خورشید روشن تر خواهد بود. منادی از آسمان بانگ خواهد زد، که این فلان همان امام است، نام او را می‌برد و ابلیس از زمین بانگ خواهد زد، شب عقبه در مورد رسول خدا صلی الله علیه و آله بانگ زد.»<sup>(۲)</sup>

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

«وَمِنْ قَوْمِ مُوسَى أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ»<sup>(۳)</sup>

«و جماعتی از قوم موسی به حق هدایت می‌کنند و به آن باز می‌گردانند.»

۱ - سیمای حضرت مهدی در قرآن.

۲ - سیمای حضرت مهدی در قرآن.

۳ - سوره اعراف آیه ۱۵۹.



امام صادق علیه السلام می فرماید:

«هرگاه قائم علیه السلام از پشت این بیت ظاهر شود، خداوند با او ۲۷ مرد را خواهد برانگیخت، از آنها ۱۴ تن از قوم موسی علیه السلام هستند و ایشانند که خدای تعالی فرمود: [و جماعتی از قوم موسی به حق هدایت می کنند و به آن باز می گردند] اصحاب کهف هفت نفر مقداد و جابر انصاری و مؤمن آن فرعون و یوشع و نون وصی موسی»<sup>(۱)</sup>

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«قُلْ كُلٌّ مُتَرَبِّصٌ فَتَرَبَّصُوا فَسَتَعْلَمُونَ مِنْ أَصْحَابِ الصِّرَاطِ السَّوِيِّ وَ  
مَنْ اهْتَدَى»<sup>(۲)</sup>

«پس به زودی خواهید دانست، که کدام یک اهل راه مستقیم هستیم و چه کسی هدایت شده است.»

امام کاظم علیه السلام در ذیل آیه می فرماید:

«[صراط] همان حضرت قائم علیه السلام است. [هدایت] هر آن کسی است که به طاعت هدایت گردیده است. و مانند این است که در کتاب خدای عزوجل می خوانیم [به راستی ک من بر کسی که توبه کند و ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد، سپس هدایت شود بسیار آمرزنده ایم] یعنی: به سوی ولایت ما هدایت شود.<sup>(۳)</sup>

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظَاهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ  
كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا»<sup>(۴)</sup>

۱ - سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص ۱۳۶.

۲ - سوره طه آیه ۱۳۵. ۳ - سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص ۲۴۲.

۴ - سوره فتح آیه ۲۸.

«اوست آن خدایی که رسولش را به هدایت و دین حق فرستاد، تا او را بر همه دین مسلط و غالب گرداند.»

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«او امامی است که همه دین ظاهر و غالب می سازد و زمین را از قسط و عدل پر می کند، همچنانکه از ظلم و جور پر شده باشد و این از جمله اموری است که یاد آوردیم، این که تاویل آن بعد از تنزیلش خواهد بود.»<sup>(۱)</sup>

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظَاهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»<sup>(۲)</sup>

«اوست خداوندی که رسول خود را به هدایت و دین حق فرستاد تا او را بر همه دین غلبه دهد هر چند مشرکان اکراه دارند.»

مفضل گوید: خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم عرض داشتم:

«ای مولای من سرآغاز ظهور او چگونه خواهد بود.»

حضرت فرمودند:

«او در حالی که مورد شبهه است آشکار شد، تا خود بیان امرش باشد و یادش بلند گردد و نام و کینه و نسبش ندا شود و نامش بر زبان همه زیاد برده شود، خواه اهل حق باشد خواه باطل تا به سبب شناخت ایشان حجت بر همه تمام گردد، اینکه ما برایت بیان کردیم و بر او دلالت کردیم و به نسبت و نام و کینه معرفی کردیم و گفتیم: که او هم نام جدش رسول خدا و هم کینه اوست، تا مبادا مردم بگویند، نه اسمی از او شناختیم نه کینه و نسبی. به خدا قسم چنان به روشنی او و نام کینه اش زبان زد آنان

خواهد شد، که او را برای یکدیگر نام برند، تمام اینها به آن خاطر است که حجت بر آنان تمام و گریبان گیرشان شود و خداوند او را ظاهر خواهد ساخت، همچنان که جدش رسول خدا ﷺ وعده فرمود: در قول خدای عزوجل: [اوست خدایی که رسول خویش را به هدایت و دین حق فرستاد، تا او را بر همه دین غلبه دهد، هر چند که مشرکان اکراه دارند] و این همان معنی قول خداوند است. [با آنان نبرد کنید تا اینکه هیچ فتنه و فسادى بر جای نماند و تمام دین از آن خدا شود]. پس به خدا قسم ای مفضل آئینه‌ها و ادیان و آراء و اختلافها همه از بین خواهد رفت و همه دین از آن خدا خواهد شد چنانچه فرموده: [همانا دین نزد خدا اسلام است] [و هر آنکه غیر از اسلام دینی برگزیند، به هیچ وجه از وی پذیرفته نیست و در آخرت از زیانکاران خواهد بود].<sup>(۱)</sup>

#### ۹۰- ينزل الغيث ﷻ

این اسم در حاشیه اسم «ماء معین» توضیح داده شده.

#### ۹۱- يوم الدين ﷻ

خداوند در آیات قرآن کریم می‌فرماید:

«وَكُنَّا تَكْذِبُ يَوْمَ الدِّينِ، حَتَّىٰ آتَانَا الْيَقِينَ»<sup>(۲)</sup>

«و ما روز جزا را دروغ می‌شمردیم تا آنکه یقین به ما رسید.»

امام صادق ﷻ می‌فرماید:

«[ما روز جزا را دروغ می‌شمردیم] آن روز قائم ﷻ است و آن روز جزا

۱ - سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص ۳۸۴.

۲ - سوره مدثر آیات ۴۶ و ۴۷.

می باشد. [تا اینکه یقین به ما رسید] روزگار قائم ﷺ به ما رسید»<sup>(۱)</sup>

## ۹۲- یوم ﷺ

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«وَالْيَوْمَ يَئِسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ»<sup>(۲)</sup>  
«امروز آنان که کفر ورزیدند، از دین شما مأیوس شدند. پس شما از آنها  
بیمناک نباشید و از من بترسید.»

امام باقر ﷺ می فرماید:

«روزی که امام قائم قیام کند، بنی امیه مأیوس شوند، که آنها یند کسانی که  
کافر شدند، از آل محمد ﷺ مأیوس شوند.»<sup>(۳)</sup>

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«إِنْ يَمْسِكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِثْلُهُ وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ  
النَّاسِ وَ لَعَلَّمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا و يَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ  
الظَّالِمِينَ»<sup>(۴)</sup>

«اگر به شما آسیبی رسید به دشمنان شما هم آسیبی سخت رسید، چنان  
که آن روزگار را به اختلاف احوال میان خلائق می گردانیم، که مقام اهل  
ایمان به امتحان معلوم شود تا از شما مؤمنان آن را که ثابت در دین است  
گواه دیگران کند و خداوند ستمکاران را دوست ندارد.»

امام صادق ﷺ می فرماید:

«همواره از هنگامی که خداوند آدم را آفرید، حکومتی از آن خدا و

۱ - سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص ۴۵۵.

۲ - سوره مائده آیه ۳. ۳ - سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص ۴۴۲.

۴ - سوره آل عمران آیه ۱۴۰.

حکومتی برای ابلیس بود. پس حکومت خداوند کو؟ آیا بجز یک قائم است؟»<sup>(۱)</sup>

خداوند در قرآن می‌فرماید:

«فَإِذَا نَقَّصَرَ فِي الْنَّاقُورِ فَذَلِكَ يَوْمَئِذٍ يَوْمٌ عَسِيرٌ عَلَى الْكَافِرِينَ عَيْرٌ يَسِيرٌ»<sup>(۲)</sup>

«پس آنگاه که در صور دمیده می‌شود. پس آن روز، روز بسیار سخت و دشواری است. بر کافران هیچ آسودگی در آن نیست.»

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«همانا از ما خاندان وحی - امام پیروز پنهانی خواهد بود، که چون خدای عزوجل بخواهد امر او را ظاهر سازد در دل او نکته‌ای می‌گذارند پس ظاهر شود و به اذن خدای تعالی قیام نماید.»<sup>(۳)</sup>

امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

«[ناقور] همان صدا از سوی آسمان است که، (توجه کنید که ولی شما فلان فرزند فلان همان قائم علیه السلام به حق است) جبرئیل مدارا می‌کند در سه ساعت از آن [آن روز بسیار سخت روزی است. بر کافران که هیچ آسودگی برایشان نیست] منظور از کافران مرحبه هستند، که به نعمت خداوند و ولایت علی بن ابیطالب کفر ورزیدند.»<sup>(۴)</sup>

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

«خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرْهُقُهُمْ ذِلَّةٌ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَالَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ»<sup>(۵)</sup>

۱ - سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص ۴۲۱.

۲ - سوره مدثر آیات ۸ تا ۱۰. ۳ - اصول کافی جلد اول.

۴ - سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص ۴۰۴.

۵ - سوره معراج آیه ۴۴.

«در حالی چشمهایشان به خاری فرو افتاده و ذلت آنان را فرا گرفته است، آن همان روز است که به آن وعده داده‌اند.»

امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

«یعنی روز خروج حضرت قائم علیه السلام»<sup>(۱)</sup>

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

«وَالَّذِينَ يُصَدِّقُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ»<sup>(۲)</sup>

«و آنان که روز جزا را تصدیق می‌کنند.»

امام باقر علیه السلام در ذیل آیه می‌فرماید:

«روز، روز خروج حضرت قائم علیه السلام است»<sup>(۳)</sup>

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

«قُلْ لِلَّذِينَ آمَنُوا يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ»<sup>(۴)</sup>

«به کسانی که ایمان آورند، بگو شما مومنان از کسانی که به ایام الله امیدوار نیفتند، درگذرند.»

در اول اسم جمعه در اشراق دوم در رابطه ایام هفته و ائمه اطهار احادیثی ذکر خواهد شد انشاء الله.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«روزهایی که مورد امید و آرزوست سه روز است: الف - رزو قیامت

حضرت مهدی. ب - روز رجعت. ج - روز قیامت.»<sup>(۵)</sup>

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

«فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ، فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ مَّشْهَدِ يَوْمٍ

۱ - سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص ۳۹۹.

۲ - سوره معراج آیه ۲۶. ۳ - رضه کافی.

۴ - سوره جاثیه آیه ۱۴. ۵ - سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص ۳۵۱.

عَظِيمٍ»<sup>(۱)</sup>

«حزبها از میان خود اختلاف می‌کنند، پس وای بر کافران از دیدن روزی بزرگ.»

امام باقر علیه السلام در ذیل آیه می‌فرماید:

«خانه نشین باشد و ابداً دست و پایی مکن تا نشانه‌هایی را که برایت یاد می‌کنم در یک سال بینی. بانگ زنده‌ای را بینی که در دمشق ندا کند و فرو رفتنی در یکی از آبادیهای آن و قسمتی از مسجد آن فرو خواهد ریخت، پس هرگاه دیدی ترکها از آن گذشتند و ترکها پیشروی کردند، تا اینکه در جزیره فرود آمدند و در میان پیش آمدند، تا اینکه در رمله فرود آیند و آن سالی است که در هر یک از سرزمینهای عرب اختلاف خواهد بود و براستی که اهل شام در این هنگام بر سه پرچم اختلاف کنند. اصهب، ابقع و سفیانی با بنی ذهب الحمار از قبیله مضر اختلاف می‌نمایند، همراهان سفیانی دایه‌هایش قبیله کلب خواهند بود، پس سفیانی و همدستانش بر بنی ذنب الحمار پیروز خواهند شد و چنان کشته شوند، که هیچ کشته به مانند آن نخواهد بود و مردی از بنی ذهب الحمار است به دمشق می‌آید پس او و همراهانش به طوری کشته شوند، که کسی را آن طور کشته نباشند و این است آیه‌ای که خدای تبارک و تعالی می‌فرماید: [حزبها از میان خود اختلاف می‌کنند، پس وای بر کافران از دین روزی بزرگ].»<sup>(۲)</sup>

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

«قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ، قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ، إِلَى يَوْمِ

### الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ»<sup>(۱)</sup>

«ابلیس گفت: پروردگارا! پس من را تا روزی که خلائق برانگیخته شوند، مهلت ده. خداوند فرمود: البته تو از مهلت داده شدگانی تا به روز وقت معلوم.»

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«وقت معلوم، روز قیامت قائم آل محمد صلی الله علیه و آله است، هرگاد خداوند او را بر انگیزد در مسجد کوفه ابلیس را می آورد، در حالی که با زانوهایش راه می رود و می گوید: ای وای از این روزگار آنگاه از پیشانی اش گرفته شده گردنش زده می شود. آن هنگام روز وقت معلوم است که مدت آن به پایان می رسد.»<sup>(۲)</sup>

### ۹۳- یوم الله علیه السلام

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«وَذِكْرُهُمْ بَيَّامٍ اللَّهِ»<sup>(۳)</sup>

«و روزهای خدا را به یاد آنها بیاورد.»

در احادیث متواتر آمده که روزهای مهم خداوند ۳ روز است:

۱- روز قیامت. ۲- روز قیام قائم. ۳- روز رجعت.

ولیکن تمام روزها، روز خداوند می باشد و تمام ایام، ایام خداست و بارها در احادیث وارد شده که:

روز شنبه، نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله است. روز یک شنبه، امیرالمؤمنین علیه السلام است. روز دوشنبه، امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام است. روز سه شنبه، امام سجاد علیه السلام و امام

۲- سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص ۱۹۶.

۱- سوره حجر آیات ۳۶ و ۳۷.

۳- سوره ابراهیم آیه ۵.



باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام است. روز چهارشنبه، امام رضا علیه السلام و امام جواد علیه السلام و امام کاظم علیه السلام و امام هادی علیه السلام است. روز پنجشنبه، امام حسن عسکری علیه السلام است. روز جمعه، امام عصر علیه السلام است.

و این را هم می دانیم که تمام روزها سال و قرن خارج از ایام هفته نمی باشد. خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا تَأْوِيلَهُ يَوْمَ يَأْتِي تَأْوِيلَهُ يَقُولُ الَّذِينَ نَسُوهُ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَاءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ فَهَلْ لَنَا شُفَعَاءٌ فَيَشْفَعُوا لَنَا نُرَدُّ فَنَعْمَلْ غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ قَدْ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَكْتُرُونَ»<sup>(۱)</sup>

«[آنان که از پیش آن را فراموش کردند] یعنی: «کافران که به آیات خدا ایمان نمی آورند در انتظار چیستند، مگر آنکه تأویل آیات و مال اعمال آنها برسد و آن روز که علایق تأویل آیات و عاقبت کار و مشاهده کنند کسانی که این روز فراموش کرده بودند خواهند گفت افسوس که رسولان خدا حق را برای ما بیان کردند، کاش که به شفاعت ما بر می خواست یابه دنیا باز می گشتیم که غیر از این اعمال صالحی می پرداختیم از آن هنگام خود را در فرمان ببینند و آنچه می یافتند، نابود شده است.»

امام صادق علیه السلام در ذیل آیه می فرماید:

«آن در دوران حضرت قائم ۷ و روز قیامت خواهد بود [گویند همان رسولان پروردگاران حق را برایمان بیان داشتند] [ای کاش مخالفت نمی کردیم] [آیا] [امروز] [شفیعیانی داریم که به شفاعت ما برخیزند] این روز قیامت امت. [آن نگویند] [ای کاش بار دیگر باز می گشتیم، که غیر از اعمال زشتی کم می کردیم و اعمال خوب انجام دهیم، به راستی تاجران خود را زیان کرده اند، و از ایشان کم شد] بعضی باطل شد [آنچه

را در دنیا افترا می‌زدید.»<sup>(۱)</sup>

#### ۹۴ - یدالله ﷻ

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

«يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ»<sup>(۲)</sup>

«دست خدا بالاترین دستهاست.»

رسول مکرم اسلام ﷺ می‌فرماید:

«هر کس مرا زیارت کند، چه در حیاتم، چه در مرگم، خدا را زیارت کرده

است.»<sup>(۳)</sup>

پس اگر دیدن پیامبر برابر است، با دیدن خداوند، پس دست پیامبر دست خداست، [یدالله] و زبان پیامبر، زبان خداست، [لسان الله] و دیگر اجزاء آن حضرت مصداق‌هایی ظهور یافته از خداوند و نه پیامبر مکرم اسلام بلکه تمام ائمه هدایت معصومین از نور خداوند آفریده شده‌اند و جلوگاه خداوند می‌باشند.

#### ۹۵ - مساجد الله ﷻ

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

«وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا»<sup>(۴)</sup>

«و مساجد مخصوص خداست، پس نباید احدی غیر او را پرستش کنید.»

امام علی ﷻ در ذیل آیه می‌فرماید:

«آنها ائمه ﷺ هستند.»<sup>(۵)</sup>

۱- سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص ۱۳۰.

۳- تفسیر المیزان.

۲- سوره فتح آیه ۱۰.

۵- اصول کافی جلد ۲.

۴- سوره جن آیه ۱۸.

## ۹۶ - شَهْرُ اللَّهِ ﷺ

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنِي عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرْمٌ ذَلِكَ الدِّينُ الْقِيمُ فَلَا تَظْلَمُوا فِيهِنَّ أَنْفُسَكُمْ. وَ قَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ»<sup>(۱)</sup>

«همانا شماره ماهها ۱۲ ماه است، از آن روز که آسمانها و زمین را آفرید، چهار ماه آن حرام است. این است آیین استوار پس بر خود ستم مکنید.»  
ابو حمزه ثمالی رضی الله عنه گوید: روزی در محضر امام باقر رضی الله عنه بودم آن حضرت به من گفت:

«ای ابو حمزه: از امور حتمی که نزد خداوند تبدیل ناپذیر است، قیام قائم رضی الله عنه است، پس هر کس در آنچه می گویم شک کند، در حالی خداوند ملاقات خواهد نمود که کافر و منکر خدا باشد. پدر و مادرم فدای تو باد که هم نام منی و هم کینه من، هفتمین امام بعد از من، پدرم فدای کسی که زمین را پر از قسط و عدل خواهد ساخت، همچنان که از ظلم و جور پر شده است.»

سپس فرمودند:

«ای ابو حمزه هر کس او را درک کند و آنچه را برای محمد صلی الله علیه و آله تسلیم داشته تسلیم ندارد برای او. به درستی که خداوند بهشت را بر او تحریم خواهد کرد و جایگاهش آتش دوزخ است، که منزلگاه بد ظالمین باشد و واضحتر از این نورانی تر و روشن تر و آشکارتر برای کسی که خداوند هدایتش فرموده و به او احسان نموده فرموده خدای عزوجل در کتاب محکم خویش است [همانا شماره ماهها در نزد خداوند در کتاب خدا

داو زده ماست و از آن روز که زمین را آفرید چهار ماه آن حرام است، این است آیین استوار در مورد آن بر خودتان ستم نکنید. [و شناختن ماههای محرم و صفر - ربیع و ... و اینکه ماههای حرام: رجب - ذوالقعدة - ذوالحجه و محرم باشد دین استوانیست، زیرا که یهود و نصری و مجوس و سایر ملل و همه مردم از موافقین و مخالفین ماهها را می شناسند و آنها را به اسم می شمارند. همانا اینان همان امامان هستند و بر پا دارندگان دین خدای عزوجل می باشند و حرام از آنها امیرالمؤمنین علی است که خدای تعالی برایش اسمی از نام بلند خویش مشتق نمود و سه تن از فرزندان او که نامش علی است: علی بن الحسین و علی بن موسی و علی بن محمد. (۱)

یکی از این ماهها هم وجود مبارک ولی عصر علیه السلام می باشد، که ایشان هم [شهر الله] هستند.

## ۹۷ - سماء علیها السلام

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُجِ» (۲)

«قسم به آسمان و برجهای آن»

پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند:

«آن آسمان من هستم و اما برجها امامان پس از من باشند» (۳)

باز هم خداوند متعال درباره آسمان می فرماید:

۱- سیمای حضرت مهدی در قرآن. ۲ - سوره بروج، آیه ۱.

۳ - سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص ۴۱۹.

«اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ»<sup>(۱)</sup>

«خدا خلق کرد هفت آسمان را به طبقاتی بسیار منظم و محکم»  
 بعضی از مفسرین گفته‌اند با استفاده از احادیثی که این ۷ طبقه آسمان  
 ائمه معصومین علیهم‌السلام می‌باشند:

۱ - محمد، پیامبر اکرم، امام پنجم، امام نهم، امام دوازدهم

۲ - علی امام اول، امام چهارم، امام هشتم، امام دهم

۳ - فاطمه، دختر پیامبر اکرم

۴ - حسن، امام دوم، امام یازدهم

۵ - حسین، امام سوم

۶ - موسی، امام هفتم

۷ - جعفر، امام ششم

پس در اینجا هم منظور از آسمان ائمه هدایت معصومین می‌باشند.

## ۹۸- صلاة علیها‌السلام

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

«مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ، قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ»<sup>(۲)</sup>

«چه چیز شما را به دوزخ برد، گفتند: نبودیم ما از نماز گذاران»

امام صادق علیه‌السلام در ذیل آیه می‌فرماید:

«مقصود این است که ما پیروان امامی نبودیم که خداوند در مورد آنها

گفته: [و پیشروان پیشرو، و آنانند مقربان]<sup>(۳)</sup> تو نمی‌بینی مردم را که در

مسابقه، آن که دنبال اسبی است که مسابقه را برده مصلی می‌نامند. در

۱- سوره طلاق، آیه ۱۲. ۲- سوره مدثر آیه ۴۲ و ۴۳.

۳- سوره واقعه آیات ۱۰ و ۱۱.

اینجا هم از مصلی همان معنی مقصود می‌شود که فرموده: [نبودیم از

مصلین] یعنی: نبودیم دنبال پیشروان از ائمه علیهم‌السلام» (۱)

امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید:

«یعنی ما دوست دار وصی محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نبودیم و نه اوصیاء بعد از او را به

آنها صلوات نمی‌فرستادیم.»

آیات بسیار دیگر هم که کلمه صلاة در آن به کار رفته در مورد ائمه هداة معصومین علیهم‌السلام

می‌باشد، برای اطلاع بیشتر به رساله حقیر در این موضوع به نام «إقامة الصلاة في

المدح الأئمة الهداة» رجوع کنید.»

#### ۹۹ - نذر علیه‌السلام

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

«يُوفُونَ بِالنَّذْرِ» (۲)

«به نذر خود وفا کنید.»

امام صادق علیه‌السلام در ذیل آیه می‌فرماید:

«یعنی: وفا کنید برای خدا به پیمانی که در میثاق از آنها درباره ولایت ما

گرفته است.» (۳)

امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید:

«وفا کنید به نذر و پیمانی که از آنها گرفته شده و در ولایت ماها» (۴)

در آیات دیگری هم نذر به ائمه علیهم‌السلام هداة تفسیر شده است.

۲ - سورة انسان آیه ۸.

۱ - اصول کافی جلد ۳.

۴ - اصول کافی جلد ۲.

۳ - اصول کافی جلد ۳.

**اشراق دوم:**

**اسماء حضرت از دیدگاه**

**روایات**

۱- احمد (۱) رضی الله عنه

امیرالمؤمنین رضی الله عنه می فرماید:

«بیرون می آید فرزندی از فرزندان من در آخرالزمان، برای او دو اسم

است، اسمی مخفی و اسمی ظاهر و اما اسم ظاهر، احمد است.»<sup>(۲)</sup>

رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله فرمود:

«مردم بیعت می کنند با او بین رکن و مقام، اسم او احمد است و عبدالله و

مهدی»<sup>(۳)</sup>

امام معصوم رضی الله عنه می فرماید:

«آن جناب دارای دو اسم می باشد.»<sup>(۴)</sup>

ظاهراً مراد از دو اسم، دو اسم رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله است. یعنی احمد و م ح م د.

نام احمد یکی از نام های نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله هم می باشد و نام آن حضرت در کتاب تورات است، که در قرآن هم مذکور است.

۲- ابوالقاسم رضی الله عنه

رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند:

«آن حضرت مکنی است به کنیه جمیع اجداد طاهرین خود.»<sup>(۵)</sup>

ابوالقاسم هم، کینه معروف رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله می باشد، که طبق این حدیث کنیه امام

عصر رضی الله عنه هم می باشد.

پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند:

«مهدی از فرزندان من است. اسم او، اسم من است و کنیه او، کنیه من

۲- اکمال الدین شیخ صدوق رضی الله عنه.

۴- تاریخ ابن هشام رضی الله عنه.

۱- نام احمد در اشراق اول نیز بود.

۳- غیبت شیخ طوسی رضی الله عنه.

۵- نجم الثاقب.



است.»<sup>۱</sup>

نام مخصوص پیامبر مکرم اسلام محمد می باشد، ولی در مورد امام زمان حرام است گفته شود و باید بصورت حروف مقطعه نوشته و گفته شود (م ح م د) و کنیه معروف پیامبر مکرم اسلام ﷺ ابوالقاسم می باشد.  
امام صادق علیه السلام فرمود:

«خلف صالح از فرزندان من است، اوست مهدی، اسم او احمد است و کنیه او ابوالقاسم است.»<sup>(۱)</sup>

امام معصوم علیه السلام فرمود:

«خلف صالح، ابوالقاسم است.»<sup>(۲)</sup>

۳- ابو عبدالله علیه السلام

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

«اگر نماند از دنیا مگر یک روز، هر آینه بر می انگیزد خداوند مردی را که اسم او اسم من است و خُلُق او خُلُق من است، کنیه او ابو عبدالله است.»<sup>(۳)</sup>

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«آن حضرت مکنی است به کنیه جمیع اجداد خود.»<sup>(۴)</sup>

ابو عبدالله هم کنیه معروف سیدالشهدا امام حسین علیه السلام می باشد.

۱- نجم الثاقب، ص ۵۹.

۳- نجم الثاقب، ص ۵۹.

ژ- نجم الثاقب، ص ۵۹.

۲- نجم الثاقب، ص ۵۹.

۴- نجم الثاقب، ص ۵۹.

۴- ابوالحسن علیه السلام

رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله فرمود:

«آن حضرت مکنی است به کنیه جمیع اجداد خود.»<sup>(۱)</sup>

شاید هم امام زمان واقعاً فرزندی به نامهای قاسم، عبدالله، حسن، محمد، جعفر و تراب داشته باشد، که بحث مفصلی درباره این که آیا امام زمان زن و فرزند داشته یا دارد را در رساله‌ای مجزا به آن پرداخته‌ایم که در کتاب و هزارویک حرف ما موجود است.

۵- ابو ابراهیم علیه السلام

رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند:

«آن حضرت مکنی است به کنیه جمیع اجداد خود.»<sup>(۲)</sup>

ابو جعفر هم کنیه معروف امام محمد باقر علیه السلام می‌باشد!

۶- ابوبکر علیه السلام

پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند:

«آن حضرت مکنی است به کنیه جمیع اجداد طاهرین خود.»<sup>(۳)</sup>

ابوبکر یکی از کینه‌های معروف و مورد تأیید حضرت، آقا علی بن موسی الرضا علیه السلام می‌باشد، که طبق حدیث بالا، کنیه امام زمان نیز خواهد بود.

۷- ابو محمد علیه السلام

رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند:

«آن حضرت مکنی است، به کنیه جمیع اجداد طاهرین خود.»<sup>(۴)</sup>

۱- نجم الثاقب، ص ۵۹.

۲- نجم الثاقب، ص ۵۹.

۳- نجم الثاقب، ص ۵۹.

۴- نجم الثاقب، ص ۵۹.

ابومحمد هم کنیه امام حسن مجتبی علیه السلام می باشد.

#### ۸- امیر الامر علیه السلام

امام صادق علیه السلام فرمودند:

«بعد از اینکه از حروب و آشوبها بیرون می آید، دجال مبالغه می کنند، در اغوا و اضلال پس ظاهر می شود، امیر الامر و قاتل کفره، سلطان مامول، که متحیر است عقول در غیبت او و او نهم از فرزندان حسین علیه السلام است. ظاهر می شود بین رکن و مقام و غلبه می کند بر ثقلین.»<sup>(۱)</sup>

#### ۹- احسان علیه السلام (۲)

امام صادق علیه السلام فرمودند:

«گویا مهدی کره به دهان بیچارگان می گذارد.»<sup>(۳)</sup>

و امام صادق علیه السلام می فرماید:

«از نشانه های مهدی سختگیری نسبت به کارگزاران و بخشنده بودن با

مال و دلسوز نسبت به بی نوایان است»<sup>(۴)</sup>

با توجه به احادیث بالا شاید، بتوان گفت: دلیل آن این باشد، که ایشان نسبت به فقیران و بیچارگان احسان زیادی می کند.

#### ۱۰- آخر علیه السلام

امام صادق علیه السلام می فرماید:

---

۱ - غیبت فضل بن شاذان علیه السلام.

۲ - اسم در اشراق اول نیز آمده است.

۳ - عصر ظهور.

۴ - عصر ظهور.

«اگر امام و حجت خدا در روی زمین نباشد، زمین اهل خود را می‌بلعد.»<sup>(۱)</sup>

آن حضرت آخرین امان دهنده تمام زمین و زمینیان است.

#### ۱۱ - بقية الله (۲) ﷺ

امام عصر ﷺ می‌فرماید:

«من باقیمانده خدا روی زمین هستم، منم انتقام گیرنده از دشمنان خدا.»<sup>(۳)</sup>

و امام زمان ﷺ می‌فرماید:

«من باقیمانده خدا و حجت او و خلیفه او بر شما هستم. و سلام نمی‌کند بر من سلام کننده، مگر آنکه می‌گوید: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ.»<sup>(۴)</sup>

#### ۱۲ - باب الايمان ﷺ

امیرالمؤمنین ﷺ می‌فرماید:

«ما اهل بیت پیامبر از جهت قرب و نزدیکی به حضرت رسول همچون پیراهن اویم و اصحاب آن بزرگواریم، و خزانه در این درهای علوم و معارفش، در داخل خانه‌ها نتوان شد مگر از درها، کسی که غیر از در وارد شود دزد خواندش.»<sup>(۵)</sup>

۲ - این لقب در اشراق اول نیز آمده است.

۴ - منتهی الامال.

۱ - اصول کافی ج ۲.

۳ - صحیفة المهدی.

۵ - نهج البلاغه.

### ۱۳ - بقية الانبياء عليهم السلام

وقتی آن حضرت بدنیا آمد، حکیمه خاتون نوزاد را به آغوش گرفت و به پیش امام حسن عسگری برد. امام او را به آغوش گرفت، صورت آن حضرت را که از نور می درخشید مسح نمود، سپس فرمودند:

«سخن بگو ای حجة الله، بقية الانبياء، خاتم الاوصياء، صاحب كرة البيضاء، مصباح از دریای عمیق شدید الضياء، ای خليفة الاتقيا، نور الاوصياء، غوث الفقراء، نور اتقيا و...»<sup>(۱)</sup>

### ۱۴ - باسط عليه السلام

امام زمان عليه السلام می فرماید:

من برای اهل زمین موجب امان و امنیت می باشم، همچنان که ستارگان برای اهل آسمان اینگونه هستند.»<sup>(۲)</sup>

و از این حدیث می توان دریافت، که فیض وجود آن حضرت در عالم گسترده است. از ابن عباس نقل شده که فرموده:

«در حضور آن حضرت باقی نماند، نه یهودی، نه نصرانی، نه صاحب ملتی، مگر آنک داخل شود در اسلام تا اینکه هم جوار شوند، تردیدی و گوسفند، گاو و شیر، انسان و مار، تا اینکه پاره نمی کند موش هیچ چیزی را.»<sup>(۳)</sup>

### ۱۵ - تأیید عليه السلام

امیرالمؤمنین علی عليه السلام می فرماید:

۲ - صحیفة المهدي.

۱ - نجم الثاقب، ص ۴۰.

۳ - نجم الثاقب، ص ۴۰.

«آن جناب می‌گذارد دست خود را بر سرهای عباد، پس نماز مومنی، مگر دلش سخت می‌شود از پاره آهن و می‌دهد خداوند بر آن مرد مومن قوت چهل مرد را.»<sup>(۱)</sup>

۱۶ - جمعه (۲) عَلَيْهِ السَّلَام

رسول مکرم اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند:

«دشمنی نکنید با روزها که آنها با شما دشمنی می‌کنند.»<sup>(۳)</sup>

امام علی النقی عَلَيْهِ السَّلَام فرمودند:

«روزها ما هستیم... تا آنکه فرمودند: جمعه پسر پسر من است، بسوی او

جمع می‌شوند اهل حق.»<sup>(۴)</sup>

امام علی بن موسی الرضا عَلَيْهِ السَّلَام فرمودند:

«باطن ایام این است، پس شنبه جد من رسول خدا، یکشنبه

امیرالمؤمنین، دوشنبه حسن و حسین، سه شنبه علی بن حسین عَلَيْهِ السَّلَام، و

محمد بن علی عَلَيْهِ السَّلَام، جعفر بن محمد عَلَيْهِ السَّلَام و چهارشنبه موسی بن جعفر عَلَيْهِ السَّلَام و

علی بن موسی عَلَيْهِ السَّلَام و محمد بن علی عَلَيْهِ السَّلَام و علی بن محمد عَلَيْهِ السَّلَام، پنجشنبه

حسن عَلَيْهِ السَّلَام و جمعه، آن کسی است که جمع می‌کند کلمه‌ها را، یعنی دینها

یک دین می‌شود و تمام می‌کند به او خداوند نعمت را، حق را ثابت و

ظاهر می‌کند و باطل را محو می‌کند.»<sup>(۵)</sup>

۲ - این اسم در اشراق اول نیز آمده است.

۴ - خصال شیخ صدوق رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ.

۱ - نجم الثاقب، ص ۸۱۲.

۳ - خصال شیخ صدوق رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ.

۵ - نجم الثاقب.

۱۷- نور الاتقيا (۱) ﷺ

۱۸- نور الاوصيا (۲) ﷺ

۱۹- نور الاصفيا (۳) ﷺ

۲۰- نجم ﷺ

امام صادق ﷺ فرمودند:

«رخسارش چون ستاره درخشان است، در گونه راستش خال سیاهی

است.» (۴)

پیامبر اکرم ﷺ فرمود:

«چون عروج به معراج سماوات نمودم، به سدره المنتهی رسیدم. خطاب

از رب الارباب رسید، که: یا محمد. گفتم: لیبک لیبک ای پروردگار من.

خداوند عالمیان فرمود: ما هیچ پیغمبری به دنیا و اهل دنیا نفرستادیم، که

منقضی شود ایام حیات و نبوت او الا اینکه پیاداشت به امر دعوت و به

جای خود و برای هدایت امت، پس از خود وصی خود را جهت نگهبانی

شریعت. و ما قرار دادیم علی بن ابیطالب را خلیفه تو و امام، امت تو،

سپس حسن، سپس حسین، سپس علی بن حسین، سپس محمد بن علی،

سپس جعفر بن محمد، سپس موسی بن جعفر، سپس علی بن موسی،

---

۱- به اسم بقية النبىء در همین اشراق مراجعه شود.

۲- به اسم بقية النبىء در همین اشراق مراجعه شود.

۳- به اسم بقية النبىء در همین اشراق مراجعه شود.

۴- نجم الثاقب، ص ۱۳۶.

سپس محمد بن علی، سپس علی بن محمد، سپس حسن به علی، سپس حجة بن الحسن، ای محمد سر بالا کن. چون سرم را بالا کردم انوار علی و حسن و حسین و نه تن از فرزندان حسین را دیدم و حجة را دیدم در میان ایشان می درخشید، که گویا ستاره درخشنده است.»<sup>۴</sup>

## ۲۱- ناطق علیه السلام

در حدیث طولانی از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل است، که به سلمان فارسی رضی الله عنه فرمودند: «پس حسن بن علی صامت امین عسکری و... پس پسر او حجة الحسن، المهدی، الناطق، القائم بحق الله.»<sup>(۱)</sup>

ناطق بودن آن حضرت ظاهر است، چرا که آباء طاهرینش همه مهر خموشی بر لب زده بودند و از علوم و اسرار و معارف و حکم نفرمودند، به جهت نبودن شخص مورد اطمینان مگر اندکی. بلکه بسیاری از احکام به جهت خوف اعداء، در پرده خفا مانده است. برای توضیح بیشتر به تفسیر زیارت عاشورای این حقیر در زیر فراز «مَعَ إِمَامٍ مَّهْدِيٍّ هَدِيٍّ ظَاهِرٍ نَاطِقٍ...» مراجعه شود.

## ۲۲- حق علیه السلام (۲)

امام عصر علیه السلام می فرمایند:

«خدا با ماست و با بودن او نیازی به دیگری نداریم و حق با ماست و از اینکه با ما دوری گزیند، ترس و وحشتی نداریم.»<sup>(۳)</sup>

امام عصر علیه السلام فرموده است:

«باید بدانید براستی حق با ماست و نزد ماست و غیر از ما هر کسی این

۴- غیبت فضل بن شاذان رضی الله عنه.

۱- نجم الثاقب.

۲- این اسم در اشراق اول نیز آمده است.

۳- صحیفة المهدی.



سخن را بگوید، دروغگو و تهمت زننده می باشد.»<sup>(۱)</sup>

امام عصر علیه السلام فرمایند:

«آنگاه که خدا به ما اجازه عمل دهد، حق را آشکار و باطل را نابود

می کنیم.»<sup>(۲)</sup>

امام عصر علیه السلام فرمودند:

«خداوند از اینکه حق را نیمه تمام بگذارد و باطل را از بین نبرد، ابا

دارد.»<sup>(۳)</sup>

### ۲۳ - حجة الله علیه السلام

وقتی آن حضرت بدنیا آمد، حکیمه خاتون نوزاد را در آغوش گرفت و به پیش امام

حسن عسکری علیه السلام برد. امام او را به آغوشش گرفت، صورت آن حضرت را که از نور

می درخشید مسح نمود، سپس فرمود:

«سخن بگو ای حجة الله، بقیة الله...»<sup>(۴)</sup>

حجة الله به معنی: غلبه یا سلطنت خدای بر خلائق که این دو با وجود آن حضرت میسر

خواهد شد. بر روی خاتم جناب نگاشته شده است: انا حجة الله.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید:

«من از جانب پروردگارم برآستی و درستی حجت و گواهم، و به دستور

پیامبر خویش در راه راست حرکت می کنم و در راه و روشی آشکار

رفتار نمایم و راه حق را پیدا نموده و در آن حرکت کنم.»<sup>(۵)</sup>

از معصوم علیه السلام نقل است که: «همه ما نور واحدیم»

۱ - صحیفه المهدی.

۲ - صحیفه المهدی.

۳ - نجم الثاقب، ص ۴۰.

۴ - صحیفه المهدی.

۵ - نهج البلاغه خطبه ۹۷.

اسماء حضرت در روایات ..... ۲۳۰

و با گذشتن این دو حدیث در کنار هم اسم حجة الله برای امام زمان اثبات می شود.  
امام زمان علیه السلام فرمودند:

«همانا زمین از حجة الهی خالی نمی ماند، خواه آشکار باشد یا پنهان.»<sup>(۱)</sup>

## ۲۴- حجت آل محمد علیهم السلام

امام علی النقی علیه السلام فرمودند:

«جانشین بعد از من حسن است پسر من، پس چگونه خواهد بود حال  
شما با جانشین بعد از جانشین من؟»

راوی گوید:

«گفتم چرا، فدایت شوم؟»

فرمود:

«به جهت اینکه شخصی او را نمی بیند و حلال نیست، برای شما بردن نام  
او.»

گفتم:

«پس چگونه او را ذکر کنیم؟»

فرمود:

«بگویید حجت از آل محمد «صلی الله علیه و آله و سلم»»<sup>(۲)</sup>

## ۲۵- حجة علیه السلام

امام زمان علیه السلام فرمودند:

«منم حجت خدا»<sup>(۳)</sup>

---

۲- اکمال الدین شیخ صدوق علیه السلام.

۱- صحیفة المهدی.

۳- اکمال الدین شیخ صدوق علیه السلام.

اگر حجت نام تمام ائمه اطهار علیهم السلام باشد و مشترک است بین آنها، لیکن بین آنها درخشنده ترین وجود مقدس ولی عصر می باشد.

امام زمان علیه السلام در وصف حجت‌های الهی می فرماید:

«خداوند ایشان را از گناه دور و از عیبها منزّه، و از آلودگیها پاک و از اشتباه و خطا مبرا و محفوظ داشته و آنان را نگهبانان گنجینه علم خویش، و امانتدار حکمت خود و رازدار اسرارش قرار داده، و با دلایل روشن تأیید و پشتیبانی نموده است.»<sup>(۱)</sup>

## ۲۶ - خلف علیهم السلام

آنحضرت جانشین تمام انبیاء و اولیاء می باشد. و او دارای جمیع علوم و صفات و حالات و خصائص آنها است و مواریث الهیه که از آنها به یکدیگر به ارث می رسد، همه آنها در آنحضرت جمع است.

چنانچه در حدیثی امام باقر علیه السلام فرمود:

«سوگند به خداوند، گویا قائم علیه السلام را می بینم، در حالی که به حجر الاسود تکیه داده است، سپس خدای سبحان را به حقّ خویش سوگند یاد می دهد و می گوید:

ای مردم! هر کس درباره خدا با من بحث و مناقشه کند، من شایسته ترین مردم نسبت به خدا هستم. ای مردم! هر کس درباره آدم علیه السلام با من بحث و مناقشه کند، من شایسته ترین مردم نسبت به آدم علیه السلام هستم. ای مردم! هر کس درباره نوح علیه السلام با من بحث و مناقشه کند، من شایسته ترین مردم نسبت به نوح علیه السلام هستم. ای مردم! هر کس درباره ابراهیم علیه السلام با من بحث و مناقشه کند، من شایسته ترین مردم نسبت به ابراهیم علیه السلام هستم. ای

مردم! هر کس درباره موسی علیه السلام با من بحث و مناقشه کند، من شایسته ترین مردم نسبت به موسی علیه السلام هستم. ای مردم! هر کس درباره عیسی علیه السلام با من بحث و مناقشه کند، من شایسته ترین مردم نسبت به عیسی علیه السلام هستم. ای مردم! هر کس درباره محمد صلی الله علیه و آله با من بحث و مناقشه کند، من شایسته ترین مردم نسبت به محمد صلی الله علیه و آله هستم. ای مردم! هر کس درباره کتاب خدا با من بحث و مناقشه کند، من شایسته ترین مردم نسبت به کتاب خدا هستم. آنگاه به مقام ابراهیم رفته و دو رکعت نماز می گذارد.»<sup>(۱)</sup>

این حدیث نشان می دهد که آن حضرت جانشین تمام انبیا و اولیا و اوصیا خداوند می باشد.

در احادیث اهل بیت علیهم السلام آن حضرت را به این نام بسیار می خوانند. در حدیث لوح معروف، که جابر انصاری در نزد فاطمه زهرا علیها السلام دید، مذکور است، بعد از اسم عسکری است که:

«آنگاه کامل می کنم، این را به پسر او که خلف است، برای جمیع عالمیان. بر اوست کمال آدم و رفعت ادریس و سکینه نوح و حلم ابراهیم و بهاء عیسی و صبر ایوب و...»

همانند حدیثی که اول ذکر شد، باز در کتب دیگر از امام صادق علیه السلام نقل است که فرمود: همان حدیث را با اضافاتی که در زیر می آید:

«ای مردم! هر کس درباره شیث علیه السلام با من بحث و مناقشه کند، من شایسته ترین مردم نسبت به شیث علیه السلام هستم. ای مردم! هر کس درباره سام علیه السلام با من بحث و مناقشه کند، من شایسته ترین مردم نسبت به سام علیه السلام هستم. ای مردم! هر کس درباره اسماعیل علیه السلام با من بحث و

مناقشه کند، من شایسته ترین مردم نسبت به اسماعیل علیه السلام هستم. ای مردم! هر کس درباره یوشع علیه السلام با من بحث و مناقشه کند، من شایسته ترین مردم نسبت به یوشع علیه السلام هستم. ای مردم! هر کس درباره شمعون علیه السلام با من بحث و مناقشه کند، من شایسته ترین مردم نسبت به شمعون علیه السلام هستم. ای مردم! هر کس درباره علی علیه السلام با من بحث و مناقشه کند، من شایسته ترین مردم نسبت به علی علیه السلام هستم. ای مردم! هر کس درباره فاطمه علیه السلام با من بحث و مناقشه کند، من شایسته ترین مردم نسبت به فاطمه علیه السلام هستم. ای مردم! هر کس درباره حسن علیه السلام با من بحث و مناقشه کند، من شایسته ترین مردم نسبت به حسن علیه السلام هستم. ای مردم! هر کس درباره حسین علیه السلام با من بحث و مناقشه کند، من شایسته ترین مردم نسبت به حسین علیه السلام هستم. ای مردم! هر کس درباره سجاد علیه السلام با من بحث و مناقشه کند، من شایسته ترین مردم نسبت به سجاد علیه السلام هستم. ای مردم! هر کس درباره باقر علیه السلام با من بحث و مناقشه کند، من شایسته ترین مردم نسبت به باقر علیه السلام هستم. ای مردم! هر کس درباره صادق علیه السلام با من بحث و مناقشه کند، من شایسته ترین مردم نسبت به صادق علیه السلام هستم. ای مردم! هر کس درباره کاظم علیه السلام با من بحث و مناقشه کند، من شایسته ترین مردم نسبت به کاظم علیه السلام هستم. ای مردم! هر کس درباره رضا علیه السلام با من بحث و مناقشه کند، من شایسته ترین مردم نسبت به رضا علیه السلام هستم. ای مردم! هر کس درباره جواد علیه السلام با من بحث و مناقشه کند، من شایسته ترین مردم نسبت به جواد علیه السلام هستم. ای مردم! هر کس درباره هادی علیه السلام با من بحث و مناقشه کند، من شایسته ترین مردم نسبت به هادی علیه السلام هستم. ای مردم! هر کس درباره عسکری علیه السلام با من بحث و

مناقشه کند، من شایسته ترین مردم نسبت به عسکری علیه السلام هستم.»<sup>(۱)</sup>

## ۲۷ - خلف صالح علیه السلام

امام رضا علیه السلام می فرماید:

«خلف صالح از فرزندان ابی محمد حسن بن علی علیه السلام است، اوست

صاحب الزمان، اوست مهدی.»<sup>(۲)</sup>

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«خلف صالح از فرزندان من است، اوست مهدی، اسم او م ح م د است،

کنیه اش ابوالقاسم است، خروج می کند در آخر الزمان.»<sup>(۳)</sup>

## ۲۸ - حافظ علیه السلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید:

«بار خدایا! آری زمین خالی نماند از کسی که بوسیله حجت و دلیل، دین

خدا را بر پا می دارد و او یا آشکار و مشهود است، یا ترسان و پنهان، تا

حجتها و دلایل خدا از بین نرود. به خدا سوگند، از شمار بسیار اندک و از

منزلت و بزرگی خدا بسیار بزرگوارند. خداوند بوسیله ایشان حجابها و

دلایلش را روشن و حفظ می کند تا آنها را مثل خودشان سپرده و در

دلهایشان کشت نماید.»<sup>(۴)</sup>

امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید:

«آل پیغمبر آنگاه دارند، راز نهان و پنهان فرمان آن حضرت، و خزینه دار

دانش آن وجود محترمند و مرجع آن حکمت های جناب و حافظ

---

۱ - بحار الانوار جلد ۵۲.  
۲ - نجم الثاقب، ص ۷۱.  
۳ - نجم الثاقب، ص ۷۱.  
۴ - نهج البلاغه حکمت ۱۴۸.

کتابهایش»<sup>(۱)</sup>

۲۹ - خاتم اوصیا علیه السلام

خادم امام حسن عسکری علیه السلام گفت:

داخل شدم به آن حضرت، حضرت فرمودند:

«منم خاتم اوصیاء به سبب من دفع می‌کند خداوند بلا را از اهل من و

شیعیان من که بر پا می‌دارند، دین خدا را.»<sup>(۲)</sup>

۳۰ - خاتم اتقیا علیه السلام<sup>(۳)</sup>

۳۱ - خازن علیه السلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

«ما اهل بیت پیامبر از جهت قرب و نزدیکی به حضرت رسول همچون

پیراهن تن او هستیم، و اصحاب آن بزرگواریم و خزانه داران و درهای

علوم و معارفش و داخل خانه‌ها نتوان شد مگر از درها؛ کسی که از غیر

در، وارد خانه شود، دزد خواندش.»<sup>(۴)</sup>

امام عصر علیه السلام در وصف حجت‌های الهی می‌فرماید:

«خداوند ایشان را از گناه دور، و از عیبها و زشتیها منزّه و از آلودگی پاک،

و از اشتباه و خطا محفوظ داشته، و آنان را نگهبان گنجینه علم خویش، و

امانت دار حکمت خود، و راز دار اسرارش قرار داده، و با دلایل روشن

---

۱ - نهج البلاغه خطبه دوم. ۲ - نجم الثاقب، ص ۷۰.

۳ - به اسم بقية انبياء در همین اشراق مراجعه شود.

۴ - نهج البلاغه خطبه ۱۵۴.

تایید و پشتیبانی نموده است.»<sup>(۱)</sup>

۳۲- خلیفة الله<sup>(۲)</sup>

رسول خدا ﷺ فرمودند:

«خروج می کند مهدی بر سر او ابريست و در آن منادی است که ندا می کند: (مهدی خلیفة لله است) او را پیروی کنید.»<sup>(۳)</sup>

۳۳- دلیل ﷺ

امیرالمؤمنین ﷺ می فرماید:

«بار خدایا! زمین خالی و تهی نماند از کسی که بوسیله حجت و دلیل، دین خدا را بر پا دارد و او یا آشکار و مشهود است، یا ترسان و پنهان»<sup>(۴)</sup>

۳۴- سلطان مأمول ﷺ

امام صادق ﷺ می فرماید:

«آنگاه برخیزد قائم، سلطان مأمول و امام مجهول.»<sup>(۵)</sup>

امام صادق ﷺ می فرماید:

«بعد از آنکه از فتنه و آشوبها بیرون می آید، دجال مبالغه می کنند، در اغوا و اصلال پس ظاهر می شود، امرالامرہ سلطان، مأمول که متحیر است در غیبت او عقول و اونهم از فرزندان حسین است و ظاهر میشود، بین رکن و مقام و غلبه می کند بر ثقلین.»<sup>(۶)</sup>

۲- این اسم در اشراق اول نیز آمده است.

۴- نهج البلاغه خطبه ۱۴۸.

۶- غیبت فضل بن شاذان ﷺ

۱- صحیفة المهدی.

۳- کشف الغمه.

۵- غیبت نعمانی ﷺ.



### ۳۵ - ستون عليه السلام

امیرالمؤمنین عليه السلام می فرماید:

«هر یک از آل محمد صلوات الله علیهم با آل محمد صلوات الله علیهم نتوانند مقایسه شوند، و کسانی که همیشه از نعمت ایشان بهره مندند، با آنان برابر نیستند آل محمد صلوات الله علیهم اساس و پایه دین و ستون ایمان و یقینند.»<sup>(۱)</sup>

### ۳۶ - شمس (۲) عليه السلام

امام زمان عليه السلام می فرماید:

«کیفیت بهره وری از من در دوران غیبتم، همچون بهره وری از خورشید، هنگامی که ابرها آن را از دیدگان می پوشانند، می باشد.»<sup>(۳)</sup>

### ۳۷ - شریذ عليه السلام

شریذ به معنای رانده شده از این خلق می باشد.

آن حضرت به علی بن مهزیار اهوازی رضی الله عنه می گوید:

«پدرم به من وصیت نمود: که منزل نگیرم از زمین، مگر جایی که از همه جا مخفی تر و دورتر باشد، به جهت پنهان نمودن امر خود و محکم نمودن محل خود از مکائد اهل ضلال. پدرم به من فرمود: بر تو باد ای پسر من به ملازمت جاهای غیرنهان از زمین و طلب کردن دورترین آن، زیرا که برای هر ولیی از اولیاء خداوند تعالی دشمنی است، مغالب و ضدی است، منازع.»<sup>(۴)</sup>

۱ - این اسم در اشراق اول نیز آمده است.

۲ - نجم الثاقب، ص ۷۸.

۳ - نهج البلاغه خطبه دوم.

۴ - صحیفه المهدی.

۳۸- صاحب الزمان علیه السلام

امام رضا علیه السلام می فرماید:

«خلف صالح از فرزندان ابی محمد حسن بن علی علیه السلام است، اوست صاحب الزمان علیه السلام، اوست مهدی علیه السلام» (۱)

۳۹- صاحب الغیبه علیه السلام

امام رضا علیه السلام می فرماید:

«قائم علیه السلام، مهدی پسر، پسر من حسن است پسر او، جسمش دیده نمی شود و اسمش برده نمی شود از زبان احدی بعد از غیبت او، تا آنکه او را می بینند و اعلان دهند، به اسم او که خلائق اسم او را ببرند.»

راوی گوید، عرض کردم:

«ای سید ما پس اگر بگویم: (صاحب الغیبه، صاحب الزمان).»

حضرت فرمودند:

«همه اینها مطلقا جایز می باشد، جز اینکه من شما را نهی می کنم از اسم

مخفی او.» (۲)

۴۰- فرج اعظم علیه السلام

امام رضا علیه السلام می فرماید:

«هرگاه غایب شد عالم شما، پس منتظر باشید فرج اعظم را» (۳)

۲- نجم الثاقب.

۱- نجم الثاقب، ص ۷۸.

۳- نجم الثاقب.

#### ۴۱- فرج عليه السلام

چنانچه خود آن حضرت می فرماید:

«برای تعجیل فرج بسیار دعا کنید، که فرج شما در همان است.»<sup>(۱)</sup>

#### ۴۲- صاحب الكرة البيضاء عليه السلام (۲)

#### ۴۳- صاحب الدار عليه السلام

امام عصر عليه السلام می فرماید:

«من صاحب خانه هستم.»<sup>(۳)</sup>

#### ۴۴- طاوس عليه السلام

پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند:

«مهدی طاووس اهل جنت است. چهره اش مانند ماه درخشنده است.»<sup>(۴)</sup>

#### ۴۵- عبدالله عليه السلام

امام صادق عليه السلام فرمودند:

«مردم بیعت می کنند بین رکن و مقام با او، اسم او احمد است عبدالله و

مهدی.»<sup>(۵)</sup>

---

۱ - صحیفة المهدی.

۲ - به اسم بقیة النبیا در همین اشراق مراجعه شود.

۳ - نجم الثاقب. ۴ - غیبت شیخ طوسی رحمته الله.

۵ - غیب شیخ طوسی رحمته الله.

۴۶ - غوث الفقراء علیه السلام (۱)

۴۷ - فیذموا علیه السلام

جابر بن یزید کعفی نقل می‌کند که: شنیدم که سالم بن عبدالله گوید: که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

«بدرستی که خدا وحی فرستاد، بسوی من در آتشی که من را بسوی خود برد که ای محمد! که را جانشین خود کردی در زمین بر امت خود و او داناتر بود به این.»

گفتم:

«ای پرورگار من! برادرم علی بن ابیطالب علیه السلام را.»

گفت:

«ای محمد من واقف شدم بر زمین، پس برگزیدم تو را. از آن پس ذکر نمی‌شوم، تا آنکه ذکر شوی در آن با من و در رتبه دوم به نظر، علی را نگاه کردم پس اختیار کردم علی بن ابیطالب را، پس گرداندم او را وص تو، پس تو سیّد انبیا و اوست سیّد اوصیا، آنگاه مشتق کردم اسمی از نامهای خود را، پس منم اعلی و اوست علی. ای محمد بدرستی که من خلق کردم علی و فاطمه و حسن و حسین و ائمه را از یک نور. آنگاه عرضه داشتم ولایت ایشان، داخل می‌کنم او را در آتش خود. ای محمد آیا دوست داری که ایشان را ببینی؟»

گفتم: «آری»

فرمودند:

«پیش برو در جلو خود. پس پیش رفتم. ناگاه دیدم علی بن ابیطالب علیه السلام»

۱ - به اسم بقیة النبیا در همین اشراق مراجعه شود.

و حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و علی بن حسین علیه السلام و محمد بن علی علیه السلام و جعفر بن محمد علیه السلام و موسی بن جعفر علیه السلام و علی بن موسی علیه السلام و محمد بن علی علیه السلام و حسن بن علی علیه السلام و علی بن محمد علیه السلام و حسن بن علی علیه السلام و حجة القائم علیه السلام را که گویا مثل ستاره درخشانی است، در وسط ایشان.»

پس گفتم: «ای پروردگار من اینها کیستند؟»

فرمود:

«ایشان امامند و این که ایستاده، حلال می‌کند حلال را و حرام می‌کند حرام را و انتقام می‌کشد از اعدای من، ای محمد او را دوست دار، زیرا که من او را دوست دارم و دوست دارم کسی را که او را دوست دارد.» جابر گفت: «چون سالم از حجر کعبه برگشت او را متابعت کردم، پس گفتم ای ابا عمر و قسم می‌دهم تو را به خداوند که آیا خبر داد تو را غیر از پدرت به این نامها.» گفت: «امام حدیث کرد از رسول خدا که ائمه این امت بعد از پیغمبر خود به عدد نقباء بنی اسرائیل است، و پیدا شود در نسل علی بن ابیطالب.» پس کعب گفت: «متقی اول ایشان است و یازده فرزند او و نامید کعب ایشان را به این نامها در تورات: ۱- نقرثیب، ۲- قذوا، ۳- دبیرا، ۴- مفسورا، ۵- مسموعا ۶- دوموه، ۷- میثو، ۸- هذار، ۹- یشیموا، ۱۰- بعلور

۱۱- نوقس، ۱۲- فیذموا»

ابو عامر هشام که راوی این خبر است، گوید: ملاقات نمودم شخصی یهودی را در جیره که نزدیک کربلاست، او عالم یهود بود. پس سوال کردم از این اسماء به من گفت:

«اینها اسم نیستند، بلکه او صافی است، جمیله است، برای اقوامی به زبان عبری. می‌یابم آن را در تورات و اگر سوال کنی از غیر من هر آینه کور خواهد بود از معرفت آن یا خود را به کوری می‌زند.» بعد گفت: «واما

کوری، پس از روی جهل به آنها و اما کوری زدن، پس برای آنکه معین به فساد دین خود باشد، به این بصیرت پیدا نکنند و اینکه من اقرار کردم برای تو به این اوصاف برای آن است که من مردی هستم، از فرزندان هارون بن عمران و مومنم به محمد. پنهان می‌کنم ایمان خود را از خواص خود از یهودیان، و اظهار نمیکنم برای ایشان اسلام را و هرگز اظهار نخواهم کرد، بعد از تو برای احدی تا آنکه من بمیرم.» گفتم: «چرا؟» گفتم: «زیرا که من یافتم در کتب پدرهای گذشته خود که ایمان بیاوریم، به این پیغمبری که اسم او محمد است در ظاهر، و ایمان بیاوریم در باطن، به او تا آنکه ظاهر شود مهدی قائم از فرزندان او، پس هر کس درک کند او را از ما پس ایمان بیاورد به او وصف کرده شده آخر نامها.» گفتم: «به چه مدح شده؟» گفتم: «به اینکه غالب می‌شود بر جمیع دنیا و خروج می‌کند مسیح علیه السلام با او، و به دین او در می‌آید و مصاییح او می‌شود.» گفتم: «پس از برای من وصف کن این اوصاف را.» گفتم: «آری او را پنهان کن، مگر از اهلسش و موضعش «انشاء الله تعالی» نقرئیب: پس او اول اوصیاست و وصی آخر الانبیاء. قذوا: پس اول عترت اوصیاست. دبیرا: پس او دوم عترت و سیدالشهداست. مفسورا: پس او سید کسانی است که عبادت کردن. مسموعا: پس او وارث علم اولین و آخرین است. دمویه: پس او هم وارث علم اولین و آخرین است. میثو: پس او بهترین محبوسین در زندان ظالمین است. هذرا: پس او مقهور دور شده از وطن ممنوع است. یشموا: پس کوتاه عمریست، که آثارش طولانی است. بعلور: پس چهارم اسم اوست، یعنی: علی. نوقس: پس او همانم عم خود است. فیذمکوا: پس او مقصود از پدر و مادر خویش است، که غالب

است به امر خداوند و بپا می‌کند حکم او را.»<sup>(۱)</sup>

#### ۴۸ - قائم علیه السلام

وجود ولی عصر می‌فرماید:

«من هستم مهدی علیه السلام، منم قائم علیه السلام، آنکه زمین را از عدل و داد پر می‌کند،

وقتی که از ظلم و جور پر شده باشد.»<sup>(۲)</sup>

نام آن حضرت در کتاب زبور حضرت داوود علیه السلام قائم علیه السلام می‌باشد.

امام رضا علیه السلام می‌فرماید:

چون حضرت قائم علیه السلام برخیزد بعد از آنکه بمیرد، بدرستی که او بر

می‌خیزد، برای امر الهی.»<sup>(۳)</sup>

مراد از موت و مرگ، موت نام ایشان می‌باشد. یعنی: اسمش از میان می‌رود.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«مهدی و قائم علیه السلام یکی است.»<sup>(۴)</sup>

امام کاظم علیه السلام فرمودند:

«ولادت او بر مردم پوشیده می‌ماند و جایز نیست او را به نام یاد کنند، تا

موقعی که خداوند او را ظاهر گرداند.»<sup>(۵)</sup>

امام محمد تقی علیه السلام فرمودند:

«قائم علیه السلام کسی است که ولادتش بر مردم پوشیده می‌ماند و خودش

غائب می‌شود و بردن نامش حرام می‌باشد و خود همنام و هم کنیه رسول

خدا صلی الله علیه و آله است.»<sup>(۶)</sup>

۱ - نجم الثاقب.

۲ - صحیفة المهدی.

۳ - رشاد شیخ مفید.

۴ - غیبت شیخ مفید علیه السلام.

۵ - کمال الدین شیخ صدوق علیه السلام.

۶ - کمال الدین شیخ صدوق علیه السلام.

علی بن محمد از ابو عبدالله صالحی روایت نموده که بعد از رحلت امام حسن عسکری علیه السلام شیعیان از من خواستند که من نام و محل حضرت جو یا شوم. من نیز سؤال کردم و این جواب با افتخار من صادر گشت:

«اگر بگویم نامم چیست، شهرت می دهند و اگر جایم را نشان دهم مردم را به آنجا راهنمایی می کنند.»<sup>(۱)</sup>

امام زمان علیه السلام فرمودند:

«ملعون است، ملعون است هر کس در مجلسی مرا به نام یاد کند.»<sup>(۲)</sup>

#### ۴۹- فرج المؤمنین علیه السلام

امام زمان علیه السلام می فرماید:

«برای تعجیل فرج دعا بسیار کنید، که فرج شما در همان است.»<sup>(۳)</sup>

در اسم فرج مؤمنین این «ال» این را نشان می دهد که فرج و گشایش کار تمام مؤمنین وجود مقدس ولی عصر علیه السلام می باشد و به گفته خو آن حضرت این گشایش در تمام مؤمنین بستگی به دعای ما برای فرج حضرت دارد.

#### ۵۰- قائم الزمان علیه السلام

امام زمان علیه السلام می فرماید:

«منم مهدی، منم قائم الزمان و...»<sup>(۴)</sup>

#### ۵۱- کار علیه السلام

کار به معنی: رجوع کننده و بازگرداننده است و ظاهر است که آن حضرت از عالم غیب

---

۲- کمال الدین شیخ صدوق علیه السلام.

۴- صحیفة المهدی.

۱- اصول کافی جلد ۳.

۳- صحیفة المهدی.



و استتار بر می‌گردد و جمعی از مردگان را بر می‌گرداند.  
امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«خروج می‌کند با قائم علیه السلام ۲۷ نفر و ۱۵ نفر از قوم موسی علیه السلام که به حق هدایت می‌کردند و به عدل و انصاف حکم می‌نمودند، و ۷ نفر از اهل کهف و یوشع بن نوح و سلمان فارسی و ابو دجاجة انصاری و مالک اشتر در پس و پیش رویش از انصار او می‌باشند.»<sup>(۱)</sup>

۵۲- م ح م د علیه السلام (۲)

امام علی نقی علیه السلام فرمودند:

«جایز نیست نام امام زمان علیه السلام برده شود تا ظهور کند.»<sup>(۳)</sup>

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«مهدی از فرزندان من است او از نظرها غائب می‌شود و جایز نیست که او را به نام یاد کنید.»<sup>(۴)</sup>

امام صادق علیه السلام فرمودند:

«صاحب الامر علیه السلام کسی است که جز فرد کافر او را به نام یاد نمی‌کند.»<sup>(۵)</sup>

امام رضا علیه السلام فرمودند:

«شخصاً دیده نمی‌شود و نامش را نمی‌برند.»<sup>(۶)</sup>

امام باقر علیه السلام فرمودند:

«عمر بن خطاب از حضرت امیر علیه السلام پرسید: نام مهدی علیه السلام چیست؟

۱- ارشاد شیخ مفید.

۲- این اسم حضرت در اشراق اول نیز آمده است.

۳- کمال الدین شیخ صدوق علیه السلام.

۴- کمال الدین شیخ صدوق.

۵- کمال الدین شیخ صدوق علیه السلام.

۶- کمال الدین شیخ صدوق علیه السلام.

فرمود: نامش را نمی‌گوییم، چه که حبیب رسول خدا ﷺ با من پیمان بسته

که نام او را به کسی نگویم تا زمانی که خداوند او را برانگیزد.»<sup>(۱)</sup>

عده‌ای بر این ادعا هستند که نام حضرت را فقط در دوران غیبت صغری نباید برد ولی احادیث مذکور و بسیاری احادیث دیگر که ذکر همه به طول می‌انجامد این را نشان می‌دهد که نهی در بردن اسم تا زمان ظهور می‌باشد و رمز و راز آن را باید در حروف مقطعه قرآن پیدا کرد که نام حضرت هم به مقطعه نوشته می‌شود که جای بحث آن را در اینجا وا گذاشته و به رساله‌ای که این کمترین در این موضوع به نام «سرّ التّقطیع فی اسم المهدی» نگاهشته‌ام و می‌گذاریم

پیامبر اکرم ﷺ فرموده‌اند:

«مهدی از فرزندان من است نام او نام من و کنیه او کنیه من است.»<sup>(۲)</sup>

### ۵۳- مصباح ﷺ

وقتی آن حضرت دنیا آمد، حکیمه خاتون نوزاد را به آغوش گرفت و به پیش امام حسن عسکری برد. امام او را به آغوش گرفت سپس صورت آن حضرت را که از نور می‌درخشید مسح نمود. سپس فرمودند:

«سخن بگو ای، حجة الله، بقية الله، خاتم اوصیاء، صاحب كرة البیضاء،

مصباح از دریای شدید الضیاء،...»<sup>(۳)</sup>

### ۵۴- مؤمل ﷺ

امام حسن عسکری ﷺ فرمودند:

«در آن وقت که حجة متولد شد، گمان کرد دشمنان ایشان مرا می‌کشند، تا

۲- کمال الدین شیخ صدوق ﷺ.

۱- کمال الدین شیخ صدوق ﷺ.

۳- نجم الثاقب، ص ۴۰.

اینکه قطع کنند این نسل را، پس چون دیدند قدرت خداوند را و امید او را مؤمل<sup>(۱)</sup>»

مومل یعنی آن که خلاق آرزوی او را دارند.

### ۵۵- منتظر علیه السلام (۲)

امام محمد تقی علیه السلام فرمودند:

«امام بعد از حسن علیه السلام، پسر او قائم علیه السلام به حق است که او منتظر است.»

راوی پرسید: چرا حضرت را منتظر گویند؟

حضرت فرمود:

«برای اینکه برای اوست غایب شدنی که بسیار خواهد بود روزهای آن و به طول خواهد کشید مدت آن پس انتظار خواهد کشید خروج او را مخلصان، و انکار خواهند کرد او را شک کنندگان و استهزاء خواهند نمود بیاد کردن او جا حدین و دروغ خواهند گفت وقت قرار دهندگان و هلاک خواهند شد در آن غیبت شتاب کنندگان و رستگاری خواهند یافت در آن ایام تسلیم کنندگان، یعنی آنانکه گردن به تسلیم گذارند و به چون و چرا که سبب توقف چیست و چرا خروج نمی کند، نپردازند.»<sup>(۳)</sup>

### ۵۶- مبلی السرائر علیه السلام

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«در بین آنکه مرد در بالای سر حضرت قائم علیه السلام ایستاده و به او امر و نهی

۱- اصول کافی جلد ۲.

۲- این نام حضرت در اشراق اول نیز آمده است.

۳- کمال الدین شیخ صدوق علیه السلام.

می فرماید که فرمان می دهد که او را در پیشروی حضرت بیاورند. پس اولاً به آن جا می آورند ناگاه حکم کنند که گردنش را بزنید پس نمی ماند در منافقین چیزی مگر آن که از او می ترسند.»<sup>(۱)</sup>

### ۵۷- مبدالایات علیه السلام

به معنی ظاهر کننده آیات خداوند متعال و محل بروز و ظهور آیات الهیه چه از آن روز که بساطت خلافت در زمین گسترده شد و انبیا و رسول با آیات و بینات و معجزات و با هرات برای هدایت خلق بر آن بساط پا نهاده و مقام ارشاد و اعلاهی کلمه حقّ و ازهاق باطل بر آمد. برای احدی خدایتعالی چنین تکریم و اعزاز نفرمود و با احدی آن مقدار آیات نفرستاد که برای مهدی علیه السلام فرستاده و روان خواهد کرد. عمری به این طولانی که خداوند به کجا خواهد کشید و چون ظاهر شود در هیبت مردان سی ساله و پیوسته ابری سفید بر سرش سایه افکند و به زبان فصیح از او ندا رسد که اوست مهدی آل محمد علیهم السلام و بر سر شیعیان دست کشد و عقولشان کامل می شود و در عقبش لشکری باشد که در اردویش طعام و شرابی نباشد جز سنگی حمل شود که طعام و شرابشان از آن باشد. از نور چالشان زمین چنان نورانی شود که به مهر و ماه حاجت نباشد. شر و ضد از درندگان حشرات برود و خوف از میان آنها بلند شود، زمین گنجهای خود را ظاهر می نماید و چرخ از سرعت و سیر نماید و لشکرش از روی آب راه روند. کوه و سنگ کافری را که به آنها خود را مخفی کرده، نشان دهد و کافر را به سیما بشناساند. بسیاری از مردگان در رکابش باشند و شمشیر بر فرق زنده ها بزنند. و بسیاری دیگر از آیات که به صورت احادیث وارد شده و به شماری از این احادیث اشاره خواهد شد.

### ۵۸- مفضل رضی الله عنه

مفضل از اسماء حسنی خداوند متعال است که خداوند آن حضرت را مظهر کمال آن قرار داده است.

«رسول اکرم اسلام به نجران رفت برای دعوت آنجا جمع شدند برای تحقیق صدق آن جناب و کتب آسمانی را جمع کردند و تفتیش نمودند از آن جمله، در صحیفه کبری حضرت آدم علیه السلام که در آن سپرده شده بود علم ملکوت خداوند و آنچه خداوند در زمین و آسمان خود آفریده است. پس در مصباح دوم آن یافتند. بعد از فقراتی چند، آنگاه نظر کرد به نوری که درخشید. پس سو کرد فضا شکافته شد. پس گرفت و طالع کرد مشارق را پس، سر نمود به همین نحو تا آنکه گرفت تمام مضارب را، آن گاه بالا رفت تا رسید به ملکوت آسمان پس نظر نمودید که آن نور محمد است و دید جمیع از بوی خوش او معطر شدند و دید چهار نور را که اطراف آن نور را گرفتند از راست و چپ و پیش رو و پشت سر، که شبیه ترین آن چیزها بودند به آن نور در نور و بود در پی آن نورهایی پس از آن که استمداد می نمودند از آن انوار و دیدند که آن انوار شبیهند به آن ها در ضیاء و عظمت و خوشبویی آن گاه نزدیک شد به آن انوار و احاطه نمود به آن و اطراف آن را گرفت. آنگاه ظاهر شد سیاهی مانند شب و چون سل روی آورد از هر طرفی و جهتی. پس چنین روی آوردند تا اینکه پر کردند صحرا و تپه ها را و دید که این قبیح ترین چیزهاست. در صورت و هیأت و متعفن ترین چیزهاست در بو پس متحیر کرد آدم را آن چه دید از اینها.

پس گفت:

«ای علام الغیوب و غافر الذنوب و ای صاحب قدرت قاهره و معشیت عالیه کیست این خلق سعید که ارجمند نمودی و بلند مرتبه کردی او را بر عالمیان و کیست این نورهایی که جوانب آن را گرفته اند؟» پس وحی فرستاد خداوند به سوی او که ای آدم اینها وسیله ای هستند برای تو و وسیله هر کس که خلق کردم از خلق خود، اینها سابقین و

مقربین شفاعت کنندگانی هستند که شفاعتشان پذیرفته است.

و این احد سید ایشان و سد مخلوقات من، او را برگزیدم و جدا کردم اسم او را از اسم خود پس منم محمود و اوست محمد و او را با برکت تطهیر و پاک کردم. و این است سید کنیزیان و باقی مانده از احمد پیغمبر من. و این سبط و دو خلفند و از آنها شکافته شد بقیه نورها که این انوار بقیه ایشان است. آگاد باش که هر کدام را برگزیدم و از آلائش پاک نمودم و با هر یک برکت و رحمت خود را فرستادم و به علم خود قرار دادم و هر یکی را پیشوای بندگان خود و نور بلاد خود می نمود پس دید شبیحی را در آخر ایشان که می درخشید در این صفحه چنانچه می درخشید ستاره صبح از برای اهل دنیا.

پس خداوند تبارک و تعالی فرمود و به این بنده سعید خود باز می کنم غلها را از بندگان خود و بر می دارم بار را از ایشان و پر می کند زمین خود را بوجود او و از مهربانی و رأفت و عدل چنانچه پر شده پیش از او از قساوت و جور.

پس آن جماعت به صحیفه «ح ظ» حضرت ابراهیم مراجعه کردند و در آن جا مذکور بود که خداوند تفضل فرموده بود به آن بر جمیع ملائکه پس نظر نمود ابراهیم در آن تابوت پس در آن دید خانه هایی به عدد صاحبان عزم از پیغمبران و رسولان و اوصیاء ایشان و نظر نمود پس دید. خانه مهده را آخر انبیاء و از راست او علی بن ابی طالب را که دامان او را گرفته پس شکل عظیمی را که نورش می درخشید و در آن بود که این صنوا و وصی اوست که مؤند است به نصر پس از ابراهیم عرض کرد الهی و سیدی کیست این خلق شریف؟

پس خداوند به او وحی می کرد:

«که این بنده من و برگزیده من فاتح خاتم است و وصی وارث تو، فرمود: این محمد بر گزیده من اول مخلوق من است و حجت بزرگ من در آفریدگان من پیغمبرش کردم و او را برگزیدم در آن گاه که آدم میان گل و جسد بود.

ابراهیم علیه السلام پس دوازده نور را دید که از غایت نیکویی شکل نزدیک بود که نور از آن

درخشان شود.

پس سؤال کرد پروردگار عزوجل را و گفت: پروردگار من را خبرده بنامهای این صورتها که قرین دارد بر صورت محمد و وصی صلوات الله علیهما. پس وحی فرستاد خداوند بسوی او که این کنیز من و باقیمانده پیغمبر من است، فاطمه صدیقه و قرار دادم او را با خلیل او حصبه از برای پیغمبر خود حسانند و این فلانست و این فلان کلمه من است که به او منتشر می کنم رحمت را در بلاد خود و با او بیرون می آورم دین خود را بعد از یأس و ناامیدی ایشان که من ایشان را بفریاد برسم.»<sup>(۱)</sup>

#### ۵۹- مأمول علیه السلام

امام صادق علیه السلام فرمود:

«آنگاه بر خیزد قائم علیه السلام، مأمول، امام مجهول.»<sup>(۲)</sup>

در احادیث دیگر هم خطاب به آنحضرت «سلطان مأمول» آمده است.  
امام صادق علیه السلام فرمودند:

«عملی برای حاجت که آن روزه گرفتن روز چهارشنبه و پنج شنبه و جمعه است و در جمعه غسل کند و بپوشد لباس نخلیفی و رفته به بام و بخواهد آنچه از او خواسته.»

#### ۶۰- یعسوب الدین علیه السلام

امام صادق علیه السلام می فرمایند:

«پیوسته مردم در نقصانند تا آن که گفته نمی شود الله - یعنی نام خداوند متعال بوده نمی شود پس هرگاه چنین شد ثابت می ماند یعسوب الدین با اتباعش»<sup>(۳)</sup>

۲ - غیبت نعمانی علیه السلام.

۱ - اقبال - سید بن طاووس علیه السلام.

۳ - غیبت شیخ طوسی علیه السلام.

**اشراق سوم**  
**اسماء حضرت**  
**در ادعیه**



## ۱- امام

لازم به ذکر است تمام دعاهایی که در این اشراق از آنها نام برده می‌شود، از کتاب مفاتیح الجنان مرحوم حاج شیخ عباس قمی می‌باشد.

در دعای امام عصر علیه السلام می‌خوانیم:

«اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَانَا الْأَمَامَ الْهَادِيَّ الْمَهْدِيَّ الْقَائِمِ بِأَمْرِكُ»

«الهی: حفظ کن، مولای ما و امام ما که هادی و مهدی و ایستاده به امر تو

می‌باشد.»

در دعای استغاثه آن حضرت می‌خوانیم:

«الْإِمَامِ الْمُنْتَظَرِ الْمَرْضِيِّ وَابْنِ الْأَئِمَّةِ الْهُدَاةِ الْمَعْصُومِينَ»

امام منتظری که راضی است و پسر دیگر ائمه هدایت‌گر و معصوم

می‌باشد.»

در دعا آن حضرت شهادت به آن حضرت می‌دهیم و می‌گوییم:

«أَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمَامُ الْمَهْدِيَّ وَقَوْلًا وَفِعْلًا»

«شهادت می‌دهم، به وجود امام مهدی علیه السلام در گفتار و رفتار.»

در زیارت دیگر حضرت می‌خوانیم:

«رَضِيْتُكَ يَا مَوْلَايَ إِمَامًا وَهَادِيًا»

«راضی هستم از تو ای مولایم و امامم و هادیم و...»

در زیارت حضرت نرجس خاتون می‌خوانیم:

«السَّلَامُ عَلَيَّ وَالِدَةِ الْأَمَامِ»

«سلام بر مادر امام»

## ۲- امین الرحمن علیه السلام

در زیارت جامعه کبیره می‌خوانیم:

«وَأَبْوَابِ الْإِيمَانِ وَ أَمْنَاءِ الرَّحْمَنِ»

«و در بهای ایمان و امینهای بخشنده»

### ۳- اصول الکرّم ﷺ

در زیارت جامعه کبیره می خوانیم:

«وَمُنْتَهَى الْحِلْمِ وَأُصُولَ الْكَرَمِ»

«ونهایت بردباری و ریشه های کرامت.»

### ۴- بقية الله ﷺ (۱)

در دعای ندبه می خوانیم:

«أَيْنَ بَقِيَّةُ اللَّهِ الَّتِي لَا تَخْلُو مِنَ الْعِثْرَةِ الْهَادِيَةِ»

«کجاست بقیه الله، که بیرون از خاندان پاک هادیان نیست.»

در زیارت آل یاسین می خوانیم:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ»

«سلام بر تو ای باقیمانده خدا در زمین او.»

در زیارت آن جناب می خوانیم:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ مِنَ الصِّفْوَةِ الْمُنتَجِبِينَ»

«سلام بر تو ای باقی مانده از بندگان خاص و برگزیده خدا.»

در زیارت جامعه کبیره میخوانیم:

«بَقِيَّةَ اللَّهِ وَ خَيْرَتِهِ»

«و باقی مانده خدا و برگزیده او.»

---

۱ - این اسم در اشراق دوم نیز آمده است.

### ۵- برهان الله ﷺ (۱)

در زیارت جامعه کبیره می خوانیم:

«أَنْتَجَبَكُمُ لِنُورِهِ وَبُرْهَانِهِ»

«برگزیدم شما را برای نور خود و برهان خود.»

### ۶- باب الايمان ﷺ (۲)

در زیارت جامعه کبیره می خوانیم:

«وَ أَرْكَانَ الْبِلَادِ وَ أَبْوَابِ الْإِيمَانِ»

«شما هستید پایه های شهرها و دربهای ایمان.»

### ۷- باب الله ﷺ

آن حضرت از این جهت باب و درب خدا می باشد، که هر مسلمانی برای توسل به خداوند متعال وسیله نیاز دارد و آن حضرت وسیله زنده و درب ورود و توسل به حضرت حق تعالی می باشد.

در زیارت آل یاسین می خوانیم:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَابَ اللَّهِ وَ دِيَانَ دِينِهِ»

«سلام بر تو ای درب خدا و دلیل دین خدا.»

در دعای ندبه می خوانیم:

«أَيْنَ بَابُ اللَّهِ الَّذِي مِنْهُ يُوتَى»

«کجاست درب الهی که از آن وارد می شوند.»

در دعای آن حضرت می خوانیم:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَابَ اللَّهِ الَّذِي لَا يُوتَى إِلَّا مِنْهُ»

«سلام بر تو ای درب خداوند که از طریق تو وارد می شوند.»

#### ۸- بقية العترة علیها السلام (۱)

در استعانه به آن حضرت می خوانیم:

«وَسُلَّالَةِ النَّبُوَّةِ وَبَقِيَةِ الْعِتْرَةِ»

«و از نسل نبوت و باقی ماندۀ عترت.»

#### ۹- بدر علیها السلام

در زیارت آن حضرت می خوانیم:

«السَّلَامُ عَلَى شَمْسِ الضَّلَامِ وَبَدْرِ التَّمَامِ»

«سلام بر تو ای خورشید پر نور و ماه شب چهاردهم.»

#### ۱۰- تالی علیها السلام

در زیارت آل یاسین می خوانیم:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا تَالِي كِتَابِ اللَّهِ وَتَرْجَمَانَهُ»

«سلام بر تو ای تمام کننده کتاب خدا و ترجمۀ آن.»

#### ۱۱- تمام علیها السلام

آن حضرت در صفات حمیده و کمال و افعال و شرافت و شوکت و حشمت و سلطنت و قدرت و رأفت تام و تمام و بی عیب است، و چون به آن حضرت تمام شود، خلافت و ریاست الهیه در زمین و آیات باهره و علوم و اسرار انبیاء و اوصیاء در دعای بعد از زیارت آل یاسین می خوانیم:

---

۱- این اسم در اشراق اول نیز آمده است.

«وَكَلِمَتِكَ التَّامَّةِ فِي أَرْضِكَ»

«ای کلمه تام و تمام در زمین.»

در دعای آن حضرت خطاب به خداوند متعال می خوانیم:

«وَ اظْهَرُ كَلِمَتِكَ التَّامَّةَ»

«ظاهر کن کلمه تام و تمام خود را.»

در زیارت جامعه کبیره می خوانیم:

«وَ التَّامِينَ فِي مُحَبَّةِ اللَّهِ»

«و تمام کننده در دوستی خداوند.»

## ۱۲- تقی علیه السلام

در دعا برای آن حضرت می خوانیم:

«وَ أَنَّهُ الْهَادِي، الطَّاهِر، التَّقِي، النَّقِي، الرَّضِي، الزَّكِي»

«و اوست مثل هدایت کننده هدایت شده، که پاک است و تقی است و نقی

می باشد و راضی و زکی است.»

## ۱۳- ثابت علیه السلام

در زیارت امام حسن عسکری علیه السلام خطاب به امام زمان علیه السلام می خوانیم:

«وَ الثَّابِتِ فِي الْيَقِينِ مَعْرِفَتُهُ»

«ای کسی که ثابت هستی در یقین معرفت خدا.»

## ۱۴- ثائر علیه السلام

ثائر کینه خواهی را گویند، که آرام نگیرد تا قصاص کند.

و آن حضرت مطالبه کننده خون انبیاء گذشته و جد بزرگوار خود امام حسین علیه السلام «علیه السلام»

می باشد.

چنانچه در دعای ندبه می خوانیم:

«أَيْنَ طَالِبٍ بِدُحُولِ الْأَنْبِيَاءِ وَ أَبْنَاءِ الْأَنْبِيَاءِ، أَيْنَ الطَّالِبِ بِدَمِ الْمُقْتُولِ  
بِكَرْبَلَاءِ.»

«کجاست! طالب خون انبیاء و فرزندان انبیاء، کجاست! طالب خون  
مقتول کربلاء.»

در دعای بعد از زیارت آل یاسین می خوانیم:

«وَالثَّائِرَ بِأَمْرِكُ»

«و انقلاب کننده به امر خدا.»

#### ۱۵- جامع علیه السلام

در دعای ندبه می خوانیم:

«أَيْنَ الْجَامِعِ عَلَى كَلِمَةِ التَّقْوَى»

«کجاست جامع و کامل کلمه تقوی الهی.»

#### ۱۶- حزب الله علیه السلام (۱)

در زیارت جامعه کبیره می خوانیم:

«وَبَقِيَّةِ اللَّهِ وَ خَيْرَتِهِ وَ حِزْبِهِ وَ عَيْبَتِهِ عِلْمِهِ»

«ای باقی مانده خدا و ای برگزیده خدا و سپاه خدا و گنجینه دانش خدا.»

---

۱- این اسم در اشراق اول نیز آمده است.

۱۷- حسن عَلَيْهِ السَّلَامُ (۱)(۲)

در دعای ندبه می خوانیم:

«أَيْنَ الْحَسَنِ»

«کجاست حسن»

۱۸- حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ (۳)

در دعای ندبه می خوانیم:

«أَيْنَ الْحُسَيْنِ»

«کجاست حسین»

۱۹- حجت عَلَيْهِ السَّلَامُ (۴)

در دعای بعد از نماز حضرت می خوانیم:

«اللَّهُمَّ هَلْ عَلَى حُجَّتِكَ فِي أَرْضِكَ»

«پروردگارا رحمت فرست بر حجت خود در زمین خود.»

در زیارت امین الله می خوانیم:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ عَلَى حُجَّتِكَ فِي أَرْضِكَ»

«سلام بر تو ای امین خدا در زمین و حجت او بر بندگان خدا.»

در دعای سلامتی آن حضرت می خوانیم:

«اللَّهُمَّ أَدْفَعْ عَنَّا وَلِئِكَ وَ خَلِيفَتِكَ وَ حُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ»

---

۱- این اسم در اشراق اول نیز آمده است.

۲- برای توضیح بیشتر به تفسیر دعای ندبه حقیر مراجعه شود.

۳- برای توضیح بیشتر به تفسیر دعای ندبه حقیر مراجعه شود.

۴- این اسم در اشراق دوم نیز آمده است.

«خدایا تو هر بلاء را دفع کن از ولی و نماینده ات خلیفه ات و حجتت بر خلقت.»

در دعای استغاثه به آن حضرت می خوانیم:

«وَالْحُجَّةِ الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ»

«تو که حجت و ایستاددای و مهدی هستی.»

## ۲۰- حجة الله ﷺ (۱)

در زیارت آل یاسین می خوانیم:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَ دَلِيلَ إِرَادَتِهِ»

«سلام بر تو ای حجت خدا و دلیل اراده او.»

در زیارت دیگر آن حضرت می خوانیم:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى مَنْ فِي الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ»

«سلام بر تو ای حجت خدا بر تمام خلق آسمان و زمین.»

در زیارت جامعه کبیره می خوانیم:

«أَنْتَ حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِكَ»

«تو حجت خدا بر خلق هستی.»

در زیارت دیگر آن حضرت می خوانیم:

«السَّلَامُ عَلَى الْحُجَّةِ الْمَعْبُودِ»

«سلام بر تو ای حجت خدا.»

در زیارت آل یاسین می خوانیم:

«أَشْهَدُ أَنْكَ حُجَّةُ اللَّهِ»

«شهادت می دهم که تو حجت خدا هستی.»



در زیارت دیگر حضرت می خوانیم:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ الَّتِي لَا تَخْفَى»

«سلام بر تو حجت خدا که پنهان نشود.»

در زیارت نرجس خاتون می خوانیم:

«وَبَالَغْتَ فِي حَفَظِ حُجَّةِ اللَّهِ»

«و کوشش کردی در حفظ حجت خدا.»

### ۲۱- حافظ رضی الله عنه (۱)

در زیارت آن حضرت می خوانیم:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَافِظَ أَسْرَارِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»

«سلام بر تو ای حفظ کننده سرّهای پروردگار عالمیان.»

### ۲۲- حجاب رضی الله عنه

چنانچه در زیارت خود آن حضرت می خوانیم:

«السَّلَامُ عَلَى حِجَابِ اللَّهِ الْأَزَلِيِّ الْقَدِيمِ»

«سلام بر حجاب خدا از ازل قدیم.»

### ۲۳- حی رضی الله عنه (۲)

و در دعای ندبه باز هم می خوانیم:

«أَيْنَ مُحِبِّي مَعَالِمِ الدِّينِ»

«کجاست زنده کننده علوم دینی.»

در زیارت سرداب باز هم می خوانیم:

«السَّلَامُ عَلَىٰ مُحِبِّي الْمُؤْمِنِينَ»

«سلام بر زنده کننده مؤمنین.»

#### ۲۴- حَقِّ نَبِيِّهِ (۱)

در زیارت آن حضرت می خوانیم:

«السَّلَامُ عَلَىٰ الْحَقِّ الْجَدِيدِ»

«سلام بر تو ای حق جدید.»

در دعای دیگر آن حضرت می خوانیم:

«أَشْهَدُ أَنَّكَ الْحَقُّ الثَّابِتُ»

«شهادت می دهم که حق ثابت شده و ثابت تو هستی.»

#### ۲۵- حَاصِدٌ

در دعای ندبه خطاب به حضرت می خوانیم:

«أَيْنَ حَاصِدٍ فُرُوعِ الْغِيِّ وَالشَّقَاقِ»

«کجاست آن دور کننده شاخه های گمراهی و نهال دشمنی»

#### ۲۶- حِجَّتِ الْجَبَّارِ

در زیارت جامعه کبیره می خوانیم:

«وَأَنْتُمْ نُورُ الْخَيْرِ وَهُدَاةِ الْأَبْرَارِ وَحُجَّجُ الْخَبَّارِ»

«که شما بید روشنی خوبان و راهنمایان نیکان و حجت های خدای جبار.»

### ۲۷- حامل علیه السلام

در زیارت جامعه کبیره می خوانیم:

«وَحَمَلَةَ كِتَابِ اللَّهِ وَ أَوْصِيَاءِ اللَّهِ»

«و حاملان کتاب خدا و اوصیاء پیغمبر خدا.»

### ۲۸- خلف علیه السلام (۱)

در زیارت آن حضرت می خوانیم:

«السَّلَامُ عَلَى خَلْفِ السَّلْفِ»

«سلام بر جانشین گذشتگان.»

### ۲۹- خاتم اوصیاء علیه السلام (۲)

در زیارت آن حضرت می خوانیم:

«السَّلَامُ عَلَى وَارِثِ الْأَنْبِيَاءِ وَ خَاتِمِ الْأَوْصِيَاءِ»

«سلام بر خاتم اوصیاء و ختم کننده اوصیاء.»

### ۳۰- خازن علیه السلام (۳)

در زیارت آن حضرت می خوانیم:

«وَ أَنْكَ خَازِنَ كُلِّ عِلْمٍ»

«بدرستی تو خزینه دار هر دانشی هستی.»

در زیارت آن سرداب حضرت می خوانیم:

«السَّلَامُ عَلَى الْمُؤَخَّرِ لِكِرَامَةِ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ»

---

۱- این اسم در اشراق دوم نیز آمده است. ۲- این اسم در اشراق دوم نیز آمده است.

۳- این اسم در اشراق دوم نیز آمده است.

«سلام بر ذخیره الهی برای گرامی داشتن اولیاء خدا.»

### ۳۱- خلیفه الله ﷺ (۱)

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ اللَّهِ وَ نَاصِرَ حَقِّهِ»

«سلام بر جانشین خدا و یاری کننده حق او.»

در دعای بعد از زیارت آل یاسین می خوانیم:

«وَ خَلِيفَتِكَ فِي بِلَادِكَ»

«خلیفه تو در شهرهای تو ای خداوند.»

در زیارت آن حضرت می خوانیم:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ اللَّهِ وَ خَلِيفَةَ آبَائِهِ الْمُهْدِيِّينَ»

«سلام بر تو ای نماینده خدا و نماینده پدران خود که همه رهبران خلق به

سوی خدا بودند.»

در دعای بعد از نماز حضرت می خوانیم:

«وَ خَلِيفَتِكَ فِي بِلَادِكَ»

«و جانشین تو در بلاد و شهرهای تو.»

در دعای آن حضرت می خوانیم:

«اللَّهُمَّ ادْفَعْ عَنِّي وَعَنْ وَاوَلِيَّكَ وَ خَلِيفَتِكَ»

«خدایا دفع کن هر بلا را از ولی خودت و جانشین خودت.»

### ۳۲- خلیفه آبائه ﷺ

در زیارت آن حضرت می خوانیم:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ آبَائِهِ الْمُهْدِيِّينَ»

«سلام بر تو ای نماینده پدران خود که همه رهبران خلق به سوی خدا بودند.»

### ۳۳- خائف علیه السلام

در زیارت آن حضرت می خوانیم:

«الْخَائِفَ الْمُتَرَقِّبِ»

«ای ترسان و پر رغبت.»

در زیارت دیگر آن حضرت می خوانیم:

«المترقب الخائف»

«ای پر رغبت و ترسان»

### ۳۴- خیرة الله علیه السلام

در زیارت جامعه کبیره می خوانیم:

«و بَقِيَّةِ اللَّهِ وَ خَيْرَتِهِ وَ حِزْبِهِ وَ عَيْبَتِهِ عِلْمِهِ»

«و باقی مانده خدا و برگزیده او و سپاه و گنجینه دانش او.»

### ۳۵- داعی علیه السلام

آن حضرت داعی می شود از طرف خداوند متعال که خلائق را از جانب خداوند به سوی خداوند دعوت و این دعوت را جایی می رساند که دینی در دنیا نمی ماند مگر دین جد بزرگوار پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله

در زیارت مأثوره آن حضرت می خوانیم:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا دَاعِيَ اللَّهِ»

«سلام بر تو ای دعوت کننده به سوی خدا.»

در زیارت آل یاسین می خوانیم:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا دَاعِيَ اللَّهِ وَرَبَّانِي آيَاتِهِ»

«سلام بر تو ای دعوت کننده به سوی خدا و پرورش دهنده آیات خدا.»

در دعا بعد از زیارت آل یاسین می خوانیم:

«وَ دَاعِيَ إِلَى سَبِيلِكَ»

«و دعوت کننده به راه تو»

در زیارت جامعه کبیره می خوانیم:

«السَّلَامُ عَلَى الدُّعَاةِ إِلَى اللَّهِ»

«سلام بر داعیان به سوی خدا.»

در زیارت جامعه کبیره می خوانیم:

«السَّلَامُ عَلَى الْأُمَّةِ اللَّهِ»

«سلام بر پیشوایان دعوت کننده.»

### ۳۶- دعوت الحسنی ﷺ

در زیارت جامعه کبیره می خوانیم:

«وَالدُّعْوَةَ الْحُسْنَى»

«و صاحب دعوت نیکوتر.»

### ۳۷- دلیل ﷺ (۱)

در زیارت جامعه کبیره می خوانیم:

«السَّلَامُ عَلَى الْأُمَّةِ الدُّعَاةِ وَالْأَدِلَّةِ عَلَى مَرْضَاتِ اللَّهِ»

«سلام بر داعیان به سوی خدا و دلیلها به طریق راه خدا.»

۱- این اسم در اشراق دوم نیز آمده است.

و باز هم در همین زیارت می خوانیم:

«وَأَدِلَّاءٍ عَلَى صِرَاطِهِ»

«و دلیل هایی برای راه خود.»

### ۳۸- دَائِمِ الْاِخْيَارِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

در زیارت جامعه کبیره می خوانیم:

«وَعَنَّاصِرَ الْأَبْرَارِ وَ دَعَائِمَ الْأَخْيَارِ»

«و پایه ای نیکوکاری و ستون خوبان.»

### ۳۹- دِيَانِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

در زیارت آل یاسین می خوانیم:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَابَ اللَّهِ وَ دِيَانَ دِينِهِ»

«سلام بر درب خدا و آشکار کننده دین او»

### ۴۰- ذِكْرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ (۱)

در زیارت جامعه کبیره می خوانیم:

«وَذِكْرِكُمْ فِي الذَّاكِرِينَ»

«و نام شما در زبان ذکر کنندگان است.»

و باز هم در زیارت جامعه کبیره می خوانیم:

«وَأَهْلِ الذُّكْرِ»

«و شما هستید اهل ذکر.»

---

۱ - این اسم در اشراق اول نیز آمده است.

#### ۴۱- ذات الله ﷺ

در زیارت نرجس خاتون می خوانیم:

«وَحَفَظْتَ سِرَّ اللَّهِ وَحَمَلْتَ وَلِيَّ اللَّهِ وَصَبَرْتَ فِي ذَاتِ اللَّهِ»

«ای کسی که حفظ کردی سر خدا را و در شکم حمل کردی ولی خدا را و

صبر کردی در راه ذات خدا.»

#### ۴۲- ذاده ﷺ

در زیارت جامعه کبیره می خوانیم:

«وَالذَّادَةَ الْعِبَادَةَ»

«و نگهداران و حاملان دین خدا.»

#### ۴۳- ذوی النهی ﷺ

در زیارت جامعه کبیره می خوانیم:

«وَذَوِي النَّهْيِ وَ أَوْلِي الْجُحَى»

«و صاحبان خرد و دارندگان عقل کامل.»

#### ۴۴- رحمت الواسعه ﷺ

در زیارت آل یاسین می خوانیم:

«وَرَحْمَةِ الْوَأَسَعَةِ»

«و تو هستی واسطه رحمت خدا.»

در زیارت جامعه کبیره می خوانیم:

«وَمَعْدِنَ الرَّحْمَةِ»

«و تو هستی معدن رحمت خدا.»



#### ۴۵- راشد رضی الله عنه

در زیارت جامعه کبیره می خوانیم:

«أَشْهَدُ أَنْكُمْ الْأَئِمَّةُ الرَّاشِدُونَ الْمُهْدِيَيْنُ»

«شهادت می دهیم به اینکه ائمه همه ارشاد کننده و هدایت کننده

می باشند.»

#### ۴۶- روح الله رضی الله عنه

در زیارت جامعه کبیره می خوانیم:

«وَ أَيْدِكُمْ بِرُحِهِ»

«و تأیید کرد به روح خدا.»

#### ۴۷- ربیع رضی الله عنه

در زیارت آن حضرت می خوانیم:

«السَّلَامُ عَلَى رَبِيعِ الْأَنْعَامِ»

«سلام بر ربیع تمام انعام»

#### ۴۸- رضی رضی الله عنه

در دعا برای آن حضرت می خوانیم:

«وَ أَنَّهُ الْهَادِي الْمُهْتَدِي الطَّاهِرِ النَّقِيِّ الْأَرْضِيِّ الزَّكِيِّ»

«و اوست هدایت کننده ای که هدایت شده و پاک است و تقوا پیشه و از

خداوند رازی و زکی است.»

۴۹- رکن البلاد علیه السلام

در زیارت جامعه کبیره می خوانیم:

«وَسَائِةَ الْعِبَادِ وَ أَرْكَانَ الْبِلَادِ»

«و سیاست مداران بندگان و ارکان محکم شهرها.»

۵۰- سید علیه السلام

در زیارت جامعه کبیره می خوانیم:

«وَسَادَةَ الْبِلَادِ»

«و آقا و سرپرست»

۵۱- سر الله علیه السلام

در زیارت نرجس خاتون می خوانید:

«وَحَفَظْتَ سِرَّ اللَّهِ وَ حَمَلْتَ وَلِيَّ اللَّهِ»

«ای کسی که حفظ کردی سر خدا را و در شکم حمل کردی ولی خدا را.»

۵۲- سدرۃ المنتهی علیه السلام

در دعای آن حضرت می خوانیم:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَاطِرَ شَجَرَةِ طُوبَىٰ وَ سِدْرَةَ الْمُنْتَهَىٰ»

«سلام بر بینندگان درخت طوبی و سدره بی انتها.»

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَىٰ»<sup>(۱)</sup> اوست درخت بی انتها. کلمه «سدر» به معنی جنس درخت

سدر، و کلمه «سدره» به معنی یک درخت سدر است. «منتهی» گویا نام مکانی است،

مکان گویا آسمانها می باشد چون در آیه بعد می فرماید: «جَنَّتِ الْمَأْوَى»<sup>(۱)</sup> بهشت جایگاه اوست. در کنار آن آمده پس می توان نتیجه گرفت که آن حضرت درخت آسمانها می باشد.

### ۵۳- سَلَاةُ النُّبُوَّةِ ﷺ

در استغاثه به آن حضرت می خوانیم:

«وَسَلَاةِ النُّبُوَّةِ وَبَقِيَّةِ الْعِترَةِ»

«و آن حضرت فرزند نبوت است و باقی مانده از عترت طاهره»

### ۵۴- سَاسَةُ الْعِبَادِ ﷺ

در زیارت جامعه کبیره می خوانیم:

«دُعَاةِ الْأَخْيَارِ وَ سَاسَةِ الْعِبَادِ»

«ستون و پایه های خوبی و سیاستمداران بندگان».

### ۵۵- سَبَبُ ﷺ

در دعای ندبه می خوانیم:

«اِنَّ السَّبَبُ الْمُتَّصِلَ بَيْنَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ»

«کجاست سبب اتصال بین زمین و آسمانها».

### ۵۶- سَيْفُ ﷺ

در زیارت آن حضرت می خوانیم:

«السَّلَامُ عَلَى السَّيْفِ الشَّاهِرِ»

«سلام بر تو ای شمشیر کشیده شده از غلاف.»

در دعاهای عهد می خوانیم:

«فَأَخْرِجْنِي مِنْ قَبْرِي مُؤْتَزِرًا كَفَنِي شَاهِرًا سَيْفِي مُجَرِّرًا قَنَاتِي»

«پس بیرون آور مرا از قبرم، کفن به خود پیچیده با شمشیر آخته و نیزه

برهنه.»

### ۵۷- شمس سَلَامٌ (۱)

در دعای ندبه می خوانیم:

«أَيْنَ الشَّمْسِ الطَّالِعَةِ»

«کجاست خورشیدهای روشن کننده.»

در زیارت آن حضرت می خوانیم:

«السَّلَامُ عَلَى الشَّمْسِ الضَّلَامِ وَبَدْرِ التَّمَامِ»

«سلام بر تو ای خورشید پر نور، ماه شب چهارده.»

### ۵۸- شاهد سَلَامٌ (۲)

در زیارت امام هادی عَلَيْهِ السَّلَامُ خطاب به امام زمان می خوانیم:

«الْيَوْمِ الْمَوْعُودِ وَالشَّاهِدِ الْمَشْهُودِ»

«تو هستی روز وعده داده شده و شاهدهی و مورد شهود تو هستی.»

و در زیارت آن حضرت می خوانیم:

«وَ أَنْتُمْ الشَّاهِدُ عَلَى ذَلِكَ»

«تو شاهدهی بر آن.»

در دعا برای آن حضرت می خوانیم:

«وَشَاهِدُ عَلَىٰ عِبَادِكَ»

«و شاهدی بر بندگان خدا»

در زیارت جامعه کبیره می خوانیم:

«أَنْتُمْ الصِّرَاطُ الْأَقْوَمُ وَ شُهَدَاءُ دَارِ الْفَنَاءِ»

«و شمائید راه راست و شاهدان در دنیای فانی.»

۵۹- سبیل سُبَيْلٌ (۱)

در دعای ندبه می خوانیم:

«أَيْنَ السَّبِيلِ بَعْدَ السَّبِيلِ»

«کجاست راه بعد از راه»

۶۰- شجرة الطوبى شَجَرَةُ الطُّوبَى

در زیارت آن حضرت می خوانیم:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَاطِرَ شَجَرَةِ طُوبَىٰ وَ سِدْرَةَ الْمُنْتَهَىٰ»

«سلام بر تو ای نظاره کننده بر شجره طوبی و درخت بی انتها.»

۶۱- شافع شَافِعٌ

در زیارت آن حضرت می خوانیم:

«وَ أَنْتَ شَافِعُ الَّذِي لَا تَنَازِعُ وَ الْوَلِيُّ»

«و تو ای آن شفیع که نزاعی در آن نیست.»

در زیارت جامعه کبیره می خوانیم:

«وَ شُفَاءِ دَارِ الْبَقَاءِ»

«و شفاعت کنندگان در خانه آخرت.»

### ۶۲- سفینه النجاة ﷺ

در دعای بعد از زیارت آل یاسین می خوانیم:

«و سَفِينَةِ النَّجَاتِ»

«و کشتی نجات»

در دعای دیگر آن حضرت می خوانیم:

«و الْوَلِيِّ النَّاصِحِ وَ سَفِينَةِ النَّجَاةِ»

«و ایشان ولایت تصریح شده از جانب حقّ دارد، کشتی است برای

نجات انسانها»

### ۶۳- صادق ﷺ (۱)

در دعای ندبه می خوانیم:

«و الصَّادِقَ بَعْدَ الصَّادِقِ»

«کجاست راست کردار و گفتار بعد از راست کردار و گفتار»

### ۶۴- صراط ﷺ (۲)

در زیارت جامعه کبیره می خوانیم:

«و حُجَّتِهِ وَ صِرَاطَ وَ نُورِهِ...»

«ای حجت خدا و راه خدا و نور خدا و...»

در دعای ندبه می خوانیم:

«يَا بْنَ الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ»

«ای پسر راه مستقیم.»

### ۶۵- صدق علیه السلام

در دعای بعد از زیارت آل یاسین می خوانیم:

«وَالنَّاطِقِ بِالْحِكْمَةِ وَالصِّدْقِ»

«و گویا به حقایق حکمت و راستی.»

### ۶۶- صمصام علیه السلام

در زیارت آن حضرت می خوانیم:

«السَّلَامُ عَلَىٰ صَاحِبِ الصَّمْصَامِ»

«سلام بر صاحب قدرت.»

### ۶۷- صاحب الزمان علیه السلام (۱)

در زیارت هر روز صبح امام زمان علیه السلام می خوانیم:

«اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَايَ صَاحِبَ الزَّمَانِ»

«خدایا حفظ کن مولایم صاحب الزمان را.»

### ۶۸- صفوة المرسلین علیهم السلام

در زیارت جامعه کبیره می خوانیم:

«وَسُؤْلَاةِ النَّبِيِّينَ وَصَفْوَةِ الْمُرْسَلِينَ»

«و از نژاد پاک پیغمبران و برگزیده رسولان.»

---

۱- این اسم در اشراق دوم نیز آمده است.

### ۶۹- صدر علیه السلام

در دعای ندبه می خوانیم:

«أَيْنَ الصَّدْرُ الْخَلَّائِقَ ذُو الْبِرِّ وَ التَّقْوَى»

«کجاست آن صدر نشین عالم صاحب نیکو کاری و تقوی.»

### ۷۰- صادع علیه السلام

در زیارت آن حضرت می خوانیم:

«وَ الصَّادِعَ بِالْحِكْمَةِ وَ الْمُوعِظَةَ الْحَسَنَةَ وَ الصِّدْقِ»

«و به نهایت حکمت رسیده و کسی که خود مؤعظه حسنه است و صادق

و راستگوست»

### ۷۱- طامس علیه السلام

در دعای ندبه می خوانیم:

«أَيْنَ طَامِسُ أَثَارِ الزَّيْعِ وَ الْأَ هَوَاءِ»

«کجاست محو کننده آثار کج دلی و کج رویها و اندیشه های باطل و هوا

پرستی.»

### ۷۲- طاهر علیه السلام

در دعا برای آن حضرت می خوانیم:

«وَ أَنَّهُ الْهَادِي الْمُهْتَدِي الطَّاهِرِ النَّقِيِّ الرَّضِيِّ الزَّكِيِّ»

«و تو هستی امام هدایت گری که هدایت شده و طاهر و پاک و تقوی

پیشه که نقی هستی و رضی و زکی.»



### ۷۳- ظاهر عليه السلام

در زیارت عاشورا خطاب به امام زمان می خوانیم:

«مَعَ إِمَامٍ مَهْدِيٍّ، هُدًى، ظَاهِرٍ، نَاطِقٍ بِالْحَقِّ»

«ای امامی که هدایت شده‌ای و هدایت کننده و ظاهر کننده و گوینده حق

هستی.»

در دعای بعد از زیارت آل یاسین می خوانیم:

«وَ أَظْهَرَ بِهِ دِينَ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ»

«او ظاهر کننده دین نبی تو است که درود خدا بر او و فرزندان او باد.»

در زیارت امام حسن عسکری می خوانیم:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا الْإِمَامِ الْمُنْتَظَرِ الظَّاهِرَةَ لِلْعَاقِلِ حُجَّةً»

«سلام بر تو ای پدر امام منتظری که ظاهر است برای عاقلان آن حجت.»

### ۷۴- عالم عليه السلام (۱)

در زیارت آل یاسین می خوانیم:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَلَمَ الْمَنْصُوبُ وَ الْعِلْمُ الْمَضْبُوبُ»

«سلام بر تو ای علم نصب شده و ای علم و دانش ریزان.»

در زیارت دیگر آن حضرت می خوانیم:

«وَ الْعَالِمِ الَّذِي عِلْمُهُ لَا يَبِيدُ»

«و دانشمندی که علم او تمام نمی شود.»

در زیارت آن جناب می خوانیم:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَعْدِنِ الْعُلُومِ النَّبَوَةِ»

«سلام بر تو ای معدن علوم نبوت.»

در دعای ندبه می خوانیم:

«أَيْنَ أَعْلَامِ الدِّينِ وَ قَوَاعِدِ الْعِلْمِ»

«کجاست علم دین و قواعد علوم.»

### ۷۵- عدل ﷺ (۱)

در استغاثه به آن حضرت می خوانیم:

«وَ أَنْتَ الَّذِي تَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا كَمَا مَلِئْتَ ظُلْمًا وَ جُورًا»

«آنکه پر کند زمین را از عدل و داد چنانچه پر شده باشد از ظلم و بیداد.»

و باز هم در همین دعا می خوانیم:

«وَ أَظْهَرُ بِهِ الْعَدْلَ وَ أَيْدَهُ»

«ظاهر کن بوسیله او عدل و داد را.»

در قسمت دیگر همین دعا باز هم می خوانیم:

«وَ مَلَأَ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا»

«پر کن بوسیله او عدل را.»

در دعای آن حضرت می خوانیم:

«اللَّهُمَّ اَوْلَاءَ بِهٖ الْاَرْضُ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مَلِئْتَ ظُلْمًا وَ جَوْرًا»

«خدایا پر کن بوسیله آن زمین را از عدل و داد چنانچه پر شده از ظلم و

جور.»

در قسمت دیگر همین دعا می خوانیم:

«السَّلَامُ عَلَى الْعَدْلِ الْمُسْتَشْهَرِ»

«سلام بر آن عادل مشهور عالم.»

۷۶- عین الله ﷺ

در دعای آن حضرت خطاب به خداوند متعال می خوانیم:

«وَعَيْنِكَ نَاطِرَةٌ بِإِذْنِكَ»

«دیده بینای تو به اذن تو ای خدای متعال.»

۷۷- عِلْمٌ ﷺ (۱)

در زیارت آل یاسین می خوانیم:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَلَمُ الْمَنْصُوبُ»

«سلام بر تو ای علم نصب شده.»

در دعای ندبه می خوانیم:

«أَيْنَ أَعْلَامِ الدِّينِ وَ قَوَائِدِ الْعِلْمِ»

«کجاست پرچم دین و قاندهای علوم.»

در زیارت جامعه کبیره می خوانیم:

«و مَصَابِيحَ الدُّجَى وَ أَعْلَامِ التُّقَى»

«و چراغهای شب کار و پرچمهای علم و تقوی.»

۷۸- عارف بالله ﷺ

در زیارت آن حضرت می خوانیم:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ سَلَامٌ مِنْ عَرَفَكَ بِمَا عَرَفَكَ بِهِ اللهُ»

«سلام بر تو که سلام کننده عارف به تو عارف به خدای تو نیز است.»

---

۱ - این اسم در اشراق اول نیز آمده است.

۷۹- عزیز علیه السلام (۱)

در دعای ندبه می خوانیم:

«بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ عَقِيدِ عَزِ لَا يُسَامِي»

«به جانم قسم تو دارای عزتی که برتر و همدازی نداری.»

در زیارت آن حضرت می خوانیم:

«اللَّهُمَّ انصُرْهُ نَصْرًا عَزِيزًا»

«خدای یاری کن او را چه یآوری آن عزیز را.»

۸۰- عبیت الله علیه السلام

در زیارت آن حضرت می خوانیم:

«وَكَلِمَتِكَ وَعَيْبَتِكَ فِي أَرْضِكَ»

«و تو کلمه خدایی و عبیت خدایی در زمین خدا.»

۸۱- عامل علیه السلام

در زیارت جامعه کبیره می خوانیم:

«الْعَامِلُونَ بِأَرَادَتِهِ»

«عمل می کنند به اراده او.»

۸۲- عنصر الابرار علیه السلام

در زیارت جامعه کبیره می خوانیم:

«أَوْلِيَاءَ النِّعَمِ وَعُنَاصِرَ الْأَبْرَارِ»

«ولی نعمتها و پایه های نیکوکاری.»

### ۸۳- غوث علیه السلام

در زیارت آل یاسین می خوانیم:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَلَمُ الْمَنْصُوبُ وَالْعِلْمُ الْمَصْبُوبُ وَالْغُوثُ وَالرَّحْمَةُ الْوَاسِعَةُ وَعُدًّا غَيْرَ مَكْذُوبٍ»

«سلام بر تو ای پرچم بر افراشته و دانش ریزان ای فریاد رس و ای رحمت واسعه خداوند و آن وعده‌ای که هرگز دروغ نمی‌شود.»

در دعای سلامتی حضرت می خوانیم:

«الْغُوثُ، الْغُوثُ، الْغُوثُ»

«به فریاد رس، به فریاد رس، به فریاد رس.»

### ۸۴- غائب علیه السلام

در ذکر صلوات آن حضرت می خوانیم:

«الْقَائِمُ بِأَمْرِكَ وَالْغَائِبُ فِي أَمْرِكَ»

«او کسی است که قائم به امر توست و غائب در بین خلق تو می‌باشد.»

در دعای ندبه می خوانیم:

«بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ مُغِيبٍ لَمْ يَخْلُؤْ مِنَّا»

«به جانم قسم تو آن حقیقت پنهانی که از میان ما بیرون نیستی.»

و باز هم در دعای ندبه می خوانیم:

«بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ نَازِحٍ مَا نَزَحَ عَنَّا»

«به جانم قسم که تو از نظرم دوری اما از ما جدا نیستی.»

### ۸۵- زکی علیه السلام

در دعا برای آن حضرت می خوانیم:

«وَأَنَّهُ الْهَادِي الْمُهْتَدِي الطَّاهِرِ التَّقِي النَّقِيِّ الرَّضِيِّ الزَّكِيِّ»

«و تو هستی هدایت گری که هدایت شده و پاک است و تقی است و نقی

است و رضی و زکی.»

### ۸۶- مفرج عَلَيْهِ السَّلَام

در زیارت آن حضرت می خوانیم:

«وَالْوَتْرِ الْمَوْتُورِ وَ مَفْرِجِ الْكَرْبِ»

«و او تنها موتور و مورد خرج است در گرفتاریها.»

### ۸۷- فتح عَلَيْهِ السَّلَام (۱)

در دعای ندبه می خوانیم:

«أَيْنَ صَاحِبِ يَوْمِ الْفَتْحِ»

«کجاست صاحب روز پیروزی.»

در زیارت آن حضرت می خوانیم:

«وَفَتْحٍ لَهُ فَتْحًا يَسِيرًا»

«خدایا پیروزی را برسان پیروزی آسان را.»

### ۸۸- فائز عَلَيْهِ السَّلَام

در زیارت جامعه کبیره می خوانیم:

«الْفَائِزُونَ بِكَرَامَةِ»

«پیروزمند به کرامت خدا.»

و باز هم در همین زیارت می خوانیم:

---

۱ - این اسم در اشراق اول نیز آمده است.

«وَفَازَ الْفَائِزُونَ بِوِلَايَتِكُمْ»

«و پیروز مندان، پیروز به ولایت و دوستی شما.»

۸۹- قاده الامم عليه السلام

«وَأُصُولَ الْكَرَمِ وَقَادَةَ الْأُمَمِ»

«و ریشه های کرامتها و پیشوایان امتهها.»

و باز هم در همین زیارت می خوانیم:

«وَالْقَادَةَ الْهُدَاةَ»

«و زمامداران راهنما.»

۹۰- قمر عليه السلام (۱)

در دعای ندبه می خوانیم:

«أَيْنَ الْأَقْمَارِ الْمُنِيرَةِ»

«کجا بید ماههای پر نور.»

در زیارت آن حضرت می خوانیم:

«السَّلَامُ عَلَى السَّيْفِ الشَّاهِرِ وَالْقَمَرِ الزَّاهِرَةِ»

«سلام بر شمشیر از غلاف کشیده شده و ماه ظاهر شده.»

۹۱- قاطع عليه السلام

به معنی قطع کننده و بریده کننده.

در دعای ندبه می خوانیم که:

«أَيْنَ قَاطِعِ حُبَائِلِ الْكِذْبِ وَالْإِفْتِرَاءِ»

«کجاست پاره کننده پرده های دروغ و دروغ گویی»

### ۹۲- قائم عَلَيْهِ السَّلَامُ (۱)

در زیارت آل یاسین می خوانیم:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقُومُ»

«سلام بر تو هنگامی که قیام می کنی.»

و در دعای بعد از زیارت آل یاسین می خوانیم:

«وَالْقَائِمِ بِقِسْطِكَ»

«و اقامه کننده عدل و داد خداوند.»

در زیارت دیگر آن حضرت می خوانیم:

«السَّلَامُ عَلَى الْقَائِمِ الْمُنْتَظَرِ»

«سلام بر قائمی که خود انتظار می کشد.»

و باز هم در زیارت جامعه کبیره می خوانیم:

«الْقَوَامُونَ بِأَمْرِكَ»

«قیام کنندگان به امر او.»

### ۹۳- قطب عَلَيْهِ السَّلَامُ

در دعای ام داود می خوانیم:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْأَبْدَالِ وَالْأَوْتَادِ»

«خدایا درود بفرست بر ابدال و اوتاد او.»

شیخ کفعمی رحمته الله در زیر این جمله می گوید:

«دنیا خالی نیست از یک قطب - چهار اوتاد - چهل ابدال - هفتاد نجیب - سیصد و

---

۱ - این اسم در اشراق دوم نیز آمده است.



شصت صالح - پس قطب دنیا مهدی علیه السلام است»<sup>(۱)</sup>

#### ۹۴- کاشف العطاء علیه السلام

در دعای آن حضرت می خوانیم:

«وَ اكْشِفْ بِهِ الْغُمَّةَ»

«بر طرف کن به وسیله آن غم و اندوه را.»

در دعای دیگر حضرت میخوانیم:

«وَ كَاشِفَ الْبَلَوِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ عَلَى آبَائِهِ»

«بر طرف کننده بلاها، درودهای خدا بر او و پدران او باد.»

در دعای سلامتی حضرت می خوانیم:

«الهِ عَظْمَ الْبَلَاءِ وَ بَرِحَ الْخَفَاءِ، وَ انْكَشِفَ الْغَطَاءِ»

«خدایا بلای بزرگ به ما روی آورده و عیان شده درد پنهانی.»

#### ۹۵- کشف الوری علیه السلام

در زیارت جامعه کبیره می خوانیم:

«وَ كَهْفَ الْوَرِيِّ وَرَثَةِ الْأَنْبِيَاءِ»

«و پناه مردم و وارثان پیامبران.»

#### ۹۶- مهدی علیه السلام (۲)

در زیارت عاشورا خطاب به حضرت می خوانیم:

«وَ أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ تَارِكُمْ مَعَ إِمَامٍ مَهْدِيٍّ هُدًى»

«روز ما کن طلب خون امام حسین را به همراه امام مهدی علیه السلام.»

۲- این اسم در اشراق دوم نیز آمده است.

۱- نجم الثاقب.

در زیارت آن حضرت می خوانیم:

«السَّلَامُ عَلَى الْمَهْدِيِّ»

«سلام بر تو ای مهدی.»

در زیارت دیگر می خوانیم:

«السَّلَامُ عَلَى الْمَهْدِيِّ الَّذِي وَعَدَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ»

«سلام بر مهدی که وعده خدای عزوجل است.»

در دعای عهد آن حضرت می خوانیم:

«أَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمَامُ الْهَادِي الْمَهْدِي الْقَائِمُ بِأَمْرِكُ»

«شهادت می دهم که تو امام هادی و مهدی و قائم به امر خدا هستی.»

پدر استغاثه به آن حضرت می خوانیم:

«أَشْهَدُ أَنَّكَ إِمَامٌ مَهْدِيٌّ قَوْلًا وَفِعَالًا»

«شهادت می دهم که امام مهدی هستی در گفتار و عمل.»

#### ۹۷- منصور عَلَيْهِ السَّلَامُ (۱)

در زیارت عاشورا خطاب به امام عصر می خوانیم:

«أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ تَارِكُمْ مَعَ إِمَامٍ مَنْصُورٍ»

«روزیم کن خونخواهی تو را به همراه امام منصور.»

#### ۹۸- مؤمل عَلَيْهِ السَّلَامُ (۲)

مؤمل یعنی آنکه خلائق آرزوی او را کنند.

در دعای ندبه می خوانیم:

«بِنَفْسِي أَنْتَ أُمْنِيَّتُهُ شَائِقٌ يَتَمَنَّى مِنْ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ ذَكَرًا فَتَحَنَّا»

۱- این اسم در اشراق اول نیز آمده است. ۲- این اسم در اشراق اول نیز آمده است.

«به جانم قسم، تو منظور و آرمان هر مشتاقی که آرزویت کند و از مؤمنین و مؤمنات به یاد تو ناله از دل سرزند.»

و باز هم در دعای ندبه میخوانیم:

«أَيْنَ الْمُؤْمَلِ لِأَحْيَاءِ الْكِتَابِ وَ حُدُودِهِ»

«کجاست آرزو شده برای زنده کردن قرآن و حدود آن.»

### ۹۹- منتظر عَلَيْهِ السَّلَامُ (۱)

در استغاثه به آن حضرت می خوانیم:

«الْإِمَامِ الْمُنْتَظَرِ الْمَرْضِيِّ وَ ابْنِ الْأَئِمَّةِ الْهُدَاةِ الْمَعْصُومِينَ»

«آن امام منتظری که راضی است و فرزند ائمه هدایت کننده معصوم است.»

### ۱۰۰- موئود عَلَيْهِ السَّلَامُ (۲)

در زیارت آن حضرت می خوانیم:

«وَ الْيَوْمِ الْمُؤْوَدِ»

«تو هستی روز وعده داده شده و خداوند.»

### ۱۰۱- موتور عَلَيْهِ السَّلَامُ

موتور به والد آن جناب است که پدرش کشته شد و خونخواهی او نشده است مراد از والد یا جناب امام حسن عسکری است یا جناب امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ یا جنس والد شامل می باشد بر همه ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَامُ که بنا بر حدیثی از پیامبر مکرم اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ که فرمودند: «شهادت از ما اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ جدا نیست.» شاید هم منظور از موتور تمام پیغمبران باشد و

آن حضرت خون خدا تمام آنها می باشد. چنانچه در دعای ندبه می خوانیم:

«أَيْنَ الطَّالِبِ بِذُحُولِ الْأَنْبِيَاءِ وَ أَبْنَاءِ الْأَنْبِيَاءِ، أَيْنَ الطَّالِبِ بِدَمِ الْمُقْتُولِ  
بِكَرْبَلَاءِ»

«کجاست جوینده خون پاک پیغمبران و زاده پیغمبران کجاست جوینده  
خون شهید کربلاء.»

در زیارت آن جناب می خوانیم:

«وَالْوِثْرِ الْمُؤْتُورِ»

«ای تنها خون خواه.»

#### ۱۰۲- مأمول عَلَيْهِ السَّلَامُ (۱)

در زیارت آل یاسین می خوانیم که:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْأَمَامِ الْمَأْمُولُ»

«سلام بر تو ای امام مأمول.»

#### ۱۰۳- مضطر عَلَيْهِ السَّلَامُ (۲)

در دعای ندبه می خوانیم که:

«أَيْنَ الْمُضْطَرِّ الَّذِي يُجَابُ إِذَا دَعَى»

«کجاست آن بیچاره ای که اجابت می کند خدا دعای او را.»

#### ۱۰۴- منیر عَلَيْهِ السَّلَامُ

در دعای بعد از زیارت آل یاسین می خوانیم:

«وَمُجَلِّي الظُّلْمَةِ وَ مُنِيرِ الْحَقِّ»

«ای پرتو افکن و روشنی بخش تاریکی و روشن کننده حق.»

در دعای آن حضرت می خوانیم:

«وَمُنِيرِ الْحَقِّ»

«و تو هستی نور حق.»

### ۱۰۵- مترقب علیه السلام

در دعای بعد از زیارت آل یاسین می خوانیم:

«الْمُتَرَقِّبِ الْخَائِفِ»

«ای کسی که در انظار و هراس است.»

### ۱۰۶- مجاهد علیه السلام

در دعا آن حضرت می خوانیم:

«الْحُجَّاجِ الْمُجَاهِدِ الْفَائِزِ بِكَ»

«بزرگترین مجاهد در راه تو و پناه آورنده تو در راه تو.»

### ۱۰۷- محقق علیه السلام

در زیارت آن حضرت می خوانیم:

«وَمُحَقِّقِ كُلِّ حَقٍّ»

«او تحقق یافته کل حق است.»

در زیارت امام هادی علیه السلام خطاب به امام زمان علیه السلام می خوانیم:

«يَا رَبِّ يَا مَامِنًا وَمُحَقِّقَ زَمَانِنَا»

«خدایا تو را قسم می دهم به امامی که تحقق یافته زمان خودم می باشد.»

۱۰۸- مبطل علیه السلام

در دعای آن حضرت می خوانیم:

«وَمُبْطِلِ كُلِّ بَاطِلٍ»

«اوست باطل کننده تمام باطلها.»

۱۰۹- مرشد علیه السلام

در زیارت آن حضرت می خوانیم:

«رَضِيْتُكَ يَا مُوَلَايَ وَ هَادِيًا وَ وَلِيًّا وَ مُرْشِدًا»

«راضی هستم از تو ای مولای من و امامی که هدایت کننده ای و ولی

هستی و رشد دهنده.»

۱۱۰- محمود علیه السلام (۱)

در زیارت آن حضرت می خوانیم:

«السَّلَامُ عَلَى كَلِمَةِ الْمُحْمُودِ»

«سلام بر تو ای کلمه حمد شده.»

۱۱۱- معز الاولیاء علیه السلام

در دعای ندبه می خوانیم:

«أَيْنَ مُعِزِّ الْأَوْلِيَاءِ وَ مُذِلِّ الْأَعْدَاءِ»

«کجاست عزت دهنده اولیاء و ذلیل کننده دشمنان او.»

در زیارت آن حضرت می خوانیم:

---

۱- این اسم در اشراق اول نیز آمده است.

«السَّلَامُ عَلَىٰ مُعِزِّ الْأَوْلِيَاءِ»

«سلام بر عزیز کننده اولیاء.»

۱۱۲- معز المؤمنین علیه السلام

در استغاثه به آن حضرت می خوانیم:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُعِزُّ الْمُؤْمِنِينَ»

«سلام بر تو ای عزیز کننده مؤمنین.»

۱۱۳- معز المستغفرین علیه السلام

در استغاثه به آن حضرت می خوانیم:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُعِزُّ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُسْتَغْفِرِينَ»

«سلام بر تو ای عزیز کننده مؤمنین و ضعیفان.»

۱۱۴- مطهر علیه السلام (۱)

در استغاثه به آن حضرت می خوانیم:

«وَالْمُطَهِّرِ الْأَرْضَ وَ نَاشِرِ الْعَدْلِ»

«و تطهیر کننده زمین با انتشار عدل.»

۱۱۵- مشهود علیه السلام

در زیارت امام هادی علیه السلام خطاب به امام زمان علیه السلام می خوانیم:

«الْيَوْمَ الْمُؤْتُوذِ وَالشَّاهِدِ وَالْمَشْهُودِ»

«اوست روز مؤتود، و اوست شاهد، اوست مشهود.»

---

۱- این اسم در اشراق اول نیز آمده است.

۱۱۶- مظهر الفضایح علیه السلام

در استغاثه به آن حضرت می خوانیم:

«وَلِصِفْوَةِ صَاحِبِ الزَّمَانِ وَمَظْهَرِ الْإِيمَانِ»

«و تو هستی همان صاحب الزمان که مظهر ایمان کامل است.»

۱۱۷- مُلَقِّنُهُ علیه السلام

در استغاثه به آن حضرت می خوانیم:

«وَمَظْهَرِ الْإِيمَانِ وَ مُلَقِّنِ أَحْكَامِ الْقُرْآنِ»

«و او مظهر ایمان و تلقین کننده احکام قرآن می باشد.»

۱۱۸- مدخر علیه السلام

در دعای ندبه می خوانیم:

«أَيْنَ الْمُدْخَرِ التَّجْدِيدِ الْفَرَائِضَ وَالسُّنَنِ»

«کجاست ذخیره خدا برای تجدید فرایض و سنن.»

۱۱۹- متخیر علیه السلام

در دعای ندبه می خوانیم:

«أَيْنَ الْمُتَخِيرِ وَ لِإِعَادَةِ الْمِلَّةِ وَالشَّرِيعَةِ»

«کجاست آن انتخاب شده برای بازگرداندن کیش و آئین.»

۱۲۰- میثاق الله علیه السلام

در زیارت آل یاسین می خوانیم:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِيثَاقَ اللَّهِ الَّذِي أَخَذَ وَ كَدَّهُ»



«سلام بر تو ای پیمان محکم خدا که آن را گرفته از مردم و تأیید کرده.»

### ۱۲۱- مهبط الوحی ﷺ

چنانچه در زیارت جامعه کبیره می خوانیم:

«وَ مُخْتَلَفَ الْمَلَائِكَةِ وَ مَهْبِطَ الْوَحْيِ»

«ای مرکز رفت و آمد فرشتگان و ای فرودگاه وحی»

### ۱۲۲- منتهی الحلم ﷺ

چنانچه در زیارت جامعه کبیره می خوانیم:

«وَ خُزَانَ الْعِلْمِ وَ مُنْتَهَى الْحِلْمِ»

«و خزانه دارهای دانش و نهلیتبردباری.»

### ۱۲۳- معدن الله ﷺ

چنانچه در زیارت جامعه کبیره می خوانیم:

«وَ أَنْتُمْ أَهْلُهُ وَ مَعْدَنُهُ»

«تو هستی اهل خدا و معدن خدا.»

### ۱۲۴- مذل الاعداء ﷺ

در استغاثه به آن حضرت می خوانیم:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُذِلُّ الْكَافِرِينَ الظَّالِمِينَ الْمُتَكَبِّرِينَ»

«سلام بر تو ای ذلیل کننده کافرین و ظالمین و متکبرین.»

در دعای ندبه می خوانیم:

«أَيْنَ مُعْزُ الْأَوْلِيَاءِ وَ مُذِلُّ الْأَعْدَاءِ»

«کجاست عزیز کننده اولیاء و ذلیل کننده اعداء.»

### ۱۲۵- معصوم علیه السلام

در زیارت جامعه کبیره می خوانیم:

«أَشْهَدُ أَنْكُمْ الْأَئِمَّةَ الرَّاشِدُونَ الْمَهْدِيُونَ الْمُعْصُومُونَ الْمَكْرُمُونَ»

«شهادت می دهم که شما ائمه همه، راشد هستید هم، هدایت کننده و هم

معصوم و هم مورد تکریم.»

### ۱۲۶- مکروم علیه السلام

«أَشْهَدُ أَنْكُمْ الْأَئِمَّةَ الرَّاشِدُونَ الْمَهْدِيُونَ الْمُعْصُومُونَ الْمَكْرُمُونَ»

«شهادت می دهم که شما ائمه همه راشد هستید هم هدایت کننده و هم

معصوم و هم مورد تکریم.»

### ۱۲۷- مقرب علیه السلام

«أَشْهَدُ أَنْكُمْ الْأَئِمَّةَ الرَّاشِدُونَ الْمَهْدِيُونَ الْمُعْصُومُونَ الْمَكْرُمُونَ

الْمَقْرَبُونَ»

«شهادت می دهم که شما ائمه همه راشد هستید هم هدایت کننده و هم

معصوم و هم مورد تکریم و مقرب هستید در پیشگاه خداوند متعال.»

### ۱۲۸- مصطفی علیه السلام

در زیارت جامعه کبیره می خوانیم:

«إِصْطَفَاكُمْ بِعِلْمِهِ»

«برگزیده شما به دانش خود.»

مصطفی هم یکی از لقبهای معروف نبی مکرم اسلام ﷺ است و در زیارت جامعه این لقب را برای تمام ائمه اطهار علیهم السلام می خوانیم:

۱۲۹- مُبِيدٌ علیه السلام

در دعای ندبه می خوانیم:

«أَيْنَ الْمُبِيدِ الْعَتَاةِ وَالْمَرَدَّةِ»

«کجاست نابود کنندگان سرکشان و متمردان.»

و باز هم در دعای ندبه می خوانیم:

«أَيْنَ مُبِيدِ أَهْلِ الْفُسُوقِ وَالْعِصْيَانِ وَالطُّغْيَانِ»

«کجاست نابود کننده اهل فسق و گناه و سرکشان و ظالمان.»

۱۳۰- مُسْتَأْصِلٌ علیه السلام

در دعای ندبه می خوانیم:

«أَيْنَ مُسْتَأْصِلِ أَهْلِ الضَّادِ التَّضْلِيلِ وَالْإِحَادِ»

«کجاست برکننده ریشه اهل عناد و گمراه کنندگان و بی دینان.»

۱۳۱- مؤلفٌ علیه السلام

در دعای ندبه می خوانیم:

«أَيْنَ مَوْلَفُ شَمْلِ الصَّلَاحِ وَالرِّضَا»

«کجاست جمع آوری کننده جامعه صلاح و بر طرف کننده پسریشانی و

خوشنود کننده دلها.»

۱۳۲- مرتضی علیه السلام

در زیارت جامعه کبیره می خوانیم:

«إِرْتِضَاكُمْ لِعَيْبَتِهِ»

«پسندیده شما را برای علوم غیب خود.»

۱۳۳- مجتبی علیه السلام

در زیارت جامعه کبیره می خوانیم:

«وَاجْتَبَيْتَنَا بِقُدْرَتِهِ»

«و برگزیده شما را به نیروی خود.»

۱۳۴- مَرْضَاتِ اللَّهِ علیه السلام

در زیارت نرجس خاتون می خوانیم:

«أَشْهَدُ أَنَّكَ أَحْسَنْتِ الْكِفَالََةَ وَ أَدَيْتِ الْأَمَانَةَ وَ اجْتَهَدْتِ فِي مَرْضَاتِ

اللَّهِ وَ صَبَرْتِ فِي ذَاتِ اللَّهِ»

«شهادت می دهم که تو به خوبی انجام دادی کفالت او را و ادا کردی

امانت او را و جهاد کردی در مورد او که مرضات خداست و صبر کردی در

ذات خدا.»

۱۳۵- نور الخیار علیه السلام

در زیارت جامعه کبیره می خوانیم:

«وَ أَنْتُمْ نُورُ الْأَخْيَارِ وَ هُدَاتُ الْأَبْرَارِ»

«شما هستید نورهای خیره کننده و شما هستید هدایت های ابرار.»

۱۳۶- نقی علیه السلام

در دعا برای آن حضرت می خوانیم:

«وَأَنَّهُ الْهَادِي الْمُهْتَدِي الطَّاهِرِ التَّقِي النَّقِيِّ الرَّضِيِّ الزَّكِيِّ»

«و اوست هدایت شده ای که هدایت می کند و پاک است و تقی و تقی و

رضی و زکی.»

۱۳۷- نعمت الله علیه السلام

در دعای ندبه می خوانیم:

«بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ تِلَادِ نَعَمٍ لِاتِّضَاهِي»

«جانم فدای تو از نعمتهای دیرین خاص خدایی که مانندای نخواهی

داشت.»

۱۳۸- وارث علیه السلام

در زیارت آن حضرت می خوانیم:

«مَوَارِيثَ الْأَنْبِيَاءِ»

«سلام بر وارث انبیاء»

۱۳۹- وهول علیه السلام

نام ائمه معصومین علیهم السلام در تورات حضرت موسی علیه السلام از این قرار است:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

امام علی علیه السلام

امام حسن علیه السلام

امام حسین علیه السلام

شموعل

شماسیحوا

وهی هر

حی ابثوا

بمادثیم	امام سجاد <small>علیه السلام</small>
عوشود	امام باقر <small>علیه السلام</small>
بسّم	امام صادق <small>علیه السلام</small>
بولید	امام کاظم <small>علیه السلام</small>
بشیرالعوی	امام رضا <small>علیه السلام</small>
خوم لوم	امام جواد <small>علیه السلام</small>
کودود	امام هادی <small>علیه السلام</small>
عان لاندبود	امام عسکری <small>علیه السلام</small>
وهول	امام مهدی <small>علیه السلام</small>

#### ۱۴۰- ولی نعم علیه السلام

در زیارت جامعه کبیره می خوانیم:

«وَقَادَةَ الْأُمَمِ وَ أَوْلِيَاءِ النِّعَمِ»

«و پیشوایان امتها و اولیاء تمام نعمتها.»

#### ۱۴۱- ولی الجحی علیه السلام

در زیارت جامعه کبیره می خوانیم:

«و ذَوِي النُّهْيِ وَ أَوْلِي الْجُحِيِّ»

«و صاحبان خرد و ولی های عقل کامل.»

#### ۱۴۲- ولی الناصح علیه السلام

در دعای بعد از زیارت آل یاسین می خوانیم:

«وَوَلِيَّ النَّاصِحِ»

«و تو هستی ولی ناصح خدا.»

۱۴۳- ولی المؤمنین ﷺ

در دعای آن حضرت می خوانیم:

«وَوَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ»

«و ولی هستی بر تمام مومنین.»

۱۴۴- ناشر ﷺ

در استغاثه به آن حضرت می خوانیم:

«وَمُطَهِّرِ الْأَرْضِ وَ نَاشِرِ الْعَدْلِ فِي طُولِ وَالْعَرْضِ»

«تو پاک کننده زمین هستی و انتشار دهنده عدل در طول و عرض زمین.»

۱۴۵- نورالله ﷺ

در زیارت آن حضرت می خوانیم:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ الَّذِي لَا يُطْفِئُ»

«سلام بر تو ای نور خدا که خاموشی ندارد.»

در زیارت جامعه کبیره می خوانیم:

«وَحُجَّتِهِ وَ صِرَاطِهِ وَ نُورِهِ»

«تو حجت خدایی و راه خدایی و نور خدایی.»

و باز هم در زیارت جامعه کبیره می خوانیم:

«وَتَمَامَ نُورِهِمْ»

«و کامل بودن نور شما»

در زیارت جامعه کبیره باز هم می خوانیم:

«أَنْتَجِبُكُمْ لِنُورِهِ»

«برگزید شما را برای نور خود.»

در زیارت امام هادی علیه السلام خطاب به امام عصر علیه السلام می خوانیم:

«وَلِنُورٍ لَا زَهْرَ الضِّيَاءِ النُّورِ»

«و تو نور زاهدی که شعای نور زیاد است.»

در زیارت نامه آن حضرت می خوانیم:

«السَّلَامُ عَلَى النُّورِ الْبَاهِرِ»

«سلام بر تو ای نور باهر.»

در زیارت دیگر حضرت می خوانیم:

«وَعَلَّمَ الْهُدَىٰ وَنُورَ الْأَبْصَارِ الْوَرَىٰ»

«تویی علم هدایت و نور چشمهایی که می بینند.»

در زیارت دیگر آن حضرت می خوانیم:

«وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضَ لِنُورِكُمْ»

«و شما هستید روشنایی کننده زمین.»

در زیارت سرداب حضرت می خوانیم:

«السَّلَامُ عَلَى لِنُورِ الَّذِي أَرَادَ أَهْلَ الْكُفْرِ إِطْفَاءَهُ فَابَى اللَّهُ أَنْ يَتِمَّ نُورُهُ»

«الَّذِي»

«سلام بر نوری که اراده کردند اهل کفر خاموش کردند آنها و امتناع کرد

خداوند آنخواست جز آنکه نور خود را کامل گرداند.»



۱۴۶- نجم عَلَيْهِ السَّلَامُ (۱)

در دعای ندبه می خوانیم:

«أَيْنَ الْأَنْجُمِ الزَّاهِرَةُ»

«کجاست ستاره زاهر شده.»

۱۴۷- نصر عَلَيْهِ السَّلَامُ (۲)

در دعای آن حضرت می خوانیم:

«ذَخَرَكَ اللَّهُ لِنَصْرَةِ الدِّينِ»

«وای ذخیره خدا دریا وری دین.»

در دعای بعد از زیارت آل یاسین می خوانیم:

«بَانْصِرِ وَانْصِرْ نَاصِرِيَّةً»

«خدایا یا ریش کن، یک یاری که با پیروزی باشد.»

۱۴۸- ناطق عَلَيْهِ السَّلَامُ (۳)

در زیارت عاشورا خطاب به امام عصر عَلَيْهِ السَّلَامُ می خوانیم:

«وَ أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِكُمْ مَعَ إِمَامٍ مَهْدِيٍّ هُدَىٰ ظَاهِرٍ نَاطِقٍ بِالْحَقِّ»

«و نزد خدا روزیم کن خونخواهی شما را همراه رهبر و راهنمای ظاهر و

گویای به حق.»

در دعای بعد از زیارت آل یاسین می خوانیم:

«وَ نَاطِقٍ بِالْحِكْمَةِ»

«و گویاست به حکمت.»

---

۱- این اسم در اشراق دوم نیز آمده است. ۲- این اسم در اشراق اول نیز آمده است.

۳- این اسم در اشراق دوم نیز آمده است.

۱۴۹- هادم علیه السلام

در دعای ندبه می خوانیم:

«أَيْنَ هَادِمِ ابْنِيَةِ الشِّرْكِ وَالنِّفَاقِ»

«کجاست هلاک کننده انسانهای شرک و نفاق.»

۱۵۰- هادی <sup>(۱)</sup>

در دعای برای آن حضرت می خوانیم:

«وَأَنَّهُ الْهَادِي الْمُهْتَدِي»

«و این که اوست رهبر راه یافته.»

در دعای برای آن حضرت می خوانیم:

«رَضِيْتُكَ يَا مَوْلَايَ إِمَامًا وَ هَادِيًا وَ وَلِيًّا وَ...»

«راضی هستم از تو ای مولای من و امام و هدایت کننده ام و ولیم.»

در دعای عهد آن حضرت می خوانیم:

«اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَانَا الْإِمَامِ الْهَادِي الْمُهْتَدِي»

«خدایا تقرب می جویم به سوی امام که هادی است و مهدی.»

۱۵۱- وتر علیه السلام <sup>(۲)</sup>

در یکی از زیارات حضرت می خوانیم:

«وَالْوَتْرِ الْمُؤْتُورِ»

«و تنها خون خواه.»

---

۱- این اسم در اشراق دوم نیز آمده است. ۲- این اسم در اشراق دوم نیز آمده است.

۱۵۲- وجه الله ﷺ (۱)

در دعای ندبه می خوانیم:

«أَيْنَ وَجْهُ اللَّهِ الَّذِي يَتَوَجَّهَ الْأَوْلِيَاءُ»

«کجاست وجه خدا از باقی مانده وجه های اولیاء.»

در زیارت آن جناب می خوانیم:

«السَّلَامُ عَلَى وَجْهِ اللَّهِ»

«سلام بر تو ای وجه خدا.»

۱۵۳- ولی الله ﷺ

در زیارت نرجس خاتون می خوانیم:

«وَ حَفَظْتَ سِرَّ اللَّهِ وَ حَمَلْتَ وَ لِيَّ اللَّهُ»

«و حفظ کردی سر خدا را و در شکم حمل کردی ولی خدا را.»

در دعای آن حضرت می خوانیم:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَ لِيَّ اللَّهُ»

«سلام بر تو ای ولی خدا.»

در زیارت سرداب حضرت می خوانیم:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَ لِيَّ اللَّهُ»

«سلام بر تو ای ولی خدا.»

۱۵۴- وصی الاوصیاء ﷺ

در زیارت آن حضرت می خوانیم:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَصِيَّ الْأَوْصِيَاءِ الْمَاضِينَ»

«سلام بر تو ای جانشین جانشینان گذشته.»

۱۵۵- وَعْدَ اللَّهِ ﷺ (۱)

در زیارت آل یاسین می خوانیم:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَعْدَ اللَّهِ الَّذِي ضَمِنَهُ»

«سلام بر تو ای وعده داده شده خدا که ضمانت نموده او را.»

باز هم در زیارت آل یاسین می خوانیم:

«وَعْدًا غَيْرَ مَكْذُوبٍ»

«ای وعده داده شده ای که تکذیب نمی شود.»

در دعای آن حضرت می خوانیم:

«وَأَنَّ وَعْدَ اللَّهِ فِيكَ الْحَقُّ»

«وای وعده داده شده خدا به سوی حق.»

۱۵۶- وَصِي الْأَنْبِيَاءِ ﷺ

در زیارت جامعه کبیره می خوانیم:

«وَأَوْصِيَاءِ النَّبِيِّ وَذُرِّيَةِ رَسُولِ اللَّهِ»

«و اوصیا پیغمبر خدا فرزندان پیغمبر خدا.»

۱۵۷- يُنَزِّلُ الْغَيْثَ ﷺ

در زیارت آن حضرت می خوانیم:

«وَبِكُمْ يُنَزِّلُ الْغَيْثَ»

«و بوسیله شما فرستاد باران را.»

### ۱۵۸- قاتل الکفرة ﷺ

یعنی کسی که به قتل می‌رساند تمام کفار را.

چنانچه در دعای ندبه می‌خوانیم:

«أَيْنَ الْمَعْدُ لِقَطْعِ ذَابِرِ الظَّلمَةِ، أَيْنَ الْمُنْتَظِرُ وَ لاقامةِ الأمةِ وَ العوجِ،  
أَيْنَ المرْتَجى لِإزالةِ الجورِ وَ العُدوانِ»

«کجاست آماده‌کننده برای ریشه کن کردن ستمکاران، کجاست آن منتظر برای راست کردن کجی و نادرستی، کجاست آن جایگاه امید برای بر انداختن ستم و بیدادگری.»

و باز هم در دعای ندبه می‌خوانیم:

«أَيْنَ قاصِمِ شوكةِ المعتدِینِ، أَيْنَ هادِمِ أبنيةِ الشِّرْكِ وَ النِّفاقِ، أَيْنَ  
مبیدِ أهلِ الفُسوقِ وَ العِصیانِ وَ الطُّغیانِ، أَيْنَ حاصِدِ فُرُوعِ الغیِ وَ  
الشِّقاقِ، أَيْنَ طامِسِ آثارِ الزَّیغِ وَ الأهواءِ، أَيْنَ قاطِعِ حَبائِلِ الكِذِبِ وَ  
الإفْتراءِ، أَيْنَ مَبیدِ العُتادِ.»

«کجاست در هم شکننده شوکت متجاوزین، کجاست ویران کننده بنیانهای شرک و نفاق، کجاست نابود کننده اهل فسق و گناه و سرکشان و ظالمان، کجاست آن درو کننده شاخه‌های گمراهی و نهال دشمنی و اختلاف، کجاست محو کننده آثار کج دلی و کجیها اندیشه‌های باطل و هوا پرستی، کجاست قطع کننده ریشه‌های دروغ و افتراء و کجاست نابود کننده سرکشان و نابود کنندگان.»

### ۱۵۹- قاسم ﷺ

در دعای ندبه می‌خوانیم:

«أَيْنَ القاسِمِ شوكةِ المعتدِینِ»

«کجاست در هم شکننده شوکت متجاوزین و ستمکاران.»

### ۱۶۰- ناصر علیه السلام

در زیارت آل یاسین می خوانیم:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَ نَاصِرَ حَقِّهِ»

«سلام بر تو ای خلیفه خدا و یاری دهنده خلق خدا.»

### ۱۶۱- یعسوب المتقین علیه السلام

در زیارت آن حضرت می خوانیم:

«يَعْسُوبَ الْمُتَّقِينَ»

«و اوست یعسوب انسانهای متقی»

### ۱۶۲- لسان الله علیه السلام

در دعا برای آن حضرت می خوانیم:

«اللَّهُمَّ ادْفَعْ عَنِّي وَلِيكَ وَ خَلِيفَتِكَ وَ حُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ وَ لِسَانِكَ»

«خدایا دفع کن از ولایت که خلیفه توست و حجة تو بر خلق تو و زبان

توست»

**اشراق چهارم**  
**اسماءِ حضرت در**  
**کتب بزرگان**

۱- ابوالقاسم علیه السلام (۱)

ابن سهل نوبختی گوید:

آن جناب مکئی است به، ابوالقاسم (۲)

۲- اصل علیه السلام

چون در زمان غیبت صغیر در آن خفقان کسی حقّ نداشت نام آن حضرت را ببرد، لذا آن حضرت را به این لقب می خواندند. (۳)

۳- اصل ظاهر علیه السلام

وجه بودن امام به نام «اصل ظاهر» معلوم نیست که کدام امام می باشد، لیکن چون که ایشان اصل هر علم و خیر و برکت و فیض می باشد و هیچ حقّی در دست احدی نیست، مگر آنکه انتها یابد به ایشان و نعمتی به احدی نمی رسد، مگر به سبب ایشان و ایشان هستند، مرجع بندگان در دنیا و آخرت و مقصود اصلیند، از خلقت جمیع عوامل علویه و سفلیه.

۴- اوقیدمو علیه السلام

نام آن حضرت در کتاب تورات بلغت ترکوم می باشد. (۴)

۵- ایزد شناس علیه السلام

شیخ بهایی علیه السلام گوید:

۱ - این اسم در اشراق دوم نیز آمده است. ۲ - نجم الثاقب.

۳ - نجم الثاقب. ۴ - نجم الثاقب.



«فارسیان و فارس زبانان، آن حضرت را به این نام می شناسند.»<sup>(۱)</sup>

۶- ایزد نشان علیه السلام

شیخ بهایی علیه السلام گوید:

«فارسی زبانان آن حضرت را به این نام می شناسند.»<sup>(۲)</sup>

۷- ایستاده علیه السلام

مرحوم میرزای نوری علیه السلام آن را از اسماء حضرت دانسته است.<sup>(۳)</sup>

۸- اذن سامعه علیه السلام

مرحوم میرزای نوری علیه السلام آن را از اسماء حضرت دانسته است.<sup>(۴)</sup>

۹- اولیاء النعم علیه السلام

مرحوم میرزای نوری علیه السلام آن را از اسماء حضرت دانسته است.<sup>(۵)</sup>

۱۰- بهرام علیه السلام

مرحوم میرزای نوری علیه السلام آن را از اسماء حضرت دانسته است.<sup>(۶)</sup>

---

۲- نجم الثاقب.

۱- کشکول.

۴- نجم الثاقب.

۳- کشکول.

۶- نجم الثاقب.

۵- نجم الثاقب.

۱۱ - بنده یزدان علیه السلام

مرحوم میرزای نوری رحمته الله آن را از اسماء حضرت دانسته است. (۱)

۱۲ - بهاء علیه السلام

علامه حسن زاده آملی آن را از اسماء حضرت دانسته است. (۲)

۱۳ - باعث علیه السلام

«چون آن حضرت باعث بوجود آمدن هر چیزی می باشد، لذا یکی از اسماء آن حضرت، باعث می باشد.» (۳)

۱۴ - تمکین علیه السلام

علامه حسن زاده آملی آن را از اسماء حضرت دانسته است. (۴)

۱۵ - جابر علیه السلام

این لقب از خصایص آن حضرت است، که فرج اعظم و گشایش همه کارها و، خرسندی همه قلوب شکسته و انبساط همه قلوب منبسطه و محزون و شفای همه امراض، از برکت وجود ایشان می باشد.»

۱۶ - الجانب علیه السلام

علامه حسن زاده آملی آن را از اسماء حضرت دانسته است. (۵)

---

۲ - نهج الولاية.

۴ - نهج الولاية.

۱ - نجم الثاقب.

۳ - بیعة الله.

۵ - نهج الولاية.

۱۷ - حامد علیه السلام

مرحوم میرزای نوری آن را از اسماء حضرت دانسته است. (۱)

۱۸ - حمد علیه السلام

مرحوم میرزای نوری علیه السلام آن را از اسماء حضرت دانسته است. (۲)

۱۹ - حاشر علیه السلام

نام آن حضرت در کتاب صحف حضرت ابراهیم علیه السلام می باشد. (۳)

۲۰ - خاتم الائمة علیه السلام

چون در فرقه شیعه دوازده امامی ایشان ختم کننده ائمه هدایت می باشند.  
به این نام، لقب گرفته است.

۲۱ - خجسته علیه السلام

مرحوم میرزای نوری علیه السلام آن را از اسماء حضرت دانسته است. (۴)

۲۲ - خسرو علیه السلام

مرحوم میرزای نوری علیه السلام آن را از اسماء حضرت دانسته است. (۵)

۲۳ - خلیل علیه السلام

مرحوم میرزای نوری رحمته الله علیه آن را از اسماء حضرت دانسته است. (۱)

۲۴ - نية الصابرين علیه السلام

مرحوم میرزای نوری رحمته الله علیه آن را از اسماء حضرت دانسته است. (۲)

۲۵ - دادگستر علیه السلام

چون آن حضرت با ظهور خود عدل داد را بر تمام جهان گسترش می دهد.  
به این اسم لقب گرفته است. (۳)

۲۶ - ذات العرض علیه السلام

علامه حسن زاده آملی آن را از اسماء دانسته است. (۴)

۲۷ - راهنما علیه السلام

مرحوم میرزای نوری رحمته الله علیه آن را از اسماء حضرت دانسته است. (۵)

۲۸ - زند علیه السلام

مرحوم میرزای نوری رحمته الله علیه آن را از اسماء حضرت دانسته است. (۶)

---

۲ - نجم الثاقب.

۴ - نهج الولایه.

۶ - نجم الثاقب.

۱ - نجم الثاقب.

۳ - بیعة الله.

۵ - نجم الثاقب.

۲۹ - سرورش علیه السلام

مرحوم میرزای نوری علیه السلام آن را از اسماء حضرت دانسته است. (۱)

۳۰ - نائب علیه السلام

علامه حسن حسن زاده آملی آن را از اسماء حضرت دانسته است. (۲)

۳۱ - سناء علیه السلام

مرحوم میرزای نوری علیه السلام آن را از اسماء حضرت دانسته است. (۳)

۳۲ - سید علیه السلام (۴)

«روایت است که خیزرانی، از کنیزی که او را هدیه کرده بود برای امام حسن عسکری علیه السلام خبر داده بود، او را آنچه جاری می شد بر عیال او، پس سوال کرد از آن جناب که دعا کند، برای او که مردنش را پیش از او قرار دهد، پس فوت شد در حیات آن حضرت و بر قبر وی لوحی بود، که نوشته بود بر آن که، این قبر مادر م ح م د است و آن کنیزک گفت:

«که چون سید متولد شد نوری دید، برای آن جناب که ساطع بود از او رسید، تا به آسمان و مرغان سفیدی را که از آسمان فرود می آیند، و بال خود را و سر و رو و سایر جسد آن جناب می مالند، آنگاه پرواز می کردند.

پس به امام حسن عسکری علیه السلام خبر دادیم، خندید و فرمودند:

«که آنها ملائکه آسمان بودند، نازل شدند که متبرک شوند به او، و به

۱ - نجم الثاقب.

۲ - نهج الولاية.

۳ - نجم الثاقب.

۴ - این اسم در اشراق سوم نیز آمده است.

ایشان انصار گویند.»<sup>(۱)</sup>

### ۳۳ - شماطیل علیه السلام

مرحوم میرزای نوری رحمته الله آن را از اسماء حضرت دانسته است.<sup>(۲)</sup>

### ۳۴ - شفق علیه السلام

علامه حسن زاده آملی آن را از اسماء حضرت دانسته است.<sup>(۳)</sup>

### ۳۵ - شرید علیه السلام (۴)

«شرید به معنی: رانده شده است، یعنی: از این خلق منکوس، که نه جانبش را داشتند و نه قدر وجود نعمتش را دانستند و نه در ادای شکرگزاری و اداء حقش بر آمدند، بلکه پس از اوائل ایشان از غلبه و تسلط بر آن جناب، قتل و قمع ذریه طاهره ایشان اخلاف ایشان اهانت زبان و قلم و نفی و طردش را قلوب بر آمدند و ادله بر اصل نبودن و نفی تولدش اقامه نمودن و خاطرها را از یادش محو کردند.

خود آن حضرت به علی بن مهزیار اهوازی فرمود:

«پدرم به من وصیت نمود: که منزل نگیرم در زمین، مگر جایی که در آن از همه جا مخفی تر و دورتر باشد، به جهت پنهان نمودن امر خود و محکم نمودن محل خود از مکائد اهل ضلال.»

پدرم به من فرمود: «بر تو باد ای پسر من، به ملازمت جاهای پنهان از زمین و طلب کردن دورترین آن، زیرا که برای هر ولیّی از اولیاء خداوند تعالی دشمنی است و مغالب

۱ - ارشاد شیخ صدوق رحمته الله.

۲ - نجم الثاقب.

۳ - نهج الولاية.

۴ - این اسم در اشراق سوم نیز آمده است.

و ضدی است منازع»<sup>(۱)</sup>

### ۳۶- صالح رضی الله عنه

«مرحوم میرزای نوری رضی الله عنه آن را از اسماء حضرت دانسته است.»<sup>(۲)</sup>

### ۳۷- صاحب ناحیه رضی الله عنه

چون در زمان غیبت صغری در آن خفقان کسی حقّ نداشت نام آن حضرت را ببرد، لذا آن حضرت را به این اسم می خواندند.<sup>(۳)</sup>

### ۳۸- صاحب توقیع رضی الله عنه

چون وقتی نامه ها و توقیع ها از طرف آن جناب صادر می شد، کسی حقّ نداشت، نام آن حضرت را ببرد، لذا او را به این نام می خواندند.

### ۳۹- صاحب رضی الله عنه

چون آن حضرت صاحب هر چیزی و همه چیزها می باشد به این نام لقب گرفته اند. «گفته اند، نام آن حضرت در کتاب حضرت ابراهیم رضی الله عنه صاحب می باشد.»<sup>(۴)</sup>

### ۴۰- صاحب الرجعة رضی الله عنه

«رجعة» از ریشه «رَجَع» و «رجعت» می باشد به معنی: بازگشت. چون آن حضرت از نظرها پنهان شده است، روزی به سوی مردم بازگشت خواهد شد، اسم ایشان صاحب الرجعة نیز می باشد.

---

۲- نجم الثاقب.

۴- نجم الثاقب.

۱- نجم الثاقب.

۳- نجم الثاقب.

#### ۴۱- صاحب العصر علیه السلام

این اسم، از اسماء معروف حضرت می باشد.

#### ۴۲- صاحب الدولة الزهراء علیها السلام

شاید منظور از دولت حضرت علیها السلام همان زمینهای فدک با آن احوال است، چرا که در روایات وارد شده، که پولی که حضرت از زمینهای فدک بدست می آورد، هفتاد برابر خرج سالیانه مدینه بود و حضرت همه آن را به فقراء می بخشید.

#### ۴۳- صاحب الامر علیه السلام

چون آن حضرت امرکننده به تمام چیزها بعد از ظهور می باشد، به این اسم شهرت گرفته است.

#### ۴۴- ضیاء علیه السلام

مرحوم میرزای نوری رحمته الله آن را از اسماء حضرت دانسته است. (۱)

#### ۴۵- الطالب تراث علیه السلام

مرحوم میرزای نوری رحمته الله آن را از اسماء حضرت دانسته است. (۲)

#### ۴۶- طرید

مرحوم میرزای نوری رحمته الله آن را از اسماء حضرت دانسته است. (۳)

---

۲- نجم الثاقب.

۱- نجم الثاقب.

۳- نجم الثاقب.



#### ۴۷- عزت علیه السلام

مرحوم میرزای نوری علیه السلام آن را از اسماء حضرت دانسته است. (۱)

#### ۴۸- عین الناظره علیه السلام

علامه حسن زاده آملی آن را از اسماء حضرت دانسته است. (۲)

#### ۴۹- عاقبة الدار علیه السلام

علامه حسن زاده آملی آن را از اسماء حضرت دانسته است. (۳)

#### ۵۰- غایة القصوی

علامه حسن زاده آملی آن را از اسماء حضرت دانسته است. (۴)

#### ۵۱- غریم علیه السلام

غریم به معنای طلب کار است و این لقب مثل غلام در تعبیر از آن حضرت از روی تقیه بوده است، که چون شیعیان می خواستند مالی خدمت آن حضرت و وکلایش بفرستند یا وصیت کنند، یا از جانب جانبش مطالبه کنند، به این اسم می خواندند و از غالب ارباب ذرع و تجارت و حرفه و صناعت طلب کار بود.  
علامه مجلسی فرمودند:

«ممکن است غریم به معنی بده کار باشد و نام بردن آن جناب به این اسم از جهت تشبیه آن حضرت باشد به شخص مدیون، که خود را مخفی می کند از مردم، به علت دیون خود، یا آنکه چون مردم آن جناب را طلب می کنند، که اخذ علوم و شرایع از حضرتش نمایند، آن جناب می گریزد از ایشان به جهت تقیه، پس آن حضرت غریم مستتر

۱- نجم الثاقب.

۲- نهج الولاية.

۳- نهج الولاية.

۴- نهج الولاية.

است. (۱)

۵۲ - غلام رضی الله عنه

مرحوم میرزای نوری رضی الله عنه آن را از اسماء حضرت دانسته است. (۲)

۵۳ - فردوس الاکبر رضی الله عنه

نام آن حضرت در کتاب قبرس رومیان می باشد. (۳)

۵۴ - فیروز رضی الله عنه

نام آن حضرت در کتاب فرزندگان می باشد. (۴)

۵۵ - فرخنده رضی الله عنه

نام آن حضرت در کتاب شینان پیغمبر می باشد. (۵)

۵۶ - فقیه رضی الله عنه

محمد بن عبدالله حمیری گوید:

«گفتم، نوشتم به «فقیه» و روایت کردم از او که آیا جایز است که تسبیح بفرستد مرد به

خاک قبر حسین رضی الله عنه، آیا در او فضلی است؟ پس جواب داد و من خواندم توقیع را

و...» (۶)

---

۲ - نجم الثاقب.

۴ - نجم الثاقب.

۶ - نجم الثاقب.

۱ - نجم الثاقب.

۳ - نجم الثاقب.

۵ - نجم الثاقب.

۵۷- القيامة عنه

علامه حسن زاده آملی آن را از اسماء حضرت دانسته است. (۱)

۵۸- القوه عنه

علامه حسن زاده آملی آن را از اسماء حضرت دانسته است. (۲)

۵۹- القدره عنه

علامه حسن زاده آملی آن را از اسماء حضرت دانسته است. (۳)

۶۰- القابض عنه

مرحوم میرزای نوری عنه آن را از اسماء حضرت دانسته است. (۴)

۶۱- قسط عنه

مرحوم میرزای نوری عنه آن را از اسماء حضرت دانسته است. (۵)

۶۲- کمال عنه

مرحوم میرزای نوری عنه آن را از اسماء حضرت دانسته است. (۶)

۶۳- کلمة الحق عنه

مرحوم میرزای نوری عنه آن را از اسماء حضرت دانسته است. (۷)

---

۲- نهج الولایه.

۴- نجم الثاقب.

۶- نجم الثاقب.

۱- نهج الولایه.

۳- نهج الولایه.

۵- نجم الثاقب.

۷- نجم الثاقب.

۶۴ - کيقباد علیه السلام

مرحوم ميرزای نوری علیه السلام آن را از اسماء حضرت دانسته است. (۱)

۶۵ - کوکما علیه السلام

مرحوم ميرزای نوری علیه السلام آن را از اسماء حضرت دانسته است. (۲)

۶۶ - کرار علیه السلام

علامه حسن زاده آملی آن را از اسماء حضرت دانسته است. (۳)

۶۷ - لنديطارا علیه السلام

مرحوم ميرزای نوری علیه السلام آن را از اسماء حضرت دانسته است. (۴)

۶۸ - لسان الصدق علیه السلام

مرحوم ميرزای نوری علیه السلام آن را از اسماء حضرت دانسته است. (۵)

۶۹ - لواء العظم علیه السلام

مرحوم ميرزای نوری علیه السلام آن را از اسماء حضرت دانسته است. (۶)

---

۲ - نجم الثاقب.

۴ - نجم الثاقب.

۶ - نجم الثاقب.

۱ - نجم الثاقب.

۳ - نهج الولاية.

۵ - نجم الثاقب.

۷۰- ماشع رحمته

مرحوم میرزای نوری رحمته آن را از اسماء حضرت دانسته است. (۱)

۷۱- مهמיד الاخر رحمته

نام آن حضرت در کتاب انجیل می باشد. (۲)

۷۲- مخبر بما لا یعلن رحمته

مرحوم میرزای نوری رحمته آن را از اسماء حضرت دانسته است. (۳)

۷۳- مجازی بالاعمال رحمته

مرحوم میرزای نوری رحمته آن را از اسماء حضرت دانسته است. (۴)

۷۴- مظهر الفضائح رحمته (۵)

مرحوم میرزای نوری رحمته آن را از اسماء حضرت دانسته است. (۶)

۷۵- منعم رحمته

مرحوم میرزای نوری رحمته آن را از اسماء حضرت دانسته است. (۷)

- 
- ۱- نجم الثاقب. ۲- نجم الثاقب.  
۳- نجم الثاقب. ۴- نجم الثاقب.  
۵- این اسم در اشراق سوم نیز آمده است. ۶- نجم الثاقب.  
۷- نجم الثاقب.

۷۶- المدیل رضی اللہ عنہ

علامه حسن زاده آملی آن را از اسماء حضرت دانسته است. (۱)

۷۷- من لم يجعل من قبل سمياً ای مشبهاً رضی اللہ عنہ

علامه حسن زاده آملی آن را از اسماء حضرت دانسته است. (۲)

۷۸- مضمی رضی اللہ عنہ

علامه حسن زاده آملی آن را از اسماء حضرت دانسته است. (۳)

۷۹- معتصم رضی اللہ عنہ

علامه حسن زاده آملی آن را از اسماء حضرت دانسته است. (۴)

۸۰- منتهی العبر رضی اللہ عنہ

علامه حسن زاده آملی آن را از اسماء حضرت دانسته است. (۵)

۸۱- ملک رضی اللہ عنہ

علامه حسن زاده آملی آن را از اسماء حضرت دانسته است. (۶)

---

۲- نهج الولاية.

۴- نهج الولاية.

۶- نهج الولاية.

۱- نهج الولاية.

۳- نهج الولاية.

۵- نهج الولاية.

## ۸۲- مجاب علیه السلام

علامه حسن زاده آملی آن را از اسماء حضرت دانسته است. (۱)

## ۸۳- مدبر علیه السلام

مرحوم میرزای نوری علیه السلام آن را از اسماء حضرت دانسته است. (۲)

## ۸۴- مقدره علیه السلام

به معنی توانایی است، که از کثرت بروز و ظهور عجایب قدرتهای الهیه از آن جناب به حدی رسیده، که گویا عین قدرت شده است.

## ۸۵- منان علیه السلام

مرحوم میرزای نوری علیه السلام آن را از اسماء حضرت دانسته است. (۳)

## ۸۶- منعم علیه السلام

مرحوم میرزای نوری علیه السلام آن را از اسماء حضرت دانسته است. (۴)

## ۸۷- قیم الزمان علیه السلام

محمد بن علی علوی حسینی گوید: «من در مصر ساکن بودم و مرا امری عظیم و همی شدید از طرف والی مصر گرفت، پس ترسیدم از او بر جان خود و نزد او، احمد بن طولان از من سخن چینی کرده بودند، پس بیرون آمدم از مصر به قصد حج آنگاه از حجاز رفتم به سوی عراق و قصد کردم مرقد ولی وجد خود حسین بن علی علیه السلام را که

---

۱- نهج الولاية. ۲- نجم الثاقب.

۳- نجم الثاقب. ۴- نجم الثاقب.

پناه برم به قبر منورش از سطوت آنکه از او می ترسیدم، پس ماندم در حایر پانزده روز دعا کردم و تضرع می نمودم، پس نمودار شد برای من «قیم الزمان» «ولی الرحمن» و من در میان بیداری و خواب بودم.»<sup>(۱)</sup>

### ۸۸- ابو صالح علیه السلام

در کتاب «ذخیره الباب» نقل است که:

«آن جناب مکئی است به ابوالقاسم و ابو صالح و این کنیه آن حضرت است، در میان عربهای بادیه نشین در توسلات و استغاثات خود، آن جناب را به این اسم می خواندند.»<sup>(۲)</sup>

### ۸۹- هلول علیه السلام

علامه حسن زاده آملی آن را از اسماء حضرت دانسته است.<sup>(۳)</sup>

### ۹۰- هادی علیه السلام

خداوند عالمیان کسی را هادی برای کافه عالمیان نکند و به سوی ایشان نفرستد، بلکه وعده ندهد که کارش را به انتها رساند، مگر آنکه خود به حقیقت هدایت یافته و جمیع راههای به سوی حق و حقیقت برای او مفتوح شده و به مقاصد رسیده و مستعد هدایت کردن شده، پس آن را خدای تعالی او را هادی کرده و به این لقب

### ۹۱- میکائیل علیه السلام

علامه حسن زاده آملی گوید:

۲- نجم الثاقب.

۱- نجم الثاقب.

۳- نهج الولاية.



«میکائیلش می گویند که از معارف و مکارم به طالبان رزق بخش است.»<sup>(۱)</sup>

#### ۹۲ - اسرافیل علیه السلام

علامه حسن حسن زاده آملی گوید:

«اسرافیلش می گویند: که از معاد و بازگشت مریدان را آگاه می فرماید.»<sup>(۲)</sup>

#### ۹۴ - جبرئیل علیه السلام

علامه حسن حسن زاده آملی گوید:

«جبرئیلش می گویند: که از عالم حقایق و دقائق خبر می دهد.»<sup>(۳)</sup>

#### ۹۵ - عزرائیل علیه السلام

علامه حسن حسن زاده آملی گوید:

«عزرائیل می گویند که قتل نفس اماره مریدان می نماید.»<sup>(۴)</sup>

#### ۹۶ - آدم علیه السلام

علامه حسن حسن زاده آملی گوید:

«آدمش می گویند: زیرا که معلم طالبان را هدایت است.»<sup>(۵)</sup>

#### ۹۷ - نوح علیه السلام

علامه حسن حسن زاده آملی گوید:

---

۲ - نامه‌ها برنامه‌ها.

۴ - نامه‌ها برنامه‌ها.

۱ - نامه‌ها برنامه‌ها.

۳ - نامه‌ها برنامه‌ها.

۵ - نامه‌ها برنامه‌ها.

«نوحش می گویند برای آنکه نجات دهنده از دام بلاست.»<sup>(۱)</sup>

#### ۹۸ - ابراهیم علیه السلام

علامه حسن حسن زاده آملی گوید:

«ابراهیمش می گویند زیرا که از کار هستی گذشته و نمرود خواهش را کشته و خلیل حضرت حقّ جلّ شان گشته است.»<sup>(۲)</sup>

#### ۹۹ - موسی علیه السلام

علامه حسن حسن زاده آملی گوید:

«موسایش می گویند برای این که فرعون هستی را به نیل نیستی غرق نموده، در طور قرب الله مناجات می کند.»<sup>(۳)</sup>

#### ۱۰۰ - خضر علیه السلام

علامه حسن حسن زاده آملی گوید:

«خضرش می گویند: به جهت آنکه از آب حیوان علم لدّنی خورده و به حیات جاودانی پی برده.»<sup>(۴)</sup>

#### ۱۰۱ - الیاس علیه السلام

علامه حسن حسن زاده آملی گوید:

«الیاسش نیز می گویند: زیرا که جالوت هستی را کشته و خلیفه خدا گشته است.»<sup>(۵)</sup>

---

۲ - نامه‌ها برنامه‌ها.

۴ - نامه‌ها برنامه‌ها.

۱ - نامه‌ها برنامه‌ها.

۳ - نامه‌ها برنامه‌ها.

۵ - نامه‌ها برنامه‌ها.

۱۰۲ - لقمان عليه السلام

علامه حسن حسن زاده آملی گوید:

«لقمانش نیز می گویند زیرا که حکیم الهی است و به حقیقت اشیاء او را کمال آگاهی است.»<sup>(۱)</sup>

۱۰۳ - افلاطون عليه السلام

علامه حسن حسن زاده آملی گوید:

«افلاطونش نیز می گویند: زیرا که طیب نفوس است و در شناختن علل و امراض باطنی مانند جالینوس است.»<sup>(۲)</sup>

۱۰۴ - سلیمان عليه السلام

علامه حسن حسن زاده آملی گوید:

«سلیمانش نیز می گویند: زیرا که زبان مرغان میداند یعنی مطلع بر احوال مریدان است و به طیور حواس ظاهری و باطنی خود حکمران.»<sup>(۳)</sup>

۱۰۵ - عیسی عليه السلام

علامه حسن حسن زاده آملی گوید:

«عیسی زمانش نیز می نامند: برای آنکه دلهای مرده را زنده می سازد و رجال اعور آمال را بر می اندازد.»<sup>(۴)</sup>

---

۲ - نامه‌ها برنامه‌ها.

۴ - نامه‌ها برنامه‌ها.

۱ - نامه‌ها برنامه‌ها.

۳ - نامه‌ها برنامه‌ها.

۱۰۶ - اسکندر عليه السلام

علامه حسن حسن زاده آملی گوید:

«اسکندرش نیز می گویند: زیرا که سدّ یا جوج و مأجوج خطرات نفسانی و خطوات شیطانی مریدان او می بندد.»<sup>(۱)</sup>

۱۰۷ - سیمرغ عليه السلام

علامه حسن حسن زاده آملی گوید:

«سیمرغش نیز می گویند: به آن جهت که در پس قافا قلب مخفی است.»<sup>(۲)</sup>

۱۰۸ - سواد اعظم عليه السلام

علامه حسن حسن زاده آملی گوید:

«سواد اعظم و بحر محیط نیز می گویند: برای آنکه هر طالب که خود را به آن می رساند او را از آلودگی پاک می دارد.»<sup>(۳)</sup>

۱۰۹ - بحر المحيط عليه السلام

علامه حسن حسن زاده آملی گوید:

«سواد اعظم و بحر محیط نیز می گویند: برای آنکه هر طالب که خود را به آن می رساند او را از آلودگی پاک می دارد.»<sup>(۴)</sup>

۱۱۰ - آفتاب عليه السلام

علامه حسن حسن زاده آملی گوید:

---

۱ - نامه‌ها برنامه‌ها.  
۲ - نامه‌ها برنامه‌ها.  
۳ - نامه‌ها برنامه‌ها.  
۴ - نامه‌ها برنامه‌ها.

«آفتابش نیز می گویند: زیرا که پرتو شفقت بر هر کس می اندازد.»<sup>(۱)</sup>

### ۱۱۱- ابر و سحاب علیه السلام

علامه حسن حسن زاده آملی گوید:

«ابر و سحاب نیز می گویند برای آنکه طالبان را از معارف سیراب می سازد.»<sup>(۲)</sup>

### ۱۱۲- ترسا علیه السلام

علامه حسن حسن زاده آملی گوید:

«ترسا نیز گویند: برای آنکه مجرد و آزاد است.»<sup>(۳)</sup>

### ۱۱۳- مرآت علیه السلام

علامه حسن حسن زاده آملی گوید:

«مرآت و آینه نیز گویند: از جهت آنکه هر کس با وی مقابل می شود اگر متقی است نیک

مشاهده می نماید و اگر شقی است زشت ملاحظه می کند.»<sup>(۴)</sup>

ختم ترجمه جلد اول کتاب وزین و شریف «الشهاب الثاقب در اسماء و الغاب امام

الغائب» این کمترین خوشه چین خرمن ولایت و محبت و عصمت اهل بیت عصمت و

طهارت علیهم السلام که شامل ۳۸۰ اسم و لقب و کینه آن حضرت می باشد و امید آن می رود در

مجلدات بعدی به هزار و یک اسم و لقب برسد.

را به یک غزل از سلالة السادات برادر ارجمند آقا سید احسان میرشفیعی «دام توفیقاته»

و قصیده غرای مولودیه استاد سید علی اکبر سجادی بروجردی علیه السلام می آراییم.

۲- نامه‌ها برنامه‌ها.

۱- نامه‌ها برنامه‌ها.

۴- نامه‌ها برنامه‌ها.

۳- نامه‌ها برنامه‌ها.

### منتظرم بیایی

جوانی، عاشقی پرتو فشانی  
فروزانی، درخشان مهرتابان  
پریشان روزگارم، اشک ریزان  
خماری مستی‌ام را برده از یاد  
برآور آرزویم را خدایا  
امیدم حال که با تو یار گشته  
از این تیره هوای بخت آلود  
پرستوها همه عاشق پرستند  
شقایق، عاشقی صحرا نشین است  
مرا هم سینه پر درد، از جداییست  
طیّبی حاذقی، چون مهربانی  
به عالم، تا سروجان جاودانی  
چرا پیدا کنون اندر نهانی  
تو که خمر شرابی پرتوانی  
زنم پا در رکاب شادمانی  
چرا بیهوده پیویم راه فانی  
دلی روشن نمای آسمانی  
رهایی جسته‌اند در زندگانی  
که با هر کاخ نشینی آشنانی  
بیا صاحب دلا، صاحب زمانی

زهی مشتاق دیدار است «احسان»

ظهور تو بود جام جهانی

### «قصیده عزای مولودیه»

از این گردنده گردون در شگفتی عقل دانا شد

وز این مقرنس گون بصیرت چشم بینا شد

نظام این کواکب در فضای بی نهایت چیست؟

هزاران فهم اقلیس گم اندر این معما شد

چه حکمی رفت از روز ازل اجرام علوی را

که اندر محور خود هر یکی پا بست و بر جا شد

هزاران دورها و کورها بگذشت بر این شمس

هنوز انوار او بینی بهرجا زینت افزا شد

طبیعت را چه قدرت باشد اندر خلقت اشیاء

خداوندی سزد او را کز و این نقش پیدا شد

نبیند چشم تن جز پرتوری از ظاهر هستی

که در معنی هر شیئی اندر حس معنا شد

بسیا و در طلب شو تا روان ارمی یابی

که هر کس یافت این اکسیر بر هر چیز دانا شد

بود قدری روان آدمیت را که در خلقتش

حق اندر شأن ذات اقدس خود مدح گویا شد

تبارکنا و صدقنا قدیمی را که از امرش

زجنس خاکیان چون احمد مرسل هویدا شد

وزان پس داد چون احمد یکی چون زهره زهرا

که روشن تا کنون از او چراغ آل طاهها شد

کرامی گویم ای دل فاش گو در پرده کی ماند

چنین سری که او را هر کس از یگراه جویدا شد

بود چون نیمه شعبان و میلاد شریف او

مرا اندر مدیحتش خامه چون کفا موسی شد

در این ایام کز بطن زنی چون مریم ثانی

عیان انوار ذات کبریائی همچو عیسی شد

غلط رفتم، اگر عیسی و مریم بود می گفتند

که این تشبیه نقص آمیز از ضعف تو پیدا شد

اگر عیسی دمش احیاء موتی کرد در عالم

وجود ممکنات از پرتو این نور بر پا شد

مقدم داشت در ظاهر خدا موسی و عیسی را  
کز آنها آگهی از مولد مهدی به دنیا شد  
نخستین تابش نوری که شد از وحدت مطلق  
وجود حضرت او بُد، که صورت بند اشیاء شد  
خرد را در حقیقت او مربی گشت از اوّل  
که بر آفاق و انفس تا قیامت حکمفرما شد  
بدود از جسم و جوهر ذات حق بیرون ولی گویم  
که در این جسم و جوهر اشکارا ذات یکتا شد  
جمالش پرده دار کنز مخفی بود تا آن دم  
که امر کن بخلق ما سوا از صدر اعلیٰ شد  
مهمین اسرار ذات کبریائی آیت عزت  
که از تعظیم وی آدم بکرمنای مسمی شد  
چو حق می خواست احمد را شود بر انبیاء خاتم  
یکی بگزین از صلبش که از او ابقاء دنیا شد  
صفات انبیاء و اولیاء را تا پدر دراست  
جلال کبریائی را ردایش زیب بالا شد  
الا ای مهدی دوران، ولی دادگر، رحمی  
که از ظلم و ستم روز جهانی، شام یلدا شد  
خدا را مرتوئی در استین آن پنجه قدرت  
که بهر انتقام دشمنان دین مهیا شد  
بیاو صفحه گیتی ز لوث شدک خالی کف  
که اندر دین جدت رخنه ها از کید اعدا شد



صلای ایمنی تا بار دیگر بر کشد عالم  
تو را فرمان روایی از فلک تا سطح غیرا شد  
به دست حضرتت باید، جهان گیرد فرجنت  
که خود جنت فروغی از همان رخسار زیبا شد  
شود آزاد از محنت روان زار «سجادی»  
در آن روزی که بیند رایت نصر تو بر پا شد  
اگر چه آل بوسفیان چنان کردند در دوران  
که تا روز قیامت سلب آسایش ز دنیا شد  
شها خود واقعی از کربلا و روز عاشورا  
چه بیدادی زدست شامیان بر آل طاهها شد  
همان آبی که نبود منع آن در هیچ دینی جایز  
نخستین از حسین منعش در آن بیداد صحرا شد  
چنان شد تشنه کامی بر حسین و عترت پاکش  
که شیر کودکان خوشکیده در پستان زنها شد  
برای آنکه شاید ز آب تر سازد لب اصغر  
شهی با آن بزرگی، از رعیت در تنها شد  
بگفت ای قوم در هر کیش کودکان را گنه نبود  
از این کیش مسلمانی به حیرت گیرو ترساشد  
نمی بینید کز تاب عطش بر خویش می پیچد  
چه آیس کو، و آبش بر فراز خاک مأوی شد  
به روز باز بررسی باز می گویند، حق را چون  
که بانک العش از آن احمد بر ثریا شد

جواب شاه را دادند اما بادم پیکان  
چو پیکانی که او را قلب پاک مصطفی جا شد  
علی را چاک شد از آن گلو اما چسبان چاکی  
کز آن چاک گلو، بشکسته پهلو باز زهرا شد  
که امین ماجرایت، یا حسین در سلک نظم آید  
کجا اقدام را تاب بیان این جفاها شد

الحمد لله رب العالمین، ترجمه این رساله نوریه در ۱۱ شهریور ۱۳۸۱  
هش برابر با ۲۴ جمادی الثانی ۱۴۲۳ هـ ق در بلد طلب قم به پایان رسید.  
العبد الحقیر میرزا علی سلیمانی بروجردی

## فهرست متن

## اشراق اول:

۵	تقدیم نامہ.....
۶	نام گذاری کتاب.....
۷	مقدمہ.....
۷	اشراق اول مقدمہ.....
۹	اشراق دوم مقدمہ.....
۱۰	اشراق سوم مقدمہ.....
۱۰	تأویل قرآن چیست؟.....
۱۲	تفسیر قرآن چیست؟.....
۱۳	تطبیق چیست؟.....
۱۴	اشراق چهارم مقدمہ.....
۱۵	اسماء حضرت طبق آیات قرآن کریم.....
۱۶	۱- احمد <small>رضی اللہ عنہ</small> .....
۱۷	۲- ابو تراب <small>رضی اللہ عنہ</small> .....
۱۹	۳- آیت اللہ <small>رضی اللہ عنہ</small> .....
۲۲	۴- المص <small>رضی اللہ عنہ</small> .....
۲۶	۵- امر اللہ <small>رضی اللہ عنہ</small> .....
۲۷	۶- اقوام <small>رضی اللہ عنہم</small> .....
۲۹	۷- اعراف <small>رضی اللہ عنہم</small> .....
۲۹	۸- احسان <small>رضی اللہ عنہ</small> .....
۳۰	۹- ایمان <small>رضی اللہ عنہ</small> .....

- ١٠- ايدى ﷺ ..... ٣٠
- ١١- انصار الله ﷺ ..... ٣٥
- ١٢- بشر مُعْطَلِه ﷺ ..... ٣٩
- ١٣- بقية الله ﷺ ..... ٤١
- ١٤- بلد الامين ﷺ ..... ٤٢
- ١٥- برهان الله ﷺ ..... ٤٣
- ١٦- بقية العترة ﷺ ..... ٤٤
- ١٧- جمعه ﷺ ..... ٤٦
- ١٨- جوار الكنس ﷺ ..... ٧٦
- ١٩- جنب الله ﷺ ..... ٧٦
- ٢٠- نور الله ﷺ ..... ٧٧
- ٢١- نور ﷺ ..... ٨٤
- ٢٢- نصر ﷺ ..... ٨٦
- ٢٣- نور آل محمد ﷺ ..... ٨٩
- ٢٤- نباء ﷺ ..... ٨٩
- ٢٥- ناقور ﷺ ..... ٩٠
- ٢٦- نَفْس ﷺ ..... ٩١
- ٢٧- نهار ﷺ ..... ٩١
- ٢٨- نعمت الله ﷺ ..... ٩٤
- ٢٩- حى ﷺ ..... ٩٦
- ٣٠- حزب الله ﷺ ..... ١٠٠

- ۳۱- حسن عليه السلام ..... ۱۰۱
- ۳۲- حم عسق عليه السلام ..... ۱۰۲
- ۳۳- حق عليه السلام ..... ۱۰۳
- ۳۴- خُنس عليه السلام ..... ۱۰۷
- ۳۵- الْجَوَارِ الْكُنُسُ عليه السلام ..... ۱۰۸
- ۳۶- خليفة الله عليه السلام ..... ۱۰۹
- ۳۷- دابة عليه السلام ..... ۱۱۱
- ۳۸- ذى القربى عليه السلام ..... ۱۱۳
- ۳۹- ذكر عليه السلام ..... ۱۱۳
- ۴۰- رب عليه السلام ..... ۱۱۸
- ۴۱- رزق عليه السلام ..... ۱۱۸
- ۴۲- رضوان الله عليه السلام ..... ۱۱۹
- ۴۳- رحمت الله عليه السلام ..... ۱۲۰
- ۴۴- راسخ عليه السلام ..... ۱۲۱
- ۴۵- ركن شديد عليه السلام ..... ۱۲۱
- ۴۶- ساعة عليه السلام ..... ۱۲۲
- ۴۷- سبيل عليه السلام ..... ۱۳۴
- ۴۸- سابقون عليه السلام ..... ۱۳۴
- ۴۹- شمس عليه السلام ..... ۱۳۵
- ۵۰- شاهد عليه السلام ..... ۱۳۶
- ۵۱- شديد المحال عليه السلام ..... ۱۳۹

- ١٤٠ ..... ٥٢- صادق عليه السلام
- ١٤١ ..... ٥٣- صراط عليه السلام
- ١٤٣ ..... ٥٤- صبح عليه السلام
- ١٤٤ ..... ٥٥- ضحى عليه السلام
- ١٤٥ ..... ٥٦- طريق عليه السلام
- ١٤٥ ..... ٥٧- عصر عليه السلام
- ١٤٦ ..... ٥٨- عذاب عليه السلام
- ١٥١ ..... ٥٩- عهد الله عليه السلام
- ١٥٢ ..... ٦٠- عالم عليه السلام
- ١٥٥ ..... ٦١- علم عليه السلام
- ١٥٦ ..... ٦٢- العزيز عليه السلام
- ١٥٧ ..... ٦٣- العظيم عليه السلام
- ١٥٨ ..... ٦٤- غيب عليه السلام
- ١٦١ ..... ٦٥- فجر عليه السلام
- ١٦٥ ..... ٦٦- فتح عليه السلام
- ١٦٥ ..... ٦٧- قمر عليه السلام
- ١٦٦ ..... ٦٨- قرية عليه السلام
- ١٦٧ ..... ٦٩- قيمه عليه السلام
- ١٦٨ ..... ٧٠- قول الله عليه السلام
- ١٦٨ ..... ٧١- قصر المشيد عليه السلام
- ١٦٨ ..... ٧٢- بروج عليه السلام

- ۱۶۹ ..... ۷۳- م ح م د ع
- ۱۷۰ ..... ۷۴- ماء معین ع
- ۱۷۴ ..... ۷۵- مضطر ع
- ۱۷۶ ..... ۷۶- منصور ع
- ۱۷۸ ..... ۷۷- منتظر ع
- ۱۷۹ ..... ۷۸- مؤئود ع
- ۱۸۰ ..... ۷۹- عذاب ع
- ۱۸۱ ..... ۸۰- رزق ع
- ۱۸۱ ..... ۸۱- محسن ع
- ۱۸۲ ..... ۸۲- مقتصر ع
- ۱۸۳ ..... ۸۳- منتقم ع
- ۱۹۰ ..... ۸۴- وعد الله ع
- ۱۹۱ ..... ۸۵- وارث ع
- ۱۹۷ ..... ۸۶- وجه الله ع
- ۱۹۸ ..... ۸۷- وتر ع
- ۱۹۹ ..... ۸۸- اسم الله ع
- ۲۰۰ ..... ۸۹- هدی ع
- ۲۰۷ ..... ۹۰- یَنْزِ الْغَيْثِ ع
- ۲۰۷ ..... ۹۱- یوم الدین ع
- ۲۰۸ ..... ۹۲- یوم ع
- ۲۱۲ ..... ۹۳- یوم الله ع



- ٢١٤ ..... ٩٤- مساجد الله ﷺ
- ٢١٤ ..... ٩٥- شهر الله ﷺ
- ٢١٦ ..... ٩٦- سماء ﷺ
- ٢١٧ ..... ٩٧- صلاة ﷺ
- ٢١٨ ..... ٩٨- نذر ﷺ

## اشراق دوم

### اسماء حضرت طبق روايات اهل بيت ﷺ

- ٢٢٠ ..... ١- احمد ﷺ
- ٢٢٠ ..... ٢- ابو القاسم ﷺ
- ٢٢١ ..... ٣- ابو عبد الله ﷺ
- ٢٢٢ ..... ٤- ابو الحسن ﷺ
- ٢٢٢ ..... ٥- ابو جعفر ﷺ
- ٢٢٢ ..... ٦- ابو بكر ﷺ
- ٢٢٢ ..... ٧- ابو محمد ﷺ
- ٢٢٣ ..... ٨- امير الامر ﷺ
- ٢٢٣ ..... ٩- احسان ﷺ
- ٢٢٣ ..... ١٠- آخر ﷺ
- ٢٢٤ ..... ١١- بقية الله ﷺ
- ٢٢٤ ..... ١٢- باب الايمان ﷺ
- ٢٢٥ ..... ١٣- بقية الانبياء ﷺ

- ۱۴- باسط علیه السلام ..... ۲۲۵
- ۱۵- تایید علیه السلام ..... ۲۲۵
- ۱۶- جمعه علیه السلام ..... ۲۲۶
- ۱۷- نورالاستقباء علیه السلام ..... ۲۲۷
- ۱۸- نورالاصیاء علیه السلام ..... ۲۲۷
- ۱۹- نورالاصفیاء علیه السلام ..... ۲۲۷
- ۲۰- نجم علیه السلام ..... ۲۲۷
- ۲۱- ناطق علیه السلام ..... ۲۲۸
- ۲۲- حق علیه السلام ..... ۲۲۸
- ۲۳- حجّت الله علیه السلام ..... ۲۲۹
- ۲۴- حجّت آل محمد علیه السلام ..... ۲۳۰
- ۲۵- حجّت علیه السلام ..... ۲۳۱
- ۲۶- خلف علیه السلام ..... ۲۳۱
- ۲۷- خلف صالح علیه السلام ..... ۲۳۴
- ۲۸- حافظ علیه السلام ..... ۲۳۴
- ۲۹- خاتم الاوصیاء علیه السلام ..... ۲۳۵
- ۳۰- خاتم الاصفیاء علیه السلام ..... ۲۳۵
- ۳۱- خازن علیه السلام ..... ۲۳۵
- ۳۲- خلیفة الله علیه السلام ..... ۲۳۶
- ۳۳- دلیل علیه السلام ..... ۲۳۶
- ۳۴- سلطان مأمول علیه السلام ..... ۲۳۶

- ٢٣٧ ..... ٣٥- ستون رحمته
- ٢٣٧ ..... ٣٦- شمس رحمته
- ٢٣٧ ..... ٣٧- شريد رحمته
- ٢٣٨ ..... ٣٨- صاحب الزمان رحمته
- ٢٣٨ ..... ٣٩- صاحب الغيبه رحمته
- ٢٣٩ ..... ٤٠- فرج العظم رحمته
- ..... ٢٤٠ ٤١- فرج رحمته
- ٢٤٠ ..... ٤٢- صاحب الكرة البيضاء رحمته
- ٢٤٠ ..... ٤٣- صاحب الدار رحمته
- ٢٤٠ ..... ٤٤- طاووس رحمته
- ٢٤٠ ..... ٤٥- عبدالله رحمته
- ٢٤١ ..... ٤٦- غوث الفقراء رحمته
- ٢٤١ ..... ٤٧- فيذا موا رحمته
- ٢٤٣ ..... ٤٨- قائم رحمته
- ٢٤٤ ..... ٤٩- فرج المؤمنين رحمته
- ٢٤٤ ..... ٥٠- قائم الزمان رحمته
- ٢٤٤ ..... ٥١- كار رحمته
- ٢٤٥ ..... ٥٢- م ح م د رحمته
- ٢٤٦ ..... ٥٣- مصباح رحمته
- ٢٤٦ ..... ٥٤- مؤمل رحمته
- ٢٤٧ ..... ٥٥- منتظر رحمته

- ۲۴۷ ..... ۵۶- مبلى السرائر رحمته  
۲۴۸ ..... ۵۷- مبدالایات رحمته  
۲۴۹ ..... ۵۸- مفضل رحمته  
۲۵۱ ..... ۵۹- مأمول رحمته  
۲۵۱ ..... ۶۰- يعسوب الدين رحمته

## اشراق سوم

### اسماء حضرت طبق دعاها

- ۲۵۳ ..... ۱- امام  
۲۵۳ ..... ۲- امين الرحمان  
۲۵۴ ..... ۳- اصول الكرم  
۲۵۴ ..... ۴- بقیة الله  
۲۵۵ ..... ۵- برهان الله  
۲۵۵ ..... ۶- باب الايمان  
۲۵۵ ..... ۷- باب الله  
۲۵۶ ..... ۸- بقیة العترة  
۲۵۶ ..... ۹- بدر  
۲۵۶ ..... ۱۰- تالى  
۲۵۶ ..... ۱۱- تمام  
۲۵۷ ..... ۱۲- تقى  
۲۵۷ ..... ۱۳- ثابت

- ٢٥٧ ..... ١٤- تائر
- ٢٥٨ ..... ١٥- جامع
- ٢٥٨ ..... ١٦- حزب الله
- ٢٥٩ ..... ١٧- حسن
- ٢٥٩ ..... ١٨- حسين
- ٢٥٩ ..... ١٩- حجت
- ٢٦٠ ..... ٢٠- حجت الله
- ٢٦١ ..... ٢١- حافظ
- ٢٦١ ..... ٢٢- حجاب
- ٢٦١ ..... ٢٣- حتى
- ٢٦٢ ..... ٢٤- حق
- ٢٦٢ ..... ٢٥- حاصد
- ٢٦٢ ..... ٢٦- حجت الجبار
- ٢٦٣ ..... ٢٧- حامل
- ٢٦٣ ..... ٢٨- خلف
- ٢٦٣ ..... ٢٩- خاتم اوصياء
- ٢٦٣ ..... ٣٠- خازن
- ٢٦٤ ..... ٣١- خليفة الله
- ٢٦٤ ..... ٣٢- خليفة آباءه
- ٢٦٥ ..... ٣٣- خائف
- ٢٦٥ ..... ٣٤- خيرة الله

- ۲۶۵ ..... ۳۵- داعی
- ۲۶۶ ..... ۳۶- دعوت الحسنی
- ۲۶۶ ..... ۳۷- دلیل
- ۲۶۷ ..... ۳۸- دائم الاخیار
- ۲۶۷ ..... ۳۹- دیان
- ۲۶۷ ..... ۴۰- ذکر
- ۲۶۸ ..... ۴۱- ذات الله
- ۲۶۸ ..... ۴۲- ذاذه
- ۲۶۸ ..... ۴۳- ذوی الهی
- ۲۶۸ ..... ۴۴- رحمة الواسعه
- ۲۶۹ ..... ۴۵- راشد
- ۲۶۹ ..... ۴۶- روح الله
- ۲۶۹ ..... ۴۷- ربیع
- ۲۶۹ ..... ۴۸- رضی
- ۲۷۰ ..... ۴۹- رکن البلاد
- ۲۷۰ ..... ۵۰- سید
- ۲۷۰ ..... ۵۱- سرّ الله
- ۲۷۰ ..... ۵۲- سدره المنتهی
- ۲۷۱ ..... ۵۳- سلالة النبوه
- ۲۷۱ ..... ۵۴- ساسة العباد
- ۲۷۱ ..... ۵۵- سبب

شهاب الثاقب .....	٣٤٧
٢٧١ .....	٥٦- سيف
٢٧٢ .....	٥٧- شمس
٢٧٢ .....	٥٨- شاهد
٢٧٣ .....	٥٩- سبيل
٢٧٣ .....	٦٠- شجرة الطوبى
٢٧٣ .....	٦١- شافع
٢٧٤ .....	٦٢- سفينة النجاة
٢٧٤ .....	٦٣- صادق
٢٧٤ .....	٦٤- صراط
٢٧٥ .....	٦٥- صدق
٢٧٥ .....	٦٦- صمصام
٢٧٥ .....	٦٧- صاحب الزمان
٢٧٥ .....	٦٨- صفوة المرسلين
٢٧٦ .....	٦٩- صدر
٢٧٦ .....	٧٠- صانع
٢٧٦ .....	٧١- طامس
٢٧٦ .....	٧٢- ظاهر
٢٧٧ .....	٧٣- ظاهر
٢٧٧ .....	٧٤- عالم
٢٧٨ .....	٧٥- عدل
٢٧٩ .....	٧٦- عين الله

- ۲۷۹ ..... ۷۷- علم
- ۲۷۹ ..... ۷۸- عارف بالله
- ۲۸۰ ..... ۷۹- عزیز
- ۲۸۰ ..... ۸۰- عیبت الله
- ۲۸۰ ..... ۸۱- عامل
- ۲۸۰ ..... ۸۲- عنصرالابرار
- ۲۸۱ ..... ۸۳- غوث
- ۲۸۱ ..... ۸۴- غائب
- ۲۸۱ ..... ۸۵- زکی
- ۲۸۲ ..... ۸۶- مفرج
- ۲۸۲ ..... ۸۷- فتح
- ۲۸۲ ..... ۸۸- فائز
- ۲۸۳ ..... ۸۹- قادة الامم
- ۲۸۳ ..... ۹۰- قمر
- ۲۸۳ ..... ۹۱- قاطع
- ۲۸۴ ..... ۹۲- قائم
- ۲۸۴ ..... ۹۳- قطب
- ۲۸۵ ..... ۹۴- کاشف الغطاء
- ۲۸۵ ..... ۹۵- کھف الوری
- ۲۸۵ ..... ۹۶- مھدی
- ۲۸۶ ..... ۹۷- منصور



- ٢٨٦ ..... ٩٨- مؤمل
- ٢٨٧ ..... ٩٩- منتظر
- ٢٨٧ ..... ١٠٠- مؤنود
- ٢٨٧ ..... ١٠١- الموتور
- ٢٨٨ ..... ١٠٢- مأمول
- ٢٨٨ ..... ١٠٣- مضطر
- ٢٨٨ ..... ١٠٤- منير
- ٢٨٩ ..... ١٠٥- مترقب
- ٢٨٩ ..... ١٠٦- مجاهد
- ٢٨٩ ..... ١٠٧- محقق
- ٢٩٠ ..... ١٠٨- مبطل
- ٢٩٠ ..... ١٠٩- مرشد
- ٢٩٠ ..... ١١٠- محمود
- ٢٩٠ ..... ١١١- معزالاولياء
- ٢٩١ ..... ١١٢- معزالمومنين
- ٢٩١ ..... ١١٣- معزالمستغفرين
- ٢٩١ ..... ١١٤- مطهر
- ٢٩١ ..... ١١٥- مشهود
- ٢٩٢ ..... ١١٦- مظهرالفضائل
- ٢٩٢ ..... ١١٧- ملقين
- ٢٩٢ ..... ١١٨- مدّخر

- ۱۱۹- متخیر ..... ۲۹۲
- ۱۲۰- میثاق الله ..... ۲۹۲
- ۱۲۱- مهبط الوحي ..... ۲۹۳
- ۱۲۲- منتهی الحلم ..... ۲۹۳
- ۱۲۳- معدن الله ..... ۲۹۳
- ۱۲۴- مذل الاعداء ..... ۲۹۳
- ۱۲۵- معصوم ..... ۲۹۴
- ۱۲۶- مکروم ..... ۲۹۴
- ۱۲۷- مقرب ..... ۲۹۴
- ۱۲۸- مصطفی ..... ۲۹۴
- ۱۲۹- مبیّد ..... ۲۹۵
- ۱۳۰- مستأصل ..... ۲۹۵
- ۱۳۱- مؤلف ..... ۲۹۵
- ۱۳۲- مرتضی ..... ۲۹۶
- ۱۳۳- مجتبی ..... ۲۹۶
- ۱۳۴- مرضات الله ..... ۲۹۶
- ۱۳۵- نورالخيار ..... ۲۹۶
- ۱۳۶- نقی ..... ۲۹۷
- ۱۳۷- نعمت الله ..... ۲۹۷
- ۱۳۸- وارث ..... ۲۹۷
- ۱۳۹- وهول ..... ۲۹۷

.....	٣٥١
شهاب الثاقب .....	
٢٩٨ .....	١٤٠- ولى نعم
٢٩٨ .....	١٤١- ولى الجحى
٢٩٨ .....	١٤٢- ولى الناصح
٢٩٩ .....	١٤٣- ولى المومنين
٢٩٩ .....	١٤٤- ناشر
٢٩٩ .....	١٤٥- نورالله
٣٠١ .....	١٤٦- نجم
٣٠١ .....	١٤٧- نصر
٣٠١ .....	١٤٨- ناطق
٣٠٢ .....	١٤٩- هادم
٣٠٢ .....	١٥٠- هادى
٣٠٢ .....	١٥١- وتر
٣٠٣ .....	١٥٢- وجه الله
٣٠٣ .....	١٥٣- ولى الله
٣٠٣ .....	١٥٤- وصى الاوصياء
٣٠٤ .....	١٥٥- وعدالله
٣٠٤ .....	١٥٦- وصى الانبياء
٣٠٤ .....	١٥٧- ينزل الغيث
٣٠٥ .....	١٥٨- قاتل الكفره
٣٠٥ .....	١٥٩- قاسم
٣٠٦ .....	١٦٠- ناصر

۱۶۱- يعسوب المتقين ..... ۳۰۶

۱۶۲- لسان الله ..... ۳۰۶

### اشراق چهارم

اسماء حضرت طبق سخنان بزرگان و دیگر کتب آسمانی ..... ۳۰۷

۱- ابوالقاسم علیه السلام ..... ۳۰۸

۲- اصل علیه السلام ..... ۳۰۸

۳- اصل ظاهر علیه السلام ..... ۳۰۸

۴- او قید مو علیه السلام ..... ۳۰۸

۵- ایزد شناس علیه السلام ..... ۳۰۸

۶- ایزد نشان علیه السلام ..... ۳۰۹

۷- ایستاده علیه السلام ..... ۳۰۹

۸- اذن سامعه علیه السلام ..... ۳۰۹

۹- اولیاء النعم علیه السلام ..... ۳۰۹

۱۰- بهرام علیه السلام ..... ۳۰۹

۱۱- بنده یزدان علیه السلام ..... ۳۱۰

۱۲- بهاء علیه السلام ..... ۳۱۰

۱۳- باعث علیه السلام ..... ۳۱۰

۱۴- تمکین علیه السلام ..... ۳۱۰

۱۵- جابر علیه السلام ..... ۳۱۰

۱۶- الجانب علیه السلام ..... ۳۱۰

- ۱۷- الحامد رحمۃ اللہ علیہ ..... ۳۱۱
- ۱۸- حمد رحمۃ اللہ علیہ ..... ۳۱۱
- ۱۹- حاشر رحمۃ اللہ علیہ ..... ۳۱۱
- ۲۰- خاتم الائمہ رحمۃ اللہ علیہ ..... ۳۱۱
- ۲۱- خجستہ رحمۃ اللہ علیہ ..... ۳۱۱
- ۲۲- خسرو رحمۃ اللہ علیہ ..... ۳۱۱
- ۲۳- خلیل رحمۃ اللہ علیہ ..... ۳۱۲
- ۲۴- نية الصابرين رحمۃ اللہ علیہ ..... ۳۱۲
- ۲۵- دادگستر رحمۃ اللہ علیہ ..... ۳۱۲
- ۲۶- ذات العرض رحمۃ اللہ علیہ ..... ۳۱۲
- ۲۷- راہنما رحمۃ اللہ علیہ ..... ۳۱۲
- ۲۸- زند رحمۃ اللہ علیہ ..... ۳۱۲
- ۲۹- سروش رحمۃ اللہ علیہ ..... ۳۱۳
- ۳۰- نائب رحمۃ اللہ علیہ ..... ۳۱۳
- ۳۱- سناء رحمۃ اللہ علیہ ..... ۳۱۳
- ۳۲- سيد رحمۃ اللہ علیہ ..... ۳۱۳
- ۳۳- شماطیل رحمۃ اللہ علیہ ..... ۳۱۴
- ۳۴- شفق رحمۃ اللہ علیہ ..... ۳۱۴
- ۳۵- شرید رحمۃ اللہ علیہ ..... ۳۱۴
- ۳۶- صالح رحمۃ اللہ علیہ ..... ۳۱۵
- ۳۷- صاحب ناحیہ رحمۃ اللہ علیہ ..... ۳۱۵

- ۳۸- صاحب توقیع رحمته ..... ۳۱۵
- ۳۹- صاحب رحمته ..... ۳۱۵
- ۴۰- صاحب الرجعه رحمته ..... ۳۱۵
- ۴۱- صاحب العصر رحمته ..... ۳۱۶
- ۴۲- صاحب الدولة الزهراء رحمته ..... ۳۱۶
- ۴۳- صاحب الامر رحمته ..... ۳۱۶
- ۴۴- ضیاء رحمته ..... ۳۱۶
- ۴۵- الطالب التراث رحمته ..... ۳۱۶
- ۴۶- طرید رحمته ..... ۳۱۶
- ۴۷- عزت رحمته ..... ۳۱۷
- ۴۸- عین الناظره رحمته ..... ۳۱۷
- ۴۹- عاقبة الدار رحمته ..... ۳۱۷
- ۵۰- غایة القصوی رحمته ..... ۳۱۷
- ۵۱- غریم رحمته ..... ۳۱۷
- ۵۲- غلام رحمته ..... ۳۱۸
- ۵۳- فردوس الاکبر رحمته ..... ۳۱۸
- ۵۴- فیروز رحمته ..... ۳۱۸
- ۵۵- فرخنده رحمته ..... ۳۱۸
- ۵۶- فقیه رحمته ..... ۳۱۸
- ۵۷- القیامه رحمته ..... ۳۱۹
- ۵۸- القوه رحمته ..... ۳۱۹

- ٣١٩ ..... ٥٩- القدره رحمته
- ٣١٩ ..... ٦٠- القابض رحمته
- ٣١٩ ..... ٦١- قسط رحمته
- ٣١٩ ..... ٦٢- كمال رحمته
- ٣١٩ ..... ٦٣- كلمة الحق رحمته
- ٣٢٠ ..... ٦٤- كيقباد رحمته
- ٣٢٠ ..... ٦٥- كو كما رحمته
- ٣٢٠ ..... ٦٦- كرار رحمته
- ٣٢٠ ..... ٦٧- لنديطارا رحمته
- ٣٢٠ ..... ٦٨- لسان الصدق رحمته
- ٣٢٠ ..... ٦٩- لواء العظم رحمته
- ٣٢١ ..... ٧٠- ماشع رحمته
- ٣٢١ ..... ٧١- مهيد الاخر رحمته
- ٣٢١ ..... ٧٢- مخبر بما لا يع لوق رحمته
- ٣٢١ ..... ٧٣- مجازى بالاعمال رحمته
- ٣٢١ ..... ٧٤- مظهر الفضائح رحمته
- ٣٢١ ..... ٧٥- منعم رحمته
- ٣٢٢ ..... ٧٦- المديل رحمته
- ٣٢٢ ..... ٧٧- مَنْ لَمْ يَجْعَلْ مِنْ قَبْلِ سَمِيْعاً اَيُّ مُشَبَّهًا رحمته
- ٣٢٢ ..... ٧٨- مضى رحمته
- ٣٢٢ ..... ٧٩- معتصم رحمته

- ۳۲۲ ..... ۸۰- منتهی العبر رضی اللہ عنہ
- ۳۲۲ ..... ۸۱- ملک رضی اللہ عنہ
- ۳۲۳ ..... ۸۲- مجاب رضی اللہ عنہ
- ۳۲۳ ..... ۸۳- مدبر رضی اللہ عنہ
- ۳۲۳ ..... ۸۴- مقدره رضی اللہ عنہ
- ۳۲۳ ..... ۸۵- منان رضی اللہ عنہ
- ۳۲۳ ..... ۸۶- منعم رضی اللہ عنہ
- ۳۲۳ ..... ۸۷- قیم الزمان رضی اللہ عنہ
- ۳۲۴ ..... ۸۸- ابو صالح رضی اللہ عنہ
- ۳۲۴ ..... ۸۹- هلول رضی اللہ عنہ
- ۳۲۴ ..... ۹۰- هادی رضی اللہ عنہ
- ۳۲۴ ..... ۹۱- میکائیل رضی اللہ عنہ
- ۳۲۵ ..... ۹۲- اسرافیل رضی اللہ عنہ
- ۳۲۵ ..... ۹۳- جبرئیل رضی اللہ عنہ
- ۳۲۵ ..... ۹۴- عزرائیل رضی اللہ عنہ
- ۳۲۵ ..... ۹۵- آدم رضی اللہ عنہ
- ۳۲۵ ..... ۹۶- نوح رضی اللہ عنہ
- ۳۲۶ ..... ۹۷- ابراهیم رضی اللہ عنہ
- ۳۲۶ ..... ۹۸- موسیٰ رضی اللہ عنہ
- ۳۲۶ ..... ۹۹- خضر رضی اللہ عنہ
- ۳۲۶ ..... ۱۰۰- الیاس رضی اللہ عنہ



- ٣٢٧ ..... ١٠١- لقمان عليه السلام
- ٣٢٧ ..... ١٠٢- افلاطون عليه السلام
- ٣٢٧ ..... ١٠٣- سليمان عليه السلام
- ٣٢٧ ..... ١٠٤- عيسى عليه السلام
- ٣٢٧ ..... ١٠٥- اسكندر عليه السلام
- ٣٢٨ ..... ١٠٦- سيمرغ عليه السلام
- ٣٢٨ ..... ١٠٧- سواد اعظم عليه السلام
- ٣٢٨ ..... ١٠٨- بحر المحيط عليه السلام
- ٣٢٩ ..... ١٠٩- آفتاب عليه السلام
- ٣٢٩ ..... ١١٠- ابرو سحاب عليه السلام
- ٣٢٩ ..... ١١١- ترسان عليه السلام
- ٣٢٩ ..... ١١٢- مرآت عليه السلام
- ٣٣٠ ..... ١١٣- شعر منتظرم بيايى
- ٣٣٠ ..... ١١٤- قصيدة مولوديه

### منابع کتاب

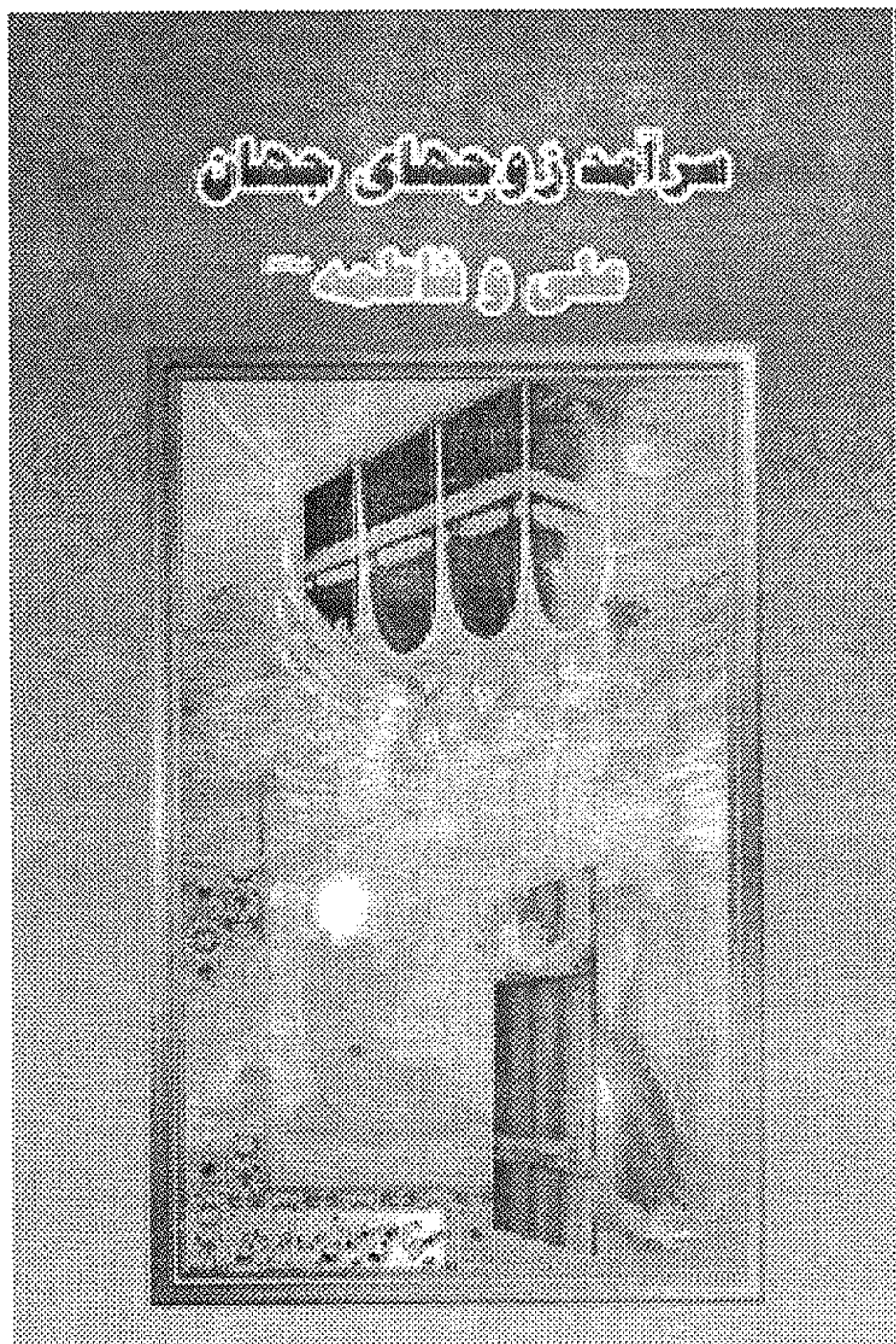
- قرآن کریم ..... ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای
- مفاتیح الجنان ..... شیخ عباس قمی
- الارشاد ..... شیخ مفید
- الاقبال ..... سید بن طاووس
- کشکول ..... شیخ بهایی
- نهج الولاية ..... علامه حسن زاده آملی
- نامه‌ها بر نامه‌های ..... علامه حسن زاده آملی
- بیعة الله ..... خانم فریده گل محمدی ارمان
- تعلیقات بر اشعار سید احسان میرشفیعی ..... میرزا علی سلیمانی  
بروجردی
- دیوان غزلیات و قصاید ..... سید علی اکبر سجادی بروجردی
- البحار الانوار ..... علامه مجلسی
- منتهی الامال ..... شیخ عباس قمی
- صحیفة المهدی .....
- عصر ظهور .....
- غیبت ..... فضل بن شاذان
- نهج ابلاغه ..... سید رضی
- کشف العمه .....
- غیبت ..... نغمائی
- غیبت ..... شیخ طوسی
- روضه کافی ..... شیخ کلینی
- مناقب آن ابی طالب .....

مفردات .....	راغب اصفحانی
البرهان .....	سید هاشم بحرانی
سیمای حضرت مهدی در قرآن .....	سید هاشم بحرانی
تاریخ ابن هشام .....	ابن هشام
تفسیر المیزان .....	علامة طباطبائی
نجم الثاقب .....	میرزای نوری
اصول کافی .....	شیخ کلینی
.....	ثواب الاعمال .....
کمال الدین .....	شیخ طوسی
تفسیر عیاشی .....	جناب عیاشی
الدر المنثور .....	مرحوم سیوطی

## از همین قلم منتشر خواهد شد

- ۱- می دانم قبر مادرم کجاست:
- ۲- چهل پرسش چهل پاسخ
- ۳- الهی نامه
- ۴- آینه شعر در آثار آیت الله ربانی
- ۵- راه تزکیه نفس!
- مجموعه چهل نامه عرفانی از عرفای بزرگ اسلام
- ۶- تفسیر زیارت عاشورا را (الصدور الدواء فی شرح زیارت العاشورا)
- ۷- تفسیر زیارت آل یاسین
- ۸- تفسیر دعای ندبه
- ۹- تفسیر زیارت ناحیه مقدسه
- ۱۰- النجم المبین در اسماء و الغاب ام المؤمنین
- ۱۱- تاریخ غمهای انقلاب (۱۴ جلد)
- ۱۲- منصفانه بنکریم شریعتی کیست
- ۱۳- شاکردان بارز علامه طباطبائی رحمته الله علیه
- ۱۴- آیت الله العظمی شیخ علی محمد بروجردی رحمته الله علیه و فرزندان
- ۱۵- علماء بروجرده بعد از رحلت آیت الله العظمی سید حسین بروجردی رحمته الله علیه
- ۱۶- علماء ایران در شهرهای آذربایجان (۱۴ جلد)
- ۱۷- علماء ایران در شهرهای لرستان (۵ جلد)
- ۱۸- هزار و یک نکته (۱۰ جلد)
- ۱۹- مجموعه رسائل علامه شعرانی
- ۲۰- ۵ رساله فارسی

از همین قلم منتشر شده است

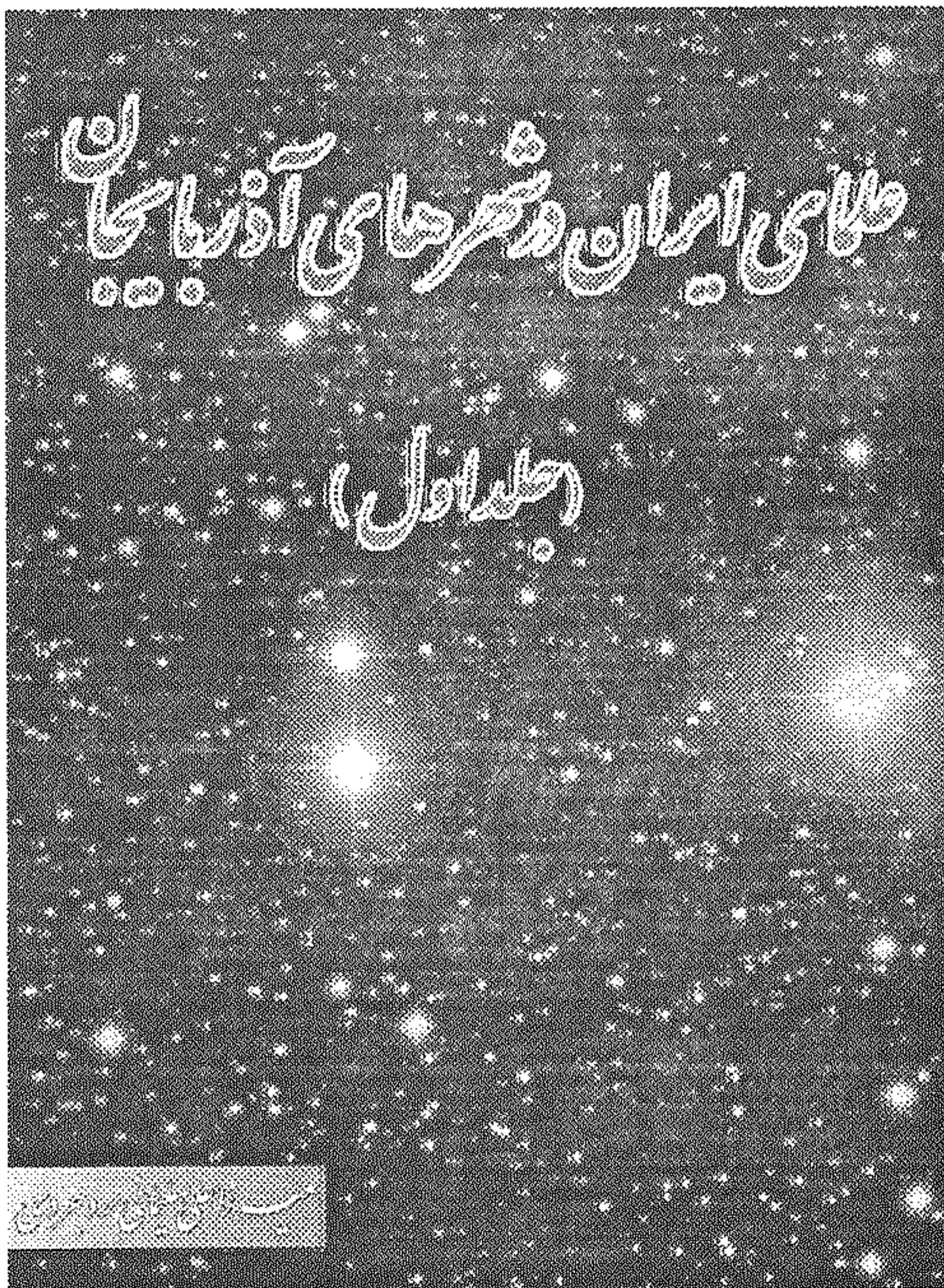


از همین قلم منتشر شده است

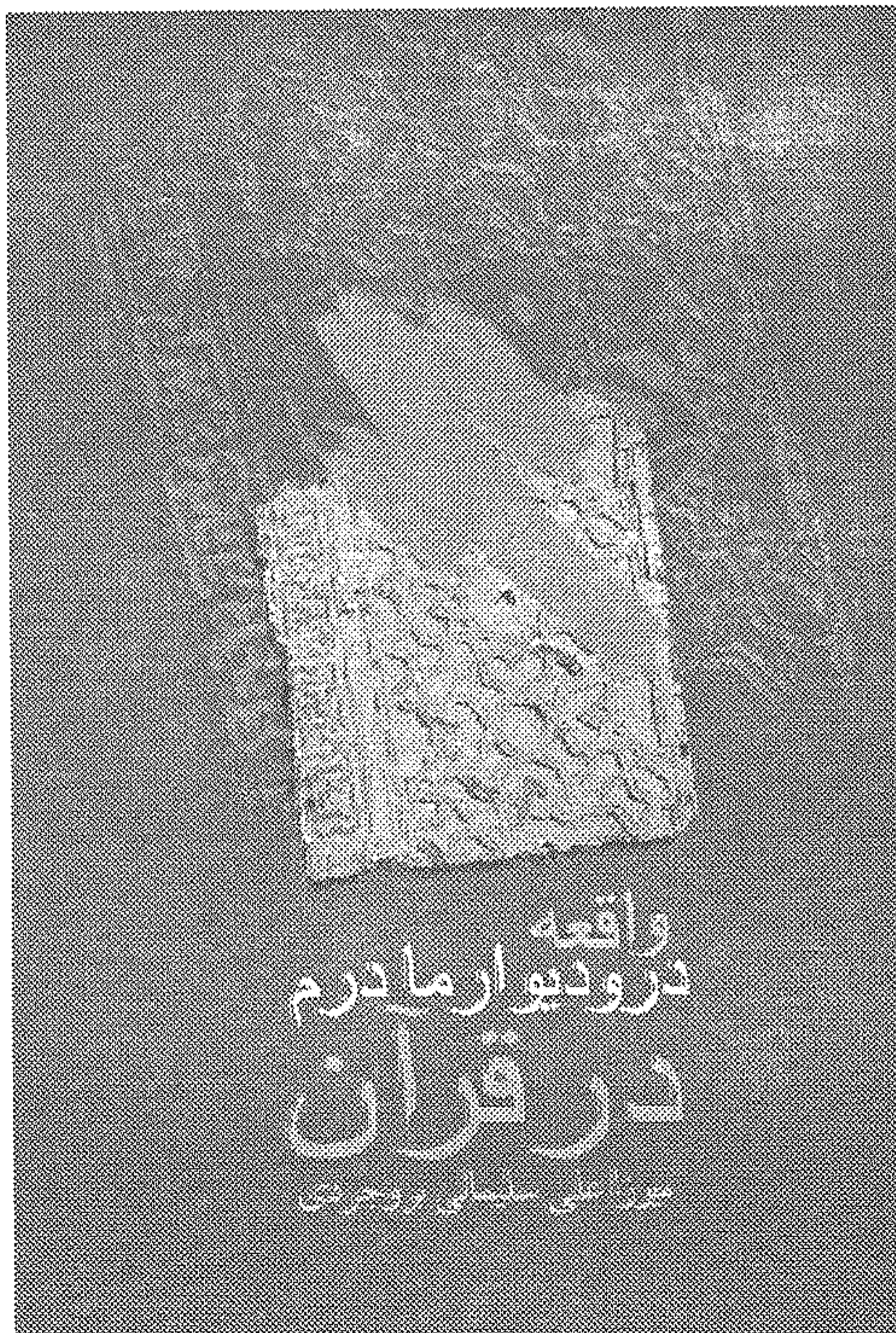




از همین قلم منتشر شده است



از همین قلم منتشر شده است





# از همین قلم منتشر شده است

